

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مجموعه مقالات نخستین همایش

# تاریخ شفاهی ایران

(شانزدهم اسفند ۱۳۸۵)

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

تهران، ۱۳۸۷

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	همایش تاریخ شفاهی ایران (نخستین: ۱۳۸۵: تهران)
عنوان و نام پدیدآور:	مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند ۱۳۸۵) / به کوشش اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷. ۲۳۸ ص.
مشخصات نشر:	بها: ۲۵۰۰ تومان ISBN: 978-964-446-234-4
مشخصات ظاهری:	شبابک
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه
موضوع:	تاریخ شفاهی - ایران - کنگره‌ها
موضوع:	ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸
شناساه افزوده:	سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
رده‌بندی کنگره:	DSR ۱۵۷۱ / هـ ۸ ۱۳۸۵
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی:	۱۶۴۳۸۴۵



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

www.nlai.ir

مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران

(شانزدهم اسفند ۱۳۸۵)

به کوشش: اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی

ویراستار: علی سوری

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: شاد رنگ

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷

بها: ۲۵۰۰ تومان

بزرگراه شهید حقانی (غرب به شرق)، بعد از ایستگاه مترو، بلوار کتابخانه ملی

تلفن فروشگاه: ۸۸۹۴۱۹۴۶؛ دورنگار: ۸۸۹۴۷۴۹۶

## فهرست

۱	مقدمه
۵	گزارش برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی
۹	اسناد و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی / رحیم نیکبخت
۱۹	اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه / نورالدین حسین سنابادی عزیز
۴۹	تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاهها / دکتر محمدحسن رازنهان
۵۷	تاریخ شفاهی تبعیدیها / رحیم روحبخش
۷۷	تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / دکتر محسن خلیلی
۹۷	تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی / محمدرضا بختیاری
۱۰۹	تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد / نورالدین حسین سنابادی عزیز
۱۳۵	تاریخ شفاهی و صنعت (با تأکید بر صنعت خودروسازی) / احمد فرهادی
۱۴۱	تاریخ شفاهی و مطالعات شهری (اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دورنمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین) / رضا مسعودی نژاد
۱۶۱	روشها و چارچوبهای مصاحبه به منظور گردآوری تاریخ شفاهی / حمیده غفوری
۱۷۳	مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران (با رویکرد به پژوهشهای منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد) / غلامرضا آذری خاکستر
۱۹۱	نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری / نسیم خلیلی
۲۰۵	نقش دانشگاهها در گسترش تاریخ شفاهی (همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران) / ابوالفضل حسن‌آبادی
۲۱۵	نقش مصاحبه‌گر در پیشبرد اهداف تاریخ شفاهی / غلامرضا درگتانیان
۲۲۹	نگاهی به میزان بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران / زهرا طلایی



## مقدمه

روز وصل دوستداران، یاد باد

یاد باد، آن روزگاران یاد باد

(حافظ)

تاریخ شفاهی را، روشی برای ثبت و ضبط صوتی - تصویری اطلاعات تاریخی از طریق بازگو کردن تجارب، خاطرات و نظرات شخصی افراد برشمرده‌اند. محتوای تاریخ شفاهی - که به مدد مصاحبه تولید می‌شود - می‌تواند شامل مشاهدات شخصی و یا نقل قولهایی از دیگران دربارهٔ وقایع تاریخ معاصر باشد. گرچه تاریخ شفاهی روشی ارزشمند برای حفظ و نگهداری دانش و فهم افراد مسن است، اما می‌توان تجارب افراد جوان‌تر را نیز به ثبت رساند. عده‌ای، اطلاعات ناشی از تاریخ شفاهی را معتبر نمی‌دانند؛ زیرا این گونه اطلاعات را بسیار شخصی و ساخته و پرداختهٔ ذهن افراد می‌شمارند. اما از این امر نباید غافل بود که چه بسا همین خاطرات - که عمری در سینهٔ افراد محبوس بوده و امروز به همت دست‌اندرکاران تاریخ شفاهی ثبت و ضبط شده - تنها اطلاعات موجود دربارهٔ شخص، واقعه و یا محل مدنظر باشد. از سوی دیگر، کم‌ترین فایده از آنچه در خاطرات دیگران بازگو می‌شود، این است که در ذهن پژوهشگر تاریخ معاصر، ایجاد شک برای کندوکاو بیش‌تر در زمینهٔ مطلبی می‌کند که هرگز به آن توجهی نداشته است.

شاید بتوان مصاحبه را نبض کار و قلب تاریخ شفاهی دانست. مصاحبه‌گر مجرب و آزموده با هنرمندی، زمینه را فراهم می‌کند تا مصاحبه‌شونده در بیان خاطرات خود، علاوه بر اشاره به وقایع و حوادث تاریخی، احساس و نظر خود را دربارهٔ آن موضوع بیان کند. محصول چنین تعاملی، کاربران تاریخ شفاهی را به سوی آنچه دیگران انجام داده‌اند و یا

آرزوی انجام آن را داشته و یا به آن اعتقاد داشته‌اند، هدایت می‌کند. در واقع، تاریخ شفاهی را می‌توان فرآوردهٔ مشترک مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده دانست. باز هم باید بر این نکته پا فشرد که هنر مصاحبه، نقشی حیاتی در موفقیت کار تاریخ شفاهی دارد.

البته نباید فراموش کرد که هر مصاحبه‌ای تاریخ شفاهی نیست و هر مصاحبه‌گری هم توان انجام مصاحبهٔ تاریخ شفاهی را ندارد. بنابراین، افزون بر لزوم داشتن اطلاعات کافی از فرد و موضوع مورد بررسی، آموزش روشهای مصاحبهٔ تاریخ شفاهی نیز از الزامات و پیش‌نیازهای نخستین کار است. بدون آموزش تخصصی در حوزهٔ تاریخ شفاهی - که امروزه در محیطهای دانشگاهی به عنوان دوره‌ای مستقل راه‌اندازی شده و دانشگاه اصفهان در داخل کشور از پیشگامان این حرکت است - نمی‌توان به تولیدات علمی مطلوبی که مکمل اطلاعات تاریخی مکتوب است، دست یافت.

آنچه پیش روی شماست، مجموعهٔ مقالات ارائه شده در نخستین همایش تاریخ شفاهی است که در شانزدهم اسفند ۱۳۸۵، در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران برگزار شد.

مقالات این مجموعه را، به طور کلی می‌توان در چهار بخش زیر گنجانید:

- تاریخ شفاهی و اهمیت آن؛
- مصاحبهٔ تاریخ شفاهی؛
- آموزش تاریخ شفاهی؛
- نمونه‌هایی از تاریخ شفاهی تولید شده در داخل کشور.

امید آنکه با مطالعهٔ این مجموعه، سطح دانش عمومی و تخصصی علاقه‌مندان به تاریخ شفاهی ارتقا یابد و نیز انگیزه‌ای برای ادامهٔ راه و تولیدات علمی بیش‌تر و بهتر در این حوزه گردد. البته تاریخ شفاهی با فرهنگ شفاهی ارتباط تنگاتنگی دارد؛ به گونه‌ای که عده‌ای سابقه و شباهت آن را به فرهنگ شفاهی دوران اولیهٔ زندگی بشر می‌رسانند. ولی آنچه به عنوان روشی علمی از آن یاد می‌شود، بسیار جوان، اما پویا و پرنشاط است که تنها ۶۰ بهار از عمر آن گذشته است. پس نباید از این قافله عقب ماند و چاره‌ای جز پیوستن به این جنبش شتابان علمی وجود ندارد.



البته باید اذعان داشت که خوشبختانه در دو دههٔ اخیر، کارهای فراوانی در داخل کشور انجام شده که از قدیمی‌ترین آنها، فعالیت آرشیو ملی ایران در حوزهٔ تاریخ شفاهی است. در کنار این فعالیتها، حرکت‌های ارزشمند علمی و آموزشی نیز آغاز شده که بدون شک، با توجه و حمایت بیش‌تر از آنها، تاریخ شفاهی جایگاه والای خود را، در تولید تاریخ معاصر باز خواهد یافت، ان‌شاءالله.

**دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی**



## گزارش برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی

( شانزدهم اسفند ۸۵ )

حیات تاریخ شفاهی در ایران، مقارن با تولد انقلاب اسلامی است. قریب به سی سال است که این فعالیت پژوهشی در سازمانها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی ایران و یا به صورت خصوصی دنبال می شود. در خارج از کشور نیز فعالیت گسترده ای برای ثبت و ضبط تاریخ شفاهی معاصر ایران صورت گرفته است. حاصل چنین فعالیتهایی، گاه به صورت مجموعه خاطرات چاپ و به جامعه تحقیقاتی ارائه شده است.

عوامل و شرایط متعددی موجب شد که تاریخ شفاهی در ایران با استقبال روبه رو شود و در زمینه های مختلفی کاربرد پیدا کند. اما احساس می شود که این فعالیت پژوهشی، نیازمند برخی حمایت های علمی است. به منظور درک هر چه بهتر ضرورت های تاریخ شفاهی و نیز شناخت روشها و اسلوب های آن، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، در صدد برآمد تا با برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی و دعوت از سازمان های فعال در این زمینه، مسائل اساسی و مهم این شیوه پژوهش تاریخی را بررسی کند و فضای لازم را برای شناخت آن، فراروی علاقه مندان و صاحب نظران قرار دهد.

لذا اولین قدم برای برگزاری همایش تاریخ شفاهی، با تأسیس دبیرخانه همایش در اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات معاونت اسناد ملی برداشته شد و اعلام فراخوان آن در تاریخ ۸۵/۸/۲۸ انجام شد. تا تاریخ ۲۰ دی ماه تعداد ۳۸ مقاله به دبیرخانه همایش ارسال گردید. از این تعداد، ۳۰ مقاله را اعضای کارگروه علمی همایش داوری کردند، تا اینکه سرانجام ۱۶ مقاله برای ارائه در همایش انتخاب شد که از آن میان، ۲ مقاله از خارج کشور دریافت شد.

اعضای کارگروه علمی همایش عبارتند از :

- دکتر سعید رضایی شریف آبادی، معاون اسناد ملی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا و دبیر علمی همایش؛

- دکتر علی اصغر سعیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛

- دکتر ابوالفضل شکوری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس؛

- دکتر مرتضی نورایی، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان؛

- آقای مرتضی رسولی پور، مدرس دانشگاه و مؤسس تاریخ شفاهی مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر؛

- آقای غلامرضا عزیزی، معاون اداره کل اطلاع رسانی و ارتباطات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

دبیرخانه همایش، مجموعه مقالات رسیده را برای هر یک از اعضای کارگروه ارسال کرد و داوران محترم نیز، نظر کتبی خود را به دبیرخانه همایش فرستادند. همچنین طی جلسه‌ای مجزا، هر یک از مقالات مورد بررسی گروهی داوران قرار گرفت. بدین ترتیب، نخستین همایش تاریخ شفاهی، در روز چهارشنبه مورخ ۱۶ اسفند ۱۳۸۵ برگزار گردید. مراسم افتتاحیه، از ساعت ۹ صبح با سخنرانی مشاور محترم رئیس جمهور و ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جناب آقای علی اکبر اشعری آغاز شد. آنگاه طی چهار نشست با موضوعات زیر، ۱۶ سخنرانی ارائه شد:

- مبانی تاریخ شفاهی و روشهای آن؛

- بررسی جایگاه دانشگاهها در شناخت تاریخ شفاهی؛

- جنگ تحمیلی و تاریخ شفاهی؛

- تجربیاتی در زمینه تاریخ شفاهی؛

هر نشست را، یکی از اعضای کارگروه علمی و دو مهمان همراهی کردند. این همایش، تا ساعت ۲۰ ادامه پیدا کرد و با تقدیر از ارائه دهندگان مقاله و دست اندرکاران برگزاری همایش، به پایان رسید. چکیده‌ای از مقالات بررسی شده نیز در کتابچه ای در روز همایش توزیع گردید.

در حاشیه این همایش، نمایشگاهی با عنوان **نمایشگاه تاریخ شفاهی** برگزار شد. اهمیت آن نمایشگاه، در این بود که برای اولین بار مراکز فعال در زمینه تاریخ شفاهی ایران را در یک محل کنار یکدیگر گرد آورد و نتیجه فعالیت‌های آنها را در زمینه تاریخ شفاهی به نمایش گذاشت؛ چنین اقدامی، تا آن تاریخ در جایی صورت نگرفته بود و شاید برای سازمانهای شرکت‌کننده نیز جالب و تازه بود. همچنین ویژگی دیگر همایش، این بود که برای نخستین بار نمایشگاهی مفهومی از تاریخ شفاهی در ایران، به همت یکی از نامداران هنر گرافیک، آقای ساعد مشکی، با هنرمندی و سلیقه خاصی انجام شد.

سازمانهای شرکت‌کننده در آن نمایشگاه، عبارت بودند از: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، آستان قدس رضوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) و موزه پزشکی.

ارائه یک نرم افزار چندرسانه‌ای که شامل سوابق فعالیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی در زمینه تاریخ شفاهی و مجموعه اطلاعات مرجع در این زمینه بود، از امتیازات دیگر همایش بود. مقالات منتشر شده در فصلنامه گنجینه اسناد در مورد تاریخ شفاهی، فهرست نام مصاحبه‌شوندگان تاریخ شفاهی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی، گزیده فیلمهای مصاحبه، نمایش اسلاید از تصاویر مصاحبه‌شوندگان، وبگاههای مهم تاریخ شفاهی در داخل و خارج از کشور و اطلاعات سودمند دیگر، از جمله اطلاعاتی بود که در این نرم افزار گرد آمده است. نرم افزار یاد شده، در روز همایش توزیع گردید.

دبیرخانه، پس از برگزاری همایش، طی مکاتباتی از ارائه دهندگان مقالات خواست تا به منظور چاپ و انتشار مجموعه سخنرانیها، مقالات خود را تکمیل و به دبیرخانه ارسال کنند. مجموعه حاضر، حاصل پیگیریهای انجام گرفته در جهت جمع آوری و تکمیل مقالات همایش است. از مجموع ۱۶ مقاله خوانده شده در همایش، تعداد ۱۳ مقاله در این مجموعه ارائه شده است. همچنین یک مقاله با عنوان تاریخ شفاهی صنعت در ایران نیز - که خارج از زمانبندی همایش به دبیرخانه ارسال شده بود- و مقاله‌ای دیگر از نورالدین حسین سنابادی در مجموعه گنجانده شد.

برگزاری این همایش، مرهون توجه، همکاری و مساعی کسانی است که ذکر نام آنها در اینجا ضروری است؛ اگرچه بدون شک اشاره به نام یکایک آنها مقدور نمی باشد. شایسته است از بذل توجه و امعان نظر جناب آقای علی اکبر اشعری؛ ریاست محترم سازمان، حمایت‌های جناب آقای صفری؛ معاون محترم پشتیبانی، همکاری و توجه جناب آقای دکتر سعید رضایی شریف آبادی، معاون وقت اسناد ملی و دبیر علمی همایش؛ مساعدت و همکاری بسیار ارزشمند اعضای محترم کارگروه علمی جناب آقای دکتر علی اصغر سعیدی، جناب آقای دکتر مرتضی نورایی، جناب آقای مرتضی رسولی پور و جناب آقای غلامرضا عزیزی؛ حضور فعال و مؤثر سرکار خانم مهندس فریبا فرزام، مدیرکل اطلاع رسانی و ارتباطات - که به نحو بسیار شایسته ای مراحل اجرایی همایش را مدیریت کردند- و همچنین اعضای کارگروه اجرایی همایش خانمها پیمانہ صالحی، رؤیا محمدلو، فهیمه آزاده، فاطمه نورایی نژاد، آزاده نباتچیان، لیدا بیستونی و زهرا گودرزی تشکر و قدردانی شود.

آماده‌سازی مجموعه مقالات همایش برای چاپ، حاصل زحمات انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی است؛ از آقای عبدالله نجفی مدیر کل آموزش و پژوهش بسیار سپاسگزاریم، همچنین از مدیر انتشارات خانم پروانه درویش و آقای علی سوری که با دقت و حوصله مجموعه مقالات را ویرایش کردند؛ و نیز از خانمها فریبا خردپژوه، لیلا مرادعلیان، لیدا بیستونی، طاهره معمار و از سایر اعضای کارگروه اجرایی قدردانی می‌گردد.

در پایان، یادآور می‌شود که یکی از ضرورت‌های تاریخ شفاهی در ایران، ایجاد پیوند بین دست‌اندرکاران اجرایی از طرفی و دانشگاهها از طرف دیگر و تولید پشتوانه‌های علمی آن است که به قدر کافی تاکنون صورت نگرفته است. تاریخ شفاهی، امروزه از مباحثی است که در جهان بسیار مورد توجه قرار گرفته و در حوزه های مختلف و با اهداف علمی، آموزشی و تربیتی، مورد استفاده است. لذا می‌باید در برنامه‌ریزیهای کلان آموزشی، مورد توجه خاص قرار گیرد. برگزاری نخستین همایش تاریخ شفاهی، گام مثبتی بود که در این راستا برداشته شد، اما بی تردید تداوم موضوع لازمه موفقیت نهایی آن است.

شفیقه نیک نفس

دبیر اجرایی همایش

## اسناد و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی

رحیم نیکبخت\*

### اشاره

قرار بود سه سال قبل همایشی در زمینه تاریخ شفاهی در سازمان اسناد ملی ایران برگزار شود که در زمستان ۱۳۸۶ محقق گردید. نگارنده، مقاله‌ای برای آن همایش تهیه دید که حاصل تجربیات شخصی بود. اینک پس از برگزاری همایش تاریخ شفاهی ایران به همت مسئولان و کارکنان سختکوش «معاونت اسناد» سازمان اسناد و کتابخانه ملی، همان مقاله با افزوده‌هایی تقدیم محققان و صاحب‌نظران می‌شود.

آنچه در پی آمده، بحث اولیه‌ای برای بیان جایگاه اسناد در تاریخ شفاهی است. پرواضح است موضوعاتی که به صورت تاریخ شفاهی در نظر گرفته می‌شود، عمدتاً به نیم‌قرن اخیر و بویژه انقلاب اسلامی تعلق دارد. زیرا امکان گردآوری خاطرات شفاهی قبل از مقطع زمانی یاد شده، به دلایل متعدد وجود ندارد و بناچار به منابع مکتوب یا اسناد بازمانده اتکا باید کرد.

در این نوشتار، نخست به اختصار از اسناد و پژوهشهای تاریخی و سپس از تاریخ شفاهی در ایران سخن خواهد رفت و در ادامه، به بیان ارتباط و جایگاه اسناد در مراحل مختلف گردآوری تاریخ شفاهی پرداخته می‌شود. این نوشتار، تجربیات شخصی نویسنده از

---

\* . مدیر بخش تدوین اسناد و تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تدوین چندین مجموعه تاریخ شفاهی و ناشی از مسئولیتهای پژوهشی است. در ادامه، گزارشی هم از فعالیتهای مرکز اسناد انقلاب اسلامی ارائه خواهد گردید.

### اسناد و خاطرات شفاهی در پژوهشهای تاریخی

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، ضمن آنکه تحولی مهم در عرصه سیاست جهانی بود، به لحاظ تاریخ‌نگاری هم تأثیرات مهمی در عرصه پژوهش و تحقیق به بار آورد. ورود دو گونه منبع جدید به عرصه پژوهش - که شامل اسناد دولتی نهادهای سیاسی و امنیتی و خاطرات شفاهی است - انقلابی در این عرصه به شمار می‌آید.

تا پیش از انقلاب برخی اسناد - که اغلب متعلق به خاندانهای دوره قاجار بود - مورد استفاده پژوهشگران قرار گرفت. لیکن حجم انبوه اسناد سازماندهی شده در مرکزی چون سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران یا مراکز دیگری چون نهاد ریاست جمهوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و آرشیو وزارت امور خارجه، به هیچ‌وجه با پیش از انقلاب اسلامی درخور سنجش نیست؛ ضمن آنکه دستیابی به اسناد این مراکز به‌سهولت امکانپذیر است. دسترسی محققان و پژوهشگران به حجم انبوهی از اسناد ضمن آنکه زوایای فراوانی از تاریخ معاصر ایران را روشن می‌سازد، گونه‌ای پژوهش هم به وجود آورده است که پشتوانه اصلی آن اسناد است و به عنوان «پژوهشهای اسنادی» می‌توان از آن نام برد.\*

توجه به خاطرات شخصیت‌های دخیل در حوادث تاریخی ایران، سابقه‌ای بس کهن دارد. بسیاری از منابع مکتوب نیز از نوشته شدن دیده‌ها و شنیده‌ها به وجود آمده است. درج اخبار متفاوت را از راویان متعدد درباره واقعه‌ای واحد، در منابعی چون طبری می‌توان یافت. آنچه این سنت قدیمی را از تاریخ شفاهی (Oral History) کنونی متمایز می‌سازد، استفاده نظام‌مند از خاطرات افراد مختلف در واقعه یا موضوع خاصی در مراحل مختلف گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه، پیاده‌سازی، نگارش و تدوین آن است.

---

\*. نگارنده، اخیراً مقاله‌ای تحت عنوان «اسناد و تاریخ انقلاب اسلامی»، در مجله کتاب ماه تاریخ، شماره ۱۰۴-۱۰۶ منتشر کرده است.



در حالی که در شیوه سنتی تاریخ‌نگاری، هر آنچه از حوادث و وقایع از حالت قول شفاهی به کتابت درآمده، اقوال موجود همان روزگار بوده است که مورخ، آنها را ثبت کرده است و این طور نبوده که در پی شاهدان حادثه باشد تا از زبان ایشان موضوعی را روایت کند. ضبط صوتی یا تصویری خاطرات، به صورت نوار کاست یا فیلم ویدئویی و کیفیت و کمیت ضبط آن، آرشیو و نحوه استفاده و ارجاع به آنها در تاریخ شفاهی، از وجوه امتیاز این شیوه از گردآوری اطلاعات است. انقلاب اسلامی - همان‌گونه که در عرصه پژوهشهای اسناد انقلاب به وجود آورد - در عرصه خاطره‌نگاری و پیدایش یا تکامل و نضج‌گیری تاریخ شفاهی در داخل و خارج از ایران نقش عمده و اساسی داشت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انتشار یادنامه‌هایی حاوی خاطرات در مناسبت‌های ویژه انقلاب اسلامی، از جمله نخستین فعالیتها می‌باشد. نخستین تلاش که هم به لحاظ علمی و هم عملی در عرصه تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی درخور توجه است، در مجله «یاد» از نشریات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی صورت گرفته است. قدمهای بعدی مستحکم‌تر برداشته شد. مجموعه «خاطرات ۱۵ خرداد» شامل ۹ دفتر، و آثاری چون تاریخهای شفاهی انقلاب اسلامی - که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انجام رسیده - از جمله تلاشهای بعدی است که مسیر تکاملی طی کرده است.

### اسناد و تاریخ شفاهی

اسنادی که در نهادهای انتظامی - امنیتی یا سیاسی - اداری تولید شده است، بسته به نوع نهاد و سازمان تولیدکننده، نزدیکی یا دوری گزارش‌کننده به حادثه یا موضوع مورد مطالعه در تاریخ شفاهی، تعلقات درونی وی، اشراف بر موضوع مورد گزارش یا آموزش مأموران در مورد نحوه تهیه گزارش، می‌تواند در کیفیت و کمیت اطلاعات موجود در گزارشها مؤثر و در مرتبه اعتبار سند متفاوت باشد. با تمام این مباحث، پژوهشگر تاریخ، می‌باید اشراف کاملی به آن داشته باشد؛ اسنادی که در بررسیهای بایسته محقق واجد اعتبار است، در مراحل مختلف پیدایش تاریخ شفاهی کاربردهایی دارد که به مواردی از آنها اشاره می‌شود.

**اول-** کاربرد اسناد در تاریخ شفاهی، برای تعیین دقیق زمان حادثه و مکان وقوع آن است. زیرا در تاریخ شفاهی، در اغلب موارد نمی توان تاریخ دقیق وقوع را از اقوال مختلف استخراج کرد و روایات ضد و نقیض از آن دیده می شود.

**دوم-** پس از مشخص شدن زمان و مکان وقوع حادثه در شناسایی منابع شفاهی، اسناد اهمیت مضاعفی پیدا می کنند. براساس اسناد، مشخص می شود چه کسان یا گروههایی در هنگام حادثه حضور داشته اند. در شناسایی افراد نیز برای انجام مصاحبه (اعم از شفاهی یا مکتوب)، سند کارایی خود را داراست.

**سوم-** در جریان مصاحبه و طرح پرسش از شاهدان حادثه، سؤالهایی که محقق از منابع دیگر درباره موضوع مورد تحقیق خود استخراج کرده، باز هم اسناد در آنها جایگاهی ویژه می یابد. زیرا با دادههایی که از خلال اسناد از کمیت و کیفیت واقعه وجود دارد، محقق به زوایای مبهم و سؤالبرانگیز آن می پردازد.

**چهارم-** پس از انجام مصاحبه و مراحل آماده سازی خاطرات برای استفاده و تدوین تاریخ شفاهی، باز هم اسناد برای سازماندهی فصول و مطالب به یاری محقق می آید. زیرا براساس خاطرات، نمی توان ترتیب وقوع حوادث را به دقت مشخص ساخت. چه بسا در نقل روایات این تسلسل پس و پیش شده باشد. در حالی که تاریخ دقیق حادثه در اغلب موارد در اسناد یافت می شود و براساس همین یادکرد تاریخ می توان مطالب و خاطرات شفاهی را مرتب کرد.

و سرانجام مهم ترین کاربرد اسناد، در تدوین تاریخ شفاهی است. بی شک بدون استفاده محقق از اسناد صحیح در تدوین تاریخ شفاهی، چرخه تاریخ معاصر و بویژه انقلاب اسلامی ناقص خواهد ماند. خاطرات شفاهی که از راویان مختلف حول محور یک موضوع خاص گرد آمده است، همچون اسناد که براساس دوری و نزدیکی به حادثه و دیگر مسائل پیشگفته در مورد اسناد طبقه بندی و ارزشگذاری می شود. صحت و سقم این داده ها، از راههای گوناگونی درخور بررسی است که محقق تاریخ شفاهی، ناگزیر از انجام آن است.

در تاریخ شفاهی، به حوادث قبل از وقوع (پیش زمینه ها)، چگونگی شکل گیری، زمینه ها، ماهیت موضوع، عوامل تأثیرگذار در موضوع، وقوع حادثه (با تسامح در زمان، مکان

و تسلسل تاریخی آن) و پیامدهای آنی و بلندمدت موضوع پرداخته می‌شود. اسناد در کنار این مسائل، لحظه وقوع، کمیت و کیفیت حادثه، افراد حاضر در صحنه، پیگیریهای صورت گرفته، اقدامات انجام شده و واکنش نهادهای ذی‌ربط را با ترتیب تاریخی روشن می‌کند. گاهی هم که برخی حوادث از یاد شاهدان رفته یا کمرنگ شده است، اسناد به تکمیل این گونه «از یاد رفته‌ها» می‌پردازد.

### تاریخ شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با دستیابی به اسناد دستگانهایی چون ساواک و شهربانی و ادارات دیگر از یک سو و امکان انجام مصاحبه با شاهدان تاریخ انقلاب از دیگر سو، حرکتی را شروع کرد که سیر تکاملی داشت. سه گونه تاریخ شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی امکان شناسایی دارد:

الف- اولین کتابهای تاریخ شفاهی مرکز، به مجموعه خاطرات شخصیت‌های حاضر و ناظر در یک حادثه یا موضوع اختصاص داشت که متن خاطرات هر فرد مستقل از فرد دیگر در کنار هم قرار می‌گرفت. هر یک از راویان در پاسخ به سؤالات مصاحبه‌گر، روایت خود را از موضوع بازگو می‌کردند. آثاری چون حماسه ۲۹ بهمن تبریز، حماسه ۱۹ دی قم، حماسه ۱۷ خرداد ۱۳۵۴- که همگی به کوشش علی شیرخانی منتشر گردیده است - به همین شیوه است؛ ضمن آنکه پس از قسمت خاطرات، اسناد دولتی یا غیردولتی و تصویر نشریات و عکسهای تاریخی درج گردیده است.

ب- در گونه تکامل یافته تاریخ شفاهی، به جای در کنار هم قرار گرفتن خاطرات در متن کتاب، براساس فصول و ترتیب موضوعی، روایات شفاهی افراد مورد استفاده قرار گرفته است. فرضاً اگر چند راوی از نحوه شروع حادثه سخن گفته‌اند، روایت ایشان در قسمت نحوه شروع حادثه به صورت نقل قول مستقیم درج گردیده است. به همین ترتیب، خاطرات شفاهی همانند قطعات جورچین، به تکمیل و تبیین موضوع کمک می‌کند. در این شیوه هم، استفاده از اسناد جایگاهی ویژه در مراحل مختلف دارد. آثاری چون: تاریخ شفاهی مسجد جلیلی، تاریخ شفاهی مسجد ارک، تاریخ شفاهی گروه ابوذر، تاریخ شفاهی کانون نشر

حقایق اسلامی، تاریخ شفاهی واقعه هفدهم شهریور، تاریخ شفاهی گروه مهدویون، تاریخ شفاهی گروههای هفتگانه، به همین شیوه تدوین و انتشار یافته است.

ج - شیوه تازه‌ای که اخیراً برخی محققان و پژوهشگران صاحب نام در مرکز اسناد انقلاب پیشه کرده‌اند، استفاده پژوهشی از متن روایات شفاهی به جای نقل قول مستقیم خاطرات است. محقق، در این شیوه مراحل اجرای طرح تاریخ شفاهی را انجام می‌دهد. در مرحله نگارش و تدوین است که به جای نقل قول مستقیم از خاطرات، محقق، مضمون آنها را با جمله‌بندی خود در ترتیب موضوعی تحقیق استفاده می‌کند. بهره‌گیری از اسناد در مراحل مختلف طرح در این شیوه نیز مورد توجه پژوهشگر می‌باشد. از آثاری که با این شیوه جدید نگارش و تدوین یافته، می‌توان از تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش و تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله ملکی، از آثار محقق سختکوش، محمود طاهر احمدی و تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله خادمی تألیف دکتر مهرعلیزاده، نام برد.

#### الف - طرحهای منتشر کرده تاریخ شفاهی مرکز اسناد

- ۱- تاریخ شفاهی گروههای هفتگانه؛
- ۲- تاریخ شفاهی گروه مهدویون؛
- ۳- تاریخ شفاهی مسجد ارک؛
- ۴- تاریخ شفاهی مسجد جلیلی؛
- ۵- تاریخ شفاهی مساجد اطراف بازار؛
- ۶- تاریخ شفاهی مدرسه حقانی؛
- ۷- تاریخ شفاهی گروه ابوذر؛
- ۸- تاریخ شفاهی کانون نشر حقایق اسلامی؛
- ۹- تاریخ شفاهی دهه فجر؛
- ۱۰- تاریخ شفاهی تغییر مواضع ایدئولوژیک؛
- ۱۱- انقلاب اسلامی به روایت خاطره؛
- ۱۲- حماسه نوزدهم دی قم؛

۱۳- حماسه ۲۹ بهمن تبریز؛

۱۴- حماسه هفدهم خرداد ۱۳۵۴.

### ب- طرحهای زیر چاپ تاریخ شفاهی

- ۱- تاریخ شفاهی مسجد هدایت؛
- ۲- تاریخ شفاهی مبارزات علمای فارس؛
- ۳- تاریخ شفاهی حزب ملل اسلامی؛
- ۴- تاریخ شفاهی واقعه هفدهم شهریور؛
- ۵- تاریخ شفاهی جامعه اسلامی مهندسان؛
- ۶- تاریخ شفاهی جامعه روحانیت مبارز؛
- ۷- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات شهید بهشتی؛
- ۸- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله خادمی؛
- ۹- تاریخ شفاهی تأسیس کمیته انقلاب اسلامی؛
- ۱۰- تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش؛
- ۱۱- تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان.

### ج- طرحهای در دست انجام تاریخ شفاهی

- ۱- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله ملکی؛
- ۲- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله اشرفی اصفهانی؛
- ۳- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت الله ربانی شیرازی؛
- ۴- تاریخ شفاهی زندگانی و خدمات فرهنگی - اجتماعی آیت الله حائری تهرانی؛
- ۵- تاریخ شفاهی بیعت افسران نیروی هوایی با امام خمینی؛
- ۶- تاریخ شفاهی مساجد تأثیرگذار در انقلاب اسلامی؛
- ۷- تاریخ شفاهی مبارزات امام خمینی در نجف؛
- ۸- تاریخ شفاهی شکنجه در زندانهای پهلوی؛

۹- تاریخ شفاهی تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

۱۰- تاریخ شفاهی گروه منصورون؛

۱۱- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات حاج احمد آقا خمینی؛

۱۲- تاریخ شفاهی مدارس اسلامی؛

۱۳- تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله مطهری؛

۱۴- فدائیان اسلام در کلام یاران.

علاوه بر طرح‌های فوق، از شیوه تاریخ شفاهی در انجام طرح‌های تاریخ منطقه‌ای

انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی در شهرستانها) نیز استفاده می‌شود.

### الف - طرح‌های چاپ شده تاریخ منطقه‌ای

۱- انقلاب اسلامی در میانه؛

۲- انقلاب اسلامی در ورامین؛

۳- انقلاب اسلامی در بجنورد؛

۴- انقلاب اسلامی در کاشان؛

۵- انقلاب اسلامی در سیرجان.

### ب- طرح‌های زیر چاپ تاریخ منطقه‌ای

۱- انقلاب اسلامی در زنجان؛

۲- انقلاب اسلامی در یزد؛

۳- انقلاب اسلامی در اهواز؛

۴- انقلاب اسلامی در مرند؛

۵- انقلاب اسلامی در مشهد؛

۶- انقلاب اسلامی در رفسنجان؛

۷- انقلاب اسلامی در کرمانشاه.

### ج- طرحهای در دست تألیف تاریخ منطقه‌ای

- ۱- انقلاب اسلامی در تبریز؛
- ۲- انقلاب اسلامی در اصفهان؛
- ۳- انقلاب اسلامی در شیراز؛
- ۴- انقلاب اسلامی در اردبیل؛
- ۵- انقلاب اسلامی در مازندران؛
- ۶- انقلاب اسلامی در کرمان؛
- ۷- انقلاب اسلامی در جهرم؛
- ۸- انقلاب اسلامی در کازرون؛
- ۹- انقلاب اسلامی در سبزوار.





## اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون و اقدامات آستان قدس رضوی در این حوزه

نورالدین حسین سنابادی عزیز\*

### چکیده

تاریخ شفاهی به صورت امروزش گرجه عمری دراز ندارد، ولی از گستره بسیار وسیعی برای نمایاندن اجزایی از یک واقعه که به صورت مکتوب در نیامده، اما در ذهن فردی که نقشی در واقعه داشته یا در اتفاق حضور به هم رسانیده، برخوردار است. این نوع تاریخ خصوصاً در شاخه روحانیت، حائز اهمیت بسیار است. احادیث، اخبار و روایات بی شماری به دلایل مختلف، قرن‌ها از سینه‌ای به سینه دیگر منتقل گردیده تا اسباب کتابت آنها فراهم آمده است. هنوز اهل فن بر سر سندیت این اخبار بحث و جدل دارند تا سره از ناسره شناخته شود. این حرکت روایی، تاریخ شفاهی دین و روحانیت است. بی‌علت نیست که این بخش از جامعه در بیان شفاهی تاریخ، گوی سبقت از دیگر اقشار جامعه و دیگر مقوله‌ها ر بوده‌اند. بحث و درس، منابر و مجالس متعدد و پیوسته، آنها را در بیان مطالب و انتقال اطلاعات به دیگران متبحر کرده است. در این قشر، عده قلیلی حضور فرهنگی خود را با

---

\*. کارشناس مصاحبه.

نگارش حفظ می‌کنند، اما اکثر روحانیون صرفاً به لحاظ حرفه‌ای با کلام و تاریخ شفاهی سروکار دارند.

در مصاحبه‌های رسمی و متعدد و نشست و برخاستهای دوستانه‌ای که با روحانیون در سطوح مختلف شخصیتی داشته‌ایم، بر اهمیت تاریخ شفاهی بیش از پیش تأکید شده، خصوصاً در حوزه جغرافیایی شهر مقدس مشهدالرضا که بذر دانش تاریخ شفاهی در آن با بیان حدیث قدسی سلسله‌الذهب<sup>۱</sup> قوت گرفت و به یقین مهم‌ترین علت برای تدریس و ترویج فقه جعفری و سبب اصلی تشکیل حوزه علمیة مشهدالرضا(ع) شد که خود، جاذب استادان و طلبه‌های بی‌شمار علوم دینی می‌باشد.<sup>۲</sup>

گنج هزار ساله کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی - که در آن بیش از شش میلیون برگ سند، حاوی یک میلیون برگ نفیس ثبت شده موجود است - فرصت تحقیق را برای هر محقق‌ی مهیا ساخته است تا کارنامه درخشان فعالیت حوزه علمیة مشهدالرضا را در هر دو بُعد دیانت و سیاست - که به چند سده می‌رسد - بکاود و بخصوص کندوکاو در عقاید متفاوت در مقوله جدایی‌پذیری و ناپذیری دین از سیاست که مهم‌ترین محور اصلی مصاحبه‌ها را تشکیل می‌دهد.

به لحاظ شفاهی بودن بحث، بیش‌تر از منابع شفاهی استفاده شده است. در پایان، اسامی اشخاص و مشخصات منابع موجود در بخش تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، ذکر شده است.

## مقدمه

... این دبیر گیج و گول و کوردل تاریخ  
تا مُدّهَب دفترش را گاهگه می‌خواست  
با پریشان سرگذشتی از نیاکانم بیالاید  
رعشه می‌افتادش اندر دست  
در بنان دُر فشانش، کلکِ شیرین سلک می‌لرزید  
حبرش اندر محبر پر ليقه چون سنگ سیه می‌بست ...

در این شعر زنده‌یاد اخوان ثالث، باور مخدوش بودن تاریخ مکتوب - که دور از واقعیت نیست - بخوبی بیان شده است.

هم عقیده بودن با اصل یاد شده، جایگاه تاریخ‌نگاری شفاهی را برای بیرون کشیدن واقعیات از غیر واقعیات، برجسته‌تر می‌سازد. بیرون کشیدن ناگفته‌ها از گنجینه سینه‌های سالخوردگان و شنیدن تجارب آنها - که اغلب فرصت نگارش را به دلایل مختلف نداشته‌اند - شاخه‌ای را از دیرباز در علم تاریخ به خود اختصاص داد که انتقال سنتهای شفاهی بود و به تاریخ شفاهی مشهور شد.

آن قدر این جایگاه اهمیت یافت که زمان بسیاری صرف حرفه‌ای کردن این شاخه گردید. تعاریف بسیاری شنیده و شروح مختلفی بر این شاخه از تاریخ نگاشته شده است که نیازی به تعریف کردن معنا و مفهوم تاریخ شفاهی نیست. تنها به سبب موضوع مورد بحث، بناچار مختصری تاریخ‌نگاری روحانیت را به بحث می‌گذاریم تا بر اهمیت موضوع تأکید بیش‌تر شده باشد. برای دستیابی به نتایج بهتر، راهکارهای عملی و نظری تجربه شده را بررسی می‌کنیم و در نهایت، تجارب گروه تاریخ شفاهی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی را عرضه می‌داریم. باشد که از نظرات سودمند پیشکسوتان و استادان فن، برای پیشبرد وظیفه و مقاصد حرفه‌ای مان استفاده کنیم. بی‌شک از انتقادات و راهنماییهای مجربان استقبال خواهد شد. چراکه این ویژگی کسانی است که در پی دستیابی به حقیقت و واقعیت هستند.

گردآوری اخبار به هر شکل غیرمکتوبی که باشد و استنتاج از آنها در موضوعی مشخص نیز می‌تواند راهی برای دستیابی به حقایق باشد. البته تا موضوع چه باشد، بعد زمانی و

مکانی آن موضوع چه باشد و تا چه حد اشخاص مطلع و منابع مختلف در اختیار باشد و تا چه درجه، محقق به آنچه می‌کند تسلط علمی داشته و مانع سوگیریهای شخصی شود.

به هر روی، تاریخی که به صورت شفاهی و متواتر جمع‌آوری می‌شود، معتبرتر از خبری است که فقط در یک منبع به شکل متفاوت ذکر شده است<sup>۳</sup> و مستندتر از تاریخ مکتوبی است که مورخی در همان موضوع نگاشته باشد. تطابق نتایج تاریخ مکتوب و شفاهی بر اهمیت تاریخ شفاهی می‌افزاید؛ گرچه بظاهر در مقایسه با تاریخ مکتوب، زمان چندانی از پیدایش علمی و حرکت حرفه‌ای تاریخ شفاهی نمی‌گذرد، ولی رواج و تلاش روزافزون و حرکت سریع کارشناسان این شاخه، نشان‌دهنده این است که زمان برای جبران عقب‌ماندگی از به کار بردن این علم بسرعت سپری می‌شود.

معمران و شیوخ آگاه بسیاری هستند که متأسفانه روزهای واپسین حیات پر برکتشان را می‌گذرانند؛ اما تاکنون حداقل به منظور ثبت خاطرات خود اقدام نکرده‌اند و بیم آن می‌رود که گنجینه اسرار سینه‌هاشان را، به جای آنکه در این زمان انفجار اطلاعات در معرض قضاوت دیگران قرار دهند، با خود در صدف خاک پنهان کنند؛ ناگفته‌هایی که شاید گره‌های کوری از تاریخ معاصر ما را باز کند؛ اگرچه تاکنون با هزار تلاشی که در این زمینه صورت گرفته، گنجهای نادری گشوده نشده، با صاحب‌دلش در صدف خاک مدفون شده است. سکوت اکثر این رجال بیش‌تر دلایل عقیدتی و سلیقه سیاسی داشته است و گمان می‌کرده‌اند که با بیان آن عقاید، به شخصیت آنها لطمه وارد می‌آمده است، یا آنها از بُعد دینی به گونه‌ای تقیه می‌کرده‌اند تا در صفوف دین، شکافی وارد نشود. جای بسی تأسف است که اگر پس از گذشتن زمان لازم از آن واقعه و خروج از بحران، باز هم لب نگشوده باشند. این حرکت، تنها بُعد قضیه در نشان دادن اهمیت بالای تاریخ شفاهی روحانیت نیست. ابواب دیگری هم وجود دارد که سعی در بیان آنها داریم و به دنبال بازگشایی آنها هستیم.

برای بررسی میدانی تاریخ شفاهی روحانیت، بناچار از موضوع دین و وحی - که شاخص‌ترین و قدیمی‌ترین موضوع تاریخ شفاهی است - به صورت اشاره شروع کرده‌ایم. سپس انتقال کلام وحی الهی به شکل مکتوب، همراه با اشاره‌ای به علت و شیوه سنتی آن و

ترویج عقاید دینی به دست صحابه در اوایل و روحانیت در دوران بعدی به صورت حرفه اصلی این قشر از جامعه در جایگاه اصلی آنان یعنی منابر و مجالس، توجه شده است. حضور عامل مهم سیاست در ادوار مختلف و درگیری روحانیت در این مقوله مهم و سرنوشت ساز، سبب گردید تا عده‌ای واجد برجستگی شخصیت و گروهی گوشه‌نشین یا حاشیه‌نشین شوند. شنیدن عقاید و مشارب فکری آنان، حائز اهمیت بسیار است که در حد توان به آن پرداخته شده است. همین قدر که گمان می‌رود حق مطلب در این مختصر ادا شده باشد؛ همین حرکت و حضور مرجعیت دینی در عرصه سیاست، حائز توجه بیش‌تر است. تقیّه و سکوت در مواردی که بیان عقاید سبب جنجال و شکاف در صفوف دین می‌شده،<sup>۴</sup> شنیدنی است که در این مورد هنوز موفقیت‌چندانی به دلایل مختلف حاصل نشده است. امید آنکه در آینده این چنین نباشد.

گفتنی است که روال دستیابی به نکات مهم، بررسی و تطابق آنها با دیگر نکات، قاعدتاً رجوع به منابع و مآخذ مکتوب است. در مواردی که دستیابی به این نکات به صورت مکتوب میسر نیست، شیوه گفتگوی شفاهی با استادان و مراجع به کار برده شده که از همه این حضرات که نامشان در پایان آمده است، قدردانی می‌کنم.

### مشروح اهمیت تاریخ شفاهی روحانیت

ظهور و شکل‌گیری ادیان الهی، بر محور وحی استوار بوده است. بویژه هنگامی که صحبت از دین مبین اسلام مدنظر می‌باشد که آغاز آن با وحی پروردگار، به صورت نزول دفعی قرآن در شب قدر بر قلب مبارک پیامبر اعظم (ص) صورت گرفت.<sup>۵</sup> سپس نزول تدریجی قرآن به وسیله جبرئیل امین به محمد امین (ص) و به زبان فصیح عربی، بسته به زمان و موقعیت مخصوص خودش انجام می‌شد. نزول تدریجی قرآن، طی ۲۳ سال به صورت مداوم صورت پذیرفت. از ابتدای رسالت و شروع نزول تدریجی قرآن، گروه کاتبان وحی<sup>۶</sup> را پیامبر اُمّی انتخاب کرد و تشکیل داد. حضرت محمد (ص) - که خود سواد خواندن و نوشتن نداشت - کلام وحی را بر کاتبان وحی قرائت می‌فرمود و این افراد، وظیفه ثبت آنها را برعهده داشتند. اینکه قرآن مجید تنها کتاب آسمانی است که تحریف نشده، دلایل

گونناگونی دارد، از جمله اینکه کتابت آن درست پس از وقوع وحی بود و جمع‌آوری آن به دست حضرت امیرالمؤمنین (ع) و رواج آن در میان مسلمانان، چه در دوران ۲۳ سال و چه در دوران بعدی.

غیر از وحی قرآنی، نوع دیگر وحی که بر پیامبر نازل می‌شد، به اصطلاح در شرایط خواب و رؤیا بوده که بی‌واسطه جبرئیل صورت می‌گرفته است.<sup>۷</sup> زبان وحی از نوع دوم، ظاهراً با زبان محاوره‌ای مردم عادی متفاوت بوده است. وظیفه پیامبر در انتقال این گونه اطلاعات، بازگویی آنها برای مردم بود به زبانی که قابل پذیرش و فهم عوام باشد. علی‌الظاهر این نوع اطلاعات - که با عنوان احادیث مشخص شده است - گرچه همانند قرآن به دست کاتبان وحی کتابت می‌شده، ولی مانند قرآن اجباری در نوشتن آنها نداشتند. لذا هر کس که می‌شنید، در سینه حفظ می‌کرد.

احادیث، پس از قرآن مهم‌ترین منابع قابل استفاده در زندگی مادی و معنوی مسلمانان است که شامل همه گونه اطلاعات می‌باشند و حتی اطلاعاتی در مورد زمان پس از مرگ و اخبار قیامت و جهان دیگر است. علی‌ای حال با افزایش احادیث و پیدایش و کثرت راویان، سنت تاریخ‌نگاری اسلامی پدید آمد که چیزی جز نقل آنها از سینه‌ای به سینه دیگر نبود. در این میان عده‌ای سودجو، با نظرات خاص شروع به جعل و نقل احادیث از قول پیامبر کردند. بنابراین، احادیث جعلی و راویان جاعل<sup>۸</sup> پدیدار گردید و این امر سبب شد که تحقیقات وسیعی در این زمینه صورت گیرد تا سره از ناسره تمییز داده شود. هنوز اهل فن بر سر سندیت احادیث و راویان حرف و بحث دارند.

الزامی نبودن کتابت احادیث، انواع مختلف آن - که قابل ثبت مکتوب نبوده - بیسوادی اکثر مردم و دلایل دیگر، از جمله علل نقل شفاهی و پیدایش جعل آنهاست. از طرف دیگر نبود امکان کتابت، نشر و اطلاع رسانی مکتوب، شکل کار نقل را ناچار به صورت شفاهی درآورد. این روایت شفاهی از صحابه به تابعین و از تابعین به تابعین دیگر،<sup>۹</sup> از زمان پیامبر (ص) به صورت یک اصل تاریخ‌نگاری شروع شد و در زمان ائمه اطهار (ع) ادامه یافت و تاکنون به صورتهای مختلف درآمده است که در واقع یکی از وجوه تمایز سنت مستندات شفاهی قدیم و جدید به شمار می‌رود.

اختلافات پس از پیامبر(ص) در بین صحابه و پیدایش فرق اسلامی،<sup>۱۱</sup> بر اهمیت کار تاریخ شفاهی افزود. تلاش مؤسسان برای ثابت کردن حقایق فرقه خود، چیزی جز تکیه کردن بر احادیث نبود که در این میان از بین بردن احادیث صحیح و ممنوعیت نشر متداول آن زمان و نقل شفاهی آن به دست قدرت حاکم و طبعاً ساخت احادیث جعلی،<sup>۱۱</sup> رایج شد. موضوع امامت به عنوان تنها شیوه تداوم راه پیامبر و اسلام، تشریح و تبیین احادیث برای ثبوت ولایت، منشأ اخبار و روایات گردید. برای انتشار این اخبار در جهت روشن کردن حقیقت، مهم نبود که به چه صورت منتشر شود. خواه گوینده خبر، خود مستقیم از پیامبر یا ائمه اطهار(ع) شنیده باشد یا از زبان دیگری، تفاوتی نمی کرد. تنها تفاوت در راوی بود که می بایست روایتش سندیت می داشت و دارای شخصیت موجه می بود.

فرصت و موقعیت انتشار اخبار نیز خود حائز اهمیت بود. حاکمیت خلفای راشدین در رأس حکومت اسلامی و رهبری ظاهری و حکومتی مانند هر حکومت دیگر، تابع سیاستهای مخصوص خود بود. در یک کلام سانسور و در ادامه آن، اختناق به شکل علنی درآمد. دستور و سفارش اکید حکام در محو احادیث و کمرنگ کردن حضور ائمه اطهار(ع) و مسئله امامت و ولایت، شکل شفاهی تاریخ نگاری را به صورت حرفه ای در آورد. مقابل حرکت ائمه اطهار در جهت ترویج اسلام ناب و پروراندن شاگردان مستعد در مجالس درس و بحث، استخدام و اجیر شدن راویان خبر به دست حاکمان جبار، گرچه سنجیدنی نبوده است، ولی چون ناقلان احادیث و اخبار به شیوه شفاهی این کار را می کردند، حائز اهمیت بوده است. بدون هیچ سند مکتوبی از پیامبر یا منبع اخبار صحیح، براحتی در منابر و مجالس، اخبار و احادیث جعلی گفته و منتشر می شد.

اولین اقدام رسمی و اعلان عمومی برای تدریس و تعلیم اسلام ناب محمدی(ص) در فضای باز سیاسی، موقعیت بسیار خوبی برای امامان بزرگوار، حضرت باقرالعلوم(ع)<sup>۱۲</sup> و جعفر صادق(ع) دست داد. علاوه بر شکل شفاهی، تاریخ نگاری مکتوب نیز به عرصه مبارزات مکتوب کشیده شد. شاگردان بسیاری در مدرسه امامان بزرگوار یاد شده پرورش یافتند که برخی سبب تأسیس فرق جدید اسلامی نیز شدند. جمع آوری مستندات دینی در همین زمان شکل علمی به خود گرفت. اما شیوه کار انتقال اطلاعات، به علت نبود امکانات نشر، همچنان

برعهده بیان شفاهی بود و سکان حرکت به دست توانای شاگردان ممتاز می‌پرچید. حضور طالبان و مشتاقان علوم دینی و حقه اسلام نزد حضرت امام جعفر صادق(ع)، بنیان مکتب و فقه جعفری را فراهم آورد. اولین حرکت در جمع‌آوری احادیث و اخبار صحیح و انتشار آن در ولایات اطراف نیز در همان زمان شکل سازمان یافته به خود گرفت و این کار به دستور و تأکید امام جعفر صادق(ع) انجام شد.

نظر برخی از محققان که حساسیتی به فقه جعفری نداشتند و اسلام را از دیدگاه حکومتش بررسی می‌کردند، افزایش یا کاهش حجم روایت و کم و کیف آن، در هر حال دغدغه‌ای نبوده است. آنچه مدنظرشان بوده، در واقع نفس روایت واقعه یا خبر بود که بر وقوع آن اتفاق متواتر وجود داشته است یعنی اصل رخداد را برای ناقل و شنونده مهم می‌دانستند نه تفسیر آن را که از دید جااعلان، تفسیر به رأی و در جهت سیاستشان بوده است. ولی از دید شیعیان، اگرچه که گرایش به تاریخ‌روایی به دلیل سهولت در شیوه تولید و توزیع بوده، ولی صحت احادیث و روایات حائز اهمیت بیش‌تری بوده است.

در هر حال عوامل یاد شده، سیطره کاملی در قرنهای متمادی بر مورخان و تأثیر بسزایی در انتقال اطلاعات داشته است. چرا که اسناد شفاهی، بهترین نوع منبع شکل گرفته در میان تمام منابع می‌باشد و کوتاه‌ترین و سریع‌ترین راه برای انتقال اطلاعات خصوصاً در جوامع بی‌سواد و کم‌سواد قبلی بوده است.

دوران آزادی و فضای باز سیاسی در زمان حضرت امام موسی کاظم(ع) سپری شد و فرصت تا زمان حضرت رضا(ع) به صورت آزاد و رسمی سلب گردید.

در زمان حضرت رضا(ع) فضا مجدداً فراهم گردید.<sup>۱۳</sup> حدیث معروف سلسله‌الذهب و شرح آن در نیشابور، بیانگر استعداد زمان برای فعالیت تاریخ شفاهی بوده است.

پس از شهادت حضرت رضا(ع) تا آغاز غیبت کبرا، مجدداً موقعیت آزادی اندیشه و بیان متزلزل شد و همچنان فعالان تاریخ شفاهی، راه دشوار خود را می‌پیمودند. اشاره به قیامهای متعدد شیعیان در آن دوران، دلیل این مطلب است. این فضا تا اسلام آوردن سلسله ایلخانیان ادامه داشت؛ گرچه شیعیان در آن دوران نسبت به دیگر فرقه‌های اسلامی آزاد



نبودند و راهبرد تقیه در میان آنان رواج داشت، طبعاً وظیفه تاریخ‌نگاران شفاهی روز به روز سنگین‌تر می‌شد.

تا دوران استقرار صفویه، جسته‌گریخته حکومت‌هایی مانند آل بویه یا در ولایاتی دیگر، شیعیان به موقعیتهایی دست یافتند، ولی اوج آزادی در زمان صفویه بود. تاریخ شفاهی، در ابعاد گسترده ورزیده شد و عرصه‌های جدید را تجربه کرد. تغییر شکل نوین به علت فضای بازی که فراهم آمده بود، مخفی‌کاری در انتقال اطلاعات - که بیش‌تر به صورت نقل سینه‌به‌سینه صورت می‌گرفت - جایش را به منابر و مجالس متعدد داد. روحانیون فرصت بسیار خوبی پیدا کردند تا بتوانند در هر نقطه‌ای که اراده کنند، مجلس سوگواری یا مولودی برپا کرده، بر منبر روند و مکونات سینه را یا آنچه از تاریخ مکتوب در حفظ داشتند، به صورت وعظ بیان کنند. بزودی با وجود مناسبت‌های بسیاری که در تاریخ شیعه وجود داشت خصوصاً دو ماه پی‌درپی محرم و صفر، مجالس و منابر به صورت پیوسته انجام می‌گرفت. روحانیون با در اختیار داشتن این مجالس، به صورت شفاهی کار ترویج دین را - که اساس و محور فعالیت روحانیت است - شروع کردند.

مدرسه‌ها، در شهرهای بزرگ و مهم تأسیس گردید و استادان به تربیت مروّجان همت گماشتند. استقبال مردم از علوم دینی، به توسعه حوزه‌های علمیه و افزایش طلاب کمک کرد. احکام، از مهم‌ترین دروس حوزه‌ها به شمار می‌رفت. استادان و آیات عظام، به تدریس و تشریح احکام پرداختند. پای‌بندی شیعیان به مسائل شرعی و نبود اطلاع‌رسانی مکتوب به صورت گسترده و همگانی، کار مروّجان را در بخش تاریخ شفاهی مشکل و گسترده‌تر ساخت. بخش عظیمی از فعالیت روحانیون به حل مسائل شرعی اختصاص یافت. سؤال و جواب‌های مکرر - که اساس کار تاریخ شفاهی است - رونق گرفت. دسترسی نداشتن مردم به رساله‌های توضیح المسائل، نبود امکانات نوشتاری و نشر، بیسوادی و...، علت اصلی گسیل کردن طلاب به شهرها و روستاها گردید. کار عملی تاریخ شفاهی با اعزام مروّجان طلبه، قوی گردید، خصوصاً در ماههایی که مناسبت‌های بیش‌تری دارا بود. تعطیل کردن حوزه‌های علمیه و اعزام طلاب، در برنامه حوزه‌ها قرار گرفت.

می توان گفت که تمامی انتقال اطلاعات، شفاهی صورت می گرفت. به رغم اینکه در دوران و اعصار بعد، صنعت چاپ بار سنگین تاریخ شفاهی روحانیت را سبک تر کرد، ولی از اهمیت آن نکاست. چرا که بر تعداد مجالس و منابر اضافه می شد. امروزه نیز که دوران انفجار اطلاعات و عصر اوج گیری اطلاع رسانی است، چیزی از اهمیت تاریخ شفاهی کم نکرده است. زیرا توسعه مدنیت و افزایش جمعیت، نیاز کار عملی تاریخ شفاهی را روزافزون کرده است؛ به طوری که همگی شاهد این فعالیت در تمامی ایام سال و در اقصی نقاط کشورهای شیعه نشین هستیم.

بعد دیگر کار عملی تاریخ شفاهی، وقتی جامعه عمل به خود پوشاند که روحانیون عملاً وارد عرصه سیاست شدند و حضور پر رنگی در سیاست گذارهای کشورهای اسلامی پیدا کردند. گرچه قبلاً نیز بنا به مواردی که اتفاق می افتاد، روحانیون با شمشیر برنده اجتهاد و اعلام جهاد، قاطعیت خود را در امور سیاسی مملکت اعلام می کردند، ولی این بار حضور مستمر روحانیون با شعار جدایی ناپذیری دین از سیاست، جایگاه ایشان را به عنوان تصمیم گیرندگان امور سیاسی مستحکم ساخت.

جای تاریخ، از اقدامات تندروانه رهبران روحانی جامعه در ادوار و اعصار گذشته خیر می دهد. برای نمونه و نمی از می، به جنبش تنباکو اشاره می شود که تقریباً به عنوان یک سند تاریخی، همه گیر و زبانزد عام و خاص است. این حرکت روحانیت، پس از مدتی برای دولتمردان، گران آمد و باب مبارزات سیاسی روحانیون باز گردید. اگر بخواهیم اطالۀ کلام نکنیم و مستقیم وارد دوران معاصر شویم، نزدیک تر از همه زمانها باید به دوران پنجاه ساله پهلوی تکیه کنیم. چرا که مصاحبه شونده هایی که دوران قاجار را درک کرده اند، یقیناً بسیار نادر می باشند.

حضور جمع چشمگیری که خاطرات بسیاری از دوره پهلوی دارند و ثبت و ضبط خاطرات آنها، حائز اهمیت و درخور محاسبه می باشد. تأکید بر بخش خاطرات سیاسی مصاحبه شوندگان، علت اهمیت کار است. بیشترین خاطرات را بخش سیاسی فعالیت روحانیون شامل می شود تا خاطرات شاخه دین. از طرف دیگر، فضای فعلی جامعه با استقرار حکومت اسلامی، این گونه خاطرات را می طلبد.

اشاره به قدرت و فعالیت سیاسی شهید مدرس در برقراری سیاستها برای اجرای مسائل دینی و شرعی از جهت مثال در دوران پهلوی اول به نظر کافی است. سانسور شدید رضاخانی مجدداً کار تاریخ شفاهی را با چالش مواجه کرد. مبارزات روحانیون در قالب کار اصلی آنها یعنی ترویج، جای گرفت. اهمیت و تأثیر این کار به قدری بود که برگزاری مجالس به اصطلاح روضه - که شکل ظاهری منبر بود و در باطن حقیقت مبارزه را دنبال می کرد - به دستور رضاخان تعطیل گردید. واکنش رضاخان را در هراس از این فعالیتها، در صدور فرمان کشف حجاب زنان و تغییر پوشش مردان می توان ملاحظه کرد. هر چه فشار و اختناق دولت بیش تر می شد و قلم و رسانه ها زیر تیغ سانسور می رفتند، مردم به انجام شفاهی کار، به صورت مخفیانه تهییج می شدند. به وجود آمدن زندانهای سیاسی، حجم کار عملی تاریخ شفاهی را بالاتر برد. چرا که سانسور قلم، بسیار آسان صورت می گرفت.

روحانیون اهل قلم نیز روی به مبارزه شفاهی آوردند. محاسبه آنچه از این مبارزات به صورت مکتوب یا شفاهی باقی مانده است، خود دلیل این شاخه مهم می باشد.

در کنار این دسته از روحانیون که سیاست را عین دیانت و دیانت را عین سیاست می دانستند، گروهی اعتقاد به جدایی سیاست از دیانت داشتند. شاید بتوان به جرئت گفت که عده این گروه از دسته اول به مراتب بیش تر بود. این افراد تنها در جایی اظهارات سیاسی خود را - که آن هم عقاید ضد حکومتی بود - بیان می کردند که مجلس خالی از اغیار بود و شنوندگان نیز همین امر را در جلسات بعدی انجام می دادند. ناگفته پیداست که شنیدن عقاید این گروه که نه کلمه ای نوشتند و نه جایی در اماکن عمومی صحبت کردند، حائز اهمیت است.

دسته سوم هم بودند که راهبرد تقیه<sup>۱۴</sup> را پیش گرفتند. اینکه چرا این گروه تقیه می کردند، دلیل واضحی دارد که این زمان بگذار تا وقت دیگر. اهمیت ثبت و ضبط خاطرات و عقاید این افراد نیز دست کم از گروه دوم نیست. چرا که این گروه، عقاید خود را بندرت و آن هم به خواص می گفتند.

تا اینجا بر تاریخچه و اهمیت تاریخ شفاهی روحانیون تأکید شد. اما ما به علت اینکه از نظر جغرافیایی در منطقه ای قرار داریم که دستخوش طوفانهای عظیم سیاسی و اجتماعی بوده

است، در نظر داریم اهمیت تاریخ شفاهی را در حیطة شهر مقدس مشهدالرضا(ع) به بحث بگذاریم. آن هم به دلیل دیگری که جزو وظیفه گروه تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی است و آن، چیزی جز بارگاه منور و ملائک پاسبان امام ابوالحسن الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - نیست که مستقیم آستان قدس رضوی را درگیر تمامی مسائل شهر مشهد بلکه آستان خراسان کرده است. برای روشن شدن این مسائل، حسب الامر مقام منیع تولیت عظمای آستان قدس رضوی، سیاست فعالیت گروه تاریخ شفاهی بر این مبنا یعنی تعامل آستان قدس رضوی و مشهدالرضا(ع) آغاز گردید.

سابقه تأسیس حوزه علمیه مشهدالرضا(ع)<sup>۱۵</sup> را باید در واقع با تشریف فرمایی حضرت رضا(ع) مقارن دانست. خیل عظیم دوستان و ولایت و طالبان علوم دینی گرداگرد شمع وجود مبارک امام هشتم(ع) جمع شدند تا از دریای بیکران علوم الهی استفاده کنند. به رغم شهادت آن حضرت و اختناق شدید ناشی از دستگاه مأمون، کار درس و بحث تعطیل نشد و بارگاه منور امام همام، جاذب اهل علم و معرفت شد. سابقه جمع شدن کاتبان و تأسیس کتابخانه هزارساله آستان قدس رضوی با آنچه در جزوه قرآن وقفی کشاور بن آملاس (محرر ۳۲۷ق.) به عنوان سندی معتبر نوشته شده است،<sup>۱۶</sup> دلیل ادعای فوق است. مدارس متعددی در جوار بارگاه حضرت ثامن الائمه(ع) تأسیس شد. به طور رسمی فعالیت حوزه علمیه مشهد طبق گزارش ابن بطوطه از مدارس حوزوی در جوار حرم مطهر، به حدود سده هفتم قمری می رسد که از آن میان، مدارس بالاسر، دو درب و پریزاد می باشد.

همان گونه که پیش تر گفته شد، مسائل سیاسی باعث شد تا حوزه های علمیه و روحانیون درگیر مسائل سیاسی شوند. تأکید ما از نظر محدوده زمان دوران پهلوی است. برای بهتر روشن شدن موضوع مبارزات و درگیر شدن روحانیون در امور سیاسی و اجتماعی، مسائل به صورت زیر تفکیک شده است.

### بخش اول - درگیر شدن روحانیون با یکدیگر در مسائلی غیر از امور شرعی و دینی:

برای مثال به درگیری آیات عظام میرزا احمد کفایی (۱۳۰۰ - ۱۳۹۱ق.) مشهور به آقازاده با مرحوم حجت الاسلام آقای علی اکبر نوغانی (۱۳۰۰ - ۱۳۷۰ق.)، به خاطر بهتر اداره کردن مدرسه علمیه نواب اشاره می شود.<sup>۱۷</sup> مرحوم آقازاده پس از رحلت برادر بزرگش میرزا محمد

آقازاده، ریاست علمی حوزه مشهد را به عهده گرفت. به رغم سختگیریهای رضاخان، بحث و درس را حفظ کرد و مدرسه تعطیل نشد. در همان زمان قشون روس در مشهد به سر می‌برد و توده‌ایها، شبانه‌روز فعالیت سیاسی داشتند. آقازاده با تشکیل هیئتهای مذهبی و راه‌انداختن دسته‌های عزاداری و روضه و منبر - که سالیان مدید ممنوع بود - توانست سدّی در برابر نفوذ فرهنگی شوروی به وجود آورد. او تا زمان نهضت ملی نفت با توده‌ایها درگیری داشت و در مسائل شهر دخالت می‌کرد. در دوره نهضت ملی بخصوص با توجه به نقش منفی‌ای که دسته‌های مذهبی در سقوط مصدق و تقویت رژیم شاه داشتند، سخت مورد حمله مخالفان بود و جراید به ایشان اهانتها کردند. اما به خاطر داشتن رابطه با شاه و مأموران بلندپایه رژیم در خراسان (در جهت استفاده از آنها برای انجام کارهای خیر و مرتفع ساختن مشکلات شهر و مردم) بخصوص در سالهای آخر عمر، هماهنگی لازم را با روحانیون مبارز نداشت و موجب انتقاد شدید آنها و انزوای سیاسی وی شد و هر از چند گاهی طلاب حوزه خراسان اعتراضهای خود را درباره مشی سیاسی ایشان به گوش وی می‌رساندند.

طرف مقابل ایشان، مرحوم حجت‌الاسلام آقای علی اکبر نوغانی بود که داعیه اداره و مدیریت حوزه علمیه مدرسه نواب را داشت. مرحوم نوغانی نیز همانند همتای خود، دارای پرونده و سابقه درخشان سیاسی و حوزوی می‌باشد و در جهاتی عملکردش مشابه مرحوم آقازاده بود، از جمله رابطه‌اش با حکومت در جهت امور خیریه شهر و مردم.

زنده‌یاد نوغانی انسانی مؤمن، متعهد، اهل تهجد، خوش قریحه، شوخ طبع و مهربان بود. در مدت هفتاد سال عمر خود هرگز از سهم امام استفاده نکرد. میرزا، انسانی آگاه به مسائل دینی و مقتضیات زمان خود بود و از تعصبات کاذب و بی‌اساس دوری می‌کرد. با امام راحل رابطه بسیار دوستانه‌ای داشت و از نظر مشرب فکری به امام بسیار نزدیک بود. مبارزه با کمونیسم شرق و مسیحیت سازمان یافته غرب، جزو فعالیت‌های درخشان ایشان است. چنانکه اهل دیانت بود، اهل سیاست نیز بود و دوره مشروطیت را درک کرد.<sup>۱۸</sup>

با این توضیح مختصر، روشن می‌شود که درگیری این دو عالم بزرگ، تنها به خاطر بهتر اداره کردن حوزه علمیه مشهد بوده است و هر دو عقیده داشتند که می‌توانند اهداف

خود را بتهنایی و بهتر از دیگری انجام دهند که در پایان به موفقیت آفازاده انجامید. از این نوع درگیریها در جای جای تاریخ باز هم حکایت برای نقل کردن وجود دارد. درباره این جریان، دوستان هر کدام یا دوستان مشترک حرفهای ناگفته بسیاری دارند که شنیدن، ثبت و استنتاج از این حرفها، قضاوت را آسان تر می سازد.

**بخش دوم:** درگیر شدن روحانیت با حکومت است که در این بخش، تاریخ پُر است از حکایات و قضایا؛ فهرست وار برخی از مبارزات روحانیون را با رژیم پهلوی - که مشهورتر از دیگر جریانات است - نام می بریم.

مسئله کشف حجاب، تعطیلی مراسم سوگواری و مجالس مذهبی و تعطیلی درس و بحث و منبر، تغییر لباس مردم خصوصاً روحانیون، واقعه مسجد گوهرشاد، مسائل شهریور ۲۰، ۲۸ مرداد و مسئله نفت، انقلاب سفید، انجمنهای ایالتی و ولایتی، درگیریهای حزبی خصوصاً درگیری با توده ایها و حکومت شوروی، و در رأس همه این جریانات، قیام خرداد ۱۳۴۲.<sup>۱۹</sup> درباره موارد فوق، شرحهای بسیاری در تاریخ آمده است. لذا از شرح آنها به علت مغایرت با هدف اصلی این مقاله، خودداری می شود. اما هنوز ناگفته هایی هست که علت اصرار برای انجام مصاحبه هاست.

روحانیون درگیر در موارد فوق بسیارند که مشهورترین آنها با ذکر مبارزات سیاسی برای آوردن مثال در حوزه مشهد، به شرح زیر است:

#### ۱- آیت الله سید یونس اردبیلی (۱۲۹۶ - ۱۳۷۷ ق.)<sup>۲۰</sup>

مسئله کشف حجاب، تغییر لباس مردم و روحانیون، موضع گیری در جریان مسجد گوهرشاد که منجر به بازداشت شدن ایشان با تنی چند از علما و اعزام آنها به تهران گردید، شهریور ۲۰ و سقوط رضاخان، مبارزه با توده ایها، نهضت ملی نفت و حمایت از آیت الله کاشانی، منزل ایشان محل جمع شدن و تصمیم گیری روحانیون و آیات عظام برای مبارزات بود.

## ۲- آیت‌الله سید عبدالله شیرازی (۱۲۷۱ - ۱۳۶۳ش.)<sup>۲۱</sup>

مشارکت در برگزاری همایش بزرگ علما در قم در جهت مبارزه با سیاستهای ضددینی رضاشاه، کشف حجاب و تغییر لباس مردم و روحانیون، دستگیری و بازداشت و اعزام به تهران در جریان مسجد گوهرشاد، نهضت ملی شدن نفت و حمایت از آیت‌الله کاشانی، و نیز بیت آن مرحوم یکی از مهم‌ترین مراکز مبارزات انقلاب اسلامی بود.

## ۳- آیت‌الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی (۱۲۷۰ - ۱۳۳۹ش.)<sup>۲۲</sup>

نقش آفرینی در واقعه مسجد گوهرشاد، حضور مستمر در بیت آیت‌الله سید یونس اردبیلی، کشف حجاب و تغییر لباس ...، بازداشت، اعزام به تهران و تبعید ...

## ۴- میرزا احمد کفایی

که پیش‌تر درباره او صحبت شده است، افزون بر مبارزه با رضاخان در کلیه ابعاد.

## ۵- آیت‌الله سید کاظم مرعشی (۱۳۳۷ - ۱۴۲۳ق.)<sup>۲۳</sup>

از جمله پیشگامان در انقلاب اسلامی.

## ۶- آیت‌الله سید محمد هادی میلانی (۱۳۱۳ - ۱۳۹۵ق.)<sup>۲۴</sup>

مبارزه با رضاخان در تمام ابعاد، حمایت از کانون نشر حقایق اسلامی،<sup>۲۵</sup> پانزدهم خرداد و حمایت از امام و سیاستهایش، انجمنهای ایالتی و ولایتی، صدور اعلامیه مهم و جنجال‌برانگیز چهاردهم مهر ۱۳۴۲ درباره خفقان حاکم، کاپیتولاسیون، دادن فتوای ترور حسنعلی منصور به شهید محمد بخارایی، انتشار اعلامیه در زمینه جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در خرداد ۴۶، پیشرو در ادای جهاد و عدالتخواهی از دستگاه پهلوی دوم.

## ۷- بیت آیت‌الله حاج آقا حسین قمی<sup>۲۶</sup>

۸- شیخ غلامرضا طبسی والد مکرّم حضرت آیت‌الله واعظ طبسی (۱۳۱۳ - ۱۳۵۵ق.)<sup>۲۷</sup>

کشف حجاب، تغییر لباس روحانیون و مردم، به علت مبارزه با رضاخان سه بار تبعید به کاشمر و طبس.

۹- شیخ محمود حلبی (۱۲۷۹ - ۱۳۶۷ق.)<sup>۲۸</sup>

سردمدار مبارزه با توده‌ایها و کمونیستها، کناره‌گیری از سیاست پس از کودتای ۲۸ مرداد و فعالیت به عنوان مؤسس، در راه اهداف انجمن حجتیه.

۱۰- سید عبدالکریم هاشمی نژاد (۱۳۱۱ - ۱۳۶۰ش.)<sup>۲۹</sup>

۱۷ سال برگزاری جلسات کانون بحث و انتقاد دینی ویژه دانشجویان، خرداد ۴۲، از ۱۳۴۲ به بعد ممنوع‌المنبر، مکرر دستگیر و زندانی شدن.

۱۱- آیت‌الله عباس واعظ طبسی (۱۳۱۴ش.)<sup>۳۰</sup>

سال ۱۳۳۹ به مدت ۷ ماه ممنوع‌المنبر به دلیل سخنرانی درباره «عدل زمامداران»، از سال ۱۳۴۱ به بعد ۶ بار دستگیر و زندانی شدن، ائتلاف با شهید هاشمی نژاد و رهبر معظم انقلاب برای مبارزه تا برقراری حاکمیت نظام اسلامی، خرداد ۴۲.

**بخش سوم:** روحانیون و درگیری آنها در مسائل مهم اجتماعی مانند تعطیلی مدارس قدیم، بهداشت عمومی و اجرای شبکه لوله کشی آب.

**بخش چهارم:** مبارزات و درگیری روحانیون با رژیم حاکم در نهران و ارتباط با شاه و رژیم برای حل مسائل اجتماعی در عیان؛ به عنوان مثال:

۱- آیت‌الله حسین سبزواری [فقیه سبزواری؛ ۱۳۰۹ - ۱۳۸۶ق.]<sup>۳۱</sup>

احداث مدرسه باغ رضوان با ۱۶ هزار متر مربع مساحت در سال ۱۳۳۰، تکمیل درمانگاه رازی، احداث ۱۲۰ باب منزل در خیابان نخریسی و ۲۵ باب در خیابان خواجه ربیع برای سیل‌زدگان، واگذاری ۲۵۰۰ قطعه زمین در کوی طلاب به طلبه‌ها و فضیای حوزه علمیه مشهد و مستضعفان، ساخت دهها مسجد و تکیه.

۲- میرزا احمد کفایی

که پیش‌تر درباره او صحبت شده است.



**بخش پنجم:** روحانیونی که بظاهر با رژیم پهلوی مبارزه نمی کردند ولی در باطن با انجام کارهای فرهنگی و مذهبی، مبارزه پیوسته‌ای داشته‌اند و اعتقاد راسخ است که در زمره مبارزان واقعی می‌باشند.

### ۱- آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی (۱۲۸۳ - ۱۳۶۸ ش.)<sup>۳۲</sup>

تأسیس بنیاد خیریه و مرکز درمانی رایگان برای مستضعفان، صندوق قرض الحسنه، فروشگاه تعاونی و احداث کتابخانه.

### ۲- حجت الاسلام علی اصغر عابدزاده (۱۲۹۰ - ۱۳۶۵ ش.)<sup>۳۳</sup>

تأسیس ۱۴ مدرسه به نام مبارک چهارده معصوم،<sup>۳۴</sup> مؤسس انجمن پیروان قرآن،<sup>۳۵</sup> تأسیس بنای مهدیه که مورد توجه خاص توده‌ها قرار داشت، برگزاری جشن در مناسبت‌های مذهبی، کانون مبارزه در نهضت ملی شدن نفت و حمایت از آیت‌الله کاشانی، واقعه مسجد گوهرشاد و ارتباط با نواب صفوی.

تمامی موارد یاد شده مانند دیگر جریان‌ات، حاوی مسائل جانبی می‌باشند که اهم مصاحبه‌ها برای روشن شدن آن مسائل می‌باشد.

و بالاخره مسائل مختلف انقلاب اسلامی و روحانیت، تصمیم‌گیریها، برگزاری مجالس متعدد در جهت انقلاب، صدور اعلامیه‌ها علیه رژیم، حاکمیت روحانیت پس از پیروزی انقلاب، ترور شخصیتها و روحانیون، مسائل جنگ و روحانیت، روحانیون و امور کشورداری اسلامی.

آخرین مطلب از این دسته‌بندی، فعالیت و مبارزات بیوت چند تن از آیات عظام، حضرات سیدیونس اردبیلی، قمی، مرعشی، میلانی و شیرازی است که هر کدام در زمان خود مرکز مبارزه با حاکمیت وقت بوده‌اند. در مورد بیت آیت‌الله اردبیلی اشاره شده است، اما در مورد بیت آیت‌الله العظمی حاج حسین آقا<sup>۳۶</sup> و حاج آقا حسن قمی مطالب زیادی در اذهان مانده است. هر دوی حضرات، مبارزات چشمگیری داشته‌اند که در هر دوره پهلوی اول و دوم، مسائل سیاسی مشهد را تحت الشعاع قرار می‌داده است. به‌رغم تردد افراد بسیاری در این

بیت و مصاحبه‌هایی که پیرامون این بیت شده (از جمله مصاحبه آقای حاج محمدعلی قدس، روحانی مشهور به گلابگیر که از نزدیکان بیت بوده است)، تاکنون فقط بخش اندکی از حق مطلب ادا شده است. شاید به لحاظ شرایط خاص این بیت، نه تنها هیچکدام از افرادی که حضور مستمر داشته و دارند، تمام مطالب را بازگو نکرده‌اند، بلکه خود صاحبان بیت هم اقدام به نگارش یا مصاحبه درباره زندگی‌نامه خود نکرده‌اند. مطالبی هم که تاکنون جمع‌آوری شده، تقریباً دست دور از آتش است. در حال حاضر نیز خود آیت‌الله حاج آقا حسن به‌علت کهولت سن و بیماری، متأسفانه قادر به مصاحبه نمی‌باشند و اطرافیان نیز راضی به این کار نمی‌شوند یا لاقلاً ظاهر قضیه این است و زمان، این مشکل را ان‌شاءالله حل خواهد کرد و شاید در آینده نوشته‌ای یا کلامی عرضه گردد. اما در مورد بیت آیت‌الله العظمی میلانی مطالب مشروح گردآوری شده است؛ گرچه در تلاش هستیم تا اشخاص مدنظر دیگری را نیز به سخن آوریم، هم چنانکه در مورد بیت آیت‌الله العظمی مرعشی گفته خواهد شد و جای امیدواری است.

و اما بیت آیت‌الله العظمی سید عبدالله شیرازی که یکی از مهم‌ترین مراکز در هدایت و حرکت انقلاب اسلامی در مشهد بود. امروزه نیز این بیت همچنان فعال است و فعالیت در جهت انجام مصاحبه با دست‌اندرکاران و اقربا، ادامه دارد.

بیت آیت‌الله العظمی سید کاظم مرعشی (۱۳۳۷ - ۱۴۲۳ق.): در سال ۱۳۹۲ق. به ایران آمد و بعد از ۲ سال توقف در حوزه علمیه قم، در سال ۱۳۹۴ق. به شهر مشهد هجرت کرد و تا پایان حیات پربرکت خود، در مشهد به تدریس و خدمات اجتماعی همت گماشت. بیت آیت‌الله العظمی مرعشی، در جریان انقلاب اسلامی از بیوت پیشگام بود. فعالیت شخص آیت‌الله از آنچه در مصاحبه‌ها<sup>۳۷</sup> به دست آمده، بسیار زیاد بوده و محدود به شهر مشهد نمی‌شده است.

جمله این بیوت، هنوز برای تحقیق کارهای بسیار دارد. ولی همان گونه که گفته شد، ظاهراً تمایل چندانی برای مصاحبه ندارند. این مطلب در مورد حضرات روحانی دیگر نیز صادق است. گرچه برای نشان دادن اهمیت کار تاریخ‌نگاری شفاهی، با وجودی که اظهر من الشمس است، تعریف و توضیح بسیار داده می‌شده است؛ حتی یادآور این مطلب

همیشه بوده‌ایم که طبق قانون موجود در تاریخ‌نگاری شفاهی، مصاحبه‌شونده حق دارد زمان درج مصاحبه را تعیین کند. با همه این تلاشها، موفقیت ناچیز بوده است. برای پی بردن به علت این کار، با افراد بسیاری گفتگو شده است که مختصراً نتایج بی‌میلی به انجام مصاحبه را این‌گونه بیان کرده‌اند:

۱- اگر در تاریخ‌نگاری مکتوب می‌توان در مراحل تصحیح و ویراستاری و بازخوانی در مطالب دخل و تصرف کرد، در بحث تاریخ شفاهی، همان قدر که حرفی گفته شد، تصحیح آن مشکلاتی دارد که به زحمت بیان آن شاید نیرزد.

گرچه برای جلوگیری از این کار، قبل از انجام مصاحبه معمولاً سؤالات موردنظر در اختیار شخص مصاحبه‌شونده قرار می‌گیرد (مصاحبه اولیه)، ولی در لابلای سؤالات، اغلب حرف پیش می‌آید یا پرسش تازه‌ای به ذهن خطور می‌کند که مصاحبه‌شونده در آن باره فکر نکرده یا حضور ذهن ندارد.

۲- گروهی از اینکه در صحنه مصاحبه حاضر شوند و نامشان آورده شود، ناراحت و ناراضی هستند و بیش‌تر علاقه‌مندند گمنام باقی بمانند.

۳- عده‌ای به‌رغم اینکه در مجالس متعدد و منابر مختلف حضور به هم می‌رسانند، در زمان مصاحبه و در بیان کردن آنچه از آنها می‌خواهند، از قدرت کلامی و سخنوری خوبی برخوردار نیستند. لذا چون در کسوت خاصی هستند که کارشان شفاهی است، شاید به طریقی جالب و خوب نباشد. در این زمینه نیز توضیح داده‌ایم که مراحل پس از مصاحبه، مختلف و متعدد است و می‌توان پس از پیاده شدن نوار صوتی یا تصویری، هرگونه اقدام اصلاحی را انجام داد، ولی مورد قبول واقع نشده است.

۴- برخی از آقایان گمان می‌کنند اگر دانسته‌هاشان مطرح شود، از نظر هم‌عقیده نبودن با قشر یا اشخاص خاص برایشان مشکل ایجاد می‌گردد؛ لذا از انجام مصاحبه خودداری می‌کنند.

۵- عده‌ای نیز تقیّه می‌کنند؛ گرچه از زمان موردنظر ما ممکن است سالها گذشته باشد و بُعد زمانی جز برای بهتر روشن شدن مطلب، هیچ مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند.

در این باره هزار التماس و خواهش شده و بارها توضیحات کافی و وافی داده شده، ولی بندرت در بحثهای سیاسی موفقیت حاصل شده است که از همین جا عاجزانه تقاضا داریم از طرف خود و دیگر کارشناسان همکار و همتای خود که درباره این مسئله بیش‌تر بیندیشند و حکم را بر صحت و صداقت و امانتداری مصاحبه‌کننده و سازمان متبوعش بدانند. از نظر بنده، تاریخ‌نگاری جزو تکالیف شرعی و عرفی است که هر کس چیزی بداند، در واقع موظف به اظهار آن است تا موضوع برای آیندگان روشن گردد. هیچ دلیلی بهتر از نص صریح قرآن نیست که جمله، وقایع‌نگاری و تاریخ است. به فرموده علامه طباطبایی:

قول نبی، «تبلیغ» است. فعل و عمل پیامبران، جنبه تبلیغی دارد. پیامبران تاریخ‌نگاران واقعی شفاهی هستند.

امام علی (ع) فرمود: گرچه از نظر طول عمر من در همه ادوار نبوده‌ام، ولی آنقدر آگاهی تاریخی دارم که گویی در همه آن دوره‌ها زیسته‌ام. سیره تاریخ‌نگاری ائمه اطهار (ع) نیز ابراز کردن بوده است نه سکوت. اگر چنین نبود، این قدر منابع و اخبار از ائمه اطهار (ع) باقی نمی‌ماند. حتی بعد دورنگری تاریخ شفاهی که خبر دادن از آینده است و جزو کار شفاهی ائمه اطهار (ع) بوده است و کم‌تر به این بُعد توجه و اشاره شده و جزو سیره انبیا و اولیاء الله بوده است.

کتاب و عترت دو میراث الهی سرمدی با آنچه بنده کم‌ترین می‌گوید و بارهای بی‌شمار گفته شده است، چیزی جز اظهار نیست و تاریخ‌نگاری نیز همین است. لذا انتظار می‌رود هر کس در هر مقام و منزلتی که در سکوت روحانیت است، در این باره به وظیفه الهی و به تکلیف خود عمل کند. می‌دانیم که عواقب سکوت نتیجه‌ای جز سوء استفاده سوجدویان ضد شرع و عرف ندارد. بخشی از عقب‌ماندگی و ناکامیهای دوران انقلاب اسلامی، به سکوت همین افراد برمی‌گردد. از اینکه چنین گستاخانه برای پیشبرد اهداف تاریخ‌نگاری شفاهی با این لحن و کلام و قلم، عاجزانه التماس می‌کنم، عذرخواهی این کم‌ترین خادم بارگاه ولایتمداری حضرت رضا (ع) را بزرگوارانه بپذیرید. زیرا بیش از این در این باره تأمل جایز نیست.

و آخرین مطلب از این دست، مسئله شهر مشهد و آستان قدس رضوی است که بسیار مفصل و از حوصله این مقاله بیرون است. ولی تنها به حوادثی بناچار اشاره می‌کنیم تا حداقل اهمیت آن حوادث نمایان شود. از جمله واقعه مسجد گوهرشاد است که به قول دکتر سید محمدحسین منظورالاجداد،<sup>۳۸</sup> به‌رغم اینکه حرف و حدیث در مورد واقعه مسجد بسیار زده شده و تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته، اما هنوز می‌توان پنجره‌هایی را به این واقعه گشود که فقط به برخی اذهان خطور نموده و تولید مسائل بسیاری کرده است. ما نیز به نسبت وسع خود، در این مورد مصاحبه‌های متعددی انجام داده‌ایم تا بتوانیم نقش روحانیون را روشن‌تر سازیم و این را نیز می‌دانیم که باید بیش‌تر در این زمینه کار بشود.

مطلب بعد، زندگی و شخصیت روحانی عالیقدر و مبارز نستوه، شیخ محمود حلبی است. ایشان تا سال ۱۳۳۲ ش. میداندار مبارزه با حاکمیت وقت در هر مجلس و منبری بود. خطابه‌های بسیار مهمی در این زمینه صورت داد. از نظر مبارزه شفاهی، جایگاه والایی در تاریخ‌نگاری شفاهی دارد. بعد از وقایع سال ۱۳۳۲ با اوج‌گیری فعالیت فرقه ضالّه بهائی، نوک شمشیر مبارزه را به طرف آن فرقه برد و فعالیتها و آثارش زبانزد عام و خاص است. بسیار مخلصانه و فروتنانه حرکت خود را شروع و شجاعانه دنبال کرد و نتایج آن همه خون دل خوردن، از دیده‌ها پنهان نیست!

بحث شیخ محمود حلبی و تأسیس انجمن حجّتیّه، خود واجد توجه خاص است که دست اندرکاران این شاخه از مبارزات دینی، کم‌تر تمایل به مصاحبه نشان می‌دهند. نبود موفقیت در این کار، اصرار دست‌اندرکاران این انجمن بر هدف سکوت و تقیّه کردن، همچنان استوار است. بارها اهمیت کنار رفتن پرده ابهام از عملکرد این انجمن به عنوان پیروان شیخ محمود حلبی مطرح و شرح مفصل داده شده است؛ ولی آنقدرها تأثیر نداشته است. شاید نفوذ کلام و اعتمادسازی و اطمینان‌بخشی چندان کافی نبوده است. علی‌ای‌حال، تلاش در این زمینه همچنان ادامه دارد. آنقدر این حرکت مهم می‌باشد که به آسانی نمی‌توان از آن دست برداشت!

## ما چه کردیم و چه هدفی داریم

کار تاریخ‌نگاری شفاهی با وجود یک میلیون برگ سند نفیس از مجموع بیش از ۶ میلیون برگ سند ثبت شده در مدیریت اسناد آستان قدس رضوی، در دستور کار قرار گرفت. پس از اینکه اهمیت موضوعها بررسی و اولویتها مشخص شد، هر گروه کار خود را بنا به تخصصی که داشت، دنبال کرد. از نظر زمانی به علت وسعت کار، دوران پهلوی مدنظر قرار گرفت. چرا که به قول استادی، شخصیهایی که به آفتاب لب بام شهرت یافته‌اند، شتاب و تمرکز کار را بر روی آنها بیش‌تر کرده است. از آخرین لحظات حیات این عزیزان - که گنجینه سیار هستند - باید بیش‌تر استفاده کرد تا حسرت آه گفتن در مدفون شدن گنجها بر لب ننشیند. گرچه مشکلات دعوت، پذیرش، کھولت سن و فراموشی و کم‌حوصلگی و عوارض ناشی از فرتوتی بر دیگر مسائل سنگینی می‌کند، ولی زمان با سرعت تصورناپذیری از دست می‌رود. همچنان که هنوز در سوگ عزیزان سکوت کرده، روحی و جسمی سیاه‌پوشیم. شناسایی روحانیون و ترتیب شروع کار صورت گرفت. طرحها مشخص شد و بدون فوت وقت اقدام گردید. در هر بیتی را دق‌الباب کردیم، هر که لیک گفت، اسباب زحمت شدیم و گاه و بیگاه منزلشان را به صورت استودیوی ضبط برنامه درآوردیم. گاه چند بار در زدیم ولی صدایی نشنیدیم.

ما ز یاران چشم یاری داشتیم / خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم. بارها خلف وعده شد، قرار گذاشته شد و عمل نشد و بیقرار شدیم و خم بر ابرو نیاوردیم. چه می‌توان کرد؟ چاره‌ای نداشتیم.

گرچه در هر منزل را که کوفتیم باز شد و ما را به مهربانی و عطوفت پذیرفتند و پذیرایی گرمی شد، آنچنان که از خانه طلبه‌ای انتظار می‌رود، ولی فرصت حتی سؤالی داده نشد. ناچار با وضع موجود خود را تطبیق کردیم و آنچه میسر بود، در حد توان انجام دادیم. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، سؤالات تدوین گردید و اختیار و انتخاب جواب دادن به سؤالات، برعهده بزرگان مصاحبه‌شونده بود، در همه جا. به پیوست بخشی از ابواب و مداخل موردنظر آمده است. خود قضاوت کنید که پرسشها آنقدرها هم پیچیده و چالش‌برانگیز نبود که سبب طرد ما بشود.

علی ای حال، بعد از روحانیون به شخصیت‌هایی که مرتبط با روحانیون و به اصطلاح از نزدیکان آنها بودند، روی آوردیم که در این زمینه موفق‌تر بودیم. سرانجام تمامی آنچه می‌خواستیم، کسب نشد. هنوز هم دست به دامان عمر و زید می‌شویم تا واسطه شوند بلکه موقعیتی برای مصاحبه فراهم آید. به هر صورت مصاحبه‌ها با سرعت قابل قبولی پیاده شد. تصحیح و بازخوانی به عهده شخص مصاحبه‌گر گذاشته شد. چرا که خودش مصاحبه را انجام داده بود و بهتر از هر کس دیگری به کار اشراف داشت. تطبیق موضوعهای موردنظر، دسته‌بندی نتایج بحثها، از جمله کارهای انجام شده می‌باشد. درصدد هستیم تا با جمع کردن این مصاحبه‌ها و انجام دادن مصاحبه‌های دیگر، زمینه را برای انتشار مصاحبه‌ها آماده کنیم، ان شاء الله.

شایان گفتن است که هر مقاله و نوشته‌ای به استناد مدارک، منابع و مآخذ، مستدرک و مستند می‌باشد که اغلب این منابع مکتوب هستند. در این مقاله، با توجه به تاریخ‌نگاری شفاهی، مبنا را بیش‌تر بر منابع شفاهی گذاشتیم و سندهای مورد نیاز را به صورت مصاحبه و جلسات بحث از کارشناسان و سالخوردگان تهیه کردیم. لذا در بخش پایانی، اسامی این افراد به صورت الفبایی همراه با زمان مصاحبه آمده است. از این رو، مستندات به شکل کلی مطرح شده است.

## نتیجه

باتوجه به اهمیت تاریخ‌نگاری شفاهی به طور کلی و خصوصاً تاریخ‌نگاری شفاهی روحانیت به دلایل یاد شده بویژه شخصیت‌های روحانی موجود در رأس حکومت اسلامی، باید محیط را برای کارشناسان تاریخ شفاهی به گونه‌ای فراهم کنند تا قبل از فوت وقت، آنچه میسر است، انجام شود و اطلاعات لازم به دست آید، تدوین گردد و در اختیار جامعه محقق از یک طرف و در معرض اطلاع‌رسانی عموم از طرف دیگر قرار گیرد تا همچون دیگر نکات تاریخی مورد استفاده واقع شود. از نتایج کار، استفاده‌های دیگری نیز بسته به نیاز می‌توان کرد.

در همین جا از کلیه محققان و کارشناسان دعوت به عمل می‌آید تا از منابع گنج هزار ساله کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، بهره بیش‌تر بگیرند و در پایان،

برای بهتر شدن کیفیت کار، با کمال میل آماده‌ایم تا انتقادهای و پیشنهادهای شما عزیزان را بشنویم و به کار بندیم. همچنین هر کس که آمادگی همکاری داشته باشد، مفتخر خواهیم بود تا بسته به تخصص و علاقه‌اش، طرحهای آماده اجرا را، در اختیارش قرار دهیم. شاید منطقه خراسان بویژه مشهدالرضا (ع)، از نظر تاریخ‌نگاری شفاهی بیش‌ترین فرصت را برای فعالیت و تحقیق داشته باشد. طرحهای خام و کار نشده نیز بسیار و فراوان است. وجود میلیونی اسناد با قدمت کهن، فرصت را برای دهها نفر می‌تواند فراهم سازد (از جمله کهن‌ترین سند ثبت شده موجود در مخزن اسناد، می‌توان به سندی با تاریخ حدود قرن نهم مربوط به تشکیلات اداری آستان قدس رضوی اشاره کرد).

دستان گرم شما محقق عزیز را، در این باره می‌فشاریم.



جدول مصاحبه‌های انجام شده در بخش تاریخ شفاهی

ردیف	مصاحبه شونده	شماره پرونده	شماره ویدئو	شماره کاست
۱	آهنیان ، غلامحسین	۲۰،۳	۸۳۴	۱۴۷۵
۲	احتشام، رضوی نیره سادات	۳۶۲	۱۲	۱۲۵ تا ۷، ۴۹
۳	اشرفی ، مصطفی	۱۷،۳	۹۸۸	۲۰۹۲
۴	اصفهانی، زاده احمد	۹،۲	۷۰۸	۱۱۴۵ و ۴۶ و ۴۷
۵	اعتضادرضوی، محمدعلی	۷،۲	۶۹۶	۱۴۴۵، ۱۱۶۹، ۱۱۲۰
۶	امامی، سید علی	۱۱	۴۸۸	۹۳۰، ۵۲۴
۷	برادران رفیعی، علیمحمد	۲۷	۱۳۷، ۱۳	۲۳۲، ۱۳۱، ۵۷
۸	بقیعی، غلامحسین	۳۳	۲۰۱ و ۲، ۱۶۴ تا ۱۵۷	۲۷۹ تا ۲۴۷
۹	تقوی گیلانی، محمدحسین	۵۲، ۱	۷۰۳، ۶۸۸، ۶۷۷	۱۱۶۰ و ۶۱ و ۶۳ و ۶۴
۱۰	تلافی نوغانی، میرزا ابوالقاسم	۵۴	۹۹۹	۲۰۴۷
۱۱	جلایر، عباسقلی	۷۹	۶۴۱، ۶۱۶	۱۰۵۶، ۱۰۰۱ و ۲
۱۲	جوشقانی، فرح الملوک	۷۱، ۲	۹۶۳	۱۹۸۴
۱۳	خرقانی، محمد	۱۱۰	۴۹۸	۹۸۵، ۹۷۰، ۹۴۲، ۹۳۵
۱۴	خزاعی، محمدحسن	۱۰۸	۴۸۹	۵۴۵ و ۶
۱۵	دهشت، غلامرضا	۱۱۴، ۲		۲۰۸۰
۱۶	رجایی، محمد هادی	۱۳۱، ۱	۹۶۹	۲۰۰۴
۱۷	رحیم پورازغدی، حیدر	۱۳۳	۹۷۸	۲۰۴۹-۵۰
۱۸	رضازاده، رجبعلی	۱۳۳، ۲	۸۵۵	۲۰۶۷
۱۹	رفایی سعیدی، سیدرضا	۱۴۶	۳۸۷، ۳۸۳	۴۶۵ و ۶
۲۰	روحانی، سید محمد	۱۳۱، ۲	۹۷۷	۲۰۴۸
۲۱	سیدی علوی، سیدحسین	۱۸۱، ۱	۷۳۰	۱۳۶۷
۲۲	شاهمرادیزاده، غلامحسین	۱۹۷	۷۷	۱۹۱ تا ۱۸۹
۲۳	شریعتی کوهبنانی محمدحسن	۱۹۸	۹۷۱	۲۰۲۷
۲۴	شمس، سید حسن	۲۱۰	۹۷۴	۲۰۴۴
۲۵	شیرازی، سیدمحمدعلی	۱۹۹	۴۹۶	۱۵۳۲، ۹۰۳، ۸۹۹
۲۶	صالحی، حسن	۲۱۷	۷۴، ۶۰، ۴۱	۱۶۱ تا ۱۵۸

ردیف	مصاحبه شونده	شماره پرونده	شماره ویدئو	شماره کاست
۲۸	طالبیان شریف، محمد ابراهیم	۲۴۱،۱	۱۰۱۴	۲۰۹۸
۲۹	عابدزاده، فاطمه	۲۶۳	۲۷۵،۲۳۷	۲۸۹
۳۰	عابدیان، علی اصغر	۲۶۵	۲۷۵،۲۳۷	۲۸۸
۳۱	عباسپور بنهنگی، محمد باقر	۲۶۶،۳	۱۰۱۵	۲۰۹۶-۷
۳۲	عطایی خراسانی، علی اصغر	۲۶۱	۶۷	۱۸۳۲ تا ۳۵
۳۳	علم الهدی، سید عبدالجواد	۲۶۶،۲	۸۰۸	۱۴۰۹ و ۱۰، ۱۴۱۵
۳۴	علوی گنابادی، سید حسن	۲۶۷،۳	۱۰۴۸	۲۱۲۰
۳۵	غروی‌ان، عبدالجواد	۲۷۶	۱۰۴۶	۲۱۱۸
۳۶	فاضل مطلق یزدی، محمود	۲۸۸	۴۹۰	۹۶۸، ۹۰۸، ۸۹۸
۳۷	فاضلی، محمد	۲۸۶	۵۱۲	۹۶۷، ۹۳۲، ۹۰۱ و ۲
۳۸	قدس روحانی (گلابگیر)، محمد علی	۱۳۱	۵۰۷، ۴۶۶	۹۴۱، ۵۲۳ تا ۵۱۹
۳۹	قدیری، قصابان عباس	۲۹۴	۴۶	۱۹۸ و ۹
۴۰	لطفی، نقی	۳۲۱	۲۲۰	۲۹۱ و ۲
۴۱	محامی، مرتضی	۳۵۷، ۲	۹۷۹	۲۰۵۱
۴۲	محدث، سید ابراهیم	۳۵۸، ۲	۱۰۰۵	۲۰۶۰
۴۳	سنابادی عزیز، محمود	۱۷۱	۲۳۲، ۲۲۹	۹۶۳ و ۴، ۸۹۳، ۹۸۹
۴۴	مدیر شانه چی، کاظم	۳۳۱	۲۳۴	۳۲۲ و ۳
۴۵	مصدق، احمد	۳۴۰	۱۴۰، ۸۲	۲۱۲ تا ۲۰۹
۴۶	مصدق، محمود	۳۵۱، ۲	۸۱۵	۱۴۲۵
۴۷	معصومی، علی اصغر	۳۵۵، ۱	۱۰۰۹	۲۰۶۴
۴۸	مهدوی، سید مهدی	۳۳۹	۲۸۶	۳۲۷ و ۸
۴۹	مهدیخانی (مصباح)، غلامحسین	۳۴۰، ۲	۷۲۴	۱۳۰۸
۵۰	موسوی نیا، سید محمد	۳۴۵	۱۰۰۴	۲۰۵۹
۵۱	مولوی، محمدصادق	۳۳۷	۳۴۷	۴۶۹، ۷۷ و ۸
۵۲	نورانی، عبدالله	۳۶۴	۹۷۴	۲۰۴۵
۵۳	واعظ زاده خراسانی، محمد	۳۸۴	۲۵۲	۳۰۰، ۲۹۹
۵۴	واعظ عبایی، مهدی	۳۸۳، ۱	۹۴۶	۱۹۱۸
۵۵	واعظی، یعقوب	۳۹۰	۱۰۰۶	۲۰۶۱

## پی‌نوشتها

- ۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: ۱۴۰۸ق.).
- ۲- محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج اول، مدارس علمیه مشهد، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵).
- ۳- دکتر محمدحسین دیانی، روشهای تحقیق در کتابداری (مشهد: انتشارات کتابخانه رایانه‌ای، ۱۳۸۴)، ص ۱۶.
- ۴- ناصر مکارم شیرازی، تقیه سپری برای مبارزه عمیق تر (قم: انتشارات هدف).
- ۵- ناصر مکارم شیرازی و...، تفسیر نمونه، جلد ۲۷ - سورة قدر (قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶).
- ۶- حافظان و کاتبان وحی (نوار صوتی) / عبدالغفار ذوقی طالقانی، شماره بازیابی ۱۰۲ ک CA3102000.
- ۷- الاخبار الدخيله، محمدتقی تستری (تهران: مکتب الصدوق، ۱۴۰۱ق.).
- ۸- یکصد و پنجاه صحابه ساختگی، مرتضی عسکری، ترجمه عطا محمد سردارنیا (تهران: بهار ۶۴-۱۳۶۱).
- ۹- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه‌چی، چاپ سوم (قم: دفتر انتشارات اسلامی).
- ۱۰- فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸).
- ۱۱- سیری در صحیحین، محمدصادق نجمی (قم: ۱۳۶۱).
- ۱۲- مسند الامام الباقر، عزیزالله عطاردی (تهران: عطارد، ۱۳۸۱).
- ۱۳- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، مجمع البحوث الاسلامیه (مشهد: ۱۴۰۸ق.).
- ۱۴- ناصر مکارم شیرازی، همان.
- ۱۵- حوزه علمیه خراسان، جلد اول، مدارس علمیه مشهد، از محمود پسندیده با مقدمه استاد واعظ خراسانی، چاپ اول (مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵).
- ۱۶- گنج هزار ساله، رمضانعلی شاکری، انتشارات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، شماره ۱۵، بهمن ۱۳۶۷.
- ۱۷- مشهد در بامداد نهضت امام خمینی (ره)، چاپ اول، غلامرضا جلالی (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸).
- ۱۸- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۳۳۷.

۱۹- مصاحبه‌های محمود سنابادی عزیز، نوار کاست ۹۸۹، ۹۶۳، ۹۶۴ و ۸۹۳ و نوار ویدئو ۲۲۹ و ۲۳۲، غلامحسین بقیعی، نوار کاست ۲۴۷ تا ۲۷۹ و نوار ویدئو ۱۵۷ تا ۱۶۴ و ۱۷۷ تا ۱۸۶ و ۲۰۱ و ۲۰۲، سید رضا رفایی سعیدی، نوار کاست ۴۶۵ و ۴۶۶ و نوار ویدئو ۳۸۳ و ۳۸۷، سید حسین سیدی علوی، نوار کاست ۱۳۶۷ و نوار ویدئو ۷۳۰، محمد فاضلی، نوار کاست ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۳۲ و ۹۶۷ و نوار ویدئو ۵۱۲، محمد خرقانی، نوار کاست ۹۳۵، ۹۴۲، ۹۷۰، ۹۸۵، ۹۹۲ و ۱۰۱۴ و نوار ویدئو ۴۹۸، محمد علی قدس روحانی (گلابگیر)، نوار کاست ۵۱۹ تا ۵۲۳ و ۹۴۱ و نوار ویدئو ۴۶۶ و ۵۰۷، محمد علی اعتضاد رضوی، نوار کاست ۱۱۲۰، ۱۱۶۹، ۱۴۴۵ و ۱۵۰۵ و نوار ویدئو ۶۹۶، غلامحسین مهدیخانی (مصباح)، نوار کاست ۱۳۰۸ و نوار ویدئو ۷۲۴، محمد واعظ زاده خراسانی، نوار کاست ۲۹۹ و ۳۰۰ و نوار ویدئو ۲۵۲، سید محمد علی شیرازی، نوار کاست ۸۹۹، ۹۰۳ و ۱۵۳۲ و نوار کاست ۴۹۶، دکتر محمود فاضل مطلق یزدی، نوار کاست ۸۹۸، ۹۰۸ و ۹۶۸ و نوار ویدئو ۴۹۰. (منابع سمعی و بصری، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی).

۲۰- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۶۰.

۲۱- گلشن ابرار، ج ۳، ص ۴۰۵، چاپ اول، پاییز ۸۲.

۲۲- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۲۳۷.

۲۳- همان، ص ۲۶۸.

۲۴- جمعی از پژوهشگران حوزه علمی قم، گلشن ابرار، ج دوم، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم،

بهار ۸۵، ص ۷۶۵.

۲۵- مصاحبه محمدصادق مولوی، ویدئو ۳۴۷، کاست ۷۷، ۷۸، ۴۶۹.

۲۶- گلشن ابرار، جلد دوم، ص ۵۹۴.

۲۷- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۲۰۰.

۲۸- گزارش مؤسسه یکتای مهدویه پیروان انجمن حجتیه و مصاحبه احمد طاهرزاده (انجمن حجتیه در

بستر زمان)، پرونده ۱۰/۲، بخش تاریخ شفاهی، مدیریت گروه اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی.

۲۹- مصاحبه با همسر آن شهید، سرکار علیه خانم فرح الملوک جوشقانی؛ ابراهیم زنگنه، همان، ص

۳۵۹.

30- www.Vaeztabasi.com

۳۱- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۱۶۷.

۳۲- همان، ص ۴۶۱.

۳۳- مصاحبه علیمحمد برادران رفیعی، ویدئو ۱۳ و ۱۳۷، همچین فاطمه عابدزاده، ویدئو ۲۳۷.

- ۳۴- محمدرضا حکیمی، عقل سرخ (قم: دلیل ما، ۱۳۸۳)، ص ۱۹۲؛ همچنین علی اصغر عابدیان، ویدئو ۲۳۷.
- ۳۵- مصاحبه شندگان در پروژه تاریخ شفاهی انجمن پیروان قرآن.
- ۳۶- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، جلد دوم، چاپ سوم (قم: سازمان تبلیغات اسلامی قم، بهار ۸۵)، ص ۵۹۰.
- ۳۷- غلامحسین شاهمرادیزاده، ویدئو ۷۷، کاستهای ۹۱ تا ۱۸۹.
- ۳۸- سخنرانی مورخ ۱۷/۹/۷۷ نامبرده در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، پرونده مصاحبه‌های تایپ شده، شماره ۳۳۸.



## تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاهها

دکتر محمدحسن رازنهان\*

### مقدمه

ناگفته نماند که موضوع تاریخ شفاهی آموزش تاریخ در دانشگاههای ایران، از مباحثی است که تاکنون بدان پرداخته نشده است. به طور یقین در این فرصت کوتاه نیز تنها می توان به طرح ضرورت مسئله پرداخت و بررسی و چگونگی اجرای این موضوع را به فرصت دیگری وا گذاشت. زیرا این موضوع علاوه بر نیاز به تحقیقات عمیق تر، انجام یک طرح مطالعاتی گسترده را می طلبد.

از قرن هجدهم میلادی در بسیاری از شاخه های معرفت بشری، اندیشه های جدید همراه با وقوع تحولاتی فراگیر و شتابان پدید آمد. علوم انسانی و از میان آنها، تاریخ نیز در معرض این تحولات قرار گرفت. این تحولات، به بروز و ظهور آرای مختلف در تعریف علم، روش، موضوعات و مواد مورد مطالعه مورخان انجامید.

منازعات موضوعی، گرایش طیف گسترده ای از محققان بود. مورخان نواندیش، موضوع تاریخ را به تاریخ شاهان و برگزیدگان سیاسی منحصر نمی دانستند. از نظر آنان علم تاریخ، شناخت فرهنگ عامه و گذشته انسانی بدون تمرکز بر قدرت سیاسی و سلسله های حاکم بود. آنان، گشودن درهای بسته تاریخ نگاری و آزاد کردن مورخ را برای گشت و گذار

---

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم.

در گذشته مورد تأکید قرار می‌دادند. تاریخ زبان، تاریخ تغذیه، تاریخ مسکن و مانند اینها به عنوان بخشی از گزارش منسجم درباره گذشته، مورد بحث ایشان قرار گرفت.<sup>۱</sup> از نظر این دسته، مقابله با تاریخ سیاسی - که به تاریخ بی‌حاصل زندگی شاهان، اغراق در نقش شخصیتها در تاریخ، گزارش طولانی جنگها و دیگر کشمکشها، تبدیل شده بود - ضرورت قطعی است. مطالعه و تحقیق درباره گروهها و نهادهای اجتماعی نظیر زنان، کارگران، بازرگانان، معلمان و همچنین دانشگاهها، خانواده و ارتش، رویکردهای نوینی بود که مورخان جدید به آن می‌اندیشیدند.

مورخان نوگرا، همچنین به تغییر در حوزه یافته‌ها و شواهد تاریخی تأکید داشتند. آنان یافته‌های تاریخی را محدود به اسناد و آرشیوهای ملی نمی‌دانستند و مورخان را به استفاده از منابع دیگر دعوت می‌کردند. تاریخ شفاهی، ابزار نوینی بود که مورد توجه قرار گرفت.<sup>۲</sup> از آن زمان (۱۹۵۰ م) تاریخ شفاهی به صورت گسترده در تاریخ‌نگاری موضوعات متنوع تاریخ معاصر مورد استفاده قرار گرفت و انجمنهای علمی تاریخ شفاهی تأسیس شد و طرحهای تحقیقاتی گوناگون برای نگارش موضوعات تاریخ معاصر به اجرا درآمد.<sup>۳</sup> بنیاد اصلی این روش، بر آن قرار داشت که در نگارش تاریخ، مورخ باید از گفته‌ها و گزارشهایی بهره بجوید که بازیگران و دست‌اندرکاران یک موضوع آن را نقل می‌کنند. گردآوری اطلاعات مربوط به هر موضوع با استفاده از مصاحبه‌های روشمند، می‌تواند ابعاد ناشناخته و ناپیدای موضوعات تاریخی را روشن سازد. زبان گفتاری تاریخ شفاهی به دور از دغدغه‌های زبان نوشتاری، به پرده‌برداری از لایه‌های پنهان و مغفول مانده حادثه کمک می‌کند. همچنین، آرایش یافته‌های تاریخی در قالب سخن و گفتار شفاهی، متمایز از زبان نوشتاری است؛ هرچند که زبان گفتار در تاریخ شفاهی سرانجام به صورت نوشته درمی‌آید. تأکید، تشدید، تمایل، توجه، تنفر و بسیاری از احساسات درونی دیگر - که در زبان گفتار نسبت به نوشتار بیش تر مجال بروز می‌یابد - می‌تواند یکی از دلایل اقبال گسترده به تاریخ شفاهی باشد.<sup>۴</sup>



## آموزش تاریخ در دانشگاهها

بیش از نیم قرن از آموزش تاریخ در دانشگاههای ایران می‌گذرد.<sup>۵</sup> به طور مسلم در این مدت این رشته آموزشی با تحولات مختلفی روبرو بوده است. مواجهه دست‌اندرکاران آموزش تاریخ با موضوعاتی که به ماهیت، ساختار، جریانهای بیرونی و درونی این حوزه معرفتی بازمی‌گردد، می‌تواند دستمایه مطالعه قرار گیرد. ماهیت علم تاریخ که زمانی هستی آن به عنوان یک علم، مورد تشکیک گروهی از اهل فن قرار گرفت<sup>۶</sup> تا هنگامی که به مواجهه با علوم محض و موج پررونق آن برخاست و یا هنگامی که علم آموزی در آن به سبب تحولات سیاسی با اقبال روبرو شد و همچنین کم‌اقبالی اخیر، می‌تواند ناگفته‌هایی را از این موضوع آشکار سازد.

ساختارهای داخلی و خارجی این رشته، مانند جایگاه آن در میان دیگر رشته‌ها، نسبت و مناسبات این رشته با مراکز قدرت سیاسی و جریانهای مختلف فرهنگی و فکری جامعه، مناسبات تاریخ با سایر رشته‌های علوم انسانی مانند ادبیات، جغرافیا، جامعه‌شناسی و علوم تجربی، الزاماتی را به تاریخ و پیشینه این رشته تحمیل کرده که در قالب تدوین تاریخ شفاهی، به بخشی از آن می‌توان دست یافت.

## ضرورت‌های تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ

در مقاله حاضر، تدوین تاریخ شفاهی براساس هفت ضرورت توضیح داده شده است که عبارتند از:

### ۱- تاریخ تاریخ

واقعیت آن است که تاریخ‌نگاران گذشته و حال، چندان اهمیتی به بیان تاریخ خود نداشته‌اند و این در حالی است که موشکافی، مرارت و تحمل رنجها و سختی‌هایی که در راه روشن کردن حقایق تاریخی بر خود هموار می‌کنند، بر کسی پوشیده نیست. محقق امروز، نه تنها در دستیابی به زندگی و پیشینه مورخان گذشته با تنگناهای فراوانی مواجه است بلکه از تاریخ و سرگذشت مورخان معاصر نیز کم‌اطلاع است. گویا توافقی صورت گرفته که حتی

مورخان معاصر هم - که به عرصه نوین تاریخ‌نگاری توجه دارند و برای مثال ضرورت تاریخ مسکن و پوشاک را یادآوری می‌کنند - از تاریخ خود تغافل ورزند. فرو گذاشتن تاریخ یا تاریخ مورخان، در حقیقت چشم‌پوشی از تعامل و مواجهه افرادی است که در تبیین حقایق گذشته نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. با تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ، می‌توان به بخشی از این مهم دست یافت.

## ۲- تاریخ شفاهی، ابزاری برای برنامه‌ریزی

دیدگاه‌های جدید در برنامه‌ریزی، بر ضرورت مطالعات تاریخی تأکید می‌کند. اکنون برنامه‌ریزی در هریک از حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بدون مطالعه پیشینه تاریخی آن موضوع، کاری ناتمام و نارس است. به همین جهت برخی از مراکز سیاسی، نظامی و اقتصادی، به ضرورت مطالعات تاریخی پی برده‌اند و به صور گوناگون این نیاز را هرچند به صورت ناقص به گروه‌های تاریخ دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی منعکس می‌سازند.

برنامه‌ها و سرفصل‌های جدید در دوره‌های مختلف آموزش تاریخ، از این نیاز مستثنا نیست. به نظر می‌رسد تدوین تاریخ شفاهی با تکیه بر جمع‌آوری اطلاعات پیرامون نیازهای برنامه‌ریزان می‌تواند در ارائه برنامه‌ها و سرفصل‌های مناسب کمک مؤثری کند. گزارش‌های شفاهی مدرسان و اعضای هیئت علمی تاریخ و پیشکسوتان، منبع بسیار مناسبی جهت اتخاذ تصمیم مناسب در مورد عناوین درسی در سطوح مختلف رشته تاریخ است.

## ۳- تاریخ شفاهی و شناخت چهره‌های علمی

شناخت بیش‌تر چهره‌های علمی در رشته تاریخ از طریق بیان و گفتار، می‌تواند مسیر علمی دانشجویان فعلی را در پیمودن راه صعب و دشوار تحلیل تاریخ هموارتر سازد. چگونگی آشنایی با حوزه تاریخ، سالهای تحصیل برای اخذ مدارج عالی، سالهای طولانی تدریس، رخدادهای گوناگونی که طی سنوات خدمت با آنها روبرو بوده‌اند و بیان خاطرات از استادانی که اکنون در قید حیات نیستند، کم‌ترین دستاوردی است که در این کار می‌توان

انتظار داشت. این گفته‌ها، برای دانشجویان جوان جاذب است و به تقویت انگیزه آنان و شناخت راههای موفقیتشان کمک می‌کند.<sup>۷</sup> در برهه اخیر حیات تاریخ، این کار امری ضروری است.

#### ۴- تاریخ شفاهی به عنوان شاخه‌ای جدید از تاریخ

تاریخ نو، زمینه‌ها و شاخه‌های مختلفی برای علم تاریخ تعریف می‌کند که تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، جامعه‌شناسی تاریخی، جغرافیای تاریخی و اقتصاد تاریخی از جمله آنهاست. تاریخ شفاهی نیز بسرعت در میان گروههای آموزشی تاریخ رواج یافته و صدها انجمن و طرح مطالعات تاریخ شفاهی در دانشگاههای معتبر جهان در حال انجام است. قدمت برخی از انجمنهای تاریخ شفاهی، به حیات رشته تاریخ در دانشگاههای کشور می‌رسد. انجمنهای تاریخ - که اغلب وابسته به گروههای تاریخ هستند - اولویتهای نخستین خود را به تاریخ شفاهی آموزش اختصاص داده‌اند. تداول این امر در دیگر مراکز علمی، ضرورت پرداختن به آن را در برابر ما قرار می‌دهد.

#### ۵- تاریخ شفاهی، بخشی از تاریخ آموزش عالی در ایران

آموزش عالی در ایران، بتدریج به مرز صدسالگی می‌رسد. جهت برنامه‌ریزی تدوین تاریخ این حوزه از فعالیتهای انسانی، همانند دیگر حوزه‌ها باید اقدام کرد. نگارش این تاریخ بدون تاریخ شفاهی آموزش عالی، امری ناقص و ناتمام است.

#### ۶- چالشهای تاریخ و مورخان

ویژگی این ضرورت، از آنجاست که رشته تاریخ و مورخان نسبت به دیگر رشته‌های دانشگاهی با چالشهای سیاسی بیش‌تری مواجه بوده‌اند. شاید بتوان گفت این چالشها نیز خاص تاریخ است. جریانهای سیاسی قبل و بعد از انقلاب هیچیک از رشته‌های دانشگاهی را از نظر دور نداشت. آشنایی با تاریخ شفاهی، آنچه را بر تاریخ و مورخان گذشته آشکار می‌کند و آگاهیهای لازم را در برابر چالشهای پیش‌رو در اختیار می‌نهد.

آگاهی از تجارب گذشته نظیر همراهی تاریخ و جغرافیا در دهه‌های سی و چهل شمسی، منبع ارزشمندی است که اهل تاریخ را در برابر موضوعات اخیر مانند رشته‌های میان‌رشته‌ای و روزآمد کردن برنامه‌ها مطابق نیازها کمک می‌کند. آموزش تاریخ و جغرافی و آنچه پیرامون آن رخ داده، از زبان ناظران و دست‌اندرکاران شنیدنی و سخت موردنیاز است.

## ۷- تاریخ شفاهی و تألیف کتاب و منابع درسی

آموزش تاریخ بدون معرفی منبع و کتاب درسی، مشکل است. اما در معرفی این منابع میان مدرسانِ عنوانهای درسی توافق زیادی وجود ندارد. شناخت ضرورت و چگونگی این مهم و اجرا شدن آن، بخشی دیگر از دستاوردهای تاریخ شفاهی است که می‌توان از زبان مؤلفان شنید و آن را موردتوجه قرار داد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت تدوین تاریخ شفاهی آموزش تاریخ به‌رغم مشکلات احتمالی آن، می‌تواند آغازی بر روزآمدسازی برنامه‌های درسی و ایجاد شاخه تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های کشور باشد.<sup>۸</sup>

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱- پیتز برک، ضرورت همگرایی نظریه اجتماعی و تاریخ: رابطه جامعه‌شناسی و تاریخ، فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسینعلی نودری (تهران: طرح نو، ۱۳۷۹)، ص ۴۳۲.
- ۲- مایکل استفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴)، ص ۲۶۶.
- ۳- همان، صص ۲۶۷-۲۶۸.
- ۴- همان، ص ۲۶۶. استفورد به تفاوت‌های جزئی گفتار اشاره می‌کند که در سند کتبی وجود ندارد.
- ۵- عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ در ترازو (تهران: امیرکبیر، بی‌تا)، ص ۱۴.
- ۶- همان.
- ۷- دانشجویان، همواره علاقه خود را نسبت به اطلاع از زندگی و کوشش‌های علمی استادانشان ابراز می‌دارند. به طور نمونه، در اغلب نشریات علمی دانشجویی سالهای اخیر، می‌توان این علاقه را مشاهده کرد.

نگارنده در کنگره بین‌المللی «اصفهان در پهنه تاریخ و تمدن اسلامی»، شاهد گفتاری درس آموز درباره یکی از پیشکسوتان گروه آموزشی آن دانشگاه بود.

۸- همچنین، از آثار زیر در نگارش این نوشته استفاده شده است:

- پیتربرک، تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱).
- بولارد، سیدنی، اندیشه ترقی و جامعه، ترجمه حسین اسدپور (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴).
- استیوارت، هیوز، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند (تهران: آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹).

## تاریخ شفاهی تبعیدیها

رحیم روحبخش

کاربرد تاریخ شفاهی در حوزه تدوین انقلاب اسلامی، موضوعی است که تقریباً در یک دهه اخیر مورد توجه ویژه قرار گرفته است. حال آنکه پیش از آن، با پیروزی انقلاب و دستیابی نیروهای انقلاب به اسناد و مدارک مراکز امنیتی، منابع عمده تدوین تاریخ انقلاب را اسناد ساواک تشکیل می داد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی نیز - که در پی فرمان امام، متولی تدوین تاریخ انقلاب گردید- در راستای همین رویکرد، اسناد ساواک را در آرشیو خود قرار داد. اما بعدها شاخه های علمی دیگر برای تبیین علمی انقلاب مورد توجه قرار گرفت و حوزه کاری مرکز به مواردی نظیر چاپ علمی اسناد، تدوین خاطرات، نگارش تاریخ منطقه ای و همچنین پژوهش در حوزه های حقوقی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و اندیشه انقلاب گسترش یافت. تاریخ شفاهی انقلاب، یکی از بخشهای پرکار و فعال مرکز اسناد انقلاب اسلامی می باشد. شناسایی افراد مؤثر در نهضت، دعوت برای مصاحبه، برگزاری جلسات متعدد مصاحبه، ضبط صوتی و تصویری گفتگوها، پیاده کردن متن مصاحبه ها، واگذاری متن پیاده شده به محققان برای تدوین خاطرات و بالاخره نظارت بر کار محقق جهت اعمال شیوه های علمی و مرسوم اعم از فصل بندی و عنوان گذاری موضوعات، نگارش پاورقی برای رفع ابهام از وقایع، معرفی شخصیت های نامبرده در متن پاورقی، حذف موارد تکراری و نکات خارج از چارچوب مورد نظر مرکز اسناد و مواردی از این قبیل، مراحل

عمده تبدیل مصاحبه به کتاب را شامل می‌شود که بخش تاریخ شفاهی در همکاری با سایر بخشها، نقش اصلی را در تحقق آن ایفا می‌کند.

در یک بررسی کلی از مجموعه آثار تاریخ شفاهی چاپ شده در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، می‌توان به یک تقسیم‌بندی محتوایی از متن این خاطرات رسید؛ نخست؛ بخشی از خاطرات به مسائل شخصی اعم از خانواده، تولد، تحصیلات، شغل و به تعبیر دیگر، زندگی خصوصی افراد می‌پردازد. در حالی که بخش دوم، مبارزات سیاسی فرد را شامل می‌شود. از این دو قسمت، بخش اخیر را می‌توان غالباً با پرونده اسناد انفرادی آن شخص - که در ساواک و یا سایر نهادهای امنیتی تهیه شده است - تکمیل و به اصطلاح مستند کرد. از این رو، در پایان برخی از خاطرات تدوین کرده مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسنادی از پرونده انفرادی آن فرد در ساواک ضمیمه کتاب، چاپ شده است.

یک نکته حائز اهمیت در این بخش، تعداد اندک اسناد دوره تبعید نیروهای مبارز می‌باشد. به تعبیر روشن‌تر، اسناد دوران مبارزات فردی در تهران، قم و یا یکی از شهرهای بزرگ در فاصله یک‌ساله ممکن است بیش از صدها گزارش باشد. در حالی که شمار اسناد دوران تبعید یک‌ساله همان فرد از چند برگ انگشت شمار و آن هم غالباً مربوط به ابلاغ حکم صادره، تبعیدگاه، ملاقات با تبعیدی و مواردی از این قبیل تجاوز نمی‌کند. اینجاست که تاریخ شفاهی به عنوان مکمل اسناد به کمک محقق می‌آید و روایت یک‌ساله فعالیت‌های تبعیدی در قالب بازگویی خاطرات دوران مبارزه در تبعیدگاهها، خلأ حاصل از کمبود اسناد آن دوره را پر می‌کند.

### طرح مسئله

نگارنده این سطور در خلال انجام یک پژوهش تحت عنوان «رسانه‌ها و پیام‌رسانی در انقلاب اسلامی»، بیش از پیش به اهمیت تاریخ شفاهی برای تبیین زوایای مغفول تاریخ انقلاب واقف گشت. برای انجام این طرح، در آغاز نقش نیروهای مبارز و پیام‌رسان و همچنین پایگاه‌های نهضت اعم از نیروهای بومی مبارز و مساجد در شهرهای بزرگ و حتی متوسط از پرونده‌های انفرادی ساواک و شهربانی آنان شناسایی و معرفی گردید. اما هنگامی که نوبت به

شهرهای کوچک و غالباً محروم کشور رسید، در اسناد و مدارک موجود از دستگاہهای امنیتی بندرت گزارشی از حضور و نقش عوامل پیام‌رسان نهضت و یا فعالیت عناصر بومی به چشم می‌خورد. لذا انتظار می‌رفت که نفوذ آموزه‌های انقلاب در آن مناطق کم‌رنگ بوده باشد؛ اما واقعیت غیر از این بود. در آن شهرها نیز بسان شهرهای بزرگ، در ماههای منتهی به پیروزی انقلاب، تظاهرات وسیعی به وقوع پیوست که بعضاً با درگیریهای خونین همراه بود. به این ترتیب، برای نگارنده این سؤال پیش آمد که چگونه آموزه‌های انقلاب به این مناطق محروم راه یافت و گسترش پیدا کرد؟ تا اینکه در خلال بررسی خاطرات روحانیون تبعیدی به شهرهای محروم و دورافتاده کشور، پاسخ این پرسش به دست آمد. از این رو بسیاری از این خاطرات که در قالب تاریخ شفاهی و به صورت مصاحبه در مراکز اسنادی و پژوهشی و یا نشریات چاپ و منتشر شده بود، تهیه گردید و ابعاد مغفولی از تاریخ انقلاب مورد بازکاوی قرار گرفت.

### چهار موج تبعیدی

از بررسی تاریخ شفاهی تبعیدیها، چهار موج تبعیدی در طول یک دهه و نیم دوران نهضت درخور شناسایی می‌باشد. هر موج تبعیدی در پی وقوع یک یا چند رویداد همزمان و عمده مربوط به نهضت انجام می‌گرفت که در خلال آن برای جمعی از نیروهای مبارز، حکم صادر گردید. البته در فواصل زمان قبل و بعد از هر موج تبعیدی نیز غالباً عناصر دیگری از نیروهای انقلابی در زمینه برنامه‌های مبارزاتی دستگیر و تبعید می‌شدند که از این افراد به‌عنوان تبعیدیهای انفرادی مرتبط با هر یک از موجهای چهارگانه نام برده می‌شود. چهار موج عمده تبعیدیها به شرح زیر می‌باشد. یاد کرد این نکته ضروری است که به علت حجم محدود مقاله، در این نوشتار فقط سه موج اول، دوم و سوم تبعیدها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- موج اول تبعیدها: در پی افزایش اعتراضات به تبعید امام و تداوم نهضت

(۱۳۴۳ - ۱۳۴۵)؛

۲- موج دوم تبعیدها: در پی ارسال اولین اعلامیه امام از نجف و اعلام مرجعیت

ایشان بعد از رحلت آیت الله العظمی حکیم (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰)؛



۳- موج سوم تبعیدها: در پی قتل و خلع سلاح پاسبانی در قم به دست گروه ابوذر و تبعید گسترده روحانیون مبارز (۱۳۵۱ - ۱۳۵۴)؛

۴- موج چهارم تبعیدها: قیام نوزدهم دی ماه قم و سلسله اربعینهای بزرگداشت شهدا در شهرهای مختلف (۱۳۵۵ - ۱۳۵۷).

**موج اول تبعیدها:** بررسی نهضت روحانیت از جریان اعتراض به لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ تا تبعید امام خمینی از ایران در آبان ۱۳۴۳، نشان می‌دهد که دستگاه امنیتی کشور برای مقابله با نیروهای مبارز، از راهکارهای مختلفی نظیر عقب‌نشینی در قبال افزایش اعتراضات عمومی (لایحه انجمنها)، دستگیری و بازداشت افراد، ممنوع کردن منبر واعظان، حمله به پایگاههای نهضت و ضرب و شتم افراد (مدرسه فیضیه)، صدور اعلامیه‌های جعلی، دست‌زدن به خشونت و کشتار مردم (قیام پانزدهم خرداد) و بالاخره تبعید امام از ایران، استفاده کرد. اما بعد از تبعید امام، باز هم طرفداران نهضت در پوشش برگزاری مراسم مذهبی، سعی در تداوم نهضت و زنده کردن یاد و نام امام کردند. این مراسم، در قم در قالب برپایی دعای توسل، در مسجد بالا سر حضرت معصومه (س) و جشن میلاد امام زمان (عج) در مسجد اعظم برگزار گردید. در مراسم مشابه دیگری به مناسبت جشن مذکور، در تعدادی از مساجد تهران، واعظانی از قبیل فضل‌الله محلاتی، صدر روحانی، سید هاشم شجاعی و سید محمد گازی سخنرانی و به تبعید امام اعتراض کردند که مدتی بعد دستگیر شدند. اما همچنان سخنرانی‌هایی از این نوع تداوم یافت و ساواک در یک مرحله دیگر، اقدام به دستگیری و بازداشت ۳۶ تن دیگر از واعظان کرد.<sup>۱</sup>

با این احوال، وعاظ به مبارزه خود ادامه دادند و سعی می‌کردند از مناسبت‌های مذهبی برای برنامه‌های مبارزاتی‌شان بهره برداری کنند. چنانچه در ماه رمضان ۱۳۴۳ ش. طبق برنامه‌ای منظم، مسجد جامع تهران را برای ایراد سخنرانی به صورت نوبتی انتخاب کردند که ساواک، ناچار شد ابتدا مسجد را قفل کند؛ اما چون با بازتاب منفی آن در افکار عمومی مواجه شد، اقدام به جمع‌آوری بلندگوها و فرشهای مسجد کرد.<sup>۲</sup> بالاخره مراسم دیگری که باز هم با نقش آفرینی وعاظ منجر به درگیری و سپس دستگیری آنان گردید، دومین سالگرد فاجعه مدرسه فیضیه قم بود. این مراسم در مدرسه مذکور برپا گردید و روحانیونی از قبیل

ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی و هاشمی رفسنجانی، دستگیر و بازداشت شدند.<sup>۳</sup>

از این رو بتدریج برای ساواک این امر مسجل شد که راهکار دستگیری و بازداشت وعاظ و سپس آزادی آنها، کارآمدی ندارد و باید چاره‌ای اساسی برای مقابله با روحانیون بیندیشد. در یکی از گزارشهای ساواک در خصوص علل ناکامی در اتخاذ راهکار مذکور، چنین آمده است: «هرگاه، هر یک از روحانیون افراطی بازداشت می‌شوند، آن فرد از نظر افکار عمومی مورد توجه قرار گرفته و بعد از آزادی، از سوی مجالس عزاداری و هیئتهای مذهبی، بیش از گذشته دعوت می‌شود. وانگهی در دوره بازداشت نیز، هزینه‌های زندگی خانواده او از طرف دوستانش تأمین می‌گردد.» در ادامه این گزارش، در خصوص روحانیون موافق نظام اضافه گردیده که متقابلاً آنان بتدریج موقعیت خود را در افکار عمومی از دست داده و از آنها برای مجالس وعظ دعوت به عمل نمی‌آید.<sup>۴</sup>

چنین به نظر می‌رسد که ساواک در پی این ناکامیها، رویکرد امنیتی خود را تغییر داده بود و طی بیش از یک دهه بعد، به دنبال هر سخنرانی تحریک‌آمیز و غالباً به بهانه‌های واهی دیگر، وعاظ را دستگیر و به مناطق دورافتاده و محروم کشور تبعید می‌کرد.

به این ترتیب، ساواک نخستین بار از این راهکار در پی ایراد سخنرانیهای تند در جریان برگزاری مراسم جشن نیمه شعبان برابر با هجدهم آذر ۱۳۴۴ در مسجد اعظم قم استفاده کرد. در پی برپایی این مراسم - که سخنرانان آن بار دیگر از لزوم بازگشت امام به ایران سخن راندند - مأموران به مسجد هجوم بردند و بعد از شناسایی عاملان آن، تعداد ۲۰ تن را دستگیر کردند که بلافاصله کمیسیون امنیت اجتماعی قم تشکیل جلسه داد و شش نفر از بازداشت‌شدگان را به نامهای سید عبدالله هاشمی، مرتضی حجازی، فلاح یزدی، هادی پیشوایی و قربانعلی طایف نجف‌آبادی، به اقامت اجباری (تبعید) چهار ماهه در سمنان و محمدرضا مؤیدی را به همین مدت در دامغان محکوم کرد.<sup>۵</sup> گفتنی است که هادوی، رئیس وقت دادگستری قم و از اعضای کمیسیون مذکور، از تأیید این حکم خودداری ورزید که به همین دلیل مدتی بعد ناچار به انتقال اداری از قم به تهران گردید.<sup>۶</sup>

مدتی بعد، وقایع دیگری رخ داد که بار دیگر ساواک اقدام به دستگیری و صدور حکم تبعید جمعی از وعاظ کرد. یکی از این وقایع، از این قرار بود که جمعی از نیروهای انقلابی، در آستانه حلول سال نو (۱۳۴۵) در حرم حضرت معصومه (س) اقدام به پخش اعلامیه کردند. اما ساواک آنها را شناسایی و مدتی بعد دستگیر کرد. از جمع دستگیرشدگان، شش نفر به نامهای سید احمد کلانتر و محمد جعفری گیلانی، هر یک به مدت چهار ماه به فردوس، مهدی کروی، محمدرضا یاسین و محمدعلی گرامی همین مدت به گنبد کاووس<sup>۷</sup> و بالاخره شهاب‌الدین اشراقی - داماد امام خمینی - به مدت یک سال به همدان تبعید شدند. گفتنی است که اشراقی، وکیل امام متهم به پرداخت کمکهای مالی به نیروهای مبارز بود.<sup>۸</sup>

بدین ترتیب در موج اول، ۱۲ تن از روحانیون محکوم به تبعید شدند. خوشبختانه از این تعداد، آیت‌الله محمدعلی گرامی، اقدام به مصاحبه و بازگفت خاطرات خود در قالب تاریخ شفاهی کرده است. در این کتاب، قریب ده صفحه درباره دوران تبعید ایشان در گنبد می‌باشد.<sup>۹</sup> برخلاف سایر قسمتهای مبارزات سیاسی ایشان - که غالباً در فعالیتهای گروهی در سایر منابع نیز به آنها اشاره شده - این بخش از خاطرات ایشان در هیچ منبعی ذکر نشده و از این رو اهمیتی مضاعف می‌یابد. براساس این خاطرات، عمده مبارزات ایشان در دوران تبعید، فعالیت علیه بهائیان گنبد کاووس بوده که موفقیت‌های زیادی همراه داشته است؛ به طوری که مورد تقدیر مؤمنان آنجا قرار گرفت.

**موج دوم تبعیدها:** پیام‌رسانی امام از نجف و اعلام مرجعیت ایشان بعد از رحلت آیت‌الله العظمی حکیم (۱۳۴۶ - ۱۳۵۰): تبعیدیهای این دوره از نظر زمانی در نیمه دوم دهه چهل قرار می‌گیرند. در آغاز این مرحله، امام دو سال بعد از تبعید به عراق، نخستین اعلامیه خود را در اعتراض به جشنهای تاجگذاری در آبان‌ماه ۱۳۴۶ صادر کرد و تکالیف جدیدی برای نیروهای مبارز تعیین کرد. اعلامیه امام خطاب به «حضرات فضلا و محصلین حوزه مبارکه قم، تهران و سایر حوزه‌های علمیه کشور»، در ۲۷ فروردین همان سال صادر شد.<sup>۱۰</sup> این اعلامیه و اعلامیه دیگری را از ایشان خطاب به امیرعباس هویدا - نخست‌وزیر وقت - روحانیون انقلابی چاپ، تکثیر و توزیع کردند. حجج اسلام سید حمید روحانی<sup>۱۱</sup> و علی‌اکبر ناطق نوری،<sup>۱۲</sup> در خاطراتشان بتفصیل از نقش خود در این فعالیتهای سخن گفته‌اند.

ساواک بعد از اطلاع از ارسال پیام امام، بر نظارت خود شدت بخشید و در آغاز، جمعی از دست‌اندرکاران کتابخانه ولی عصر (عج) امام را در قم از جمله آیات عظام منتظری، ربانی شیرازی و همچنین وکلای ایشان را به نامهای محفوظی، صانعی و اسلامی، دستگیر و بازداشت کرد. این عمل، موجی از اعتراضات را برانگیخت. روحانیون، تلگرافهایی خطاب به آیات عظام؛ محسن حکیم و احمد خوانساری در جهت اقدام برای آزادی دستگیرشدگان مخابره کردند. ولی ساواک، با تشکیل بیدادگاه، حکم یک سال و نیم زندان برای منتظری و دو سال برای ربانی شیرازی صادر کرد که بعداً حکم آیت‌الله منتظری به تبعید تغییر یافت. تبعیدگاه وی مسجد سلیمان بود. ایشان در خاطرات خود از نظارت شدید امنیتی بر آن شهر به دلیل هم‌مرز بودن با عراق و داشتن صنایع نفتی و همچنین نقش کارگری و نظامی آن سخن به میان آورده است.<sup>۱۳</sup>

ولی بعد از اتمام دوران تبعید و مراجعت به قم، بار دیگر ایشان را به اتهام کمک مالی به خانواده‌های روحانیون زندانی و تبعیدی، به نجف آباد تبعید کردند. منتظری به علت نفوذ و موقعیتی که در زادشهر خود داشت، برنامه‌های مبارزاتی‌اش را در قالب برگزاری کلاسهای تدریس تفسیر، اصول فقه، آموزش ادبیات عرب (مخصوص خانمها)، اقامه نماز جمعه در مسجد جامع و پرداخت شهریه به طلاب قم، به نمایندگی از امام تداوم بخشید.<sup>۱۴</sup>

مرحله دوم مبارزات روحانیون در این مقطع، در سال ۱۳۴۹ رقم خورد. در خرداد ماه همین سال آیت‌الله العظمی حکیم، مرجع تقلید شیعیان رخت از جهان فرو بست. روحانیون طرفدار نهضت - که مرجعیت امام را برای پذیرش رهبری سیاسی لازم می‌دانستند - برای تبلیغ مرجعیت ایشان به فعالیت پرداختند. ابتدا آیات عظام منتظری و ربانی، اعلامیه‌ای در تأیید مرجعیت امام صادر کردند.<sup>۱۵</sup> این اقدام، مورد استقبال بسیاری از مدرسان و فضلاء حوزه قم و شهرستانها قرار گرفت. از آن جمله ده تن از مدرسان حوزه قم به طور انفرادی اعلامیه‌هایی در خصوص مرجعیت امام صادر کردند. این علما عبارت بودند از: آیات و حجج اسلام محمد موحدی فاضل (فاضل لنکرانی)، حسین نوری، نعمت‌الله صالحی، احمد جنتی، ابوالقاسم خزعلی، یحیی انصاری، علی مشکینی، غلامرضا صلواتی، ابراهیم امینی و محمد شاه‌آبادی.<sup>۱۶</sup>

اقدام دیگر در این راستا، برگزاری مجلس ختم آیت‌الله حکیم در مسجد جامع بازار تهران از سوی وعاظ مبارز و سخنرانی شیخ علی اصغر مروارید درباره مرجعیت امام بود.<sup>۱۷</sup> بعد از این مراسم، بسیاری از واعظان و اهل منبر در شهرستانها جرئت یافتند و در مجالس مذهبی به معرفی و اعلام مرجعیت امام پرداختند و بعضاً از رساله ایشان، احکام شرعی را بیان کردند.<sup>۱۸</sup>

آیات منتظری و ربانی شیرازی در یک اقدام هماهنگ دیگر، نامه‌ای به امضای ۵۰ تن از مدرسان و فضلاء حوزه قم تهیه و خطاب به امام ارسال کردند که در آن، بر رهبری ایشان تأکید شده بود.<sup>۱۹</sup> آیات فاضل لنکرانی<sup>۲۰</sup> و حسین نوری<sup>۲۱</sup> از صادرکنندگان اعلامیه انفرادی و همچنین از امضاکنندگان نامه مذکور، در مصاحبه‌هایی بر نقش مهم این اقدامات در رویکرد توده‌های مؤمن به مرجعیت امام تأکید کرده‌اند.

ساواک، سرعت عاملان این برنامه‌ها را شناسایی و آنان را نه تنها در این مرحله بلکه بعدها نیز به همین اتهام محاکمه کرد. از میان این اشخاص، دو تن از افراد پیشگام یعنی آیت‌الله منتظری را در تبعیدگاه خود (نجف آباد) ابقا کرد و آیت‌الله ربانی شیرازی را بازداشت ولی با وساطت آیت‌الله شریعتمداری آزاد کرد.<sup>۲۲</sup> همچنین سه تن دیگر از دست‌اندرکاران معرفی مرجعیت امام یعنی خزعلی، مروارید و صلواتی را، به سه سال تبعید در زابل محکوم کرد. در همین راستا، برخی از روحانیون مبارز شهرستانها نیز از تعقیب ساواک در امان نماندند. شیخ عباس ایزدی را از علمای نجف آباد - که در مجلس ترحیم آیت‌الله حکیم درباره مرجعیت امام و دست داشتن ساواک در به شهادت رساندن آیت‌الله سعیدی سخنرانی کرده بود - دستگیر و به دو سال تبعید در زابل محکوم کرد. پیش از آن شیخ احمد کلانتر نامی نیز - که در مجلس ترحیم آیت‌الله سعیدی در مدرسه فیضیه و محل دفن آن شهید (وادی السلام قم) سخنرانی اعتراض آمیزی کرده بود - دستگیر و به تبعید سه ساله در زابل محکوم کرده بود.<sup>۲۳</sup> مجموعه این تبعیدیها در آغاز ورود به زابل، به مدت سه ماه در منزل یکی از روحانیون مبارز بومی به نام سید محمدتقی حسینی اقامت گزیدند. خوشبختانه از میان این پنج تن، آیت‌الله خزعلی خاطرات خود را در قالب تاریخ شفاهی بازگو کرده که چاپ و منتشر شده است. همچنین آیت‌الله ایزدی در گفتگویی جمعی با شرکت تعدادی از تبعیدیهای

انقلاب به کوشش بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، مطالبی دربارهٔ این دوره از تبعید خود بیان کرده است که از خلال این خاطرات، می‌توان نقش و فعالیتهای تبعیدیهای موج دوم را مورد بررسی قرار داد.

خزعلی در خاطراتش نقل کرده است: در هوای گرم زابل - که گاه به ۵۲ درجه می‌رسید - کاری که انجام آن میسر بود، حفظ کردن قرآن بود. وی اضافه کرده، همچنین با سایر تبعیدیها جلسات مباحثهٔ درسی ترتیب دادند و بتدریج با علما و اهالی آنجا ارتباط برقرار کردند؛ ولی به دلیل جو فرهنگی، امکان برگزاری جلسات سخنرانی وجود نداشت. نکتهٔ درخور توجه از یادمانده‌های خزعلی، نقش «خیران و برادران مبارز در قم» جهت تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی تبعیدیها می‌باشد.<sup>۲۴</sup> چنین به نظر می‌رسد که برخی از وکلای امام از جمله منتظری<sup>۲۵</sup> و محلاتی،<sup>۲۶</sup> از مدتها پیش چنین کمکهایی را در دستور کار خود قرار داده بودند.

اما ایزدی نیز در خاطراتش به موضوع تأمین هزینه‌های مالی زندگی تبعیدیها اشاره کرده و خاطرنشان ساخته که: در این دوره نیروهای مبارز از اقصی نقاط کشور و بخصوص برخی از تجار تهران به دیدار تبعیدیها می‌شتافتند و امکانات رفاهی آنها را فراهم می‌کردند. نامبرده دربارهٔ اوضاع فرهنگی زابل نیز افزوده است: برخی از موانع موجود در آنجا، مانع فعالیتهای سیاسی و تبلیغی تبعیدیها می‌شد؛ از جمله برخی روحانیون بومی طرفدار عقاید انجمن حجّیه بودند و اصولاً هرگونه فعالیت سیاسی را تخطئه می‌کردند. مانع دیگر، فقر فرهنگی منطقه بود و این عامل، هرگونه فعالیت را از افراد سلب می‌کرد. ایشان در پایان اضافه کرده که: با همهٔ این موانع، عناصر مبارز طی دوره‌های مختلف تبعید و یا سفرهای تبلیغی، توانستند زمینه‌های رشد فکری برخی جوانان منطقه را فراهم سازند. از جملهٔ این افراد می‌توان آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی را نام برد که بتدریج موفق شد برای جوانان جلسات درس و سخنرانی برگزار کند و در پیام‌رسانی آموزه‌های انقلاب نقش مهمی ایفا کند.<sup>۲۷</sup>

**موج سوم تبعیدها:** که در پی قتل و خلع سلاح پاسبانی در قم به دست گروه ابوذر صورت گرفت. یک تشکل مبارزاتی در حوزهٔ شریعت و امر به معروف و نهی از منکر، در نهادند فعالیت می‌کرد که برای توسعهٔ برنامه‌های خود، درصدد دستیابی به سلاح برآمدند.

برای این منظور، چند تن از اعضای گروه به قم عزیمت کردند تا در آنجا، هم از مجتهدها مجوز شرعی برای مبارزه مسلحانه دریافت کنند و هم با خلع سلاح پاسبانی، اسلحه به دست آورند. اما با ناکامی در این طرح، بهانه لازم برای ساواک فراهم شد تا اقدام به دستگیری و تبعید گسترده دهها نفر از عناصر مبارز کند. تعداد تبعیدیهای این موج ۲۵ نفر بود که با اضافه کردن تبعیدیهای انفرادی این مقطع، به ۵۰ تن می‌رسید. مدت تبعید غالب آنان سه ساله بود و تبعیدگاه اولیه بسیاری نیز شهرهای دور افتاده و سنی نشین انتخاب شد. با عنایت به تغییر تبعیدگاه برخی از این تبعیدیها از شهری به شهر دیگر به اضافه تبعیدیهای انفرادی، می‌توان ادعا کرد که قریب ۶۰ شهر از مناطق محروم کشور در معرض تبلیغات و پیام‌رسانی آنان قرار گرفت. زمان طولانی تبعید، فرصت لازم را به تبعیدیهای این دوره داد تا با برنامه ریزی منسجم و هماهنگ، فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی خود را متمرکز کنند. از سوی دیگر، تدارکات و پشتیبانی مادی و معنوی تبعیدیها و خانواده‌های آنان نیز با نظم بیش‌تری در دستور کار عناصر مبارز قرار گرفت و آنان توانستند یک حلقه ارتباطی میان پایگاههای نهضت در قم و تهران با تبعیدگاهها ایجاد کنند و به تبادل اخبار و گزارشهای نهضت پردازند. و سرانجام تاریخ شفاهی گسترده از یادمانده‌های دوران تبعید تبعیدیهای این دوره است که در قالب چاپ و انتشار خاطرات و همچنین انجام گفتگو و مصاحبه‌های مفصل با نشریات، اهمیت این موج تبعید را در مقایسه با دو موج قبلی مضاعف می‌سازد.

### رویدادهای تعیین کننده

۱- جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در سال ۱۳۵۰: این مراسم، از همان آغاز با مخالفت امام و روحانیون مبارز مواجه شد. امام در نجف سخنرانی اعتراض آمیزی ایراد کرد که بعدها متن آن در قالب اعلامیه و نوار سخنرانی، به دست طرفداران نهضت تکثیر و توزیع گردید. پخش سخنرانی امام از «رادیو نهضت روحانیت ایران» - که از رادیو بغداد پخش می‌شد - در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۵۰، باعث شد که جمع زیادی از عناصر انقلابی در صدد ضبط و بعد پیاده کردن آن بر روی کاغذ و بالاخره تکثیر و توزیع آن برآیند. از این رو دامنه فعالیت پیام‌رسانی نیروهای انقلابی در اقصی نقاط کشور گسترش یافت و بر همین اساس، اقدامات

بازدارنده ساواک نیز گسترده شد و دهها تن از روحانیون مبارز در شهرهای مختلف دستگیر و محکوم به تبعید شدند.

**۲- انتصاب پرویز ثابتی به ریاست امنیت داخلی:** ثابتی که طی هفت سال پیش از آن در بخشهای مدیریتی اداره کل سوم ساواک (امنیت داخلی) فعالیت می‌کرد، در این سال به جای تیمسار مقدم، به ریاست مهم‌ترین واحد ساواک نایل آمد. او با درایت، از ناکارآمدی ساواک طی سالهای متمادی در مقابله با مبارزات روحانیون آگاهی یافت. از این رو با اتخاذ تدابیر و برنامه‌هایی، درصدد حل این معضل برآمد. فردوست در خاطراتش از ثابتی در این سال به عنوان «معروف‌ترین چهره ساواک» نام برده و او را، که در آن سالها با افشا و کشف گروههای مسلحانه چریکی نظیر سازمان مجاهدین خلق، چریکهای فدایی خلق و مانند اینها شهرتی به هم رسانده بود، با نام «مقام امنیتی» به افکار عمومی معرفی کرده است.<sup>۲۸</sup> یک بررسی مقایسه‌ای از قبل و بعد از انتصاب وی به مقام مذکور، نشان می‌دهد که میزان بازداشتها در دوره او چند برابر افزایش پیدا کرد. او نقش اصلی را در تبعید روحانیون داشت. در یک دستورالعمل امنیتی به تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۲، برای کنترل تبعیدها در تبعیدگاهها از طریق شرکت‌های مسافربری و جلوگیری از ترک موقتی تبعیدگاه، اشاره شده است.<sup>۲۹</sup>

**۳- ماجرای گروه ابوذر:** از بررسی کتاب «تاریخ شفاهی ابوذر»،<sup>۳۰</sup> چنین برمی‌آید که در پی برگزاری جلسات مذهبی از سوی جمعی از مؤمنان نهانند در قالب تشکلی با عنوان «انجمن حجتیه» برای جلوگیری از پیوستن جوانان به بهائیت، تعداد انگشت شماری از دانش‌آموزان شرکت کننده در این جلسات از خط مشی انجمن مبنی بر عدم دخالت در سیاست، روگردان شده و طی رایزنیهای تصمیم‌گرفتن برای حل معضلات اجتماعی و سیاسی به مبارزه پردازند. از جمله، در یک اقدام متهورانه، سینما تاج نهانند را که در آن فیلمهای مبتذل نمایش داده می‌شد به آتش کشیدند. آنان برای انجام این عملیات، از حجت‌الاسلام ری شهری، که برای سفر تبلیغی به نهانند رفته بود استخاره خواستند.<sup>۳۱</sup> از ۲۲ نفر اعضا، ۹ نفر عضو اصلی بودند و جلسات خود را در پوشش تجمعات دوستانه برگزار می‌کردند. این ۹ نفر، به سه گروه سه نفره با مسئولیت بهمن منشط، عبادالله خدارحمی و ماشاءالله سیف تقسیم شدند و بعد از چند عملیات ناقص، از تابستان سال ۵۲ تصمیم به مبارزه



مسلحانه گرفتند. برای این منظور، با برخی علمای مبارز وقت از جمله آیت‌الله ربانی شیرازی و حجت‌الاسلام فاکر مذاکراتی به عمل آوردند و در نهایت، سه نفر از اعضا به قم عزیمت کردند. عملیات خلع سلاح پاسبان مستقر در بازار قم، در ساعت ۱۲ شب ۲۵ تیر ماه ۱۳۵۲ بود که در پی فریادهای پاسبان، بناچار چند ضربه کارد به او زدند و با برداشتن اسلحه او گریختند. اما همکاران پاسبان، با شنیدن سر و صدا به محل حادثه شتافتند و بعد از درگیری مختصری موفق به دستگیری آن سه تن شدند. بلافاصله سایر اعضا شناسایی و طی محاکمه‌ای، شش تن اعدام و بقیه به زندان محکوم شدند. اعتراف برخی به ارتباط با روحانیون مبارز، بهانه مورد نیاز ساواک را برای دستگیری و تبعید گسترده آنان فراهم کرد.

ربانی شیرازی، اولین فردی بود که ساواک به سراغ او رفت. او در مصاحبه‌ای نقل کرده که در ساعت نخست بازداشت، بشدت با شلاق، سیگار و باتوم برقی شکنجه شد.<sup>۳۲</sup> درز خیر شکنجه‌های ربانی، باعث اعتراضات روحانیون مبارز و درخواست کمک آنها از مراجع تقلید شد. با تداوم اعتراضات، ثابتی ۲۵ نفر از عاملان آن را که غالباً طی یک دهه مبارزه شناسایی شده و دارای پرونده امنیتی بودند، دستگیر و طی محاکمه‌ای تبعید کرد. در حکم صادره این افراد، خاطرنشان گردیده که «ماجراجویی و اخلاص‌گری آنان محرز گردیده بود.»<sup>۳۳</sup>

به هر حال، اسامی تبعیدیهای مذکور همراه با تبعیدگاهها و توضیحات لازم، به شرح زیر و جدولی که در انتهای مطلب آمده ارائه می‌گردد.

### مروری بر فعالیتهای تبعیدیهای موج سوم در تبعیدگاههای خود

از بررسی مصاحبه‌ها و خاطرات تبعیدیهای این دوره در قالب تاریخ شفاهی، می‌توان ابعاد و زوایای گسترده نقش آنان را در پیام‌رسانی آموزه‌های نهضت مورد بازکاوی قرار داد. این ابعاد، به شرح زیر درخور بررسی است:

۱- استقرار در تبعیدگاه و زمینه‌سازی برای تبلیغ: اهالی تبعیدگاه در بدو ورود هر تبعیدی، معمولاً با دید مجرم به او نگاه می‌کردند.<sup>۳۴</sup> از این رو، غالب تبعیدیها در آغاز سراغ روحانی بومی آنجا می‌رفتند و از این طریق، هم اعتماد عمومی را جلب می‌کردند و هم

زمینه حضور در مساجد و محافل مذهبی و ایراد سخنرانی را می‌یافتند. به عنوان نمونه، منتظری با کمک رئیس مدرسه دینی طبس، در مدرسه دینی آنجا مستقر شد و هزینه لوله کشی آب مدرسه را تقبل کرد.<sup>۳۵</sup> ربانی املشی، در منزل سید محمد حسن آل طیب، از مجتهدان شوستر اقامت گزید.<sup>۳۶</sup> یزدی، که حتی منزلی برای اجاره در «کنگان» پیدا نکرد - بناچار به قم مراجعت کرد. اما مجدداً دستگیر شد و این بار با اعمال نفوذ ژاندارمری، منزلی موقت اجاره کرد که البته در آنجا هم دوام نیاورد و تبعیدگاهش به بوشهر تغییر یافت. در آن شهر با تبعیدی دیگر یعنی خلخالی منزلی اجاره کرد و با کمک شیخ ابوتراب (عاشوری)، از روحانیون بومی - به فعالیتهای مبارزاتی روی آورد.<sup>۳۷</sup>

خلخالی نیز که پیش از آن به انارک یزد تبعید شده بود، با اعمال نفوذ ژاندارمری آنجا منزلی اجاره کرد و به فعالیت پرداخت. او سی صفحه از خاطراتش را از این دوره، به بررسی اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی این شهر اختصاص داده است.<sup>۳۸</sup>

خوشبختانه چهار تن از تبعیدیهای این موج، یادمانده‌های خود را در جلسه‌ای مشترک با کوشش بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، در قالب تاریخ شفاهی نقل کرده‌اند. آنان عبارتند از: حجج اسلام احمد منتظری قمی، عباس محفوظی، علی حجتی کرمانی و علی غیوری. منتظری نقل کرده که اهالی تبعیدگاهش (شاه‌پسند) از او استقبال کردند و به حدی فعالیتهای تبلیغی او گسترش یافت که ساواک، بناچار محل تبعیدش را به بندر شاه تغییر داد؛ اما در این شهر با مشکل منزل مواجه شد و بدتر از آن، روحانی‌نماها بودند که به مقابله با او برخاستند.<sup>۳۹</sup>

آیت‌الله محفوظی نقل کرده که در بدو ورود به رفسنجان، با تهدیدات رئیس شهربانی مبنی بر اینکه حق هیچگونه فعالیت ندارد، مواجه شد. اما علمای مبارز آنجا از وی استقبال کردند و زمینه فعالیتهای سیاسی و مذهبی را برای او فراهم کردند. حجت‌الاسلام علی حجتی کرمانی نیز به علت فضای شدید امنیتی ایلام، نتوانست فعالیتی بکند. اما حجت‌الاسلام علی غیوری در سیرجان با حمایت یکی از روحانیون بومی، موفق شد به فعالیتهای مذهبی و سیاسی پردازد.<sup>۴۰</sup>

خزعلی در تبعیدگاه دومش یعنی دامغان، به برپایی جلسات دینی و تفسیر قرآن همت گماشت. پیش از آن نیز در تبعیدگاه نخست خود یعنی بندرگناوه، مسائل شرعی و بعضاً سیاسی را برای اهالی بازگو می‌کرد.<sup>۴۱</sup>

**۲- فعالیت‌های مذهبی و سیاسی:** لباس روحانیت، نماد دین است و از صاحب این لباس در نگاه اول، رویکردی مذهبی انتظار می‌رود. همین امر، تبعیدها را برای نفوذ کلمه در میان اهالی و جذب مخاطب کمک می‌کرد. از این رو غالب آنان بعد از مدتی به اقامه نماز جماعت، سخنرانی در مجالس مذهبی، بیان احکام شرعی و مواردی از این قبیل می‌پرداختند. به عنوان نمونه، آیت‌الله منتظری در تبعیدگاهش شهر طبس، به جای امام جماعت مسجد جامع، نماز صبح را اقامه می‌کرد. در خلال همین برنامه، از فضیلت نماز به مسائل روز گریز می‌زد. منتظری همچنین در آن شهر به تدریس خارج فقه پرداخت و به طلاب شهریه داد.<sup>۴۲</sup> مدتی نگذشت که جمعی از اقصی نقاط کشور برای شرکت در کلاسهای ایشان به طبس آمدند.<sup>۴۳</sup> او در تبعیدگاه دومش خلخال نیز، موفق به برپایی نماز جمعه شد. اما چون اهالی تبعیدگاه سومش - شهر سقز - اهل تسنن بودند، فقط برای جمع اندکی از مهاجران شیعه کلاس تفسیر قرآن برگزار و نماز جماعت اقامه کرد.<sup>۴۴</sup> اما چنین شرایطی برای ربانی املشی در شوشتر هرگز فراهم نشد. با دستورالعملها و کنترل ساواک، چنان عرصه را بر او تنگ کردند که فقط با سه نفر تماس داشت.<sup>۴۵</sup> در حالی که در تبعیدگاه دومش فردوس، کلاس تفسیر قرآن در مسجد جامع شهر برگزار کرد.<sup>۴۶</sup> خلخال در انارک زمانی به احیای نماز عید فطر اهتمام ورزید.<sup>۴۷</sup> یزدی در بوشهر کتاب «فقه القرآن» را تألیف کرد و ادامه آن را در رودبار به پایان رساند. چنانچه خلخال نیز در همین تبعیدگاه بر عروۃ الوثقی حاشیه زد.<sup>۴۸</sup> شیخ احمد منتظری قمی نیز از همان بدو ورود به تبعیدگاهش - آزادشهر - به محافل دینی راه یافت و مدعو همیشگی جلسات مذهبی شد. لذا محل تبعید او را به بندر شاه تغییر دادند. در آنجا با یک روحانی ثناگوی شاه درافتاد، و ساواک به توصیه روحانی مذکور، مانع وی شد.<sup>۴۹</sup> اوقات علی حجتی کرمانی در تبعیدگاهش غالباً به مطالعه و تحقیق می‌گذشت. حال آنکه شیخ عباس محفوظی، تبعیدی به رفسنجان، به علت ممنوع بودن منبرش، بعد از اقامه نماز

به صورت نشسته برای نماز گزاران سخنرانی می‌کرد. سید علی غیوری در سیرجان، به نمایندگی از امام به جمع‌آوری وجوه شرعی، اعزام مبلغان به روستاهای اطراف، احداث حمام، بنای مسجد و نگارش تفسیر نمونه همت گماشت.<sup>۵</sup>

## نتیجه‌گیری

در یک بررسی کلی از خلال خاطرات تبعیدیه‌ها و یا به تعبیر دیگر، تاریخ شفاهی تبعیدیه‌ها، می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

۱- به نقش پیام‌رسانی تبعیدیه‌ها در تبعیدگاه‌ها به عنوان کسانی که غالباً بذر انقلاب را در شهرهای محروم و دورافتاده کاشتند و آموزه‌های نهضت را به آن مناطق انتقال دادند، باید پی برد.

۲- در خلال خاطرات تبعیدیه‌ها، غالباً اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبعیدگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- علمای بومی و به تبع آنها مساجد و محافل دینی تبعیدگاه‌ها، نقش مهمی در تداوم مبارزات تبعیدیه‌ها ایفا می‌کردند؛ به طوری که بعضاً در صورت فقدان رویکرد آنها به فعالیت سیاسی و یا استقلال از تبعیدی، غالباً تبعیدیه‌ها منزوی می‌شدند.

۴- به علت رفت و آمد مستمر نیروهای انقلابی به تبعیدگاه‌ها جهت دیدار و ملاقات با تبعیدیه‌ها، یک مسیر ارتباطی با شهرهای دورافتاده ایجاد شد و اخبار و گزارش‌های نهضت و بعضاً اعلامیه‌ها در آن شهرها توزیع می‌گردید.

۵- غالباً تبعیدیه‌ها با عنایت به شرایط زمانی و مکانی تبعیدگاه‌ها، موفق می‌شدند جمعی از عناصر مستعد بومی را جذب نهضت کنند و همان نیروها، هدایت مبارزه را در آن مناطق به عهده می‌گرفتند.

۶- تبعیدیه‌ها با شناختی که از عناصر و نیروهای مبارز تبعیدگاه‌ها به دست آوردند، بعد از پیروزی انقلاب با انتصاب آنان در سمت‌های کلیدی آن شهرها، نقش مهمی در تثبیت اوضاع در خلال بحران‌های سال‌های نخست انقلاب ایفا کردند.

موج سوم تبعیدیها و محل تبعیدگاههای آنان

ردیف	نام و نام خانوادگی	محل دستگیری	محل اولیه تبعید	مدت تبعید	محل دوم یا سوم تبعید	مدت تبعید	توضیحات
۱	حسینعلی منتظری	نجف آباد	طبرس	۱ سال	خلخال	۴ماه و ۱۰روز	محل سوم تبعید وی - که ۷ ماه طول کشید - در سفر بوده و سپس در پی اتهامی دیگر، به ده سال زندان محکوم شد.
۲	عبدالرحیم ربانی شیرازی	قم	چابهار		خلخال		پس از فرار از تبعیدگاه، به سه سال بازداشت در زندان قصر محکوم شد.
۳	محمدصادق کرباسچی	قم	نرماشیر (کرمان)	۲ سال	فومن		وی به سه سال تبعید محکوم شد ولی بعد از گذراندن دو سال مورد عفو واقع گردید.
۴	صادق خلخالی	قم	انارک یزد	۱۰ ماه	رودبار	۲۶ ماه	تبعیدگاههای بعدی: رفسنجان: ۴ماه، لار: ۲ماه، بانه: ۳ماه، بندر لنگه: ۳ماه.
۵	احمد آذری قمی		بزازجان		نائین		
۶	محمدعلی گرامی		بم کرمان		شهر بابک		
۷	علی مشکینی	قم	ماهان		گلپایگان		در منابع، از مرند و کاشمر هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۸	یحیی انصاری شیرازی		نائین		کهکیلویه		در برخی منابع، از کوهدهشت و خرم آباد لرستان هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۹	محمد عبایی		بندر دیلم	۱۰ ماه	نائین	۳۶ ماه	
۱۰	محمد زردی	قم	کنگان - یوشهر	۳ماه زندان و ۵ماه تبعید	رودبار	۲سال	در منابع و اسناد ساواک از بندر لنگه، کنگان و بندر گناوه هم به عنوان تبعیدگاههای وی یاد شده است.
۱۱	احمد چنتی		اسد آباد		فردوس		
۱۲	نعمت الله صالحی	نجف آباد	تویسرکان		مهاباد		در منابع، از ابهر زنجان هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۱۳	علی اصغر احمدی خمینی		کیوتر آهنگ همدان	۱۰ ماه	تویسرکان	۲۶ ماه	
۱۴	محمد دانش زاده (مؤمن)	قم	شهاد	۱۰ماه	تویسرکان	۲۶ماه	
۱۵	محمد مهدی ربانی املشی	قم	شوشتر	۱۱ماه	فردوس	۲۵ماه	
۱۶	ابوالقاسم خزعلی	قم	بندر گناوه	۶ ماه	دامغان	۲سال و ۶ماه	در اسناد ساواک، از مشکین شهر هم به عنوان تبعیدگاه دوم وی یاد شده است.
۱۷	عبد الحمید مولانا	قم	تفت یزد		فومن - نائین		وی به همراه شیخ علی اصغر مروارید، صاحب مطبوعاتی دارالفکر قم بود.
۱۸	محمد فاضل موحدی (فاضل لیکرانی)	قم	بندر لنگه		یزد		در اسناد ساواک، از فومن هم به عنوان تبعیدگاه وی یاد شده است.
۱۹	عبدالمجید معادیخواه		گنبد	۶ ماه	بافت		بعد از مدتی، به سه سال بازداشت در زندان قصر محکوم شد.
۲۰	محسن عندهلیب همدانی		شهر بابک				
۲۱	محمد جمفری گیلانی		تبریز		کاشمر		بعدها محکوم به بازداشت در زندان قصر شد.
۲۲	عباس محفوظی		رفسنجان		گلپایگان		
۲۳	حسن صائمی		مشکین شهر		مرند		
۲۴	احمد منتظری		شاهپسند (آزاد شهر)		بندر شاه (بندر ترکمن)		مدت تبعید وی فقط دو سال بود.
۲۵	فتح الله امید نجف آبادی		بافت		بندر شاه		

## پی‌نوشتها

- ۱ - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، صص ۶۷-۷۰.
- ۲ - دوران مبارزه (خاطرات هاشمی رفسنجانی)، زیر نظر محسن هاشمی (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶)، صص ۱۹۹-۲۰۰.
- ۳ - همان، صص ۲۰۳-۲۰۵.
- ۴ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره‌بازیابی پرونده ۶۷۷، صص ۵۴-۵۵.
- ۵ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره‌بازیابی پرونده ۶۷۸، صص ۹-۱۸.
- ۶ - خاطرات ۱۵ خرداد (دفتر پنجم)، به کوشش علی باقری (تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶)، ص ۳۲۶، سخن مهدی هادوی.
- ۷ - شرح مبارزات حضرت آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی، به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۲.
- ۸ - خاطرات آیت‌الله علی اکبر مسعودی خمینی، به کوشش جواد امامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۳۰۸؛ همچنین: مدرسه فیضیه به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰)، صص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۹ - خاطرات آیت‌الله محمدعلی گرامی، به کوشش محمدرضا احمدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، صص ۳۰۳-۳۱۳.
- ۱۰ - صحیفه امام، جلد ۲ (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ص ۱۲۹.
- ۱۱ - سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۲ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی)، صص ۳۴۰-۳۴۴.
- ۱۲ - خاطرات حجت‌الاسلام علی اکبر ناطق نوری، به کوشش مرتضی میردار (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲)، صص ۷۴-۸۱.
- ۱۳ - «بخشی از خاطرات آیت‌الله منتظری»، (قم: بی‌نا، بهار ۱۳۷۹)، صص ۲۷۱-۲۷۵. این منبع، از این پس با عنوان کوتاه‌شده خاطرات آیت‌الله منتظری می‌آید.
- ۱۴ - همان، صص ۲۸۴-۲۹۲.

- ۱۵ - متن اعلامیه آقایان حاج شیخ حسینعلی منتظری و حاج شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، درباره علمیت امام، اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، به کوشش سید حمید روحانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴)، صص ۱۷۷ - ۱۷۹.
- ۱۶ - نهضت امام خمینی، ج ۲، پیشین، صص ۷۷۲ - ۷۸۸.
- ۱۷ - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص ۷۷.
- ۱۸ - خاطرات حجت‌الاسلام حسینی همدانی، به کوشش رحیم نیکبخت (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲)، ص ۱۱۳؛ همچنین خاطرات آیت‌الله محمد علی گرامی، پیشین، ص ۳۵۹.
- ۱۹ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، پیشین، ص ۲۲۲؛ همچنین: روایت پایداری، آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی به روایت ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹)، ص ۱۹۸.
- ۲۰ - دو هفته نامه پیام انقلاب، ترجمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شماره ۹۰، مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۵، مصاحبه با آیت‌الله فاضل لنکرانی، صص ۲۷ و ۳۰.
- ۲۱ - ماهنامه حوزه، صاحب امتیاز دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، شماره ۲۸، مهر و آبان ۱۳۶۷، مصاحبه با آیت‌الله حسین نوری، صص ۳۲ - ۳۳.
- ۲۲ - روایت پایداری: آیت‌الله عبدالرحیم ربانی شیرازی به روایت اسناد ساواک، پیشین، صص ۲۰۱ - ۲۲۱.
- ۲۳ - نهضت امام خمینی، ج ۲، پیشین، صص ۷۹۹ - ۸۴۶ و ۷۲۳ - ۷۲۶.
- ۲۴ - خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، به کوشش حمید کرمی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲)، صص ۱۲۴ - ۱۲۵.
- ۲۵ - خاطرات آیت‌الله منتظری، پیشین، صص ۳۴۲ - ۳۴۳.
- ۲۶ - خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، پیشین، ص ۸۶.
- ۲۷ - فصلنامه یاد، ارگان بنیاد انقلاب اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره‌های ۴۱ - ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵، خاطرات مرحوم آیت‌الله شیخ عباس ایزدی، صص ۴۰ - ۴۴.
- ۲۸ - حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج اول: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، اطلاعات، ۱۳۶۹)، صص ۴۷۳ - ۴۷۶.
- ۲۹ - آیت‌الله محمدمهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰)، صص ۱۰۲ - ۱۵۹.

- ۳۰ - تاریخ شفاهی گروه ابوذر، به کوشش رزا ناظم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲).
- ۳۱ - خاطره‌ها، محمد محمدی ری‌شهری (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۶۷.
- ۳۲ - ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۷، اسفند ۱۳۶۲، صص ۵۲ - ۵۴.
- ۳۳ - آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۱۵۳.
- ۳۴ - خاطرات حجت‌الاسلام علی غیوری، فصلنامه یاد، شماره ۴۱ - ۴۲، سال ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۷۵، ص ۷۴.
- ۳۵ - خاطرات آیت‌الله منتظری، پیشین، صص ۲۹۵ - ۲۹۸.
- ۳۶ - آیت‌الله محمد مهدی ربانی املشی به روایت اسناد ساواک، پیشین، ص ۱۵۹.
- ۳۷ - آیت‌الله محمد یزدی، [تدوین]: مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۳۶۳ - ۳۹۰.
- ۳۸ - صادق خلخالی، خاطرات در تبعید یا نقش استعمار در کشورهای جهان سوم (تهران: راه امام، ۱۳۵۹)، صص ۸ - ۴۰.
- ۳۹ - خاطرات حجت‌الاسلام احمد منتظری قمی، فصلنامه یاد، شماره ۴۱ - ۴۲، صص ۲۸ - ۳۵.
- ۴۰ - همان، صص ۲۲ - ۷۵.
- ۴۱ - خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، پیشین، صص ۱۲۵ - ۱۲۶.
- ۴۲ - خاطرات آیت‌الله منتظری، پیشین، ص ۲۹۶.
- ۴۳ - ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۳۵، آبان ۱۳۶۳، ص ۵۱.
- ۴۴ - خاطرات آیت‌الله منتظری، پیشین، صص ۲۹۷ - ۳۱۹.
- ۴۵ - دو هفته نامه پیام انقلاب، شماره ۸۷، مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۳۰، ص ۲۷.
- ۴۶ - آیت‌الله منتظری، پیشین، صص ۲۹۷ - ۳۱۹.
- ۴۷ - محمدصادق صادقی گیوی، خاطرات آیت‌الله خلخالی (تهران: نشر سایه، ۱۳۷۹)، صص ۱۹۱ - ۲۱۲.
- ۴۸ - خاطرات آیت‌الله یزدی، پیشین، صص ۳۷۱ - ۳۷۸ و ۴۰۷.
- ۴۹ - فصلنامه یاد، شماره ۴۱ - ۴۲، پیشین، صص ۲۸ - ۳۸.
- ۵۰ - همان، صص ۲۳، ۶۴ - ۶۵ و ۷۵ - ۷۶.





## تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر محسن خلیلی\*

«تاریخ» به عنوان تأملی نظری بر رویدادهای گذشته و نیز نگاه عبرت گیرانه و پندپذیرانه از رخدادهایی که در زمانهای پیشین پدیدار می شده، به شیوه‌ای بنیادین بر دو پایه استوار است. از یک سو، بدون گواه و شاهد، نمی توان به طرزی مستند درباب آنچه رخ داده است، سخن گفت؛ ولی از دیگر سو، شواهد تاریخی را سخت می توان به شیوه‌ای ناب فهمید، شناخت و بیان کرد. زیرا گواهیهای تاریخی، نیازمند شهادتی است که این شاهدان نمی توانند فارغ از ارزش داوریهها، معیارهای پیشینی قضاوت و برکنار از تأثیر و تأثر عینیتها و ذهنیتها باشند. بنابراین راویان و ناقلان رخدادهای تاریخی افزون بر شواهد، نیازمند تفسیر نیز هستند. زیرا دست کم آن است که باید نشان دهند برحسب کدام معیار، برخی شواهد را در جایگاه مهتر نشانده، برخی را فروتر پنداشته و برخی را بی اهمیت جلوه داده اند؟ اگر مهارت اصلی مورخ، توانایی برای کشف آنچه بوده از روی آنچه هست،<sup>۱</sup> تلقی بدرستی گردد، دقیقاً باید پذیرفت که او حتی از همان بدایت کار - که نقل رویدادها باشد - به طور قطع با تکیه بر یک سنجه ویژه، به گزینش رویدادهای مناسب و طرد رخدادهای نامناسب دست می یازد. «تاریخ»

---

\*. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.

به عنوان یک «نظم درسی کلاسیک»، تلاشی برای بازسازی تصویری منسجم از گذشته با تکه‌های یک جورچین است که بسیاری از عناصر آن در دست نیست.<sup>۲</sup>

در بازسازی مغفولهای پیشینی، به عنوان رویداد نادیده انگاشته شده و یا عمداً / سهواً فراموش شده، هر تاریخ‌دانی نیازمند پژوهش است و هر پژوهشی از تعیین مسئله شروع می‌شود، به ساختن فرضیه می‌رسد و سپس نیازمند طرح پژوهشی، اندازه‌گیری، جمع‌آوری، تعمیم و تحلیل داده‌ها می‌گردد. در فرایند پژوهش، هر پژوهشگری هم نیازمند نظریه‌هاست، هم گامهای تحقیق را می‌باید حول محور نظریهٔ مقبول بردارد و هم در نهایت، کمک به نظریه‌سازی جدید، ضرورت کار وی تلقی می‌گردد. فرایند پژوهش، ماهیتی چرخه‌ای دارد؛ معمولاً با یک مسئله شروع می‌شود و با تعمیمی تجربی و غیرقطعی به پایان می‌رسد. تعمیم، پایان یک چرخه و شروع چرخهٔ بعدی است. فرایند چرخهٔ پژوهش به صورت نامحدود ادامه می‌یابد.<sup>۳</sup>

پژوهش تاریخی نیز از این قاعده مستثنا نیست. زیرا صرفاً نمی‌توان به نقل رخدادهای بسنده کرد بلکه می‌باید پیام رویدادها را نیز استنباط کرد، متن و زمینهٔ پیام تاریخی را بدرستی شناخت، دلیل و یا دلایل وقوع هر پدیدهٔ خاص را فهمید، دلیل و دلایل وقوع نیافتن پدیده‌ای را که مورد انتظار همگان بوده است، دریافت و به چستی، چگونگی و چرایی یا توصیف، تشریح، تبیین رویداد تاریخی دست یازید. هنگامی که از ماهیت یک پدیدهٔ تاریخی مانند «تدوین قانون اساسی برای یک نظام سیاسی نوین» سخن می‌گوییم، در همان آغاز، گرچه خود را نیازمند برهان می‌یابیم، ولی عمدهٔ مشغولیت ذهنی ما، پی بردن به ماهیت آن پدیدهٔ تاریخی است که اصلاً قانون اساسی چیست و تدوین آن به چه معناست؟ ولی اگر از چگونگی تدوین قانون اساسی سخن به میان آوریم، می‌باید تاریخ‌وار به سلسله‌ای از رویدادهای به هم پیوسته اشاره کنیم که نشان‌دهندهٔ ماهیت روزشمارانهٔ یک رویداد تاریخی است.

گرچه در گزینش داده‌ها، هر کس به فراخور حال - که ترجمانی عامیانه از کیفیت تأثیر و تأثر ذهن و عین است، رویدادی را در سلسلهٔ رویدادها بر صدر می‌نشانند و رخدادی دیگر را مغفول عنه، رها می‌کند، ولی باز هم از دلیل سخن به میان نمی‌آوریم. اما هنگامی که

از تبیین می‌گوییم، درحقیقت می‌خواهیم بدانیم دلیل تدوین قانون اساسی چیست و چرا به شیوه‌ای ویژه، این کار صورت پذیرفته است؟ در پاسخ به چراییها، بی‌گمان نیازمند دلیل هستیم. اما در برهان آوردن، هر کس با عطف توجه به صبغهٔ علاقه و سائقهٔ نظر، مخالفانه یا موافقانه سخن‌سرایی می‌کند.

درحقیقت بدرستی می‌توان پذیرفت که تاریخ یک چیز نیست بلکه چندین چیز است. تاریخ، هم عبارت است از چیزی که اتفاق می‌افتد و هم تصویری که از آن چیز در ذهن می‌سازیم. تاریخ نخست، همان چیزی است که ما می‌خواهیم باور کنیم؛ مجموعه‌ای از رویدادها یا موقعیتهای عینی یا وجودهای درخور شناسایی و قابل تشخیص واقع شده در زمان و مکان معین. تاریخ دوم، ذخیره، یادآوری، بازآفرینی و بازفهم آن رویدادهاست و بالاخره تأثیر آنها بر شیوهٔ برخورد ما با رویدادها و موقعیتهای کنونی.<sup>۴</sup>

تاریخ شفاهی، در قلمرو تاریخ دوم قرار می‌گیرد. آیا نمی‌توان از همین آغاز باور کرد که بازآفرینی، بازنمایی و باز زنده‌سازی رویداد تاریخی و بهره‌گیری از آنچه در موقعیتهای پیشین رخ می‌داده، مهم‌تر از اصل و بنیان واقعه است؟

### گفتار یکم - معنا و کار ویژهٔ تاریخ شفاهی

درک و شناخت آنچه علوم انسانی نامیده شده، بسیار مشکل است؛ زیرا ماهیت چندگانهٔ علوم انسانی، سبب شده که گستره‌ای وسیع از شناختهای در عین حال غنی، متنوع و نامنظم پدیدار گردد که نتوان تصویر شفاف، علمی، یکدست و جمع و جوری از پدیده‌های در حال تحقیق و بررسی به دست آورد. ماهیتی که سبب شده است اصطلاحهایی همچون «کهکشان رشته‌ها، رشد گیاهواره‌ای، جنگلوارگی دانشها و زرادخانه‌ای از روشها»<sup>۵</sup> پدیدار گردد و هر محققى را در انبوهی از داده‌ها، الگوها، فرضیه‌ها، مفروضه‌ها و نظریه‌ها غرق کند. در رشتهٔ درسی تاریخ، اگر بخواهیم داده‌های به دست آمده، منظم و بامعنا باشند، می‌باید سه موضوع را به طور کلی در نظر آوریم: چه چیزی باید مورد مشاهده قرار گیرد؟ کجا و چه وقت باید مشاهده کرد و چگونه می‌باید ثبت کرد؟ تا چه حد به استنباط نیاز داریم؟ مطلوب آن است که «آب را از سرچشمه بیاورد گرفت»؛ به این معنا که در پژوهش تاریخی، به طرزى

دقیق می‌باید این نکته را مدنظر آورد که حتی اگر تمامی منابع مکتوب لازم مورد بررسی قرار گیرند، نمی‌توان فراموش کرد که هر میراث مکتوبی در مرتبه نخست، به کمک حافظه و زبان، گفته و روایت شده و سپس به ثبت و نگارش درآمده است؛ زیرا حقیقتاً زبان گفتار بر زبان نوشتار مقدم بوده است. در این معنا، «روایت شفاهی»، مجموعه پیامها و اطلاعاتی است که از نسلی به نسل دیگر، سینه به سینه منتقل می‌شود و هدف آن تأیید وقوع حادثه‌ای و یا شهادت به حضور پدیداری در عرصه زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.<sup>۶</sup>

منابع مکتوب همواره به کمک زبان گفتاری، مقدمتاً نقل می‌شده و آنگاه به کتابت درمی‌آمده است و این نکته پذیرفتنی است که احتمال بروز خطا در روایات متعدد و نانوشته‌ای که روایان گوناگون به تواتر ذکر می‌کرده‌اند، کم‌تر از منابع مکتوب است؛ زیرا مکتوبات اصولاً در پرده‌ای از احتمالهای خطا و تحریف قرار می‌گیرند، ولی نقلهای شفاهی دست کم آن است که اعتبار و قدرت تکمیل‌کنندگی بیش‌تر و کاهش افزون‌تر اشتباهها را در نطفه می‌پرورانند. اگر مدنظر ما، «تاریخ قابل درک» باشد و نه تکیه زدن بر افسونگریها و افسانه‌سازیها، و اگر منظور نظرم‌ان، بازسازی دنیای ذهنی باشد که در آن «رویدادها به صورتی که اتفاق افتاده و بازیگرانش احساس کرده‌اند، بازسازی شود»،<sup>۷</sup> به نظر می‌آید هیچ روشی مانند کاربست روشها و فنون تاریخ شفاهی نمی‌تواند برآورنده مقصود باشد. زیرا اسناد زنده، حیات مغنم دارند. آفتاب لب بام، ما را بر آن می‌دارد که تجربه‌های زنده را تشویق به سخن کنیم. گذشته خویش را بیایم و به یافتن خویش در گذشته، دست یازیم و مردم را به

صحنه تاریخ بیاوریم.<sup>۸</sup>

تعریف دانشورانه از تاریخ شفاهی، چنین است: تاریخ شفاهی، نوعی شیوه جمع‌آوری و آماده‌سازی اطلاعات تاریخی است، از طریق ضبط مصاحبه با شرکت‌کنندگان در رویدادهای تاریخی.<sup>۹</sup>

جستجوگر تاریخ شفاهی، با پرسشگریهای فراوان خود، به طرزی همزمان به چند کار دست می‌زند: احیای مجدد خاطرات شاهد از رخدادها، گذشته، بازشنوی تجربه‌های شخصی فرد و بازسازی آن برای آیندگان، نگاه به رویدادهای تاریخی از زوایای دیگر. در حین گفتگو، پرسش و پاسخهایی رد و بدل می‌گردد که در هیچ منبع مکتوبی یافت نمی‌شود؛

اطلاعاتی استخراج می‌گردد که در هیچ منبع مکتوبی درج نشده است و احساسات و عواطف گرداگرد رویداد تاریخی مورد بحث، یافته و بازسازی می‌شوند. تاریخ شفاهی، حول محور «مصاحبه» دور می‌زند و تنها از طریق «پرسشهای رو در رو»، به زبانی می‌رسد. ولی از هر زاویه که نگاه کنیم، مشخص است که بر نحوه انجام مصاحبه، ابزارها و فنون انجام مصاحبه، فضای اخلاقی حاکم بر گفتگو و شیوه‌های نگهداری فرایندهای استنتاجی پرس و جو، به یقین، معیارهایی حاکم است که کمابیش تبدیل به نوعی استانداردهای جهانی و بین‌المللی گشته‌اند: تشخیص مبانی، قوانین، معیارهای فنی، تعهد در قبال عموم، نگهداری مواد اصیل، مفید و قابل اعتماد، تعهد نسبت به مصاحبه‌شونده، حرفه و تعهدات دو طرفه بین سازمانهای مسئول و مصاحبه‌گران،<sup>۱۰</sup> امروزه به منزله برنامه راهنمای یکدست و استاندارد جهانی تاریخ شفاهی درآمده که شامل «تعهد در قبال مصاحبه‌شوندگان»، «مسئولیت در قبال عموم مردم»، «خطوط کلی اخلاقی در مصاحبه‌ها بین پرسش‌کنندگان و پاسخ‌دهندگان»، «راهنمایی شیوه انجام مصاحبه» و «تکنیکهای پیاده‌سازی نوارها و نگهداری آرشیو گفتگوها»<sup>۱۱</sup> می‌شود. آنچه مصاحبه را به عنوان قطب تاریخ شفاهی درآورده، ویژگیهای رفتاری انسانهاست؛ زیرا به‌طور کلی انسانها با بهره‌گیری از سه روش به تبادل فکر می‌پردازند: صوت یا آواهای گوناگون، حرکت یا جنبش، و زبان.<sup>۱۲</sup>

جنبه بالفعل و ملفوظ زبان، گفتار نامیده می‌شود که صورت فیزیکی و عینی زبان است. ولی خود زبان، یک پدیده کلی و ذهنی و یا یک نظام ذهنی و انتزاعی است. در این میان، «مصاحبه» به معنای تبدیل زبان به گفتار است.<sup>۱۳</sup> به تعبیر دیگر، مصاحبه، نمود صوتی یا ملفوظ زبان به عنوان یک پدیده ذهنی واحد است. از سخن، آگاهی به دست می‌آید و این اطلاع، نیت صریح گوینده را معین می‌کند. ولی در مصاحبه، بویژه هنگام ضبط صوت و تصویر، نیت ضمنی پاسخگو، از طریق لحن بیان، طنین صدا و جنبشهای فیزیکی بدن، به شنونده، چه خود بخواهد چه نخواهد، آگاهی‌هایی درباره سن، جنسیت، وضع مزاجی، طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات و حالات روانی ارائه خواهد کرد.<sup>۱۴</sup>

بنابراین پرس و جو کردن، وسیله جمع‌آوری شناخت و اطلاعات است و در آن، محقق طی برنامه‌ای معین، با سؤالات مشخص، در پی سنجش هدفهایی کم و بیش مشخص<sup>۱۵</sup>

برمی آید. تاریخ شفاهی، حول محور مصاحبه می چرخد و از طریق گفتگوهای صحیح متکی بر شیوه‌های درست، قادر می‌شود نادانسته‌ها و نادیده‌های ما را از رخداد‌های تاریخی کاهش دهد و به افزون‌سازی آگاهی‌های ما از پیشینه تاریخی مان (با تکیه بر گسترش خاطره، روایت و حکایت)<sup>۱۶</sup> بپردازد.

### گفتار دوم - گوناگونی سخن‌ها در خبرگان قانون اساسی

بدون درنگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله‌ای که از ماه‌های پایانی فروپاشی نظام شاهنشاهی با تأکید مورد توجه انواع گروه‌های سیاسی قرار گرفت که آیا قانون اساسی مشروطیت می‌تواند با اندک تغییرهایی همچنان اجرا گردد و یا می‌باید به طور کلی قانون اساسی جدیدی تدوین شود؟ تدوین قانون اساسی، شش گام داشت که عبارت بود از: ارائه پیش نویس قانون اساسی به افکار عمومی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، بحث و بررسی پیش نویس قانون اساسی در گروه‌های هفت گانه و کمیسیون‌های سیزده گانه مجلس خبرگان طی شصت و هفت جلسه، مرحله رسیدگی نهایی چهار روزه در مجلس خبرگان، تصویب نهایی متن قانون اساسی در مجلس خبرگان به تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴، همه‌پرسی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی در تاریخ‌های ۱۱ و ۱۲ آذرماه پنجاه و هشت و تأیید نهایی ملی آن.<sup>۱۷</sup>

برای هر کدام از گام‌های شش گانه، هم می‌باید و هم می‌توان گفتگوهای گوناگون فراهم آورد تا بتوان به طرز دقیق «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی» را استخراج کرد. اما قدر مقدور آن است که سه مسئله خاطره، روایت و حکایت را، تنها در زمینه «خبرگان تدوینگر قانون اساسی»، پیگیری کنیم و با گفتگوهای دقیق و معتبر، آنچه را عبارت از درونمایه‌های ذهنی آنان در باب تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی است، مکتوب نماییم. به عنوان نمونه، موارد بسیاری را می‌توان مطرح کرد که نشان‌دهنده پرسش‌ها و ابهام‌های فراوان است و تنها با انجام گفتگوهای دقیق، ماهرانه و دانشورانه، می‌توان پاسخ‌های مکفی و مستدل فراهم آورد. نگاهی به اسامی خبرگان قانون اساسی<sup>۱۸</sup> و انواع فعالیت‌های آنان در صحن علنی مجلس خبرگان<sup>۱۹</sup> و همچنین شیوه کار خبرگان، جلسه‌ها، گروه‌ها، کمیسیون‌ها

و صبح و عصر بودن نشستها،<sup>۲۰</sup> همگی نشان می‌دهد که از یک سو، اکنون بجز فوت‌شدگان پانزده نفری خبرگان - که متأسفانه ما را از انواع خاطره‌های خود محروم کردند- جوان‌ترین آنان، اکنون سنی بالای شصت سال دارد و در معرض انواع فراموشیها قرار گرفته است. از دیگر سو، بقیه خبرگان نیز در همین سیاق و سبکند یا در معرض فراموشی قرار گرفته و یا خود، بسیاری از خاطره‌ها را فراموش کرده‌اند. سید میرالدین حسینی شیرازی، از جلسات غیررسمی خبرگان، در منزل حاجی طرخانی، ساده دلی علما و اکتفای صرف به قرآن به عنوان قانون اساسی<sup>۲۱</sup> سخن گفته است. حق داریم پرسیم در آن جلسات چه می‌گذشته و دلیل ساده‌دلی علما چه بوده است؟ حسینعلی منتظری، روایتی از ساده‌زیستی خبرگان قانون اساسی می‌گوید و خاطره‌ای از صباغیان می‌آورد که وی پیش از تشکیل مجلس خبرگان، معتقد بوده است که رئیس و نایب رئیس خبرگان، می‌باید محمود طالقانی و ابوالحسن بنی‌صدر باشند.<sup>۲۲</sup>

صحت این خاطره‌گوئیها، چگونه سنجیده می‌شود و هدف طرح طالقانی و بنی‌صدر، مبتنی بر حدسی از قدرت‌گیری منتظری و بهشتی در آینده بوده است یا خیر؟ اکبر هاشمی روایت می‌کند که پیشنهاد مجلس خبرگان به جای یک مجلس مؤسسان عریض و طویل، کار سید محمود طالقانی بوده است.<sup>۲۳</sup>

آیا این روایت درست است و آیا نشان از اعتماد امام خمینی به ایشان محسوب نمی‌شود؟ عزت الله سبحانی، از نفوذ برخی روحانیون منتفذ پیرامون امام خمینی<sup>۲۴</sup> نوشته است. آیا نقل این خاطره، به این معناست که از همان آغاز، تدوین قانون اساسی شکل و شمایل خاصی می‌یافته است؟ وی نقل شگفت‌آوری از هاشمی رفسنجانی می‌آورد که به برخی از رجال سیاسی منتفذ توصیه می‌کرده است که دست از اصرار بر تشکیل مجلس مؤسسان بردارند و با همان پیش‌نویس قانون اساسی مستقیماً موافقت کنند.<sup>۲۵</sup> عضو دیگر خبرگان قانون اساسی، نیز این حکایت را به طرزی دیگر مورد تأیید قرار داده است: در جلسه‌ای در شورای انقلاب، از آن طرف [ یعنی از طرف طرفداران همه‌پرسی ] آقای رفسنجانی گفت: «هی می‌گویید مجلس مؤسسان، مؤسسان، خیال می‌کنید چه کسانی می‌آیند؟ بگذارید آقا! این قانون اساسی که به این پاکیزگی تهیه شده، تصویب بشود».<sup>۲۶</sup>



چرا برخی روحانیون در مجلس خبرگان با بنی صدر خصومت داشتند؟ رقابت فارسی و بنی صدر، چه تأثیری در این خاطره‌گوییها داشته است؟ ابوالحسن بنی صدر در این زمینه چه می‌گوید؟ چرا برخی معتقد بودند که متن پیش‌نویس قانون اساسی «وا و واویلا» دارد و از بن فاسد است؟<sup>۲۷</sup>

متنی که انجمن حجّتیّه برای قانون اساسی پیشنهاد داده بود، چه ویژگی‌هایی داشت و اکنون کجاست؟ چرا حوزه علمیه در زمینه تدوین قانون اساسی کم‌کار بوده است؟<sup>۲۸</sup> درحالی که محمد یزدی نوشته است: آیت‌الله مشکینی جلسه‌ای فوق‌العاده برای بررسی متن پیش‌نویس قانون اساسی با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم داشته‌اند که در آن، طی مدت یک هفته از صبح علی‌الطّلع مشغول به آن بوده‌اند.<sup>۲۹</sup>

همو آورده است: راجع به پیش‌نویس قانون اساسی، از امام خمینی پرسشی کرده و پاسخی شنیده‌اند.<sup>۳۰</sup> کدام پرسش و کدام پاسخ؟ حسینعلی منتظری نوشته است: امام خمینی هیچ دخالتی در کار خبرگان نداشتند؛<sup>۳۱</sup> ولی محمد یزدی در خاطره‌گویی‌اش به طرزی وانمود می‌کند که امام خمینی حتی از نخستین گامها، فعالانه دخیل بوده‌اند: درخصوص اعضای خبرگان قانون اساسی، اسامی تک تک افراد را برای امام خواندیم و وضعیت آنها را به امام گزارش کردیم. در مورد برخی از افراد لیست هفتاد و چند نفری، امام انگشت گذاشتند و گفتند، بهتر است در مورد این افراد تحقیق بیش‌تری شود. گاه می‌فرمودند اگر فلان شخص به جای فلانی قرار گیرد، بهتر است. سرانجام با جمع‌بندی نظرات، تصمیم نهایی گرفته شد و حاصل تصمیمات اعلام گردید و در نهایت هم انتخابات برگزار شد.<sup>۳۲</sup>

ابوالقاسم خزعلی نیز، در خاطره‌گویی‌اش، اعلام می‌کند که امام خمینی برخی از دیدگاه‌های خودش را از طریق بهشتی اعمال می‌کرده است.<sup>۳۳</sup> این همه، نشان می‌دهد که برخی نخبگان انقلابی پیروز، از همان آغاز، به نوعی برنامه‌ریزی تشکیلاتی برای دستیابی به قدرت سیاسی می‌پرداخته‌اند. فارسی هم از استخاره کردن شیخ علی‌تهرانی برای اعلام یا عدم اعلام نامزدی مجلس خبرگان خبر می‌دهد و به زعم او، تهرانی اعتقاد داشت که: همین بهشتی تفرقه می‌اندازد، نمی‌گذارد کار بکنیم و یک قانون اساسی خوبی تصویب بکنیم.<sup>۳۴</sup>

آیا شخصیت تهرانی به قول برادر همسرش، نمود یک دیوانه به تمام معنی<sup>۳۵</sup> بوده؛ و یا واقعاً شخصیت بهشتی به اندازه کافی ایجاد بیم می کرده است؟ هنگامی که جلسه‌ها و نشستهای رسمی و غیررسمی خبرگان تشکیل می شده، انبوهی از داده‌های خام ناشی از پیوند میان افراد، پدید می آمده است که تنها در گفتگو با خبرگان، حل و فصل شدنی به نظر می رسند. حسینی شیرازی، از انقلاب روحی ناشی از حضور در مجلس خبرگان داد سخن می دهد و می گوید چگونه یکی از خبرگان، تنها با تکیه بر دعا، عقیده دیگران را تغییر می داده و قانون اساسی را دینی می کرده است.<sup>۳۶</sup>

کدام دو خاطره را می توان پذیرفت؟ به چه دلیل در مجلس خبرگان جلسه‌های صبح و عصر تشکیل می شده است؟ جلال‌الدین فارسی نوشته است: در جلسه‌های غیررسمی، بحث و بررسی می کردیم و هنگامی که از حصول اکثریت آرا مطمئن می شدیم، آن را به صحن علنی برای تصویب نهایی می آوردیم.<sup>۳۷</sup> ولی بجز پیشرفت سریع کار، معلوم است که خبرگان در خبرگان یا هسته نخبگان قوی تر، پدید آمده بوده؛ حال این کار به هر دلیل (من باب نمونه آشنا نبودن بسیاری از روحانیون با قانون اساسی به معنای اعم کلمه، فن قانون اساسی نویسی و گمان اشتباهی که فکر می کردند با وجود کتاب و سنت، دیگر قانون اساسی نوشتن نوعی بدعت و دخالت در کار پروردگار است)، می توانسته پدیدار شود. ماجرای پیشنهاد انحلال مجلس خبرگان، به چه دلیل در اثنای کار مطرح شد و هدف طراح و یا طراحان آن، چه بود و چگونه شکست خورد؟<sup>۳۸</sup>

مسئله حاکمیت ملی و ملت به عنوان منشأ قوا، چگونه این توان بالقوه را در خود فراهم آورده بود که موجبات اختلاف افکنی شود. اینها در مسئله تدوین قانون اساسی دارند از سادگی روحانیت استفاده می کنند و می خواهند سمت و سوی آرا را به جهات دیگر منحرف و منصرف کنند. در همان حال دست راستم را روی دوش چپ ایشان [محمدحسین بهشتی] گذاشتم و گفتم، به مادرت زهرا قسم، به من مهلت بده و این موضوع را به جلسه عصر امروز نبر تا من فرصت داشته باشم به این جماعت منشأ قوا را تفهیم کنم.<sup>۳۹</sup>

تأسف آور است که هم حسینی شیرازی و هم حسینی بهشتی در گذشته‌اند و ما را از کنه و بن این خاطره بس مهم محروم ساخته‌اند. بر سر اعلام یا عدم اعلام واژه «حقه» برای مذهب

شیعه دوازده امامی و نیز ملاک مذهب برای رئیس جمهور - که اختلاف بسیار در میان خبرگان و بعضاً اقوام ایرانی پدید آورد -<sup>۴۰</sup> حسینعلی منتظری از یک سو، از طرفه، دفع الوقت و اسکات<sup>۴۱</sup> سخن می گوید، ولی کنه سخن او را نمی فهمیم؛ از دیگر سو، از دعوت از مفتی زاده برای شرکت در یک نشست غیررسمی خبرگان خبر می دهد.<sup>۴۲</sup> ولی هیچ آگاهی ناقص یا کاملی از محتوای سخنان او نمی دهد؛ و نیز از قهر حائری و تشکر آیت الله گلپایگانی<sup>۴۳</sup> بدون توصیف جزئیات ماجرا سخن می گوید. در حالی که ارتحال هر دو عالم، ما را از خاطره و حکایتی سخت مجادله انگیز محروم کرده است.

روایتی دیگر نیز در دست است که از بخت بد، مثلث گویندگانش اکنون در میان ما نیست: آقای حسینی، دیگر روی این موضوع [افزودن واژه حقه به مذهب شیعه] پافشاری نکنید و با نمایندگان در این باره صحبت نکنید... من به ایشان گفتم: آقا مگر اتفاقی افتاده...؛ گفت خونریزی می شود! خونریزی می شود! گفتم: خب بشود! گفت: نه نه! شرعاً جایز نیست. آقای سید محمد بهشتی می گوید: اطراف ما سینه ها هستند و در تمام مرزها مستقرند.<sup>۴۴</sup> بدون شرح رها می کنیم، زیرا خود به خود نشان می دهد که تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی، چقدر اهتمام نیاز دارد.

مسئله اقتصاد نیز از کلیدی ترین نکته های قانون اساسی بوده و برخی، از ویژگی چپ روانه آن، داد سخن داده اند. حکایت محسن نوربخش از جمع شدن برخی از دوستان در دبیرخانه مجلس خبرگان برای بحث درباره مبانی اقتصاد اسلامی<sup>۴۵</sup> تا ملاقات عبدالکریم موسوی اردبیلی با حسینی شیرازی و گفتار اردبیلی به شیرازی، که نظام اقتصادی تجربه نشده و نظریه اقتصادی نمی خواهیم و اشاره به نظام اقتصادی چین، ژاپن، روسیه و انگلستان از باب تقلید کردن است؛<sup>۴۶</sup> همگی بدون وصف و شرح کامل رها شده اند.

اختلافها، مشاجره ها و ناهمانندیها، هنگامی اوج گرفت که خبرگان قانون اساسی با بی ارزش دانستن متن پیش نویس، که در آن اصل ولایت فقیه قید نشده بود، نظام جمهوری اسلامی را مبتنی بر ولایت فقیه<sup>۴۷</sup> طراحی کردند و اختیارات زیادی برای آن قائل شدند؛ تا جایی که برخی خبرگان، از جایگاه فراوطنانه آن سخن به میان آوردند.<sup>۴۸</sup>

نخستین بار، حسینعلی منتظری در یک سخنرانی خارج از مجلس خبرگان قانون اساسی، این پرسش را طرح کرد که حقوق تاریخی روحانیت برای حکومتگری در پیش نویس قانون اساسی، چرا طرح نشده است؟<sup>۴۹</sup> همو نوشته است: کتابچه‌ای در قم نوشته و توزیع کردم و در زمینه ورود اصل ولایت فقیه به درون متن قانون اساسی مبدع بودم و دیگران بعداً با من هماهنگ شدند.<sup>۵۰</sup> بویژه آنکه به زعم وی، دیگر عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، یعنی ابوالحسن بنی صدر، در مخالفت با ولایت فقیه گفته بود: اجتهاد ۱۶۰ علم دارد که مجتهدان آن زمان به تعبیر وی نداشته‌اند و تنها خود او داشته است.<sup>۵۱</sup>

حسینی شیرازی نیز از مخالفت حجتی کرمانی و سید محمود طالقانی با ولایت فقیه سخن می‌گوید،<sup>۵۲</sup> ولی نوع مخالفت آنها را متفاوت می‌پندارد. به عنوان نمونه، تعبیر ابوالحسن بنی صدر از «تعمیم امامت»، و مردود شمردن انحصار امامت را در ۱۲ تن، از یک سو، سبب‌ساز مخالفت وی با ولایت فقیه و از دیگر سو، از موجبات کفر و ارتداد وی<sup>۵۳</sup> تلقی می‌کند. در یک گفتگوی منضبط، دقیق و روشمند، ابوالحسن بنی صدر می‌تواند سخنی بگوید که هم نشان از موضع وی داشته باشد و هم از دیدگاهها و خاطراتش با خاطره‌گوی اصلی حکایت کند. در تداوم این بحث، عزت‌الله سبحانی به عنوان عضوی از مجلس خبرگان قانون اساسی، ورود اصل ولایت فقیه را به متن قانون اساسی در تحلیلی شگفت‌آور، مطمح نظر آمریکاییها در ضدیت با روشنفکران ملی - مذهبی، و توسط مظفر بقایی و حسن آیت (عضو دیگر مجلس خبرگان که شهادتش ما را از بسیاری از خاطره‌ها محروم کرد بویژه آنکه نقشی تاریخی در سالهای ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی بازی کرد و نیز آنکه عضو برجسته و تأثیرگذار هیئت سه نفره ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی بود)، می‌داند.<sup>۵۴</sup>

دو قول دیگر وی، مربعی را شکل می‌دهد که تحلیل آن بدون گفتگوهای صریح، برآستی دچار کاستی است. اصل چهارم قانون، ولایت فقیه بود که در آن جا دیگر کسی جرئت مخالفت نداشت. بنده هم فی‌الجمله صحبتی کردم. در حالی که آقای شیخ جعفر سبحانی کنار من نشسته بود و من را راهنمایی می‌کرد که چه بگویم و چه نگویم، اما خودش مخالفت نمی‌کرد. یا آقای انگجی مخالف بود اما مخالفت خود را مطرح نمی‌کرد... من راجع به ولایت فقیه صحبت کردم و گفتم که مصلحت نیست؛ چرا که کشور را دو قطبی می‌کند و

تعارض ایجاد می‌شود... فردا که به مجلس خبرگان رفتم، دیدم جو بسیار بدی است... مرحوم بهشتی هم در کریدور ایستاده بود... دست در گردن من انداخت و من را بوسید و گفت بهتر است این درد دلها را فعلاً در سینه نگه دارید. هیچکس شاهد نبود بجز خدا، که مرحوم بهشتی عین این جمله را به من گفتند.<sup>۵۵</sup>

تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی مشحون از پرسشهاست. گفتگوهای دقیق و بی‌طرفانه می‌تواند به رفع خصومتها از راه شکافتن متعهدانهٔ صحت و سقم خاطره‌ها، روایتها و حکایتها کمک کند. در عین حال می‌تواند بر تصحیح مسیر آینده، تأثیرگذار باشد و به اصلاح روندهایی کمک کند که بیش‌تر زایندهٔ مشکلهای بوده‌اند تا از بین برندهٔ آنها. این کار البته یک بار در جریان بازنگری قانون اساسی به سال ۱۳۶۸ ش. در شکلی ناقص رخ داد.

## دستاورد

تاریخ شفاهی، پیوند دهندهٔ گذشته و حال است و به طرفین گفتگو و نیز به خوانندگان محتوای برآمده از پرسش و پاسخ، این فرصت و امکان را می‌دهد که گذشته را به زبان حال ترجمان کنند و زمان حال را در گذشتهٔ شناور، همدرد، همدل و همسخن سازند. جوان ایرانی متولد دههٔ ۱۳۶۰ ش. اگر بخواهد با بخشی از جورچین تاریخ معاصر کشور خود، یعنی تاریخچهٔ تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آشنا گردد، منابع مکتوب خشنودکننده، موجه و مجاب‌کننده نیست؛ زیرا پرسشهای متعدد وی کم‌تر جوابی درخور می‌یابد. وی روحیه‌ای انقلابی مانند یک کارگزار فعال سالهای دههٔ ۱۳۵۰ ش. ندارد که سوگیرانه و علاقه‌مندانه، راغب به پذیرفتن باورها و رخدادها باشد، بلکه بی‌طرف و قدری منتقد است، تهی از باورهای عقیدتی است و تمامیت رخدادها را با سنجه‌های امروزی توزین می‌کند. گفتگوهای دقیق، روشمند، عالمانه، بی‌طرفانه و منتظم با «دست‌اندرکاران تدوین قانون اساسی»، می‌تواند آگاهیهای فحیم و مغتنم فراوانی فراهم آورد تا ذهن جستجوگر، کشف و منتقد رویدادهای تاریخی، از کفایت داده‌ها، تحلیلهای منصفانه به دست آورد.

یک سو، عبارت از گفتگو با نخبگانی است که مستقیماً در گیرودار فرایند تدوین قانون اساسی بوده‌اند؛ ولی سوی دیگر، عامهٔ مردمانی است که علاقه‌مندانه در روندهای منجر

به تدوین قانون اساسی دخیل بوده‌اند. کسی که نامهٔ اعتراض آمیز به خبرگان قانون اساسی نوشته، کسی که پیشنهادی ارائه کرده، کس یا کسانی که متن مذاکرات را تندنویسی می‌کرده‌اند، کس یا کسانی که مشکلات قانون اساسی را در عمل متذکر می‌شده‌اند، کس یا کسانی که مراحل قانونی انتخابات و همه پرسپها را منسجم می‌گردانیده‌اند و کس یا کسانی که به هر نحو، علاقه‌مندانه و وطن‌دوستانه، سرگرم پژوهشهای شخصی خود بوده‌اند. داستان عوام و خواص از «تدوین قانون اساسی»، می‌باید گفته و نوشته شود؛ ولی داستان خواص، اکنون از اولویت برخوردار است.

## افزودنیها

۱- پژوهشها از حیث ضرورت‌های آغازین و بایستگیهای تداوم و انجام، به سه مقوله تقسیم می‌شوند. یک: تحقیق باید انجام شود: می‌باید با استدلال ثابت کنیم که تحقیق (و در زمینهٔ کاری ما به عنوان نمونه، تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) برپایهٔ نظریه صورت می‌گیرد، که از اهمیت زیادی برخوردار است و در عین حال، می‌باید درباب علت و ضرورت تحقیق، سخن گفت و آن را مستدل گردانید. دو: تحقیق می‌تواند انجام شود: می‌باید به امکان سنجی، عملی و قابل اجرا بودن مکانی، مالی و زمانی پژوهش پرداخت و از رعایت اصول اخلاقی و میزان مهارت، آگاهی و دانش پژوهشگر به نحو اثربخش، اطمینان حاصل کرد. سه: تحقیق انجام خواهد شد: در تدوین طرح پژوهش، باید به درست‌ترین شیوه استدلال کرد که پژوهش موردنظر را باید و می‌توان، انجام داد و اثبات کرد که پژوهشگر برای انجام آن از توانایی، مهارت، دانش، علاقه و مدیریت کافی برخوردار است.<sup>۵۶</sup>

در پژوهش «تاریخ شفاهی تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، بویژه از دو نوع پژوهش می‌توان بهره گرفت: پژوهش عملی مشارکتی: مجلس خبرگان قانون اساسی را می‌توان به مثابهٔ یک «سازمان» تلقی کرد که فی‌الواقع چیزی فراتر از مجموعهٔ افراد، ساختارها، سیاست و فعالیتهای کاری است. در چنین پژوهشی، پژوهشگر می‌باید این توان و شایستگی را داشته باشد که هم پرسشگر و هم پرسش‌شونده را، در نقش یک «فعال ناظر

مشارکت جو» در آورد و فضای اجتماعی زمانه روایت، خاطره و حکایت را به زمانه وقوع عملی رویداد پیوند زند. در پژوهش عملی مشارکتی، افراد سازمان یا مجموعه تحت مطالعه، در فرایند تحقیق از طراحی اولیه تا ارائه نهایی نتایج و بحث کاربرد اجرایی آنها، با محققان حرفه‌ای به طور فعال همکاری می‌کنند. بویژه آنکه در روند انجام مصاحبه، فقط تحت پرسشهای مکرر و بی‌سرانجام به طرز منفعلانه قرار نمی‌گیرند؛ بلکه خود آنها، می‌باید با پرسشهای معطوف به هدف، به بازسازی تاریخ زمان وقوع کردارها، فعالانه وادار شوند.<sup>۵۷</sup>

تحقیق کیفی: در تحقیق کیفی، از یک سو، در آغاز کار یک چارچوب نظری برای پژوهش طراحی می‌شود که می‌باید عمیق، خلاصه و دقیق باشد. در گام دوم، برنامه‌ریزی طرح - که دستگامند، درخور اجرا و در عین حال منعطف باشد - صورت می‌گیرد. در گام سوم، ضروری است به نحوی استدلال و عاطفه، عقل و احساس، شور و شوق و محاسبه‌گری عقلانی، با همدیگر آمیخته و طرح شوند که در یک نقل شفاهی، شامل روایت، خاطره و حکایت، مصاحبه‌شونده چنین درک کند و چنان مجاب شود که در یک پژوهش تاریخی و تاریخ‌ساز قرار گرفته است و آن پژوهش باید انجام شود، می‌تواند انجام شود و سرانجام آنکه خود به خود، در یک مسیر بازگشت‌ناپذیر انجام خواهد شد. اسناد مکتوب و غیرمکتوب، به نحوی می‌باید سامانمند شوند که پژوهش را کاملاً مستند، شدنی و کم‌تر مبتلا به کاستی و کزی جلوه دهند.<sup>۵۸</sup>

در زمینه اخیر، اسناد را می‌توان از دو جنبه درونی و برونی، مورد تحلیل قرار داد: در جنبه درونی، محتوای سند شناخته می‌شود که می‌باید با تحلیل عقلانی، ذهنی و فارغ از پیشداوریهای ارزشی توأم باشد؛ ولی تحلیل برونی را، باید حاصل کرد. بهره‌گیری از شناخت زمانه، متن سند و انعکاس تحول اجتماعی در متن سند کمک می‌کند تا سند مورد استفاده، قابلیت اندازه‌گیری هم پیدا کند.<sup>۵۹</sup>

تاریخ شفاهی، دست کم آن است که به زنده‌سازی سند کمک می‌کند، آن را بازمی‌تاباند، تحول تاریخی و اجتماعی هم‌عصر سند را بازنمایی می‌کند و دست به نوعی تصویرسازی پویا از رویدادهای گذشته می‌زند. استنفورد، به زیبایی نشان می‌دهد که بر سر موضوع جنگ یا صلح بریتانیا با آلمان هیتلری در سال ۱۹۴۱ م، مدت‌ها بعد، میان مورخان

جوان که به صورت عقلانی و عینی با داده‌های تاریخی برخورد می‌کردند و مورخان کهنسالی که در هنگامه جنگ مورد بحث زندگی کرده و جنگیده بودند، مشاجره‌ای سخت در گرفته بود و مورخان جوان، مات و متحیر در برابر کلام کهنسالان مورخ قرار گرفته بودند. زیرا مورخان پیر می‌گفتند صلح با هیتلر نه تنها امکان نداشت بلکه نمی‌بایست هم صورت می‌گرفت.<sup>۶۰</sup>

۲- بی‌گمان تاریخ شفاهی هم برای زدودن کاستیهاست و هم همراه خود کژی‌هایی می‌آفریند. منابع مکتوب در مورد تاریخ، بویژه تاریخ معاصر ایران، محدود، ناقص و در پاره‌ای موارد با تمایلها و گرایشهای یک جانبه نوشته می‌شوند. نگاه درونی و پرهیز از نگرش صرفاً منتقدانه منتقدان، و دوری از نوعی نگاه مبتنی بر یک «ایده از قبل فیکس شده»<sup>۶۱</sup> می‌تواند کاستیهای عمده‌ای محسوب شوند که نوع باورهای ما را نسبت به رخدادهای تاریخی، دچار کژی سازند. برای پرهیز از این کاستیها، ایده درخور تحسین «نگاه از درون» - که اصولاً به طرزی عمده می‌تواند تنها بر گفتگوهای رو در رو تکیه زند - شاید تنها نگرشی باشد که بتواند یک «وضع تاریخی» را بهتر و راست تر نشان دهد. گرچه خطاهایی نیز در روند پرسش و پاسخها، رخ می‌دهد مانند آنکه برخی، خود را قهرمان فرض می‌کنند و مصون از خطا؛ مشکلات جسمی برقراری ارتباط سالم را کمابیش ناممکن می‌گردانند، برخی مصاحبه‌کننده را در حد خود نمی‌دانند، برخی عامدانه بعضی از مطالب را نمی‌گویند و برخی نیز خود را مصون از هر خطا می‌پندارند؛<sup>۶۲</sup> همگی اینها سبب می‌شود، گفتگویی که می‌خواهد مبنای تاریخ قرار گیرد، دچار سستی و ناراستی گردد. ولی با این همه، باز هم بهترین روش، همان، کاربست ابزارهای تاریخ شفاهی است. ولی به طور قطع، پذیرفتنی است که از یک سو، می‌باید بهترین و کاراترین روشها را به کار بست، و از دیگر سو، می‌باید سازوکاری خود اصلاح‌گرانه اندیشیده و آفریده شود تا بتوان به طرزی مدام به اصلاح و بهبود ابزاری و محتوایی راهکارها دست یازید.

۳- مصاحبه شخصی، به طرزی اصولی، یک کار ویژه معین دارد و آن، این است که در بسیاری از موارد می‌باید عقاید گروهی مورد سنجش قرار گیرد که با پژوهشگر فاصله زمانی زیادی دارند.<sup>۶۳</sup> مصاحبه می‌تواند به بسیاری از شیوه‌ها صورت پذیرد: نیمه باز، متمرکز،



برنامه‌ریزی نشده، بدون راهنما یا نامنظم، منظم و برنامه‌ریزی شده، و به کار بستن راهکار کندوکاو کردن در گفتگو؛ ولی پرسشها می‌باید واقعی، واضح و کامل باشند، اطلاعات خواسته شده معین و معلوم باشد، و بالطبع سطح پاسخها هم مشخص باشد.<sup>۶۴</sup>

در یک گفتگوی رو در رو، بویژه در تحقیق ما، به عنوان نمونه، با نخبه‌ای از میان خیرگان قانون اساسی، و در هنگام ثبت و ضبط محتوای مصاحبه، انواع رفتارها پدیدار می‌گردد: غیر کلامی مانند احساسات مشهود در چهره، فضای رفتار که به کنترل افراد بر فضای فیزیکی معاشرت با دیگری منتسب می‌شود؛ رفتار زبانی که به محتوای گفتار و ویژگیهای ساختاری حرف زدن رجعت دارد؛ رفتار فرازبانی که به جنبه‌های صوری گفتار، همچون سرعت و زیر و بمی صدا اشاره دارد که می‌تواند حاکی از عصبانیت، خوشحالی، رضایت، نارضایتی، بی‌تفاوتی و همدلی باشد.<sup>۶۵</sup>

اگر بخواهیم مصاحبه را تبدیل به «کنش ارتباطی مؤثر یا اثربخش» کنیم - که در بحث معیارهای اخلاقی انجام مصاحبه برای تاریخ شفاهی، آن را پیشاپیش پذیرفته و برعهده گرفته‌ایم - می‌باید از پنج ویژگی به طرزی مشتاقانه و متعهدانه بهره‌گیری کنیم: گشودگی یا شوق و اشتیاق طرفین ارتباط که خود را در برابر همدیگر بگشایند؛ همدلی یا توانایی درک احساس دیگری و اقدام به آن؛ حمایتگری یا نبود فضای توأم با هراس و تهدید و یا انتقادهای لجوجانه؛ زیرا طرف گفتگو در لاک دفاعی فرو می‌رود، می‌هراسد، اطلاعات گمراه‌کننده، کم، ناقص و نادرست ارائه می‌دهد و یا به خودسانسوری مبتلا می‌شود؛ مثبت‌گرایی یا قائل شدن احترام مثبت و معین به خود و دیگری، و انتقال این حس که او را دوست داریم و به او احترام می‌گذاریم و مشتاقانه آماده شنیدن نظرات او هستیم؛ توازن یا تعادل در ارتباط به این معنا که نه شنونده صرف و نه سخنگوی صرف نمی‌شویم و معیارهای تمایز افراطی، مانند وضعیت پیشین و کنونی قدرت و ثروت را، به کار نمی‌بندیم.

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱- مایکل استفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل‌محمدی (تهران: نی، ۱۳۸۲)، ص ۱۱۲.
- ۲- ژان فرانسوا دورتیه، علوم انسانی: گستره شناختها، ترجمه مرتضی کتبی؛ جلال‌الدین رفیع‌فر و ناصر فکوهی (تهران: نی، ۱۳۸۲)، ص ۳۴۳.
- ۳- چاوا فرانکفورد؛ دیوید نجمیاس، روشهای پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی (تهران: سروش، ۱۳۸۱)، ص ۳۲.
- ۴- استفورد، همان، ص ۴۲۱.
- ۵- دورتیه، همان، صص ۲۱-۲۴.
- ۶- روح‌الله بهرامی، «نقش نقل و روایت شفاهی در تکوین تاریخ‌نگاری اسلامی»، در کتاب: حسن حضرتی [گردآورنده] دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲)، ص ۶۷.
- ۷- دورتیه، همان، ص ۳۴۸.
- ۸- نورایی، مرتضی (۱۳۸۲) «مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال ۱۳، دفتر اول و دوم، پیاپی ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص ۶۶-۶۹.
- ۹- نیک نفس، شفیقه (۱۳۸۳) «درباره تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. سال ۱۴، دفتر سوم، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۴.
- ۱۰- «معیارهای جهانی تاریخ شفاهی» گنجینه اسناد. ترجمه و تدوین ابوالفضل حسن‌آبادی، سال ۱۴، دفتر سوم، پیاپی ۵۵، پاییز ۱۳۸۳، ص ۹.
- ۱۱- حسن‌آبادی، همان، صص ۹-۱۵.
- ۱۲- شناختی از دانش شناسی، به کوشش هوشنگ ابرامی؛ رحمت‌الله فتاحی، چاپ دوم (تهران: کتابدار، ۱۳۷۸)، صص ۲۸-۳۰.
- ۱۳- مهری باقری، مقدمات زبان‌شناسی، چاپ چهارم (تهران: قطره، ۱۳۸۰)، صص ۳۱-۳۲.
- ۱۴- ابوالحسن نجفی، مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی، چاپ ششم (تهران: نیلوفر، ۱۳۷۸)، صص ۳۹ و ۴۱.
- ۱۵- فرامرز رفیع‌پور، کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روشهای شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، چاپ دوم (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷)، صص ۲۹۶-۲۹۷.
- ۱۶- محسن خلیلی، بررسی تأثیر تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی بازنگری آن - پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی (تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۲)، ص ۸۶.

نگارنده مایل است با دقت مفهومی و ابزاری بیش‌تری، نسبت به آن چه تاکنون گفته و نوشته شده، از سه واژه کمابیش هم‌پیوند سخن بگوید. در بدایت کار به نظر می‌رسد میان سه واژه خاطره، روایت و حکایت، ناهمبندی وجود نداشته باشد؛ ولی در میانه یک کار پژوهشی مبتنی بر ثبت وقایع تاریخی، آرام‌آرام برخی تمایزهای معنی‌دار بروز می‌کند. در پژوهش پیشنهادی ما - که حول محور ثبت و ضبط داشته‌های ذهنی خبرگان تدوینگر قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گردد - می‌توان چنین استنباط کرد که: خاطره، بیان داشته‌های ذهنی فردی است که خود مستقیماً عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده، و اکنون وی را به بازگویی مکثات ذهنی‌اش واداشته‌ایم که در پیوند با مسئله تدوین قانون اساسی است؛ روایت، بیان داشته‌های ذهنی فردی است که خود مستقیماً عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بوده، ولی اکنون مکثات ذهنی خود را در ارتباط با فرد، موضوع یا جریانی می‌گوید که در پیوند مستقیم با موضوع مورد پژوهش نیست؛ حکایت، بیان داشته‌های ذهنی فرد یا افرادی است که عضو مجلس خبرگان قانون اساسی نبوده‌اند، ولی گفته‌های آنان در پیوند با موضوع مورد پژوهش است.

۱۷- راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با معرفی مجلس و اعضای خبرگان (تهران: مجلس شورای اسلامی، اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۶۸)، صص ۳۳۴-۴۰۵.

۱۸- همان، صص ۴۱۱-۴۵۷.

۱۹- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: مجلس شورای اسلامی - اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، ۱۳۶۴)، ص ۹۲۷.

۲۰- سید منیرالدین حسینی شیرازی، خاطرات حجت‌الاسلام و المسلمین مرحوم سید منیرالدین حسینی شیرازی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، صص ۲۶۰-۲۶۱.

۲۱- بخشی از خاطرات آیت‌الله حسینعلی منتظری، ۱۳۷۹، ص ۴۵۲. [www.montazeri.com](http://www.montazeri.com)

۲۲- اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸: انقلاب و پیروزی، به کوشش عباس بشیری (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۳)، صص ۲۹۴-۲۹۵.

۲۳- عزت‌الله سبحانی، ناگفته‌های انقلاب و مباحث بنیادی ملی (تهران: گام نو، ۱۳۸۳)، ص ۲۳۰.

۲۴- اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی در گفتگو با عزت‌الله سبحانی، محسن نوربخش، حسین عادل، مسعود روغنی زنجانی، مسعود نیلی و محمدعلی نجفی، به کوشش بهمن احمدی امویی (تهران: گام نو، ۱۳۸۲)، صص ۴۵-۴۶.

25- [www.banisadr.com.fr](http://www.banisadr.com.fr)

۲۶- جلال‌الدین فارسی، زوایای تاریک (تهران: حدیث، ۱۳۷۳)، صص ۵۱۵-۵۱۷.

- ۲۷- همان، صص ۲۴۷-۲۴۹.
- ۲۸- خاطرات آیت‌الله محمد یزدی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۵۲۳.
- ۲۹- همان، ص ۵۲۴.
- ۳۰- منتظری، همان، ص ۴۵۹.
- ۳۱- یزدی، همان، ص ۵۲۵.
- ۳۲- هاشمی رفسنجانی، همان، ۱۳۸۲، ص ۳۰.
- ۳۳- فارسی، همان، صص ۵۱۲-۵۱۳.
- ۳۴- همان.
- ۳۵- منتظری، همان، ص ۴۶۰.
- ۳۶- فارسی، همان، ص ۵۱۵.
- ۳۷- عباس امیرانتظام، آن سوی اتهام: خاطرات شهریور ۵۷ تا خرداد ۶۰، ج اول، چاپ چهارم (تهران: نی، ۱۳۸۱)، صص ۴۸-۴۹.
- ۳۸- حسینی شیرازی، همان، صص ۲۵۷-۲۵۸.
- ۳۹- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، ص ۱۹۲.
- ۴۰- منتظری، همان، ص ۱۳۳۰.
- ۴۱- همان، ص ۴۵۴.
- ۴۲- همان، صص ۴۵۲-۴۵۳.
- ۴۳- حسینی شیرازی، همان، صص ۲۶۳-۲۶۴.
- ۴۴- احمدی امویی، همان، ص ۷۱.
- ۴۵- حسینی شیرازی، همان، ص ۲۵۰.
- ۴۶- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، همان، صص ۳۰۱، ۵۷۹ و ۱۴۳۴.
- ۴۷- همان، ص ۱۰۹۵.
- ۴۸- سجایی، همان، ص ۲۳۱.
- ۴۹- منتظری، همان، ص ۴۵۵.
- ۵۰- همان، صص ۴۵۵-۴۵۷.
- ۵۱- حسینی شیرازی، همان، صص ۲۶۱-۲۶۳.
- ۵۲- همان، صص ۲۵۴-۲۵۵.
- ۵۳- احمدی امویی، همان، صص ۵۴-۵۵.

- ۵۴- همان، صص ۴۷ و ۴۹.
- ۵۵- مارشال، کاترین؛ راس من، گرچن ب، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسایان و سیدمحمد اعرابی (تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷)، صص ۹-۱۰.
- ۵۶- وایت، ویلیام فوت [گردآورنده]، پژوهش عملی مشارکتی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی (تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸)، صص ۲۶-۲۷، ۵۴-۵۵.
- ۵۷- مارشال، همان، ص ۹.
- ۵۸- دوورژه، موريس، روشهای علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، چاپ دوم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، صص ۱۰۴-۱۰۷.
- ۵۹- استفورد، همان، ص ۱۰۱.
- ۶۰- رسولی پور، مرتضی [گفتگو] (۱۳۸۲) «تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی» کتاب هفته. شماره ۱۴۰، ۱۲ مهر ۱۳۸۲، ص ۱۰.
- ۶۱- نیک نفس، همان، صص ۶-۷.
- ۶۲- باقر ساروخانی، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، ج اول، چاپ هشتم (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۲۱۱.
- ۶۳- فرانکفورد، همان، ص ۳۰۱.
- ۶۴- جهودا، جرالدا؛ براوناگل، جودیت شیک، مبانی مرجع: فنون پرسش کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه، ترجمه و تألیف محمدحسین دیانی و عبدالحمید معرف‌زاده (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰)، ص ۲۱۶.
- ۶۵- ابوالحسن بنی صدر، [www.banisadr.com.fr/Books/Dars-Tajrobe/Pdf](http://www.banisadr.com.fr/Books/Dars-Tajrobe/Pdf)
- علی اکبر فرهنگی، ارتباطات انسانی، ج اول، چاپ هفتم (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۲).
- مجلس خبرگان و حکومت دینی در ایران، تهیه و تدوین محمد وحید قلفی (تهران: عروج، ۱۳۸۴).

## تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی

محمدرضا بختیاری

### مقدمه

امروزه تاریخ شفاهی را، یکی از روشهای پژوهشی نوین می‌دانند. بویژه در زمینه موضوعاتی که نیازمند پژوهشهای میدانی و جمع‌آوری اطلاعات است، بسیار مفید می‌باشد که می‌توان با انجام صحیح و اصولی آن، نیازهای اطلاعاتی را برآورده ساخت. خاطرات شفاهی نخبگان، صاحب‌نظران و حتی مردم عادی، این امکان را به گردآورندگان می‌دهد تا ضمن انجام پژوهش، گام بلندی در نگهداری، حفظ و انتقال فرهنگها، سنتها، آداب، رسوم و اطلاعات گوناگون بردارند و منابع شفاهی خام و با ارزش را جهت محققان آماده سازند. در واقع کار تاریخ شفاهی تولید علم است. زیرا اطلاعات خاص آن پس از پالایش و مستندسازی با اسناد دیگر، تبدیل به اسناد با ارزش می‌گردد؛ چه به عنوان مکمل سندهای دیگر و چه به عنوان سند مجزا.

متأسفانه جایگاه تاریخ شفاهی به رغم تمام ظرفیتهای آن، امروزه در کشور ما ناشناخته مانده است. استفاده ابزاری از تاریخ شفاهی به یک روش پژوهشی و نه واحد درسی گروه تاریخ، هیچگاه نمی‌تواند بیانگر اهمیت این رشته باشد.

نگاهی به وضعیت کتابهای تاریخی، مخصوصاً در حوزه تاریخ معاصر، نشان می‌دهد که چاپ فراوان کتب خاطرات در مراکز مختلف، رویکردی مثبت به این مقوله است؛ هرچند فاصله زیادی تا پذیرفته شدن تاریخ شفاهی به عنوان روش پژوهشی و استفاده نشدن صرف از خاطرات وجود دارد.

تاریخ شفاهی، یکی از معتبرترین اسناد روایی می‌باشد که قابلیت‌های فراوان دارد. استفاده از روایت‌های شفاهی نه تنها در عرصه تاریخ‌نگاری و وقایع‌نویسی بلکه اصولاً در تاریخ هر جامعه به مثابه انتقال بخشی از فرهنگ شفاهی، از سهم معینی برخوردار است. تاریخ شفاهی به دلیل بیان بسیاری از واقعیت‌های نانوشته و یا آنچه را گوینده نتوانسته بنویسد و یا حتی فرصتی برای نوشتن آن پیدا نکرده است، دارای اهمیت زیادی است. همچنین به علت بیان روایات و واقعیت‌های تاریخی به شکلی ساده و روان، دارای اسلوب خاص نوشتاری نیست و جذابیت خاص خود را دارد.

از میان انواع مطالب تاریخ شفاهی، مطالبی دارای اهمیت است که افراد شخصاً در آن وقایع حضور داشته‌اند و شاهد ماجراها و واقعیتها بوده‌اند. این گونه مطالب ارزش فراوانی دارد. در برخی از تاریخ‌های شفاهی به استناد گفته دیگران مطالبی بیان شده و مسائلی - که در حقیقت خود ندیده‌اند - ثبت شده است که این مطالب از لحاظ ارزش در مرحله بعدی قرار دارد. تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، یکی از انواع مختلف تاریخ شفاهی می‌باشد که دارای ارزش و اعتبار خاصی است و بنا به دلایلی که در صفحات بعدی ذکر خواهد شد، اهمیت فوق‌العاده دارد.

### پیشینه تاریخ شفاهی و اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی

اصولاً شیوه تحقیقات تاریخی همانند خود تاریخ، پدیده‌ای است در حال حرکت و بر این اساس، تاریخ شفاهی در این روند یکی از پدیده‌های جدید برای دستیابی به راهکارهای تازه در مطالعات تاریخی است.

نخستین فعالیت در این عرصه با موضوع تاریخ سیاسی و به طور مشخص با ضبط خاطرات سیاسی روی نوار شروع شد. در واقع، این فعالیت با اختراع ضبط صوت و با استفاده از این فن، جنبه عملی پیدا کرد و عمدتاً در طول سه دهه اخیر بسط و توسعه یافت و افق‌های تازه‌ای برای پژوهشگران و از جمله تاریخ‌نگاران گشود.

اصولاً ضبط صوت، انقلابی در کار تحقیق میدانی و از جمله در زمینه مطالعات میدانی تاریخ به وجود آورد و از دهه ۱۹۷۰ م. به بعد تحت عنوان «جنبش تاریخ شفاهی» از آن یاد می‌کنند.

نخستین ابتکار را در زمینه تاریخ شفاهی در سال ۱۹۴۸ م.، پروفیسور «آلن نونیز» انجام داد. او در جریان مطالعه اسناد تاریخی مورد نظرش، به فکر استفاده از ضبط صوت برای

گردآوری خاطرات افتاد. او نخستین طرح را در زمینه تاریخ شفاهی، به ضبط و گردآوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت‌های سیاسی اختصاص داد و در حقیقت، اصطلاح «تاریخ شفاهی» از این زمان به بعد شهرت یافت.

از اواسط سالهای ۱۹۶۰ م. تحقیق با روش تاریخ شفاهی، از عرصه مطالعات تاریخ سیاسی به عرصه‌های دیگر چون تاریخ اجتماعی، جامعه‌شناسی، قوم‌شناسی، آداب و رسوم و شاخه‌های متعددی از علوم اجتماعی و انسانی و مانند اینها کشیده شد و گسترش پیدا کرد.

در حقیقت دهه ۱۹۷۰، نمایشگر دوره تأسیس و رشد مراکز و مؤسسات مطالعاتی با عنوان تاریخ «شفاهی» به عنوان یک رشته مستقل در چندین دانشگاه اروپا و آمریکا شد.

طی دو دهه اخیر، تحقیق به روش تاریخ شفاهی، ابعاد نوین و گسترده‌ای پیدا کرد و حاصل آن، انتشار هزاران مجموعه از طرح‌های تاریخ شفاهی بود. در روند فعالیت‌های گسترده در این زمینه در طول دو دهه اخیر، نسل جدیدی از تاریخ‌دانان شفاهی ظهور کردند که موجب تحولات بزرگی در این رشته شدند.

تاریخ شفاهی در ایران قدمت زیادی ندارد. تا قبل از سال ۱۳۵۷ تعداد مصاحبه‌های تاریخ شفاهی اندک و انگشت شمار بود و به این موضوع اهمیت داده نمی‌شد. ولی پس از انقلاب مقوله تاریخ شفاهی در تمامی ابعاد آن رشد فراوانی کرد، خصوصاً بیش‌ترین حجم تاریخ شفاهیها مربوط به مسائل سیاسی و چهره‌های شاخص نظام پیشین بوده است.

### اهمیت تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی

تاریخ شفاهی جنگ، یکی از انواع تاریخ شفاهی می‌باشد که دارای اهمیت فراوانی است. اگر بخواهیم دلایل اهمیت آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم، می‌توان به صورت خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به علت اینکه هنوز زمان زیادی از پایان جنگ نگذشته است و آثار و علائم جنگ براحتی قابل رؤیت است، اهمیت فراوانی دارد.

۲- اکثر نیروهای فعال در جنگ تحمیلی در قید حیات هستند، خصوصاً افرادی که حتی هشت سال دفاع را در جبهه‌ها بودند و دارای اطلاعات خوبی هستند.

۳- برخی از مناطق که صحنه نبرد جنگ تحمیلی بوده، در حال حاضر به صورت دست‌نخورده محافظت شده و باقی مانده است و در حقیقت نگاه به این مناطق، خاطرات



رزمندگان دفاع مقدس را زنده می‌کند و حتی می‌توانند با قرار گرفتن در این مناطق، خاطرات را دقیق‌تر و مستندتر بیان کنند.

۴- به علت طولانی بودن جنگ تحمیلی در طول هشت سال دفاع مقدس و تعداد زیاد شهدا و بحث ایثارگریهای شهدا، ذکر خاطرات جبهه و جنگ جذابیت خاص خود را خواهد داشت.

۵- از آنجا که در جنگ هشت ساله تحمیل شده بر ایران، علاوه بر تعداد زیاد شهیدان، هزاران جانباز و آزاده دوران دفاع مقدس را هم داریم، گفتگو با این نیروها و بازنمود اوضاع جبهه‌ها و یا حتی اردوگاههای اسیران ایرانی و شنیدن خاطرات شفاهی این ایثارگران، جذابیت خاصی خواهد داشت.

۶- ذکر خاطرات خانواده شهیدان از دفاع مقدس و بیان ویژگیهای ممتاز آنها، می‌تواند نقش مهمی در ترویج فرهنگ شهادت و ایثارگری داشته باشد.

۷- به علت اینکه نزدیک به دو دهه از پایان جنگ گذشته است، بسیاری از خاطرات و ناگفتنیهای دوران جنگ که آن زمان امکان بیان آنها به لحاظ گوناگون نبوده است، براحتی قابل بیان است.

۸- مطالعه تاریخ شفاهی جنگ و اهمیت و جذابیت مهم آن، بدین دلیل است که شاید در هیچ جنگی در طول تاریخ ایران، مردم این گونه داوطلبانه حضور نداشته و حتی حضور و شهادت عزیزان خود را ارزش نمی‌شمرده‌اند و از آن با افتخار یاد نکرده‌اند. لذا دارای اهمیت خاصی است.

### منابع تاریخ شفاهی جنگ

به نظر می‌رسد منابع تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، متنوع و زیاد باشد و همچنین به علت طولانی بودن هشت سال جنگ، اطلاعات فراوانی از جبهه‌ها و خصوصاً عملیات می‌توان به دست آورد.

### مهم‌ترین این منابع را به شرح زیر می‌توان بیان کرد:

۱- آزادگان جنگ تحمیلی، اسیران ایرانی هستند که سالیان متمادی در اردوگاهها و زندانهای رژیم عراق در بند بوده‌اند؛ شکنجه و صدمات فراوانی از سربازان عراقی دیده‌اند.

اظهار خاطرات اردوگاهها - که مسائل زیادی را در بر می‌گیرد - خود حاوی مطالب فراوانی است که در قسمتهای بعد به جزئیات آن و نوع پرسشها اشاره خواهد شد.

آزادگان، اطلاعات خوبی دارند که در سینه مانده و با سؤالات تخصصی و متنوع، می‌توان خاطرات آنان را ثبت و ضبط کرد.

۲- جانبازان جنگ تحمیلی، افرادی هستند که در جبهه‌ها حضور داشته و ایثارگریهای زیادی از خود نشان داده‌اند و در لحظات سخت مقاومت، مجروح گردیده و به جانبازی مفتخر شده‌اند. این ایثارگران، خاطرات خوبی از جبهه‌ها تا قبل از مجروح شدن و زمان آن و حتی اقدامات پزشکی در جبهه‌ها دارند.

۳- رزمندگان جنگ تحمیلی به تناسب مدت جبهه خود، خصوصاً افرادی که مدت طولانی در جبهه‌ها حضور داشته و حتی در عملیات مختلف شرکت کرده‌اند، دارای مطالب خوبی از جبهه‌ها و عملیات می‌باشند. با شناسایی این قبیل ایثارگران، می‌توان بخشی از تاریخ شفاهی جنگ را رقم زد.

۴- خانواده شهدا، یکی دیگر از محورهای تاریخ شفاهی جنگ می‌باشند؛ شهیدانی که در جبهه‌ها تا آخرین لحظات مقاومت و ایستادگی کردند و به درجه رفیع شهادت رسیدند. اکثر این شهیدان، دارای فضایل و خصوصیات اخلاقی و اجتماعی خاصی بودند. مطالعه زندگی این شهیدان، درس استقامت و پایداری را در نسل کنونی و آینده تقویت می‌کند. خانواده شهدا، بهترین منبع برای ذکر خاطرات و خصوصیات خاص شهیدان هستند. چون خود ناظر و شاهد بر اعمال و رفتار آنان بوده‌اند و مطمئن‌ترین منبع برای تاریخ شفاهی می‌باشند.

۵- فرماندهان جنگ تحمیلی در سطوح مختلف خصوصاً فرماندهانی که مدت طولانی در جبهه‌ها حضور داشته و اغلب عملیات را شاهد بوده‌اند، از مطالب مهم و حساس جنگ مطلعند. در آن زمان بستر و فرصت مناسب برای بیان این مطالب فراهم نبود. ولی اکنون که چندین سال از پایان جنگ سپری شده است، می‌توان از خاطرات این قبیل فرماندهان استفاده کرد. از فرماندهان جنگ در تمامی سطوح چه در ارتش چه در سپاه و چه دیگر نیروهای نظامی، باید بهره جست.

۶- ایثارگران هلال احمر که کار امدادرسانی به مجروحان جنگ را عهده‌دار بودند و در عملیات و خطوط مهم دفاعی حاضر بودند و انجام وظیفه می‌کردند، اطلاعات فراوانی

دارند و با مراحل مختلف معالجه مجروحان در جبهه‌ها آگاه هستند. پس می‌توانند منبع خوبی برای تاریخ شفاهی جنگ باشند.

۷- نیروهای فعال جهادگر جهاد سازندگی، نقش مهمی در ارائه خدمات پشتیبانی خصوصاً سنگر سازی و جاده‌سازی در جبهه‌های مختلف داشته‌اند. ایثار گریها و مقاومت‌های این جهادگران در جبهه‌ها بر هیچکس پوشیده نیست، تا آنجا که به سنگر سازان بی سنگر معروف شده بودند. بنابراین بخشی دیگر از تاریخ شفاهی جنگ را، در باز نمود خاطرات و فداکاریهای این جهادگران باید جستجو کرد.

۸- روحانیون و طلاب حوزه‌های علمیه، در مسائل تبلیغی و امور فوق برنامه در جبهه‌های جنگ، نقشی مؤثر داشتند؛ برگزاری نمازهای جماعت، پاسخ به سؤالات دینی، امور تبلیغی، ادعیه و ... از عمده‌ترین امور روحانیت در جبهه‌ها بوده؛ هر چند که برخی از روحانیون در امور رزمی هم فعالیت‌هایی داشته‌اند. بنابراین یکی از منابع مهم تاریخ شفاهی جنگ می‌باشند.

۹- یکی دیگر از منابع که شاید زوایای دیگری را از این جنگ روشن می‌سازد و در حقیقت بیانگر چگونگی وضعیت نیروهای مقابل می‌باشد، اسیران عراقی است که اطلاعات مفیدی درباره جنگ داشتند.

البته در حال حاضر و بعد از سقوط صدام، دیگر اسیر عراقی نداریم؛ ولی در گذشته مصاحبه‌های فراوانی با این اسیران انجام گرفته و بر آن پایه، کتب متعددی هم چاپ شده است. این مصاحبه‌ها و مطالب، می‌تواند علاوه بر روشن ساختن مطالب فراوانی از جنگ، مسائلی از جمله نحوه برخورد ایرانیها، روحیات، مسائل اردوگاههای ایران، وضعیت نیروهای عراقی، چگونگی اسارت و مانند اینها را روشن سازد.

۱۰- بسیجیانی که در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور داشتند و اطلاعات مفیدی از جبهه‌ها دارند.

۱۱- خبرنگاران دوران دفاع مقدس نیز، اطلاعات مفیدی دارا می‌باشند.

### نقش مصاحبه‌گر در بیان سؤالات مختلف از ایثارگران

بدون شک نقش مصاحبه‌گر یا همان فردی که به عنوان طراح سؤال از ایثارگران جنگ تحمیلی مطرح است، خیلی مهم می‌باشد. مصاحبه‌گر با بیان سؤالات مختلف و تخصصی،

می‌تواند نقش مهمی در گرفتن جوابها داشته باشد. به نظر می‌رسد مصاحبه‌گری که این کار را عهده‌دار است، باید مطالعات جنبی پیرامون جنگ، وضعیت جبهه‌ها و عملیات داشته باشد. اگر اطلاعاتی درباره‌ی وضعیت جبهه‌ها و حتی مناطق گوناگون جنگی دارا باشد، می‌تواند با طرح سؤالات متنوع، به جوابهای لازم برسد. طرح سؤالات درباره‌ی تاریخ شفاهی جنگ، به علت وسعت و گستردگی کار، گاهی برای فرد مشکل است تا اطلاعات جامع درباره‌ی ایثارگران (آزادگان، جانبازان، رزمندگان و خانواده‌ی شهدا) پیدا کند. ولی با مطالعه‌ی منابع متعدد و بررسی فیلمهای مختلف جبهه‌ها، می‌تواند به این اطلاعات دست یابد.

مصاحبه‌گر باید در هنگام مصاحبه با ایثارگران، با روحیه‌ی این افراد آشنایی داشته باشد و حتی الامکان روحیات آنان را درک کند. سعی نکند با سؤالات متناقض و بی‌ربط، مصاحبه‌شونده را مأیوس و یا بدون جواب بگذارد و حتی باید در برخی موارد، ابراز همدردی و همکاری با این ایثارگران داشته باشد و احساسات آنان را درک کند. این مورد در حقیقت از سختیهای کار مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی جنگ می‌باشد؛ مثلاً هنگام مصاحبه با جانبازان درصد بالا، باید به مشکلات روحی و جسمی آنان توجه داشت؛ یا هنگام مصاحبه با خانواده‌ی شهید که گاهی یادآوری زندگی شهید برای خانواده و افراد درجه اول وی سخت است و گاه با تأملات روحی آنان همراه است، صبر، حوصله و آگاهی مصاحبه‌گر، دارای اهمیت و چاره‌ساز است.

بالاخره می‌توان گفت، اگر اطلاعات عمومی مربوط به جنگ نزد مصاحبه‌گر باشد، می‌تواند نگاه ریشه‌ای به مسائل جنگ داشته باشد و حتی می‌تواند مصاحبه‌شونده را در بیان مطالب کمک کند و مسیر جوابها را آسان‌تر سازد. گاهی ذکر برخی از مسائل و مطالب ملال‌آور است و ممکن است تأثیر عمیقی در مصاحبه‌شونده ایجاد نماید که این موارد از مهم‌ترین مشکلات مصاحبه‌شوندگان تاریخ شفاهی جنگ می‌باشد. مجری مصاحبه‌ی تاریخ شفاهی جنگ، اگر خود ایثارگر باشد بهتر است و راحت‌تر می‌تواند سؤالات را مطرح کند و در متن سؤالات قرار گیرد؛ چون خود در فضای جبهه‌ها حضور داشته و واقعیتها را درک کرده است.

### کاربرد مطالب تاریخ شفاهی جنگ

بدون شک از مطالب تاریخ شفاهی جنگ، استفاده‌های گوناگون می‌شود و در مصاحبه‌ها کاربردهای خاص خود را دارد. امروزه با توجه به وسعت این موضوع و تنوع

مطالب، کاربردهای مختلفی می‌توان از موضوعات داشت. تنوع موضوعات امروز مانند مسائل سیاسی، زندگینامه‌ها، مسائل دینی، مسائل جنگ، انقلاب، مبارزات و ...، سبب شده که آرشیوهای گوناگونی در زمینه تاریخهای شفاهی ایجاد شود. در حقیقت می‌توان گفت با گسترش این موضوعات، کار، تخصصی گردیده است. از مطالب تاریخ شفاهی، استفاده‌های فراوان می‌شود که از آن میان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

چاپ مطالب تاریخ شفاهی به صورت کتاب جهت مطالعه عموم، چاپ جزوات و دفترکها (بروشورها) در مورد مصاحبه‌ها، ضبط تاریخ شفاهی در نوارهای ویدئویی، CD و یا نوار کاست از آن رو که جنبه استنادی بیش‌تری دارد و دارای جذابیت خاص می‌باشد، بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.

البته در تاریخ شفاهی باید به این مطالب توجه داشت که برخی از مطالب حالت سندی دارد و برخی محرمانه است. شاید مصاحبه شونده به لحاظ اینکه هنوز فضای مناسب برای چاپ و انتشار مطالب وی وجود ندارد، در ارائه اطلاعات تردید کند. لذا باید به صورت سند برای نسل‌های بعد باقی بماند. در انتشار مطالب تاریخ شفاهی چه به صورت کتاب، جزوه و یا وسایل صوتی و تصویری، باید به فرد مصاحبه شونده اختیار کامل داد و مانعی وجود نداشته باشد. چون گاهی انتشار مطالب مهم و سیاسی و یا محرمانه - که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده - ممکن است مشکلاتی ایجاد کند که رعایت آن ضروری به نظر می‌رسد.

مطالب تاریخ شفاهی جنگ با توجه به دسته‌بندی انجام شده - که قبلاً ذکر شد - مورد استفاده محققان و پژوهشگرانی که در مورد جنگ، تاریخچه و همچنین مسائل مربوط به آن تحقیق می‌کنند، می‌تواند با توجه به اصالت موضوع، منبع خوبی باشد.

در مصاحبه‌های تاریخ شفاهی، باید توجه داشت که برخی از مطالب صحت ندارد؛ یعنی ممکن است مصاحبه‌شونده بر اساس دیدگاه و نظر خود و حتی گاهی بر پایه خصومت و بدبینی یکطرفه قضاوت کند. در این گونه موارد بعد از چندین بار مصاحبه، می‌باید نتیجه‌گیری و قضاوت کرد. مثلاً در مورد تاریخ شفاهی جنگ، ممکن است برخی از افراد به علت انگیزه خاصی به جبهه نرفته‌اند با دید منفی به مسائل می‌نگرد نمی‌توان به مطالب وی استناد کرد. در عین حال تشخیص واقعیات از مطالب تاریخ شفاهی جنگ، کاری دشوار است و قضاوت درباره این مطالب باید با دقت خاص انجام گیرد.

علاوه بر مطالبی که ذکر شد، می‌توان گفت که ذکر خاطرات و ایثارگریها یک طرف قضیه است. مهم‌تر از آن تحلیل وضعیت جنگ، وضعیت امکانات جنگی دو طرف، تبعات جنگ، آثار جنگ، فرهنگ جنگ، نقاط ضعف و نقاط قوت در جنگ، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی برای وضعیت دفاعی در آینده، با توجه به تجربه جنگ هشت ساله است.

### نمونه سؤالاتی که از ایثارگران جنگ تحمیلی می‌توان پرسید:

(در قسمت مصاحبه با آزادگان، می‌توان سؤالات زیر را مطرح کرد:)

- ۱- زمان، مکان و نحوه اسارت؛
- ۲- آخرین واکنشها و مقاومت‌های پیش از اسارت؛
- ۳- لحظات اولیه اسارت و چگونگی برخورد عراقیها در آن لحظات؛
- ۴- چگونگی انتقال به پشت خط؛
- ۵- مراحل بازجویی و مدت آن؛
- ۶- چگونگی برخورد عراقیها در مراحل بازجویی، اقدامات درمانی و مسائل تغذیه؛
- ۷- نام اردوگاه و موقعیت آن؛
- ۸- چگونگی ورود به اردوگاه و لوازم دریافتی در هنگام ورود به اردوگاه؛
- ۹- برخورد اولیه عراقیها در اردوگاه؛
- ۱۰- چگونگی برخورد دیگر آزادگان با شما؛
- ۱۱- وضعیت امکانات بهداشتی و درمانی و چگونگی برخورد عراقیها با بیماران و مجروحان؛
- ۱۲- وضعیت خورد و خوراک و نوع غذاها؛
- ۱۳- چگونگی حضور صلیب سرخ؛
- ۱۴- تأثیرات قطعنامه ۵۹۸ و رحلت امام (ره) بر آزادگان؛
- ۱۵- چگونگی اعزام به عتبات عالیات (در صورت اعزام) در دوره اسارت؛
- ۱۶- اوقات بیکاری و خلاقیت‌های آزادگان؛
- ۱۷- چگونگی برخورد با خبرچینها در اردوگاه؛
- ۱۸- چگونگی اطلاع یافتن از اخبار ایران؛
- ۱۹- رهبری اردوگاه و نقش آن؛

- ۲۰- چگونگی اجرای مراسم عبادی مثل نماز، دعاها و ...؛
- ۲۱- چگونگی برخورد عراقیها و حتی نوع شکنجه‌های آنها و اینکه بیش‌تر به چه نیروهایی حساسیت داشتند؛
- ۲۲- گزارش یک روز زندگی در اردوگاه؛
- ۲۳- چگونگی و نحوه آزادی؛
- ۲۴- اولین برخوردها با خانواده، در لحظات نخستین آزادی از اسارت؛
- ۲۵- اوضاع فرهنگی اردوگاه؛
- ۲۶- تبعات اسارت و ... .

### نمونه سؤالات از جانبازان

- ۱- چگونگی اعزام به جبهه و نحوه اعزام؛
- ۲- منطقه محل مأموریت و مسئولیت؛
- ۳- زمان، مکان و چگونگی مجروحیت؛
- ۴- لحظات اولیه مجروحیت و قسمتهای مجروح بدن؛
- ۵- چگونگی انتقال به پشت خط و اقدامات اولیه درمانی؛
- ۶- چگونگی انتقال و اقدامات درمانی پشت خط تا اولین بیمارستان در شهر؛
- ۷- اقدامات درمانی در اولین بیمارستان؛
- ۸- چگونگی اعزام به شهر اصلی و نحوه ادامه درمان؛
- ۹- درصد جانبازی و اوقات فراغت؛
- ۱۰- تأثیر جانبازی بر خانواده و نوع نگرش خانواده به جانباز؛
- ۱۱- وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل؛
- ۱۲- چگونگی برخورد همسر و فرزندان با شما به عنوان فردی جانباز؛
- ۱۳- چگونگی برخورد افراد جامعه با شما به عنوان فردی جانباز.

### نمونه سؤالات از رزمندگان

- ۱- علت و انگیزه اعزام به جبهه؛
- ۲- نحوه و چگونگی اعزام به جبهه؛

۳- تعداد نوبتهای اعزامی به مناطق جنگی، وضعیت طبیعی و جغرافیایی منطقه؛

۴- روحیه نیروها؛

۵- وضعیت غذایی و امکانات دیگر؛

۶- وضعیت تجهیزات و تدارکات؛

۷- عملیاتی که در آنها شرکت کرده‌اید (اطلاعات کلی)؛

۸- خاطراتی از عملیات؛

۹- وضعیت فرهنگی جبهه‌ها؛

۱۰- نماز و نقش آن در جبهه‌ها؛

۱۱- ایثارگریها و شیرینکاریهای رزمندگان.

سؤالاتی که مطرح شد، مهم‌ترین سؤالات در مورد جنگ تحمیلی می‌باشد. مطالب فراوان است و بسیاری از سؤالات، در هنگام مصاحبه با توجه به صحبت‌های مصاحبه شونده شکل می‌گیرد.

همانطور که قبلاً هم یادآوری شد، نقش مصاحبه‌گر یا مجری در تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، فوق‌العاده مهم است. باید فضا را طوری مهیا کرد که ایثارگر جنگ تحمیلی، رغبت و علاقه فراوانی برای پاسخ داشته باشد. بعلاوه باید مصاحبه‌گر روحیات فرد مقابل خود را درک کند.

مثلاً اگر جانباز شیمیایی و یا اعصاب و روان می‌باشد، طبیعی است که این فرد ممکن است نتواند به طور مداوم صحبت کند و مشکلاتی در حین مصاحبه وجود داشته باشد که با اتخاذ تدابیر خاص و لازم، بتواند در انجام کار خود موفق شود. به همین علت می‌توان گفت، کار مصاحبه‌گر تاریخ شفاهی، کاری تخصصی است که فرد علاوه بر صبر و حوصله، می‌باید اطلاعات و بینش گسترده‌ای درباره ایثارگران و جنگ داشته باشد.

تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی در ایران با تاریخ شفاهی جنگ در دیگر کشورها تفاوت فراوانی دارد، هم به لحاظ کیفیت و نوع سؤالات و هم از نظر مصاحبه شونده و دیگر موارد. در تاریخ شفاهی جنگ دیگر کشورها بحث ارزشها، قداست، ایثارگری، تعاون، نعدوستی، ایمان، اخلاص و مانند اینها مطرح نیست. به همین علت، شاید کار برای آنها متفاوت‌تر باشد. ولی در تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی ما، کار به گونه‌ای دیگر است.



مثلاً فرد جانبازی که پایش قطع شده، از این حادثه کم‌ترین ناراحتی را دارد. ایمان و تقوای او آنقدر قوی است که به این وضعیت افتخار می‌کند و همچنان با روحیه بالایی مشغول فعالیت است. این موارد، در معلولان جنگی دیگر کشورها وجود ندارد و آنان این روحیه بالا را ندارند؛ یا اگر از یک خانواده شهید سؤالاتی پرسیده شود، آن خانواده با روحیه بالا و با افتخار به سؤالات جواب می‌دهد؛ چون شهادت را ارزش می‌شمارد. در حالی که در دیگر جنگها این گونه نیست! و موارد فراوان دیگر.

به هر حال، می‌توان گفت، تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، شکلی انحصاری دارد که فقط مربوط به کشور ما و هم‌عقیده‌های ماست. البته از آخرین اطلاعات و دستاوردهای روز دنیا هم باید استفاده شود. از طرفی، منابع مکتوب و غیر مکتوب فراوانی در مورد جنگ تحمیلی وجود دارد که براحتی در خور بهره‌برداری است؛ خصوصاً روحیه بالای ایثارگران جنگ که توصیف‌بردار نیست.

به هر حال، تاریخ شفاهی جنگ تحمیلی، کاری نو و جذاب در عرصه تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع دوران دفاع مقدس می‌باشد.

دوران هشت سال دفاع مقدس، سراسر خاطرات تلخ و شیرین جبهه‌ها و ایثارگران است که از طریق تاریخ شفاهی و مصاحبه با ایثارگران، گردآوری آن امکان‌پذیر است. اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها همراه با تصاویر، فیلمها و نوارهای کاست، می‌تواند اطلاعات سودمندی برای نسل حاضر و نسل آینده باشد و نتیجه آن، می‌تواند به صورت کتاب، جزوه، تصاویر و یا حتی ساخت فیلمهای سینمایی مرتبط با جنگ، در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

## تاریخ شفاهی رویکردی نو به تاریخ حوزه در مشهد

نورالدین حسین سنابادی عزیز\*

خراسان و خصوصاً شهر مقدس مشهد به علت وجود مرقد مطهر امام رضا (ع)، همواره کانون توجه عاشقان آن حضرت بوده است. این توجه، خود زمینه‌ساز رشد و گسترش معارف دینی از جمله مدارس مذهبی، خصوصاً از دوره صفویه به بعد شده است و این هر دو، همواره نقش مهمی در حیات اجتماعی و فرهنگی مردم این خطه داشته است. بررسی اثرات این حوزه و مطالعه شاخصه‌های آن، از مباحثی است که از دیر زمان مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده و هنوز نیز پژوهشهای بیش‌تری را می‌طلبد. خصوصاً در قرن یازدهم که وضع حوزه علمیه تفاوت زیادی با قبل داشته، علما و مدرسان معروف در آن به تدریس مشغول شده‌اند و درحقیقت قرن یازدهم را می‌توان مبدأ اهمیت و عظمت حوزه علمیه مشهد دانست. در این قرن میان سالهای ۱۰۵۷ و ۱۰۹۱ق. هفت مدرسه علمیه تأسیس و سه مدرسه تعمیر گردید. از اوضاع این حوزه‌ها در قرنهای ۱۲ و ۱۳ق. گزارش مستندی در دست نیست. به نظر می‌رسد پس از کمال‌یابی آنها در قرن یازدهم، نتوانسته‌اند به همان نسبت به رشد و تکامل خود ادامه دهند. این وضع تا اوایل قرن چهاردهم ادامه داشته است.<sup>۱</sup>

---

\*. کارشناس مصاحبه.

تا اینکه فعالیت حوزوی روحانیت خراسان در دوره قاجار آغاز و بسرعت توسعه یافت؛ به گونه‌ای که در اواخر نیمه اول قرن چهاردهم حوزه مشهد، حوزه‌ای کامل بوده است. اغلب مدارس، آباد بوده و سبب مهاجرت طلاب علوم دینی شده است. کرسی تدریس ادبیات مخصوص ادیب نیشابوری (۱۳۴۴ق.) بود. با وجود سه مدرس یعنی ملا محمدعلی معروف به حاجی فاضل، میرزای عسکری شهیدی معروف به آقابزرگ و بالاخره شیخ اسدالله یزدی، حوزه علمیه مشهد، مهد حکمت الهی و مرکز تدریس فلسفه به شمار می‌رفت. شاید سال ۱۳۳۵ق. بود که درس خارج فقه و اصول مانند دیگر حوزه‌های معتبر و طراز اول شیعه در حوزه مشهد معمول شد. مدرسانی که به تدریس خارج اشتغال داشتند، آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی، آیت‌الله حاج میرزا محمد کفایی خراسانی معروف به آقازاده و آیت‌الله شیخ مرتضی خراسانی بودند.<sup>۲</sup>

در سالهای ۱۳۵۴ق. / ۱۳۱۴ش. به دنبال مبارزات روحانیون مشهد با حکومت مرکزی، این حوزه نیز مانند دیگر حوزه‌های علمیه مورد تهاجم قرار گرفت. مدیران علمی حوزه، آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله آقازاده کفایی از مشهد تبعید شدند و جمعی از علمای هم‌رزم آنها دستگیر و به زندانها روانه گشتند.

بر اثر این حوادث و نیز سختگیری عمومی دولت درباره ملبسان به لباس روحانی، حوزه علمیه مشهد به رکود و سردی گرایید و بعد از واقعه مسجد گوهرشاد، بکلی تعطیل گردید.<sup>۳</sup> پس از شهریور ۱۳۲۰ش. با تغییرات عمده در نظام حاکم و برداشتن فشار از مظاهر دینی، زعامت حوزه را آیت‌الله حاج شیخ مرتضی آشتیانی و آیت‌الله آقا میرزا مهدی اصفهانی به دست گرفتند و به بازسازی بنیادهای روحانی در مشهد پرداختند. دیری نپایید که این هر دو، زندگی را بدرود گفتند (۱۳۶۵ق.). با از دست رفتن این دو مدرس بزرگ، درس خارج در این حوزه مجدداً دستخوش رکود شد. البته در این خلال درسهای سطح حوزه برقرار بود. آیت‌الله حاج شیخ محمدهاشم مدرس قزوینی (درگذشته ۱۳۸۱ق.) استاد بی‌نظیر، سطوح عالی را در مدرسه نواب درس می‌داد. این دوران فترت، با آمدن آیت‌الله العظمی حاج سید محمدهادی میلانی بسرعت سپری شد و حوزه مشهد رونق تازه‌ای یافت و در شمار حوزه‌های رایج شیعه درآمد.<sup>۴</sup>

بیان وقایع و خاطرات گذشته، همواره به عنوان یکی از ابزارهای انتقال اطلاعات مطرح بوده است. استفاده از این شیوه خصوصاً در اسلام و در بحث حدیث و روایان، درخور توجه می‌باشد. اما در زمینه تاریخ معاصر، این شیوه اکنون با نام تاریخ شفاهی به عنوان یکی از ابزارهای مهم جمع‌آوری، حفظ و نگهداری اطلاعات و منابع، از ذهن کسانی که در وقایع مشارکت داشته‌اند، از راه مصاحبه‌های صوتی و تصویری، مورد استفاده و نتایج حاصله از آن، از منابع مهم اطلاعاتی در حوزه تاریخ معاصر است. هرچند فواید تاریخ شفاهی تا حدودی در حوزه علمیه ناآشنا می‌باشد، اما نگارش آثار تحقیقی اخیر، در حوزه تاریخ معاصر، بر مبنای مصاحبه‌ها و آرشیو شفاهی، اهمیت این منبع اطلاعاتی را آشکار کرده و مراکز متعدد اسنادی و فرهنگی هم‌همت خود را در معرفی موضوعات مختلف بر این شیوه جمع‌آوری و مستندسازی اطلاعات گمارده‌اند. از جمله موضوعات مورد توجه این مراکز، حیطه تاریخ شفاهی حوزه‌های علمیه و مصاحبه با علمای بزرگ خصوصاً در شهرهای مشهد و قم بوده است.

### مهم‌ترین مباحث این مصاحبه‌ها عبارت است از:

۱- خاطره نگاری و زندگینامه گویی؛

۲- خاطرات درسی و استادان؛

۳- مبارزات سیاسی و اجتماعی؛

۴- مباحث دینی و مذهبی.

تمامی اطلاعات ذکر شده در ذیل بسیاری از مصاحبه‌ها تاکنون به صورت پراکنده به چاپ رسیده است. از کندوکاو در این مصاحبه‌ها، موارد زیر آشکار می‌شود:

۱- هیچکدام از مصاحبه‌ها از اسلوب و شیوه خاص پیروی نکرده و بیش‌تر گفت و شنودهای شخصی بوده و براساس سلیقه مصاحبه‌گران یا مراکز مسئول شکل گرفته است.

۲- مصاحبه‌ها بیش‌تر از آنکه با هدف کسب اطلاعات صورت پذیرد، صرفاً به منظور در اختیار داشتن گفت و شنود از طریق مصاحبه بوده است.

۳- اغلب مصاحبه‌ها، انفرادی با موضوعات متنوع است که به دلیل ناتوانی حافظه و رویکردهای خاص مصاحبه‌گران، ایراداتی بر آن وارد است.

۴- کار مصاحبه‌های مبتنی بر طرح‌های خاص با هدف جمع‌آوری اطلاعات در حوزه‌های مختلف، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

۵- مصاحبه‌ها، بیش‌تر با افراد برجسته حوزه انجام گرفته و شامل ضبط خاطرات آنان در زمینه‌های گوناگون می‌باشد.

۶- زمینه‌هایی مانند تاریخ مدارس حوزه، معیشت طلاب در دوره‌های مختلف، نقش سیاسی - اجتماعی حوزه، نمود حوزه در جامعه و کنشهای متقابل، حوزه و باورهای دینی، حوزه و خرافات مذهبی، حوزه و فناوری، و... که می‌توان با انجام طرح‌های شفاهی به آنها پرداخت، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

آرشیو تاریخ شفاهی مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، طرح تاریخ شفاهی حوزه علمی مشهد را، به منظور روشن ساختن زوایای تاریک حوزه در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تاریخ معاصر مشهد، از سال ۱۳۸۳ در دستور کار خود قرار داده است. مداخل تهیه شده در این حوزه، در چهار بخش کلی تدوین شده است:

**بخش اول:** علمای برجسته مشهد (نخودکی، اردبیلی، کفایی، فقیه سبزواری، میلانی، حاج شیخ هاشم قزوینی و...).

**بخش دوم:** تاریخ سیاسی؛ موضع‌گیریهای حوزه در حوادث سیاسی مانند مسجد گوهرشاد، حادثه حمله به یهودیان، وقایع ملی شدن صنعت نفت، انجمنهای ایالتی و ولایتی، احزاب سیاسی و روحانیون، انقلاب اسلامی و... .

**بخش سوم:** تاریخ اجتماعی حوزه؛ تأثیر حوزه در زندگی مردم، جایگاه روحانیون در میان مردم، وضعیت معیشتی استادان و طلاب، روحانیون و ظاهر جدید زندگی.

**بخش چهارم:** استادان، مدرسان و مدارس حوزه، مشارب فکری و فلسفی در حوزه و اختلاف آرا و عقاید.

گفتنی است که این آرشیو، تاکنون بالغ بر ۹۰۷ ساعت مصاحبه را در این زمینه ثبت کرده است. هدف از ارائه این نوشته، معرفی کوتاه مداخل و افراد یا موضوعاتی است که می‌تواند مورد توجه کسانی باشد که علاقه‌مند به کار در این زمینه هستند. بدیهی است که این مداخل و افراد، همه موارد ممکن نیست، بلکه مداخل و افراد دیگری نیز می‌تواند به این فهرست افزوده شود.

## بخش اول: علمای برجسته مشهد

### ۱- خانواده آخوند خراسانی

الف- آیت‌الله میرزا محمد آقازاده (۱۲۹۴-۱۳۵۶ق.): از علمای نامدار و مجاهد ایران در قرن چهاردهم قمری و فرزند دوم آخوند خراسانی بود. درس را در محضر پدرش به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۵ق. به درجه اجتهاد رسید. به امر والد بزرگوارش به مشهد آمد و در مسجد گوهرشاد به تدریس پرداخت. در جریان مشروطیت، مانند پدرش به دفاع از مشروطیت و انتقاد از استبداد پرداخت. خانه‌اش در مشهد محل مراجعه مردم و آمد و شد بزرگان بود. مقام علمی و نفوذ سیاسی او، باعث شد تا عملاً اداره امور خراسان، در دست او قرار گیرد و دولتیان نیز امنیت خراسان را از او می‌خواستند. در سال ۱۳۰۴ نماینده مردم سبزوار در مجلس مؤسسان شد. در جریان کشف حجاب، به یزد تبعید گردید. پس از چهارماه به مشهد برگردانده شد و بعد از چند روز بازداشت، به تهران انتقال یافت. آقازاده در دادگاه نظامی بدوی، به اعدام محکوم شد ولی به علت فشار سیاسی علمای عتبات، حکم صادره لغو شد و به اقامت اجباری در تهران تخفیف یافت. او تا پایان عمر در خانه‌اش تحت نظر و دیدار ممنوع بود. نامبرده، به دنبال بیماری و بر اثر تزریق شدن نوعی آمپول مشکوک درگذشت. تلگراف او در سال ۱۳۲۸ق. به مجلس و دولت، در اعتراض به استقراض خارجی معروف است.<sup>۵</sup>

ب- آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی (۱۳۰۰-۱۳۹۱ق.): مسئول امور حوزه و مدارس علمیه، تشکیل هیئتهای مذهبی و مبارزه با کمونیسم، وقایع ۲۸ مرداد و ارتباط با دربار، نگرش نسبت به شخصیت سیاسی و اجتماعی ایشان. وی، سیاستمداری باهوش و دارای فهم و درک

سیاسی بود و مدت ۴۵ سال در مسجد گوهرشاد و منزل خود به تدریس فقه و اصول پرداخت.<sup>۶</sup>

#### ۲- حاج حسنعلی اصفهانی نخودکی (۱۲۷۹-۱۳۶۱ق.):

در سال ۱۳۰۳ ش. وارد مشهد شد و در صحن عتیق سکنا گزید. بار دوم در سال ۱۳۱۱ به مشهد آمد و تا سال ۱۳۱۴ در مشهد ماند. وی سوم بار در سال ۱۳۲۹ به مشهد رفت و در اراضی نخودک در حومه مشهد سکنا گزید و تا پایان عمر در آنجا ماند. به تمامی علوم احاطه داشت.<sup>۷</sup> باور عامه و نخبگان درباره وی، کراماتش در مشهد، نظراتش در زمینه علوم (فلسفه، ریاضیات و غریبه)، وضعیت معیشتی او، ارتباط با بزرگان و سیاستمداران، علت ماندگاری وی.

#### ۳- آیت الله شیخ محمدرضا محامی (۱۳۱۰-۱۳۷۷ش.):

سالها از محضر درس آیت الله العظمی میلانی استفاده کرد. در ضمن از درس فلسفه آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی نیز بهره گرفت. تدریس سطوح مختلف را از مدرسه نواب شروع کرد. ایشان از مردان انقلابی و از همزمان شهید آیت الله سعیدی و شهید اندرزگو بود و از خرداد ۱۳۴۲ با امام خمینی رابطه داشت و مورد توجه و وکیل وی در مشهد بود. مشکلات مالی طلاب و هزینه فعالیت‌های انقلاب را تأمین می کرد. از فدائیان اسلام حمایت همه جانبه کرد. بعد از انقلاب عازم قم شد و در مدارس فیضیه و خان به تدریس مشغول شد و امام جماعت مسجد دفتر تبلیغات اسلامی بود. مبلغان اعزامی را به داخل و خارج کشور آزمون و تعیین می کرد.<sup>۸</sup>

#### ۴- آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق.):

در سن ۳۵ سالگی اجازه اجتهاد دریافت کرد. سال ۱۳۴۰ به مشهد آمد و مدرس سطوح عالی و خارج فقه و اصول گردید.<sup>۹</sup> از ویژگیهای وی می توان به این موارد اشاره کرد: تسلط بر مبانی میرزای نائینی، تشکیل حوزه درس معارف، مخالف فلسفه و طرفدار آرای کلامی در

مشهد، محل تدریس وی در مشهد، زمان تدریس، شاگردان مطرح وی عبارتند از: آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی، آیت‌الله حسنعلی مروارید و آیت‌الله عبدالله یزدی و... .

#### ۵- آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵ق.):

در اوج گیری نهضت نفت در سال ۱۳۳۲ ش. وارد مشهد شد و با درخواست علما و مردم در مشهد ماند و از زمان اقامت تا آخرین سال حیات پربار خود، به تدریس خارج فقه و اصول مشغول بود و صدها چهره برجسته نزد ایشان تلمذ کردند. با کانون نشر حقایق اسلامی مرتبط بود. در سال ۱۳۳۹ مدرسه منتظریه (حقانی) را تأسیس کرد و فتوای قتل منصور را صادر کرد. به مشرب آیت‌الله حاج محمدحسین کمپانی اصفهانی گرایش داشت. کمک زیادی به طلاب می‌کرد و آنها را برای وعظ به نواحی مختلف مشهد می‌فرستاد و شهید بهشتی را در هامبورگ تقویت می‌کرد.<sup>۱۰</sup> مبارزات ایشان برضد لوایح ششگانه انقلاب سفید، تعطیلی بازار مشهد در سال ۱۳۴۱، صدور اعلامیه تند ۲۸ اسفند ۱۳۴۱ علیه جنایات شاه، اعلام عزای عمومی نوروز سال ۱۳۴۲، حمایت از امام در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، اعلامیه چهاردهم مهر ۱۳۴۲ و راه‌اندازی اعتصاب عمومی، انتشار اعلامیه ۱۳۴۶ درباره جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل را می‌توان از مهم‌ترین اقدامات وی برشمرد، نحوه تدریس ایشان، برخورد با سایر مشارب فکری و ارتباط با سیاستمداران و حکومت وقت بود.<sup>۱۱</sup>

#### ۶- آیت‌الله میرزا حسین فقیه سبزواری (۱۳۰۹-۱۳۸۶ق.):

خوش مشرب، بذله‌گو و اهل طریقت و عرفان بود و ۱۲۰ منزل در نخریسی و ۲۵ منزل در خواجه‌ربیع و ۲۵۰۰ قطعه زمین به طلاب داد. با سران نظام ارتباط داشت. باغ رضوان را ساخت و درمانگاه رازی را تکمیل کرد.<sup>۱۲</sup>

#### ۷- آیت‌الله حاج شیخ محمدهاشم مدرس قزوینی (۱۲۷۰-۱۳۳۹ق.):

فلسفه اشراق و مشأ را نزد آیت‌الله سید موسی زراآبادی فراگرفت و فقه و اصول را نزد آیت‌الله العظمی حاج حسن قمی و آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی آموخت. به استاد خود، آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی، به خاطر تفکرات بلند و آفاق اندیشش علاقه زیادی



داشت. رسائل، مکاسب و کفایه را با تسلط بی نظیری در مدارس نواب و فاضل خان تدریس می کرد. اخلاق و سعۀ صدر وی کم نظیر و ستودنی بود. بی تردید مهم ترین نقش ایشان، نه تدریس بلکه تعلیم بود.<sup>۱۳</sup>

روشنفکری دینی، روشن بینی و بیزارای از عوام فریبی و انحطاط پراکنی و ارتجاع گرایی، زهد و بی اعتنایی به دنیا از ویژگی های اخلاقی وی بود.

#### ۸- آیت الله حاج شیخ مجتبی قزوینی (۱۳۱۸-۱۳۸۶ق.ه.:

از نظر فلسفی، طرفدار آیت الله سید موسی زراآبادی بود و از مخالفان فلسفه به شمار می آمد. در سال ۱۳۴۱ق. به مشهد آمد و از معارف بزرگان بهره جست و مدت ۴۰ سال در حوزه علمیه مشهد به تدریس پرداخت. معارف قرآن، خارج فقه و اصول و متون فلسفی را برای خواص تدریس می کرد. از آمیختن فلسفه و عرفان می پرهیخت. به فلسفه مشا گرایش داشت و فلسفه ملاصدرا و منظومه حاج ملاهادی سبزواری را قبول نداشت. در دوره هفدهم به عنوان نماینده انتخاب شد و از امام نیز در جریان انقلاب اسلامی حمایت کرد.<sup>۱۴</sup>

#### ۹- آیت الله حاج میرزا محمدرضا کلباسی (۱۲۹۵-۱۳۸۳ق.ه.:

در فقه و اصول و مکتب رجال، درایه و علوم ریاضی صاحب نظر بود. به تجدید حیات حوزه های علمیه علاقه مند بود و به ارتباط با دیگر فرهنگها علاقه داشت. در موضع گیری سیاسی، به حمایت از مصدق و آیت الله کاشانی معروف است. او، پیشنهاد تشکیل دانشگاه عالی روحانیون را داد.<sup>۱۵</sup>

#### ۱۰- آیت الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی (۱۳۰۰-۱۳۷۰ق.ه.:

انسانی شوخ طبع، مهربان، مؤمن، متعهد، اهل تهجد و خوش قریحه بود. ساده زندگی می کرد و هرگز از سهم امام استفاده نکرد و از موقوفه ای که داشت، امورات خود را می گذراند. با آیت الله میرزا مهدی اصفهانی رابطه نزدیکی داشت. خطیبی توانا بود و در تکیه فتاح خان پشت قبرستان سراب به منبر می رفت. از معدود افرادی بود که بعد از حادثه مسجد گوهرشاد حق لباس پوشیدن داشت. مقررات خاصی برای منبر رفتن طلبه ها داشت. دارای افکار آزاداندیش و با مظاهر جدید تمدن موافق بود و شعر نیز می سرود. چهل سال از

سن خود را در راه تدریس و خدمات معنوی به مردم خراسان و اعتلای فرهنگ این سرزمین صرف کرد. میرزا، خط خوشی داشت و با ارباب ادب آن روز خراسان معاشرت داشت.<sup>۱۶</sup>

#### ۱۱- آیت الله حاج سید محمدرضا بختیاری (م: ۱۳۳۹ ش.):

از بختیار توابع اصفهان بود. در عراق به همراه شصت هزار مجاهد به جنگ با کفار برخاست و بعد از جنگ به مشهد آمد. پس از کشتار مسجد گوهرشاد، چند سالی در تربت حیدریه تبعید بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰ به مشهد آمد و مدت چهل سال در مشهد ماند. در دوم فروردین ۱۳۳۹ ش. درگذشت.<sup>۱۷</sup>

#### ۱۲- آیت الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی (۱۲۶۰-۱۳۵۹ ق.):

از طرفداران شهید نواب صفوی بود و شاخه‌ای از فدائیان اسلام را در مشهد تشکیل داد و نشریه‌ای به نام خداپرستی به زبان ساده منتشر می‌کرد. وی، بعداً نشریه تذکرات دیناتی را نوشت. او از سال ۱۳۲۸ نماز جماعت برگزار می‌کرد. ایشان قبل و بعد از انقلاب امام جمعه مشهد بود. از روحانیون روشنفکر به شمار می‌آمد و به فلسفه و علوم جدید توجه داشت. حتی الامکان از وجوهات استفاده نمی‌کرد. به شیخ‌العلماء معروف بود و بیمه پزشکی محصلان را درست کرد.<sup>۱۸</sup>

#### ۱۳- آیت الله حاج سید یونس اردبیلی (۱۲۹۶-۱۳۷۷ ق.):

در سال ۱۳۵۳ ق. به مشهد آمد و به تدریس و اداره امور دینی شهر پرداخت. منزل وی در جریان مسجد گوهرشاد، مکان تجمع علمای مخالف بود. بعد از حادثه مسجد، تبعید شد و در سال ۱۳۲۱ ش. به مشهد برگشت. در جریان ۲۸ مرداد همفکر با کاشانی و مخالف با کمونیسم بود و در سال ۱۳۷۷ ق. درگذشت.<sup>۱۹</sup>

#### ۱۴- آیت الله العظمی حاج سید عبدالله موسوی شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۶۳ ش.):

در جریان کشف حجاب، با آیات عظام در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی مشارکت داشت. پس از واقعه مسجد گوهرشاد بازداشت و به تهران اعزام شد و سال ۱۳۵۱ وارد نجف گردید. در جریان نهضت ملی از کاشانی حمایت کرد و در جریان لوایح ششگانه بسیار فعال

بود؛ تا آنکه با اعمال فشار حزب بعث، عراق را ترک کرد و در سال ۱۳۵۴ به مشهد آمد و به تأسیس مدارس علمی همت گماشت و مدرسه علمیّه امیرالمؤمنین (ع) را تأسیس کرد. در جریان انقلاب اسلامی امور خراسان را برعهده داشت. هرگز لباسی برتر از لباس طلاب متوسط الحال نپوشید و اتاق سکونتش هیچگاه با قالی مفروش نشد. غذای ساده می خورد و کارهایش را خودش انجام می داد. از حضور افراد در کنار خود هنگام تردد جلوگیری می کرد و اهل تهجد بود.<sup>۲۰</sup>

#### ۱۵- آیت الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (۱۲۷۸-۱۳۶۹ق.):

علامه محدث، به سال ۱۲۸۷ ش. به مشهد آمد و مدت ۱۲ سال امام جماعت مسجد گوهرشاد بود. نماز ایشان بعد از واقعه مسجد نیز برگزار می شد و در طول حاکمیت رضاخان، به طور مجاز کسوت روحانیت را بر تن کرد. چهل سال تمام ریاست دینی خراسان را برعهده داشت و جز خودش احدی را در هیچیک از کارهای مربوط به خود، دخالت نمی داد. در واقعه حادثه یهودیان مشهد، نقش میانجی را بازی کرد.<sup>۲۱</sup>

#### ۱۶- آیت الله سید احمد مدرس (۱۳۰۶-۱۳۹۱ق.):

از مدرسان بلندپایه و پارسای حوزه مشهد بود که صدها فاضل در پای درس او شرکت می کردند و از محضر پرفیضش بهره می بردند و در میان علما از مقبولیت برخوردار بود.<sup>۲۲</sup> در مسجد ملاهاشم ضمن تدریس، اقامه جماعت می کرد و زندگی خود را از محل درآمد مزرعه ای که همسرش در اختیار داشت، می گذراند و هرگز از وجوه شرعی استفاده نکرد.

#### ۱۷- محمدعلی علمی اردبیلی (۱۲۸۸-۱۳۶۶ق.):

مدت زیادی در نجف و قم تحصیل کرد. در سال ۱۳۳۳ق. به مشهد آمد و به توصیه آیت الله العظمی میلانی برای تدریس اصول، باقی ماند و در مدرسه میرزا جعفر درس اصول می گفت.<sup>۲۳</sup> پس از چند سال به دلیل تعمیر مدرسه، درس را به منزل خود انتقال داد. اعتنایی به سلیقه ها و تقلیدهای سنتی عرف نداشت و حق استاد را محترم می شمرد.

#### ۱۸- شیخ حسن خاوری (م: ۱۳۸۶ق.):

شیخ حسن معروف به ادیب خاوری، از مشایخ معرفت و سالکان طریقت و نایلان به حقیقت و انسانی خوش مشرب، بذله گو، شیرین زبان و خنده رو بود. در علوم رمل و اعداد و جفر و طلسمات و تسخیرات و اودیه، استادی بی نظیر بود. ۱۱۵ سال عمر کرد و در باغ رضوان دفن گردید.<sup>۲۴</sup>

#### ۱۹- آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی (۱۲۸۲-۱۳۶۸ش.):

در سال ۱۳۱۴ به مشهد آمد و مدت چهل سال به تدریس فقه و فلسفه پرداخت. در اخلاق و تواضع، نمونه ای بود که او را از دیگران ممتاز می ساخت. در اوج زهد، تارک دنیا نبود. مفسری بزرگ بود، در سال ۱۳۴۴ش. در مشهد درمانگاه خیریه بینوایان را به اتفاق بعضی خیران، به وجود آورد. در مبارزه با رژیم پهلوی نقش فعال داشت و از رهبران انقلاب مشهد شمرده می شد و مورد اعتماد قاطبه مردم و علما بود. در جبهه های جنگ تحمیلی، به درخواست بسیجیان پیشنهاد بود. فقه و فقاقت را برای مریدی و مرادی نمی خواست. در فقه، نظرات نو و عمیقی داشت. کارهای شخصی خود را به دیگران نمی سپرد و در خانه اش به روی مردم باز بود تا گرهی از کار مردم بگشاید. خود را همسطح مردم می دانست و برای خودش موقعیتی قائل نمی شد. وقتی به حرم مشرف می شد، در گوشه ای خلوت، مشغول راز و نیاز می شد.<sup>۲۵</sup>

#### ۲۰- آیت الله حاج حسنعلی مروارید (۱۳۲۹-۱۴۲۵ق.):

پدرش مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمدرضا، با شیخ حسنعلی اصفهانی نخودکی رابطه مودت و عقد اخوت داشت. شهرت «مروارید» در خاندان ایشان، با یکی از مشهورترین رجال ادب و هنر خوشنویسی، خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید کرمانی (۸۶۵-۹۵۵ق.) آغاز شد. طبق وصیت پدر، در ۹ سالگی و پس از فوت پدر تحت نظارت شیخ حسنعلی نخودکی قرار گرفت. در ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شد و از آیت الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی کسب علم کرد و از محضر آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق.) استفاده کرد. هم بحث و درس آیت الله میرزا جواد آقا تهرانی بود. پس از اتمام

تحصیل، در مشهد شروع به تدریس کرد. مؤسس دو مدرسه علمیه بعثت و سعادت بود. در مدرسه میرزا جعفر و مسجد حاج ملاهاشم و مسجد حاج ملاحیدر نماز جماعت اقامه می کرد.<sup>۲۶</sup>

#### ۲۱- شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری (۱۳۱۵-۱۳۹۶ق.):

شاگرد شیخ عبدالجواد ادیب نیشابوری و مشهور به ادیب دوم و در حوزه ادبیات از معروفیت زیادی برخوردار بود. دروس حوزه، مغنی، شرح مطول، حاشیه، سیوطی و... را با روش مخصوص تدریس می کرد. در مدرسه فاضل خان تدریس می کرد و از شاگردان پول دریافت می کرد. سمت مدرس آستانه را در زمان سید جلال الدین تهرانی به دست آورد. در مدارس خیرات خان و میرزا جعفر، مساجد ترکها و گوهرشاد تدریس می کرد. در اواخر عمر به علت زمین خوردگی در منزل بود. لباس ساده به تن می کرد و مناعت طبع داشت. انسانی آزاده و عارف مسلک بود.<sup>۲۷</sup>

#### ۲۲- سید ابراهیم علم الهدی (۱۲۹۶ - ۱۳۷۸ق.):

علم الهدی، فرزند سید محمد حسینی علم الهدی در سبزوار به دنیا آمد. از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری بود. در کربلا از محضر آیت الله العظمی میلانی استفاده کرد و همراه با ایشان در سال ۱۳۳۳ به مشهد آمد. وکیل تام الاختیار آیت الله العظمی میلانی بود. در حل مسائل بغرنج قضایی به قضات کمک می کرد و در طرح مسائل علمی و گشودن گره از معمای آنها، از نبوغ خاصی برخوردار بود و هیچگاه سعی نمی کرد شاگردان خود را مقلد بار بیاورد.<sup>۲۸</sup>

#### ۲۳- محمدتقی میرزا عسکری (م: ۱۳۱۵ش.):

میرزا عسکری معروف به آقا بزرگ، حکیم فیلسوف معروف و استاد فلسفه بود. در حدود سال ۱۲۹۲ش. به مشهد بازگشت و متجاوز از ۲۳ سال در منزل خود حکمت درس می داد و شاگردان بسیار زیاد و برجسته ای تربیت کرد. با اینکه در نهایت سختی می زیست، طبعی منبع داشت. آقا بزرگ، به صراحت لهجه و آزادمنشی و وارستگی شهره بود. تا پایان عمر

هرگز کرامت انسانی را با چیزی معامله نکرد.<sup>۲۹</sup> در فلسفه بیش تر به سبک شیخ‌الرئیس متمایل بود و با این حال آثار ملاصدرا را می‌ستود.<sup>۳۰</sup> با ایرج میرزا دوستی داشت و ایرج میرزا به او عشق می‌ورزید. در میان آنان مطایباتی رد و بدل می‌شد. آقابزرگ به ملاعباس تربتی علاقه تام داشت و او را می‌ستود.<sup>۳۱</sup>

#### ۲۴- حاجی فاضل (م: ۱۳۴۲ق.):

آخوند ملا محمدعلی معروف به حاجی فاضل، شاگرد میرزای شیرازی، فقه و اصول و فلسفه را با استادی تدریس می‌کرد. آیت‌الله میرزا محمد آقازاده و آیت‌الله العظمی حاج حسین آقا قمی در معقول از ایشان بهره می‌بردند. به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. نیک‌محضر، مهربان، خندان و بسیار شجاع بود. در سیاست دخالت داشت و با علمایی که قوانین مشروطه را به تمام معنی اسلامی می‌دانستند، موافق نبود و به دست مشروطه‌گراها ترور شد. در زمان آصف‌الدوله شاهسون، به کلات و درگز تبعید شد. در مشهد، ریاست علمی حوزه و مسند قضاوت شرعی داشت.<sup>۳۲</sup>

#### ۲۵- آیت‌الله شیخ اسدالله یزدی (م: ۱۳۴۵ق.):

مشهور به هراتی، استاد آقابزرگ حکیم و میرزا مهدی حکیم الهی قمشه‌ای بود.<sup>۳۳</sup> تا آخر عمر مجرد زندگی کرد و در مدرسه فاضل خان و پریزاد کلام، منطق و فلسفه تدریس می‌کرد.

#### ۲۶- آیت‌الله حاج شیخ کاظم مهدوی دامغانی (۱۳۱۶-۱۴۰۱ق.):

از سال ۱۳۳۶ق. سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) را تدریس می‌کرد و از سال ۱۳۵۶ق. پس از واقعه مسجد گوهرشاد در منزل خود منزوی گردید. در حوزه، به فضل اشتهار داشت. حوزه درس وی چندان پرجمعیت نبود. پس از شهریور ۱۳۲۰ در بازسازی حوزه مشهد جزو فعالان بود. سجایای اخلاقی و صراحت لهجه و اجتناب از هرگونه تظاهر، از برجستگیهای روحی ایشان بود.<sup>۳۴</sup>

## مدارس حوزه علمیه مشهد

۱- مدرسه سلیمان خان (سلیمانیه): به دست سلیمان خان از امیران قاجار (۱۲۰۰-۱۲۴۳ق.) در انتهای بازار بزرگ مقابل مسجد شاه احداث و با ۲۲ حجره، دارای استادان و طلاب فاضل بود. در گذشته (حدود سال ۱۳۲۳) اداره آن با میرزا جلال فرزند حاج میرزا احمد مدرس یزدی و تولیت آن با آیت الله حاج میرزا احمد کفایی بود که سالها در این مدرسه به فعالیتهای دینی و مذهبی مشغول بودند. پس از سالها سکوت و اختناق در حکومت پهلوی، اولین مجلس عمومی عزاداری سیدالشهدا و نخستین هیئت سینه‌زنی خراسان، به سعی ایشان در مدرسه تشکیل شد. پس از فوت مرحوم کفایی، سید زین‌العابدین سبزواری (امام جماعت وقت مسجد گوهرشاد) تصدی مدرسه را برعهده گرفت.

این مدرسه، سالها یکی از موفق‌ترین مدارس حوزه علمیه مشهد بود و فعالیت درخور توجهی داشت و سالها حلقه‌های درس برترین استادان حوزه مانند آقابزرگ حکیم و ملا محمد کاظم خراسانی در آن برگزار می‌شد. سرانجام این مدرسه علمیه پس از دو قرن فعالیت، در سال ۱۳۷۸ تخریب شد و در مکان دیگری و با امکانات لازم در حال احداث می‌باشد.<sup>۳۵</sup>

۲- مدرسه ابدال خان: پایین خیابان (نواب صفوی)، داخل کوچه شور، جنب مقبره پیر پالاندوز بوده است. بنیانگذار این مدرسه تاریخی، یکی از خانهای عبدالآباد تربت جام به نام ابدال خان تکلو است که آن را برای تحصیل طلاب علوم دینی بنا کرد. تاریخ بنای مدرسه، بین سالهای ۱۰۹۰-۱۱۰۰ق. بوده است. تاریخ وقفنامه مدرسه، سال ۱۰۹۳ق. می‌باشد<sup>۳۶</sup> ولی در سال ۱۲۹۷ آن را تعمیر کرده‌اند. این مدرسه، در دو طبقه و به مساحت ۷۰۰ مترمربع بوده و کتابخانه‌ای با ۲۰۰ جلد کتاب داشته که فاقد نسخ خطی فراوان بوده است.<sup>۳۷</sup>

۳- مدرسه عباسقلی خان: این مدرسه، اکنون در حاشیه خیابان نواب صفوی قرار دارد که بانی آن عباسقلی، بیگلریگی خراسان و دارای ۱۰۴ حجره بوده و در دو طبقه بنا شده است. حیاط مدرسه با آبنمای کوچکی در وسط، حدود یک متر از سطح خیابان پایین‌تر قرار دارد.<sup>۳۸</sup> کتابخانه این مدرسه را در سال ۱۳۳۴ ش. حجت‌الاسلام سیدحسن محدث تأسیس و اولین کتابها را سید علی بهشتی وقف آن کرد. اکنون قریب ۱۵۰۰ جلد کتاب اسلامی در زبانهای مختلف دارد که در حدود ۳۰ جلد آن خطی است. آقای امیرشیبانی، مدیر کل وقت

اوقاف خراسان، در زمان تفتیش نسخ کتابخانه، گفته است: ۵۰۰۰ نسخه خطی و چاپی داشته که ۷۸ جلد آن خطی است.<sup>۳۹</sup> تولیت مدرسه، در اختیار عباسقلی خان بوده و پس از مسائل متعدد، سرپرستی آن در اختیار سید محمد ذاکری قرار گرفته است.

**۴- مدرسه خیرات خان:** در مجموعه اماکن و بیوتات آستان قدس رضوی واقع شده است. اما زمانی که طرح آن ریخته می‌شد، در حاشیه بست پایین خیابان قرار داشت. این مدرسه قدیمی و زیبا را، در سال ۱۰۵۷ق. همزمان با حکومت شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۲ق.) یکی از اشراف آن روزگار به نام خیرات خان احداث کرد که در زمره معروف‌ترین و معتبرترین مدارس علمیه آن زمان به شمار می‌رفت. ولی پس از حکومت صفویه از رونق و شور علمی افتاد.<sup>۴۰</sup>

**۵- مدرسه میرزا جعفر:** در ضلع شمالی صحن کهنه (عتیق)، دارای صحن وسیع مربع و مستطیل و ۸۵ اتاق بوده است. در سال ۱۰۵۹ق. به دست دو برادر به نامهای میرزا محمد طاهر مشهور به وزیرخان و میرزا محمد جعفر مشهور به سروقد، از فرزندان میرزا تقی مشهدی ساخته شد و در اختیار خاندان سروقدی می‌باشد. از آنجا که میرزا جعفر تصدی ساخت آن را برعهده داشته و رقباتی هم وقف مدرسه کرده، به نام او مشهور شده است. طلاب از عواید موقوفه ظهیرالدوله مواجب می‌گرفتند. موقوفات آن ۶ باب دکان بوده است. آیت‌الله حسنعلی مروارید در آن نماز می‌خواند و آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی خارج فقه درس می‌داد و اکنون تبدیل به دانشگاه علوم اسلامی رضوی شده است.<sup>۴۱</sup>

**۶- مدرسه جعفریه:** در انتهای بازار بزرگ داخل کوچه میر علم خان است و واقف آن آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی است که آن را در سال ۱۳۸۰ق. ایشان و جمعی از نیکوکاران مشهدی، برای سکونت طلاب به سبکی نسبتاً جدید ساختند. از شرایط طلاب مدرسه، نخواندن ادبیات، اصول و فلسفه و خواندن فقه، حدیث، کلام و تفسیر بوده است.<sup>۴۲</sup>

**۷- مدرسه بهزادیه (حاج حسن):** در حاشیه شمالی بالا خیابان، نزدیک مدرسه نواب بود. دارای صحن کوچک مستطیل و عمارت دو طبقه و ۲۵ اتاق بود و در سال ۱۳۵۴ش. از بین رفت. این مدرسه در دوره صفویه حدود سالهای ۱۰۸۵ تا ۱۰۹۰ق. بنا شد. علت شهرت مدرسه بهزادیه به حاج حسن، نامعلوم است.<sup>۴۳</sup>



۸- **مدرسه رضوان:** مدرسه‌ای در محله عیدگاه بوده که پنج طلبه در آن سکونت داشته و گویا در وقفنامه گفته شده، از پنج نفر بیش تر نشوند. تولیت در اختیار نوادگان واقف به نام بانو زینت است. این مدرسه را در سال ۱۰۹۶ق.، رضوان از اشراف دوره صفویه احداث کرده است.<sup>۴۴</sup>

۹- **مدرسه نواب (صالحیه):** از مدارس قدیمی مشهد است که بانی آن میرزا ابوصالح نقیب رضوی، به سال ۱۰۸۶ق. می‌باشد و در ابتدای بالاخیابان ساخته شده است. حوزه درس سطوح عالی در این مدرسه تشکیل می‌شده است، مانند حوزه درس ادبیات ادیب نیشابوری و سطوح عالی آیت‌الله حاج شیخ محمد هاشم مدرس قزوینی. از شرایط ثبت‌نام در مدرسه، می‌توان مجرد بودن، اهل مشهد نبودن، از عهده امتحان برآمدن و اشتغال نداشتن به کارهای غیرروحانی را نام برد. اکنون این بنا با تغییرات چشمگیری بازسازی شده است.<sup>۴۵</sup>

۱۰- **مدرسه بالاسر:** مدرسه بالاسر - که از کهن‌ترین مدارس علمیه مشهد به شمار می‌رود - در حاشیه شرقی بازار بزرگ و نزدیک مدرسه پریزاد واقع شده و دارای صحن کوچک و دو ایوان بوده است. مدرسه را میرزا محمد وزیرکل خراسان در سال ۱۰۹۱ق. تعمیر کرده است. تولیت مدرسه در اختیار سیدعلی علم‌الهدی بوده است. از شرایط مدرسه، نپذیرفتن طلاب قندهاری، قوچانی، تبریزی، قفقازی، بغدادی، بحرینی و نیشابوری می‌باشد. امروزه تبدیل به رواق دارالولایه گردیده است. تاریخ بنای نخستین واقف و بانی آن بروشنی معلوم نیست؛ تنها عبدالحمید مولوی معتقد است، شاهرخ میرزا بانی آن بوده است.<sup>۴۶</sup>

۱۱- **مدرسه پریزاد:** مدرسه پریزاد در ضلع شرقی بازار بزرگ، روبروی مدرسه دودر و جنب رواق دارالولایه واقع شده است، در حالی که در حاشیه بازار زنجیر قرار داشته است. در زمان حکومت شاهرخ میرزا (۸۰۷-۸۵۰ق.) به سفارش پریزاد خانم، ندیمه مخصوص گوهرشاد آغا همسر شاهرخ میرزا احداث شد و دارای کتابخانه نیز بوده است. در سال ۱۳۵۴ش. در جریان توسعه اطراف حرم مطهر، این مدرسه تخریب شد و در سال ۱۳۶۸ش. به همت آستان قدس رضوی با همان الگو و طرح سنتی بازسازی گردید.<sup>۴۷</sup>

۱۲- **مدرسه دو در:** در ضلع غربی بازار بزرگ «زنجیر» سابق و در مجموعه اماکن و بیوتات متبرکه، مقابل مدرسه پریزاد واقع است. در سال ۸۴۳ق. به دست یکی از فرماندهان

شاهرخ میرزا به نام امیر یوسف خواجه بهادر ملقب به غیاث‌الدین بنا شد. ابتدا به نام مدرسه یوسف خواجه و بعدها به علت داشتن دو در ورودی، به مدرسه دودر مشهور شد. در سال ۱۳۵۳ ش. به علت تعمیر و مرمت، مدرسه تعطیل شد. پس از انقلاب، آستان قدس رضوی، آن را با حفظ الگو و طرح قدیمی، بازسازی کرد. اکنون زیر نظر حوزه علمیه مشهد فعالیت می‌کند. در گذشته، تولیت مدرسه با آقای کفایی بود که آقای کاهانی را به نمایندگی خود انتخاب کرده بود.<sup>۴۸</sup>

### سوالات مورد نظر در قسمت مدارس

- ۱- نحوه اداره کردن مدارس (اوقاف - متولی).
- ۲- شروط احتمالی واقف و سکونت در مدرسه.
- ۳- چگونگی تأمین هزینه‌های مدرسه.
- ۴- وضعیت طلبه‌ها، تعداد، ملیت، قومیت.
- ۵- امکانات جانبی مدارس، امکانات رفاهی.
- ۶- استادان مدارس، نحوه تدریس آنها، ساعت رفت و آمد و تدریس، سطوح مورد تدریس.
- ۷- مقررات، پذیرش و اقامت طلاب.
- ۸- برنامه‌های درسی و امتحانات.
- ۹- برنامه‌های روزانه مدارس.
- ۱۰- میزان تأثیر رئیس‌ان مدارس در طلاب و نظارت آنها.
- ۱۱- نوشتن، نویسندگی طلاب و چگونگی فراگیری طلاب.
- ۱۲- وضعیت مدارس قبل از حادثه مسجد گوهرشاد و بعد از آن.

### حوزه و جامعه

- ۱- رابطه حوزه با مردم و نحوه برقراری آن.
- ۲- زندگی اجتماعی روحانیون و طلاب.

- ۳- مؤلفه‌های تأثیر روحانیون بر مردم (منبر، تعزیه و مراسم مختلف).
- ۴- منبریه‌های معروف مشهد (شیخ مرتضی عیدگاهی و مهدی واعظ خراسانی).
- ۵- وضع معیشتی روحانیون و طلاب، نحوه تأمین و نگرش مردم به روحانیونی که خود تأمین معاش می‌کردند و یا با مقامات مرتبط بودند (عده‌ای برای امرار معاش، اقدام به کارهایی از قبیل نامه‌نویسی و قرآن خوانی می‌کردند که در اصطلاح مشهدیها، آنان را حافظی می‌نامیدند).

### تأمین معیشت طلاب

- ۱- از راه کمک پدر و مادر.
  - ۲- از راه دریافت کمک هزینه (شهریه) از مدرسان و آیات عظام.
- مقدار شهریه‌های پرداختی به طلاب در مشهد از طریق آیات عظام<sup>۴۹</sup>
- آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی: (نجف) ۱۵۰ ریال.
  - آیت‌الله العظمی سیدحسن قمی: مجردها ۱۶۰ ریال نان، متأهلها ۲۰۰ ریال نان.
  - آیت‌الله العظمی سید محمدهادی میلانی: ۱۵۰ ریال برای عموم.

### شهریه‌های خصوصی<sup>۵۰</sup>

- آیت‌الله العظمی قمی: محصلان حوزه درس خود ۲۰۰ ریال.
  - آیت‌الله العظمی میلانی: برای محصلان حوزه خود ۲۵۰ تا ۱۰۰۰ ریال.
  - آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی: ماهانه ۱۰۰ ریال.
- برخی از آیات عظام مانند قمی و میلانی، هریک جداگانه مبلغی به محصلان با سابقه خود می‌دادند.

### رابطه حوزه با بازار

- ۱- کمکهای مردمی به حوزه و روحانیت.

- ۲- حوزه و واکنش آن نسبت به مدارس نوین، سینماها، روزنامه، حمام.
- ۳- مرجعیت در میان مردم، میزان تأثیر مراجع.
- ۴- حوزه و روشنفکری.
- ۵- حوزه و مساجد (پیشنماهای معروف مسجدها).

## حوزه و سیاست

- ۱- حادثه گوهرشاد و نقش روحانیون برجسته مانند آیت‌الله سید یونس اردبیلی، آیت‌الله‌العظمی حاج حسین آقا قمی و... و ورود نیروهای روسی به مشهد.
- ۲- حادثه حمله به محله یهودیان و نقش روحانیون (آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی و آیت‌الله حسین فقیه سبزواری).
- ۳- حزب توده و روحانیون: موضع‌گیری روحانیون در مورد کمونیسم (آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی و تشکیل هیئتهای مذهبی).
- ۴- روحانیون و ملی شدن صنعت نفت (جناحهای مخالف آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی و هیئتهای مذهبی و شیخ محمد الهی، جناحهای موافق آیت‌الله محمدرضا کلباسی، جناح ممتنع در حوزه و در مجموع سیاست کلی حوزه در این مورد، فدائیان اسلام و طرفداران آنها در حوزه).
- ۵- روحانیون و احزاب: حزب مردم، حزب ایران نوین، حزب رستاخیز، حزب نوین و برخورد کلی حوزه در این مورد.
- ۶- حوزه و لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی، اصلاحات ارضی و وضعیت موقوفات مدارس.
- ۷- حوزه و قیام پانزده خرداد، عکس‌العمل روحانیون در مشهد و موضع‌گیریها.

## حوزه و انقلاب اسلامی

- ۱- حادثه مسجد فیل و سخنرانی شهید هاشمی نژاد در سال ۱۳۴۲.
- ۲- بازتاب تبعید امام خمینی (ره) به عراق در مشهد.
- ۳- تبعید آیت‌الله‌العظمی حاج حسن قمی به خاش زاهدان در سال ۱۳۴۴.

- ۴- دستگیری مقام معظم رهبری به دست ساواک مشهد در سال ۱۳۴۲.
- ۵- وضعیت حوزه علمیه خراسان و مشهد پس از حادثه خرداد ۱۳۴۲.
- ۶- روحانیت وابسته و حامی شاه.
- ۷- سخنرانی مقام معظم رهبری در مساجد کرامت و امام حسن (ع) مشهد.
- ۸- ورود آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی به مشهد در سال ۱۳۵۴.
- ۹- برخورد حوزه با افکار دکتر شریعتی و گروه‌هایی مانند کانون نشر حقایق اسلامی.
- ۱۰- بازتاب درگذشت دکتر علی شریعتی در حوزه.
- ۱۱- بازتاب درگذشت حاج آقا مصطفی خمینی در حوزه.
- ۱۲- جرعه بازتاب انتشار مقاله توهین آمیز به امام خمینی (ره) در مشهد (دی‌ماه ۱۳۵۶).
- ۱۳- تحصن علمای مشهد همراه با مردم در بیت آیت الله العظمی سید عبدالله شیرازی (اردیبهشت ۱۳۵۷).
- ۱۴- بازتاب فوت حجت الاسلام حاج شیخ احمد کافی.
- ۱۵- نقش تربیت یافتگان مرحوم عابدزاده در «انجمن پیروان قرآن» در انقلاب اسلامی. سؤالات در زمینه حوزه بسیار زیاد و گسترده می‌باشد. با تناسب موضوع و زمینه کاری، می‌توان سؤالات متفاوتی مطرح کرد که چند نمونه آن در اینجا ذکر می‌گردد.

### برخی سؤالات راجع به حوزه علمیه

#### الف- سؤالات عمومی:

سال تولد، محل تولد، پدر و مادر، محل زندگی، تحصیلات اولیه قبل از ورود به حوزه، علت ورود به حوزه.

#### ب- سؤالات تخصصی:

۱- در کدام مدرسه تحصیل می‌کردید؟ در زمان شما مهم‌ترین مدرسه علمیه کدامیک بود؟ چرا این شهرت را داشت؟ در زمان شما مشهد چه تعداد طلبه داشت؟ بهترین طلبه‌ها از کدام منطقه بودند؟ ضعیف‌ترین طلبه‌ها از کدام منطقه می‌آمدند؟ ضوابط ورود به حوزه؟

- ۲- در مورد وضعیت معیشت طلبه‌ها: بیش‌ترین مساعدتها را چه منبعی می‌کرد؟ کدام مرجع؟ کمکهای مردمی چگونه بود؟ پولدارترین طلبه‌ها از کجا می‌آمدند؟
- ۳- در مورد وضعیت رفاهی حوزه‌ها، گرمایش، سرمایش، فرش و نوع حجره؟
- ۴- تخصیص حجره به طلبه‌ها بر چه اساسی بود: شایسته‌سالاری، رابطه‌ای، حسب سنوات و سطح تحصیلات؟
- ۵- مدت آموزشی در زمان شما چند سال بود، یعنی بعد از چند سال طلبه‌ها به سطحی قابل قبول می‌رسیدند و برای وظایف محوله، آیا آمادگی داشتند؟
- ۶- تعداد طلبه‌های بااخلاص و جدی چه میزان بود؟
- ۷- طلبه‌هایی که تا آخر عمر در مدرسه‌ها می‌ماندند، چه تعداد بودند و علت چه بود؟
- ۸- میزان نظارت بر تحصیل و زندگی طلاب در چه حد بود و از چه طریق صورت می‌گرفت؟ آیا استادان به این امور هم می‌پرداختند؟
- ۹- نقش رئیس حوزه علمی در زمان شما چه بود؟ چه حمایت‌هایی می‌توانست از طلبه‌ها داشته باشد؟ چه کسی بود؟ چگونه انتخاب می‌شد؟ دولتی بود یا منتخب مراجع بود؟
- ۱۰- مسئله بیوت مراجع و اثرگذاری بیت آنان.
- ۱۱- چه عوامل اساسی در قدرت مراجع، در طول سالهای گذشته تأثیرگذار بوده است؟ علم و دانش مرجع، دستگاه تبلیغاتی وابسته به بیوت مراجع و سایر عوامل؟
- ۱۲- باهوش‌ترین عالمی که در دوران زندگی با ایشان مواجه شده‌اید، با ذکر دلیل نام ببرید؟
- ۱۳- روشنفکرترین عالم و مرجعی که در خراسان در سالهای سده ۱۴ بوده است، با ذکر دلیل نام ببرید؟
- ۱۴- اینکه نام افرادی مانند مرحوم حاج شیخ حسنعلی نخودکی یا مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی غروی بیش‌تر در ذهنها مانده است، چیست؟
- ۱۵- از فیلسوفان بزرگی که در مشهد بوده‌اند، صحبت بفرمایید؟
- ۱۶- در مورد مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد کفایی حرفهای متفاوتی زده می‌شود. شما ایشان را چگونه می‌دانید؟

- ۱۷- از مرحوم آیت‌الله کلباسی که در دوره نهضت ملی در مشهد تلاشهایی می‌کرده است، چه می‌دانید؟
- ۱۸- اصولاً علمایی که در سیاست وارد شده‌اند، چه کسانی بودند؟ چقدر تأثیرگذار بودند؟ چقدر موفق بودند؟ چقدر وجاهت ملی پیدا کردند؟
- ۱۹- مرحوم حلبی هم از کسانی بود که حرفهای متفاوتی درباره‌اش گفته شده است. شما ایشان را چگونه یافتید؟
- ۲۰- نزاع مدرسه نواب چه بوده است؟ از فعالان آن برخوردارها چه کسی را می‌شناسید؟ حق را به کدام جناح می‌دهید؟
- ۲۱- در مورد مرحوم آیت‌الله حاج میرزا مهدی اصفهانی بفرمایید. زمان ایشان با عصر رضاشاه همراه بوده است. سایر شخصیت‌های مهم هم عصر ایشان چه کسانی بودند؟ ایشان در تربیت شاگردان خود ظاهراً خیلی موفق بوده‌اند؟
- ۲۲- آیا بی‌رغبتی به فلسفه در خراسان، معلول حضور مرحوم میرزا در مشهد بوده است؟
- ۲۳- هم‌عصران مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدهاشم مدرس قزوینی در مشهد چه کسانی بوده‌اند؟ از فقها، از فلاسفه یا از ادبا؟
- ۲۴- برخورد منفی با ابداعات روز را - که به روحانیت این قرن استناد می‌دهند - آیا تأیید می‌کنید؟ عامل اصلی را در این نوع مقابله چه می‌دانید؟ سطحی بودن برخوردها و تأثیر جو و زمان؟ از علمای موافق و یا مخالف ابداعات جدید صحبت بفرمایید.
- ۲۵- راجع به مرحوم راشد چه می‌دانید؟
- ۲۶- از روحانیت دوره نهضت دکتر مصدق در مشهد چه کسانی بودند، چه کسانی نبودند؟ افصح‌المتکلمین اراکی که بوده؟ آقای مصباح‌الهدی (غلامحسین مهدیخانی) که سخنرانی می‌کرده، در چه سطحی بوده است؟
- ۲۷- از مجتهدان بزرگی که در دوره زندگی با آنها مواجه شده‌اید، آنها که در مشهد اقامت کرده‌اند، لطفاً یاد کنید.
- ۲۸- اصولاً مشهد را جای پر جاذبه‌ای برای حفظ علما و مراجع تصور می‌کنید؟ از قدیم چنین بوده و یا جنبه‌های منفی داشته است؟

۲۹- از ویژگیهای استادان معتبر آیت‌الله اردبیلی، آیت‌الله سبزواری بزرگ، آیت‌الله آقا میرزا حسین، آیت‌الله بادکوبه‌ای محامی، آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی کجوری، آیت‌الله کدکنی و آیت‌الله ایسی بگویند.

۳۰- از آشتیانیهایی که در مشهد به شهرت رسیده‌اند.

۳۱- آیا در زمان رضاشاه هم عالم و یا مرجع بزرگی در مشهد بوده است؟ بجز آیت‌الله‌العظمی قمی و آیت‌الله آقای میرزا محمد آقازاده، چه کسان دیگری بوده‌اند؟

۳۲- در مورد مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نوقانی متولی مدرسه نواب، چه خاطراتی دارید؟ چه ویژگیهایی داشته‌اند؟

۳۳- از خانواده شهیدها، فرد معروفی یادتان هست؟

۳۴- از مشکلات روزمره طلاب آن عصر صحبت بفرمایید.

۳۵- از پیشنمازهای معروف مشهد بگویند.

۳۶- از آقای مدرس و فرزند بزرگشان مرحوم حاج آقا جلال چه می‌دانید یا شنیده‌اید؟

۳۷- بجز ادبیات، منطق، فقه، اصول و فلسفه، دروس دیگری که در حوزه مرسوم بوده است، چه بود؟

۳۸- نوشتن، نویسندگی، شیوه تهیه کتاب، مقاله و حتی خوشنویسی را چگونه آموزش می‌داده‌اند و طلاب از این جهات چه وضعی داشته‌اند؟

۳۹- واقعه مسجد گوهرشاد، حضور روسها و وضعیت اجتماعی آن موقع؟

۴۰- نقش روحانیون در موقع هجوم مردم به یهودیها؟

۴۱- مرحوم عابدزاده (انجمن پیروان قرآن) و استاد محمدتقی شریعتی (کانون نشر حقایق اسلامی)؟

۴۲- نواب صفوی و فدائیان اسلام؟

## حوزه و کتابخانه

مهم‌ترین کتابخانه‌های حوزه علمیه مشهد بعد از کتابخانه معظم آستان قدس رضوی،

عبارت بودند از:



- ۱- کتابخانه مدرسه نواب: شامل ۳۶۲۶ جلد کتاب که ۸۱۳ جلد آن خطی و ۱۹۹۲ جلد چاپی بوده است.<sup>۵۱</sup> امروز، دارای ۲۳۷۲۰ جلد است که ۷۲۰ نسخه آن خطی و ۲۳۰۰۰ جلد چاپی می‌باشد. اختلاف در تعداد نسخ خطی، احتمالاً به علت تخریب و نوسازی مدرسه و در حین نقل و انتقال بوده است. علی‌ای حال، نظر خوانندگان عزیز را به گزارش مبسوط استاد کاظم مدیرشانه‌چی در نامه آستان قدس، دوره هفتم، شماره اول، سال ۱۳۴۶، صفحه ۱۰۸ درباره این مدرسه (مدرسه قدیمه نواب) معطوف می‌سازد.
- ۲- کتابخانه مدرسه میرزا جعفر: در سال ۱۳۴۶ تقریباً ۳۰۰۰ جلد کتاب داشته که ۳۰۰ نسخه آن خطی بوده است.<sup>۵۲</sup> در حدود سال ۱۳۷۷ کتابها به ۱۵۰۰۰ جلد افزایش یافته است.<sup>۵۳</sup>
- ۳- کتابخانه مدرسه خیرات خان: حدود ۴۰۰ نسخه خطی و چاپی داشته است. به گفته دکتر فاضل مطلق، تعداد نسخ خطی ۱۰۹ جلد می‌باشد.<sup>۵۴</sup>
- ۴- کتابخانه مدرسه عباسقلی خان: بالغ بر ۱۵۰۰ جلد کتاب چاپی داشته است. امروز دارای ۵۰۰۰ جلد کتاب است که تعداد ۷۸ نسخه آن خطی می‌باشد.<sup>۵۵</sup>
- ۵- کتابخانه مدرسه پریزاد: بیگلریگی قندهار، در زمان شاه سلیمان صفوی، علاوه بر تعمیر مدرسه، کتابهای فراوانی نیز وقف کتابخانه این مدرسه کرد که از اسامی و آمار کتابهای موجود در آن، اطلاعی بر جای نمانده است.<sup>۵۶</sup>
- ۶- کتابخانه مدرسه سلیمانیه: بالغ بر ۶۰۰ جلد کتاب داشته که در حدود ۲۰۰ نسخه آن خطی بوده است.<sup>۵۷</sup>

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱- سید علی خامنه‌ای، گزارشی از سابقه تاریخی و اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا (مشهد: ۱۳۶۵)، صص ۱۵ - ۱۶.
- ۲- همان، صص ۲۵ - ۲۶.
- ۳- همان، ص ۱۴.
- ۴- همان، ص ۱۵.

- ۵- محمد حسن رجیبی، علمای مجاهد، مرکز اسناد انقلاب اسلامی (تهران: ۱۳۸۲)، ص ۱۷.
- ۶- ابراهیم زنگنه، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ج اول، چاپ اول (مشهد: ۱۳۸۲)، ص ۲۵۰.
- ۷- همان، ص ۶۵.
- ۸- همان، ص ۲۷۲.
- ۹- محمدرضا حکیمی، کیهان فرهنگی، سال نهم، اسفند ۷۱، ص ۲۸.
- ۱۰- حوزه، ضمیمه مجله حوزه (۲) (مشهد: ۱۳۷۴)، ص ۶.
- ۱۱- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۳۲۳.
- ۱۲- همان، ص ۱۶۷.
- ۱۳- محمدرضا حکیمی، همان، ص ۳۷.
- ۱۴- همان، ص ۳۳.
- ۱۵- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۲۵۴.
- ۱۶- همان، ص ۳۳۷.
- ۱۷- همان، ص ۷۷.
- ۱۸- همان، ص ۹۲.
- ۱۹- همان، ص ۶۱.
- ۲۰- همان، ص ۱۸۷.
- ۲۱- همان، ص ۳۴۳.
- ۲۲- همان، ص ۲۸۲.
- ۲۳- همان، ص ۲۱۷.
- ۲۴- همان، ص ۵۴.
- ۲۵- همان، ص ۴۶۱.
- ۲۶- محمد الهی خراسانی، مروارید علم و عمل (مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴).
- ۲۷- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۵۷.
- ۲۸- همان، ص ۲۱۳.
- ۲۹- همان، ص ۴۵۹.
- ۳۰- نگاه حوزه، ضمیمه مجله حوزه (۳)، ص ۱۱.
- ۳۱- همان، ص ۱۳.

- ۳۲- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۲۲۸.
- ۳۳- سنگنوشته استاد در کوهسنگی.
- ۳۴- ابراهیم زنگنه، همان، ص ۱۳۶.
- ۳۵- محمود پسندیده، حوزه علمیه خراسان، ج اول (مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵)، ص ۲۵۱.
- ۳۶- عبدالرضا امیر شیبانی، سیمای وقف در خراسان (مشهد: سگال، ۱۳۸۰)، ص ۲۹.
- ۳۷- محمود پسندیده، همان، ص ۲۶۸.
- ۳۸- همان، ص ۱۸۱.
- ۳۹- عبدالرضا امیر شیبانی، همان، ص ۱۴.
- ۴۰- محمود پسندیده، همان، ص ۱۳۹.
- ۴۱- همان، ص ۱۵۰.
- ۴۲- همان، ص ۲۹۱.
- ۴۳- همان، ص ۲۰۲.
- ۴۴- همان، ص ۲۴۸.
- ۴۵- همان، ص ۲۰۸.
- ۴۶- همان، ص ۸۸.
- ۴۷- همان، ص ۱۰۳.
- ۴۸- همان، ص ۱۱۶.
- ۴۹- سیدعلی خامنه‌ای، همان، ص ۱۱۳.
- ۵۰- همان، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۵۱- همان، ص ۵۷.
- ۵۲- همان، ص ۵۸.
- ۵۳- دکتر محمود فاضل مطلق، مدارس قدیم مشهد، مجله وحید.
- ۵۴- همان، ص ۲۸۶.
- ۵۵- عبدالرضا امیر شیبانی، همان، ص ۱۴.
- ۵۶- همایونفرخ رکن‌الدین، کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از صدر اسلامی تا عصر کنونی (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ، ۱۳۴۷)، ص ۴۲.
- ۵۷- جغرافیای تاریخی مشهد، پایان نامه کارشناسی (مدرسه سلیمانیه).

# تاریخ شفاهی و صنعت

## (با تأکید بر صنعت خودروسازی)

احمد فرهادی

### مقدمه

امروزه اهمیت صنعت خودروسازی در پیشرفت اقتصادی کشورها، بر هیچکس پوشیده نیست. نگاهی کوتاه به روند صنعتی شدن اغلب کشورهای جهان، نشان می‌دهد که صنایع خودروسازی این کشورها در بطن فرایند توسعه صنعتی آنها قرار داشته است. زیرا این بخش از صنعت، محرکی در دیگر صنایع، فناوری و جذب سرمایه ایجاد می‌کند که می‌تواند نیروی آغازین و ادامه دهنده رشد صنعتی پویا باشد. چنین می‌نماید که صنعت خودروسازی در پایان یک سده سراسر تحول و شگفتی، در آستانه دورانی قرار دارد که گویی با تمام تجارب گذشته متفاوت است. این صنعت، هم‌اکنون با تولید سالانه بیش تر از پنجاه میلیون خودرو، عمده‌ترین فعالیت تولیدی - صنعتی جهان به شمار می‌رود و قادر است این میزان تولید انبوه را آنچنان متنوع سازد که هر مصرف‌کننده‌ای با هر سلیقه بتواند خودرو مورد علاقه خود را سفارش دهد. بی‌جهت نیست که بعضی صاحب‌نظران لقب «صنعت صنعتها» را به آن اطلاق کرده‌اند. چرا که صنعت خودروسازی حداقل تا دهه‌های نخستین قرن بیست و یکم، همچنان نقش پیشتاز خود را به‌عنوان موتور محرکه بخش صنعت و بازرگانی و خدمات بین‌المللی و نیز پیشرو در نوآوری و گسترش فناوری جهان حفظ خواهد کرد.

این صنعت به سبب ماهیت گسترده آن، عمده‌دستاوردهای صنعتی بشر را در خود متجلی ساخته است. اهمیت ویژه این صنعت در حوزه اشتغال‌زایی، قطعه‌سازی این است که طیف وسیعی از صنایع مختلف را از قبیل شیشه‌سازی، آهن‌گری، ریخته‌گری، ذوب آهن و فلزات، لاستیک‌سازی، پارچه‌بافی و ابزارآلات دقیق و الکترونیک در بر گرفته و دامنه آن تا بدان حد است که کشوری در جهان نمی‌توان یافت که به لحاظ صنعتی پیشرفته باشد ولی صنعت خودروسازی در آن غیر فعال و فاقد رشد درخور توجه باشد. بنابراین در جهان امروز، صنعت خودروسازی نقش بسیار عمده‌ای در توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها ایفا می‌کند.

تاریخ صنعت خودرو در جهان، نشان می‌دهد که این صنعت به رغم فراز و نشیبهای بسیار، دوره‌های متفاوت اما مشخصی را در سیر تحولات خود طی کرده است. تجربه تاریخی کشورهای صاحب این صنعت، نشان می‌دهد که پیشرفت صنعت خودرو و تثبیت موقعیت آن، تابع راهبرد مشخصی در این کشورها بوده است که بنا بر واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی این کشورها تدوین و به اجرا گذاشته شده است. این راهبردها - که عمدتاً پشتیبانی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورها را به همراه داشت - پس از دوره‌های معین زمانی، جایگاه صنعت خودرو را در میان سایر صنایع مستحکم کرد. اصل رویکرد به راهبرد توسعه صنعتی و بویژه صنعت خودرو، امری کاملاً بدیهی و مسلم است. به طوری که کشورهای صنعتی جدید از جمله کره جنوبی، مالزی، تایوان و ... نیز با توجه به این اصل مسلم، توانستند گامهای ارزنده‌ای در این جهت بردارند تا اینکه به کشورهای صاحب صنعت و فناوری در جهان تبدیل شوند.

### اهمیت نقش صنعت در اقتصاد

اهمیت بخش صنعت به عنوان یکی از بخشهای اصلی اقتصاد و همچنین تأثیر مضاعف آن بر سایر بخشهای اقتصادی و حوزه‌های کلان ملی، شناخته شده است و در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان اقتصادی کشورها، اهمیت راهبردی آن درک شده است.

کشورها از طریق اتخاذ سیاستهای صنعتی و فناورانه، در راستای ایجاد رقابت پذیری صنعتی و افزایش سطح آن تلاش می کنند. این فعالیت ملی، در سطوح کلان از طریق قوانین و مقررات باثبات، ایجاد محیط رقابتی و فضای کسب و کار مساعد انجام می شود. با توجه به پیچیدگی فضای فعالیتهای صنعتی، افزایش اثربخشی تصمیمات، برنامه ریزیها و سیاست گذاری کلان به عنوان دغدغه های صنعتی، افزایش اثربخشی تصمیمات، برنامه ریزیها و سیاست گذاریهای کلان به عنوان دغدغه های مهم ارکان تصمیم گیری به شمار می آید. در این راستا، ضروری است تا این گونه تصمیمات در فضای تعاملی بین صنایع و سطوح سیاست گذاری اتخاذ و اعمال گردد. در کشورهای توسعه یافته صنعتی، نهادهای تصمیم گیر و نهادهای پشتیبان تصمیم گیری، به موازات هم و به شکلی متعامل، توسعه پیدا کرده اند.

بدین ترتیب تصمیمات و سیاستهای کلان، به طور معمول از طریق بدنه های تخصصی و صنفی مرتبط شامل مراکز و نهادهای تخصصی - علمی، انجمنها و نهادهای صنفی، اتحادیه ها و شوراهای صنفی و ... پشتیبانی می شوند و شکل می گیرند. چنین تعاملی، علاوه بر تضمین همه جانبه و اثربخش سیاستها، قوانین و مقررات، برنامه ها و تصمیمات اجرایی، اثربخشی اجرایی را نیز با توجه به تکامل فرایند تصمیم گیری در پی خواهد داشت.

این، در حالی است که این فرایند تصمیم گیری در کشورهایی همچون ایران، دستخوش نارساییهای ساختاری است. برخی از این نارساییها، عبارت است از:

۱- توسعه نیافتگی نهادها و ساختارهای تخصصی و صنفی و شکل گیری این نهادها براساس علایق زودگذر صنفی.

۲- فقدان نهادهای علمی پشتیبان و هسته های باثبات سیاست گذاری و تصمیم گیری.

۳- نهادینه نبودن ارتباط میان تصمیم گیران و نهادهای تصمیم ساز.

۴- نیازمند بودن ساختارهای صنعتی به اصلاح.

در چنین فضایی، گفتمان سه جانبه تصمیم گیران و کارگزاران حکومت، کارآفرینان صنعتی و محققان دانشگاهی و پژوهشگران مستقل، می تواند به عنوان ابزاری کارآمد جهت پشتیبانی از تصمیم گیری و بازنگری در سیاستها، برنامه ها و مقررات و دستورالعملها ایفای نقش کند. همچنین استمرار و تکامل این حرکت، می تواند سنگ پایه نهادینگی تعامل

سازنده را در میان سطوح کلان تصمیم‌گیری و نهادهای اجرایی دولت با بخش صنعت، با تقویت لایه تخصصی واسطه‌ای فراهم آورد.

### نقش تاریخهای شفاهی در تحلیلهای تاریخی اقتصاد ایران

اگرچه بیش‌تر روایتها در طرحهای تاریخ شفاهی با صاحب‌منصبان سیاسی، روحانیون و روشنفکران و فعالان سیاسی بوده است، اما از آنجا که برخی این مسئله را مطرح می‌کنند که مطالعه تاریخ اقتصادی تعریف خاصی ندارد و بین تاریخ حوادث اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تقسیم شده است، بخوبی می‌توان از این‌گونه جمع‌آوری اطلاعات برای تحقیقات تاریخی اقتصادی استفاده کرد. بعلاوه، به‌طور خاص برخی از این روایتها حاوی نکات جالبی است و در شرایط کمبود مدارک و اسناد، نکات کوری را در تاریخ ما روشن کرده‌اند.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، نقش تاریخ شفاهی را در راهبردهای کلان صنعتی، نمی‌توان در نظر نگرفت. به‌عنوان مثال، در مباحث توسعه صنعتی - که برنامه‌های کلان را مورد توجه قرار می‌دهد - بدون امعان نظر به پیشینه‌های قبلی و از سر اتفاق حاصل نمی‌شود. بنابراین شناخت رویه‌های گذشته و وضعیت حال و همچنین درک توانمندیها و ضعفها، عناصر بسیار مهمی در برنامه‌ریزی‌های صنعتی شمرده می‌شوند. با توجه به عمر کوتاه فعالیت‌های بزرگ صنعتی در ایران و فراوانی برنامه‌های تنظیم‌کرده تصمیم‌گیران (عمدتاً وزیران صنایع)، ضرورت تدوین تجربه‌های نانوشته در حوزه صنعت - که عمدتاً مربوط به مدیران مجرب دوره‌های میانی این صنایع می‌شود - می‌تواند راهکاری جدی در عرصه برنامه‌ریزیهای صنعتی به شمار آید.

بعد از انقلاب، بسیاری از سرمایه‌داران اصلی عصر پهلوی مانند حبیب‌ثابت، صاحب کارخانه‌های شیشه‌سازی و یکی از قدیمی‌ترین کارآفرینها - که بخشی از فعالیت‌هایش مربوط به دوره جنگ جهانی و حضور نیروهای متفقین در ایران بود - سعید‌هدایت (صاحب کارخانه نقش جهان)، علی‌اکبر خیامی (مؤسس کارخانه ایران خودرو)، جعفر اخوان (مؤسس کارخانه جیب‌سازی، پارس خودرو فعلی)، ابونصر عضد (صاحب نیشکر اهواز)، طاهر ضیایی (صاحب سیمان خوزستان و فارس و چندین دوره رئیس اتاق بازرگانی و صنایع

و معادن ایران)، محمود رضایی (صاحب مس سرچشمه)، احمد خیامی (صاحب فروشگاههای کورش و بیمه آسیا و یکی از سهامداران ایران خودرو)، نمازی (صاحب کارخانه آجر سازی و نساجی)، رشیدیان (صاحب عمده بانک تعاون و توسعه)، علی کاشانچی از قند شاهزند، حسین قاسمیه از گروه صنعتی پارس، حاج محمد تقی برخوردار از پارس الکتریک، سلیمان وهابزاده، محسن لک از جنرال تایر و شریک در ساختمان ثابت پاسال با پناهی، محمد فاتح از جهان چیت و حسین علاقبند (صادر کننده عمده پنبه و معروف به سلطان پنبه) در گذشته‌اند که چیزی از آنها ثبت نشده و بسیاری دیگر هم اکنون در سنین کهنسالی هستند.

به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت و نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری مستند با استفاده از خاطرات دست‌اندرکاران حوزه صنعتی، تصویر بسیار روشن‌تری از آنچه وجود داشته است، از مواردی نظیر مداخلات دولت در امور اقتصادی، توفیق نیافتن برخی از طرحها و پروژه‌های اقتصادی و مانند اینها می‌توان ترسیم کرد.

### فعالیت‌های صورت گرفته

فعالیت جدی در حوزه ثبت تجربه مدیران صنعتی، عملاً با حمایت‌های گروه خودرو سازی سایپا و به صورت مداوم از سال ۱۳۸۰ شروع شد. همان‌گونه که اشاره شد، رشد صنعت خودرو، مربوط به اوایل دهه ۷۰ است. در این دوران با توجه به سیاست‌های حمایتی، صنعت قطعه سازی رشد بسیار بالایی تجربه کرد و پس از آن با افزایش تولید خودرو، بخش خدمات پس از فروش نیز توسعه یافت. اگر صنعت خودرو سازی را به زنجیر تشبیه کنیم، می‌توان گفت: کارخانجات تولید کننده خودرو، حلقه میانی را تشکیل می‌دهند و قطعه‌سازان، حلقه قبلی و خدمات پس از فروش نیز حلقه پایانی این زنجیره را تشکیل می‌دهند. در خصوص شیوه کار نیز، مصاحبه‌ها را در این سه حلقه متمرکز ساختیم و سعی کردیم با ضبط تجارب افراد دخیل در هر سه بخش، به ارائه دیدگاه‌های مطروحه پردازیم. این رویه، چندین حسن داشت:

۱- اول آنکه مسائل مطروحه در گفتگوها، قابل ردیابی بود. به عنوان مثال، اگر مبحث کیفیت خودرو مطرح می‌شد، گاهی نمایندگی قطعات پس از فروش، اشکال را در قطعه‌ساز



می دید و وقتی که سراغ قطعه ساز می رفتیم، اشکال را در نوع نصب قطعه در کارخانه تولید کننده بیان می کرد. هر چند اعضای گروه در پی تجسس نبودند، ولی تحلیل همین موارد، می رساند که گاهی متولیان این صنعت به صورت جزیره های جدا از هم کار می کنند.

۲- این کار، باعث می شد که در امور تحلیلی، نگاه ما و خوانندگان به کلیت صنعت معطوف شود و نه تنها به یک بخش از آن.

پس از ایجاد امکانات مختصر، کار گفتگوها آغاز شد؛ به گونه ای که تا کنون بیش از ۶۰ قطعه ساز و نمایندگی پس از فروش و دهها مدیر صنعتی، مورد مصاحبه قرار گرفته اند.

### محدودیتها

اصولاً ضبط تجربه ها و خاطرات این گروه، با مشکلات خاصی روبروست. بر خلاف سیاستمداران، روشنفکران، هنرمندان و حتی روحانیون که خاطرات خود را مکتوب کرده اند و یا حاضر به مصاحبه می شوند، فراوانی خاطرات فعالان اقتصادی و سرمایه دارانی که خاطرات خود را نوشته باشند، شاید از انگشتان یک دست هم تجاوز نکند. به همین سبب، کار این طرح به مراتب از طرحهای دیگر مشکل تر است. از دیگر محدودیتهای این طرح، می توان به گذشت عمر کم این صنعت اشاره کرد.

\*\*\*

### پی نوشتها

۱- مجموعه مقالات تهدیدها و فرصتهای صنعت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۲- اقتصاد و جامعه، دکتر علی اصغر سعیدی، [www.aa-saeidi.com](http://www.aa-saeidi.com)

## تاریخ شفاهی و مطالعات شهری

(اهمیت تاریخ شفاهی و تبیین آن در مطالعات شهری در راستای تولید دورنمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی در خلال تحولات شهری عصر نوین)

رضا مسعودی نژاد\*

### مقدمه

مقاله حاضر، به طور عمومی معطوف به اهمیت و تبیین کاربرد تاریخ شفاهی در مطالعات شهری است. به طور مشخص این مطالعه تلاش دارد تا عوامل دخیل در تولید دورنمایی از دگرگونی فضایی زندگی اجتماعی را در شهرهای ایران، به کمک تاریخ شفاهی به طور روشمند تبیین کند. مطلب حاضر، با توجه به اهمیت روشمند کردن شیوه‌ها در مطالعات چند دانشی<sup>۱</sup> و میان دانشی<sup>۲</sup> - که بخصوص در سالهای اخیر بیش از پیش اهمیت یافته‌اند - شکل گرفته است. زیرا در حالی که منابع روشهای مطالعه میدانی و تاریخ شفاهی بی‌شمار می‌نمایند، اما اهمیت محلی کردن، و تبیین روشها برای استفاده در حوزه‌های میان‌دانشی جدید به شکل روشمند بیش از پیش نمایان است. در واقع، این مقاله می‌تواند به عنوان گزارش روش شناسانه از کار میدانی تلقی شود که لزوماً به محتوای کار میدانی و اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط نمی‌شود، بلکه تلاش دارد تا لایه‌های دیگری از کار میدانی را در مطالعات شهری دارای پشتوانه تاریخ شفاهی تشریح کند.

---

\* PhD candidate at Bartlett School of Built Environment, UCL, University of London. Email: [r.masoudi@ucl.ac.uk](mailto:r.masoudi@ucl.ac.uk) Website: <http://www.ucl.ac.uk/~ucftrma>

مطالعه اصلی در حال انجام، معطوف است به تحول فضایی زندگی اجتماعی و به طور خاص مراسم محرم در فضاهاى شهری در طی آنچه که ما آن را دگرگونی شهری<sup>۳</sup> دوران نوین در طی دهه‌های اولیه قرن حاضر هجری شمسی می‌نامیم. کار میدانی در طی دو دوره در ایران انجام شده، اما این مقاله عمدتاً بر اساس تحلیل کار میدانی اولیه می‌باشد که به منظور بهبود و محلی کردن فنون میدانی، روشهای مصاحبه و بیش از همه تبیین روشهای معمول تاریخ شفاهی در حوزه مطالعات شهری در ایران انجام شده بود. کار میدانی اولیه در طی پاییز سال ۸۴ و سپس کار میدانی نهایی در زمستان ۸۴ تا بهار ۸۵ انجام شده است. کار میدانی اولیه فقط در دزفول به عنوان شهر اصلی مورد مطالعه و کار میدانی نهایی در همان شهر و پنج شهر دیگر به عنوان موارد مطالعه مکمل انجام شده است. شهرهای مکمل شامل: اردبیل، همدان، کاشان، بوشهر و بیرجند بوده است.

در ابتدا لازم است اشاره شود که همان طور که در اغلب منابع اصلی<sup>۴</sup> اشاره شده، تاریخ شفاهی در این پژوهش به آن بخش از اطلاعات شفاهی اشاره دارد که تحولات تاریخی را در نگاه مردم عادی مرور می‌کند و به جای حقایق دقیق تاریخی، به وجوه کیفی حوادث و تحولات تاریخی و تلقی مردم از آن تحولات می‌پردازد.

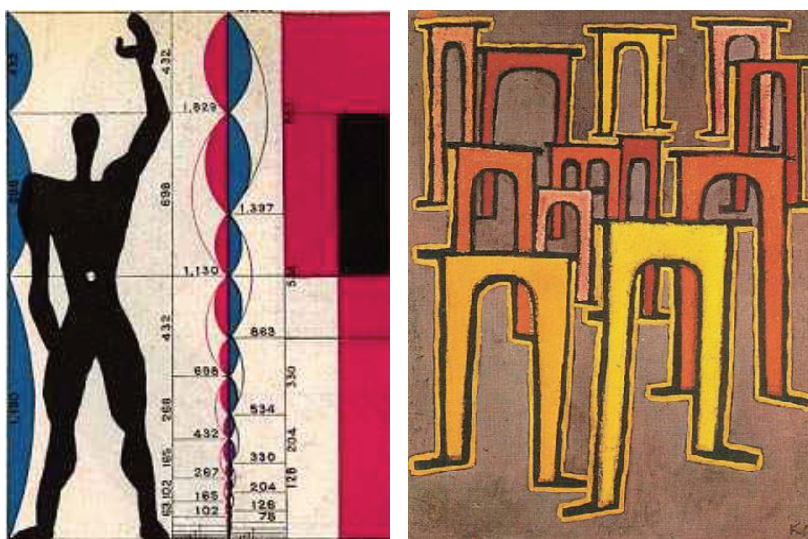
مطلب پیش رو در دو بخش اصلی سازمان یافته، بخش اول به این موضوع می‌پردازد که اساساً چرا و در چه هنگامی پژوهشهای کیفی در مطالعات شهری معنی پیدا می‌کند. به زبان دیگر، چه نوع مسائلی در مطالعات شهری می‌تواند بر اساس این رویه مطالعاتی پیگیری شود. همین بخش در ادامه، به مسئله تاریخ و اطلاعات شفاهی و چالشهای آن می‌پردازد که نه تنها حوزه عملکرد آنها را در معرض می‌گذارد بلکه نشان می‌دهد که چه مفهوم و یا مفاهیمی باید در استفاده از منابع شفاهی در حوزه مطالعه شهری تبیین گردد. بخش دوم تلاش می‌کند عوامل دخیل در روشمند کردن مطالعه میدانی را بر پایه اطلاعات شفاهی به عنوان میان‌دانشی تشریح کند.

## ۱- مطالعات شهری و پژوهشهای کیفی<sup>۵</sup>

همان طور که اشاره شد، این بخش به چرایی استفاده از شیوه‌های کیفی در مطالعات شهری می‌پردازد که به نوعی شامل مرور بسیار کوتاهی در مسائل روش شناختی است تا نشان دهد اصولاً چرا مطالعات کیفی و میان‌دانشی در این حوزه معنا یافته، و در چه مواردی قابلیت انشا دارد. سپس موضوع به تشریح و جوهی می‌پردازد که می‌توان از طریق تاریخ شفاهی بدانها دست یافت. همچنین بحث درباره یکی از مهم‌ترین چالشهای پیش روی اطلاعات شفاهی است که حدود استفاده از این نوع اطلاعات را تعیین می‌کند و در عین حال این موضوع و پاسخهای داده شده بدان چالش، ما را به نوعی به چگونگی تبیین روشهای شفاهی در مطالعات شهری برای تولید دورنمایی از فضای زندگی اجتماعی هدایت می‌کند.

در ابتدا، لازم است بدون غلتیدن در بحثهای محض روش شناختی که موضوع مقاله حاضر نیست، به نکته‌ای اشاره شود تا ما را به موضوع بحث هدایت کند. مطالعه هر پدیده از نگاه شناخت‌شناسی<sup>۶</sup>، ممکن است به دو گونه انجام شود: پژوهش ممکن است برای رسیدن به اصل قطعی یا فهم نسبی آن پدیده انجام گیرد. به طور عمومی در یکی، ما به دنبال علت و معلول پدیده و در دیگری، به دنبال فهم تلقی انسان از پدیده، یا فهم رفتار انسانی پدیده هستیم. شاید به زبان ساده، تفاوت را بتوان بدین گونه توضیح داد که، پژوهش ممکن است با هدف «تشریح»<sup>۷</sup> یا «تفسیر»<sup>۸</sup> پدیده انجام شود. در نتیجه از نظر روش شناختی، لازم است هر پژوهش با تبیین نگاه معرفت‌شناسی خود مشخص کند که آیا در پی «تشریح» یا «تفسیر و فهم» پدیده است. همان طور که رابین‌ها (۱۹۹۵)<sup>۹</sup> اشاره کرده، پژوهشهای قطعی‌نگر، به دنبال تبیین اصولی هستند که پدیده‌ها را به گونه‌ای ماندگار و تعمیم‌پذیر تشریح کند، در حالی که پژوهشهای تفسیر‌گرا، به دنبال آن هستند تا دریابند که در شرایط مشخص، چگونه و چرا پدیده‌ای شکل می‌پذیرد بی آنکه تلاش کنند تا یافته‌ها را جهانشمول بدانند. پیش از این همان‌طور که تامسون (۱۹۹۸)<sup>۱۰</sup> در این باره بحث کرده، این‌گونه مطالعه، پدیده‌ها را در بستر خود و از نگاه و فهم انسانی - که بر پایه تجربه فردی یا جمعی است - بررسی می‌کند، آن هم بر اساس پیش فرض وجود واقعیت چندگانه‌ای که برگرفته از تعدد معناهای فهم شده از محیطی است که انسان در آن حضور دارد یا پدیده‌هایی که با آنها مواجه است.

با توجه به این بحث کوتاه، «شهر» می‌تواند به عنوان یک «چیز»<sup>۱۱</sup> یا واقعیت بیرونی مورد مطالعه قرار گیرد. در این رویه، شهر یک نظام کالبدی است که می‌تواند با روشهای دقیق سنجیده شود. این سنجش، ممکن است به کمک واحدهای اندازه‌گیری و یا شاخصهایی انجام گیرد. به طور مثال کاربری زمین، هندسه بافت شهری و یا مطالعه آماری ترافیک، برخی از این سنجش‌هاست. از سوی دیگر، شهر ممکن است به عنوان یک نظام اجتماعی-فضایی<sup>۱۲</sup> فهمیده شود که در آن محیط ساخته شده<sup>۱۳</sup>، زندگی روزمره و اجتماعی، تجارب فردی و جمعی و رفتار آنان که در آن منسجم<sup>۱۴</sup> شده است و بررسی آنها باید به عنوان کلیت مد نظر باشد و کاهیدن شهر به هر کدام از آنها، باعث بد فهمی شهر خواهد بود. بسیاری از نظریه‌های «فضا» همچون نظریه «ساخت فضای لغوغ»<sup>۱۵</sup>، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین الگوهای فضایی-شهری در مطالعات شهری معاصر، بر اساس الگوی فضایی-اجتماعی و بر پایه همین تلقی از شهر و فضا ارائه شده است. این نوع تلقی از شهر و فضا، اساساً نشان می‌دهد که فهمیدن و مطالعه شهر به عنوان یک نظام فضایی-اجتماعی، باید براساس مطالعه کیفی و میان‌دانشی انجام گیرد. چرا که شهر باید به عنوان کلیت و بدون محدود کردن آن به یکی از وجوهش فهمیده شود.



تصویر ۱: انسان به عنوان یک موجود درخور سنجش در مقابل شهر به عنوان یک مفهوم چندگانه

The Modulor by Le Corbusier (left); Paul Klee: Viaducts Break Ranks (right)

بدیهی است که مطالعه شهر بر اساس هر یک از تلقیهای یاد شده، به معنی نفی شیوه مطالعه دیگری نیست؛ بلکه بدان معنی است که پرسش، ممکن است معطوف به یکی از این دو تلقی از شهر باشد و یا حتی به تلقی دیگری از شهر. مطالعه چگونگی اثر متقابل جامعه شهری با کالبد شهری در فرایند دگرگونی شهر در دوران نوین، یکی از حوزه‌های عمومی است که به وضوح به تلقی فضایی-اجتماعی شهر معطوف می‌گردد و نیاز به مطالعه کیفی را به معرض نمایش می‌گذارد. به طور مثال، در همین بستر عمومی - که پژوهش جاری در آن قرار می‌گیرد- اگر چه ما از یک سو با دگرگونی و تحول کالبد شهر در طی مداخلات کنونی مواجه هستیم - که یک واقعیت بیرونی و عینی است - اما در عین حال موضوع مورد پرسش، چگونگی واکنش زندگی اجتماعی و مناسک مذهبی به عنوان پدیده‌هایی اجتماعی، در مقابل این دگرگونی عینی است.

تلقی فضایی-اجتماعی شهر که پژوهشها را برای فهمیدن پدیده‌هایی همچون دگرگونی کنونی شهرها به سمت مطالعات کیفی سوق می‌دهد، از آن جهت اهمیت یافته که شهرسازی نوین به طور عام و بسیاری از طرحهای نوسازی و احیای شهری نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا، به طور خاص، در سطحی گسترده با شکست مواجه شده است. این امر، به طور مستقیم حاصل نگاه کمی و اندیشه نوین به شهر بوده است. پیشروان اندیشه‌های نوین شهری همچون لوکوربوزیه،<sup>۱۶</sup> معتقد بودند که معماران، چوپان جامعه هستند. چرا که می‌توانند با طراحی محیط، جامعه را به سوی دلخواه خود راهبری کنند. در حالی که بسیاری چون لفوگ (۱۹۷۴)، معتقدند که معماران و برنامه ریزان هرگز نمی‌توانند شکل گیری فضا را برنامه ریزی و به طور دقیق مهار کنند. تاریخ نیز نشان از شکست اندیشه‌های نوین در شهرسازی دارد. این امر باعث توجه جدی به روشهای متفاوت برای فهم شهر، به عنوان یکی از پیچیده ترین و عظیم ترین ساخته‌های بشر گردیده است. مطالعات میان رشته‌ای و مبتنی بر نگاه کیفی، به عنوان یک بدل مهم در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع این شیوه مطالعه به عنوان نیازی اساسی در تبیین دانش پایه برای هر نوع مداخله شهری از توسعه تا احیای شهری تلقی می‌شود.

## ۲-۱- اطلاعات کیفی: مصاحبه و اطلاعات شفاهی

جمع آوری اطلاعات کیفی، بخش اساسی در پژوهشهای کیفی است و مصاحبه یکی از مهم ترین روشها برای این هدف، در انواع پژوهشهای کیفی است (دیلی، ۲۰۰۴)<sup>۱۷</sup>. مصاحبه کیفی، راهی است برای دریافت احساس و ادراک مردم از دنیای خود، و روشی است برای فهمیدن تجارب و بازسازی حوادثی که پژوهشگر در آن حضور نداشته است (رابین و رابین، ۱۹۹۵)<sup>۱۸</sup>. پیش از این همان طور «که ویل»<sup>۱۹</sup> اشاره کرده، مصاحبه کیفی «تلاشی است برای فهمیدن دنیا از نگاه موضوع» (۱: ۱۹۹۶). سیدمن (۱۹۹۶)<sup>۲۰</sup> نیز افزوده است که، مصاحبه دسترسی به بستر رفتار مردم را ممکن می سازد و به محقق امکان می دهد تا آن رفتارها را در بسترشان قرار دهد و در همان بستر فهم کند. نکته مشترک در پژوهشهای متفاوت کیفی، همان طور که تامسون<sup>۲۱</sup> اشاره کرده، آن است که در این نوع پژوهشها، مردم و مصاحبه شوندگان فقط موضوع تحقیق نیستند بلکه در آن شرکت دارند. در واقع، آنها نوعی شریک جستجو و تأیید اطلاعات در تحقیق محسوب می شوند. به زبان دیگر، آنها نه فقط موضوع بلکه شرکای تحقیق هستند. تمام این اظهارات در واقع بر این موضوع تأکید دارد که مصاحبه کیفی می تواند روشی مهم در مطالعات کیفی شهری برای جمع آوری اطلاعات شفاهی شمرده شود که بدون پیش فرض به تحقیق کمک می کند تا تلقی و تصور مردم را از محیط و شیوه ای که در آن حضور می یابند، به دست آورد. شیوه های مصاحبه بر اساس نوع پژوهش، ممکن است شامل مصاحبه غیر رسمی، بدون سازمان، نیمه سازماندهی شده، و سازماندهی شده<sup>۲۲</sup> باشد<sup>۲۳</sup>. تفاوت بنیادینی که این نوع مصاحبه را از هم تفکیک می کند، این است که تا چه میزان مصاحبه شونده یا مصاحبه گر مهار و هدایت مصاحبه را در اختیار دارد. بر اساس نوع پژوهش و سؤال آن، یک یا چند روش مصاحبه ممکن است مورد استفاده قرار گیرد؛ ولی معمولاً مصاحبه های غیر رسمی به عنوان روش اصلی برای به دست آوردن اطلاعات پیش زمینه ای و محلی محسوب می شوند.

اگرچه اطلاعات شفاهی به عنوان یکی از منابع اطلاعات کیفی، اخیراً در حوزه های مختلف پژوهشی اهمیت یافته است، اما این اهمیت اصولاً ناشی از تأثیر جدی<sup>۲۴</sup> تاریخ شفاهی بر حوزه مطالعات تاریخی در دوران اخیر است (پرک، ۱۹۹۸)<sup>۲۵</sup>. در واقع مطالعات تاریخ

شفاهی، این اثر مهم را داشته است که اطلاعات شفاهی از نظر علمی، پذیرفتنی و در خور اتکا قلمداد شود. اطلاعات شفاهی به عنوان یک منبع مطالعاتی، با چالشهای زیادی مواجه شده و به طور طبیعی، عمده آن چالشها، معطوف به صحت و درخور اتکا بودن اطلاعات شفاهی بوده است.

بدیهی است که چالشهای پیش روی اطلاعات شفاهی، دارای تنوع و تعدد بسیاری بوده است، اما در اینجا ما به یکی از چالشهای کلاسیک که به بحث ما کمک می کند، اشاره می کنیم. یکی از اصلی ترین نقدهای ارائه کرده تاریخ دانان برای همکاران خود در حوزه تاریخ شفاهی، این است که گروه مصاحبه شوندگان در شیوه تاریخ شفاهی، معمولاً نماینده آماری یا نمونه آماری از کل جمعیت مورد مطالعه نیستند (کاتلر، ۱۹۷۲)<sup>۲۶</sup>. در نتیجه، این گروه نمی تواند نماینده کل جامعه مورد مطالعه باشد و یافته ها را نباید به کل آن گروه تعمیم داد. گرل (۱۹۹۸)<sup>۲۷</sup> در پاسخ به این نقد، می گوید که آنها (مطرح کنندگان این نقد) در واقع با مطرح کردن یک موضوع غلط، باعث به فراموشی سپرده شدن یک مسئله بسیار عمیق شده اند. مصاحبه شوندگان انتخاب می شوند نه بدان جهت که آنها تا درجه ای، خلاصه و معدل آماری باشند، بلکه بدان جهت که آنها می توانند روند تاریخی را بنمایانند.<sup>۲۸</sup> (گرل، ۱۹۹۸: ۴۱). پیش از این لومیس (۱۹۹۸)<sup>۲۹</sup> اشاره می کند که موثق بودن اطلاعات شفاهی برای مطالعات شفاهی، منوط به این نکته است که تا چه درجه ای تجارب اشخاص حائز و دربرگیرنده ویژگیهای زمان و مکانشان است. به زبان دیگر، مصاحبه شوندگان باید به گونه ای انتخاب شوند تا به نمایاندن<sup>۳۰</sup> موضوع مطالعه در بستر زمان و مکانش کمک کنند.

در واقع ریشه بسیاری از چالشهای مطرح شده از جمله چالش یاد شده، در برابر تاریخ شفاهی، و اطلاعات شفاهی در آن است که فرض مطرح کنندگان آن است که اطلاعات شفاهی دارای همان کارکردهای اطلاعات مکتوب است. در حالی که در بسیاری از موارد، پژوهشها اطلاعات شفاهی را به عنوان جانشین اطلاعات مکتوب فرض نمی کنند و اصولاً نوع اطلاعاتی که مطالعات کیفی در میان منابع شفاهی به دنبال آن است، از نوع کیفی است نه از نوع اطلاعاتی که از آنها برای تعیین حقایق عینی استفاده می شود. به زبان دیگر، در تاریخ شفاهی نه تنها نوع اطلاعات جمع آوری شده کمی نیست بلکه کارکرد اطلاعات با اطلاعات



کمی نیز متفاوت است. به طور مثال، ریچی (۲۰۰۴)<sup>۳۱</sup> نوشته است که منابع شفاهی ممکن است نتواند به ما بگوید که واقعاً استالین چه کرد، اما قطعاً می‌تواند معلوم کند که مردم چه تلقی‌ای از کارهای وی داشته‌اند. یا در مطالعات تاریخی در زمینه تحولات نوین در شهرهای ایران، بسیار بعید است که ما در بررسیهای خود به دنبال یافتن اطلاعاتی درباره هزینه و یا زمان دقیق ساخت اولین خیابان در یک شهر از طریق اطلاعات شفاهی باشیم. در عوض به طور مثال مطالعه مبتنی بر منابع شفاهی، از مؤثرترین روشها در فهم منطق اجتماعی - فضایی تحول زندگی اجتماعی در شهرهاست.

اهمیت «نمایاندن»<sup>۳۲</sup> در عوض «نمونه‌گیری» در مطالعات مبتنی بر تاریخ شفاهی، نه تنها پاسخ به چالش مطرح شده است بلکه نکته‌ای اساسی را در بر می‌گیرد که باید برای انجام کار میدانی در هر مطالعه کیفی به درستی درک شود، و آن اینکه مصاحبه شونده‌گان باید به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند نمایاننده موضوع و دوره مطالعه باشند. به طور مثال در مطالعه‌ای که در دست انجام است، مصاحبه شونده‌گان به شکلی انتخاب نشده‌اند که گروهشان به عنوان نمونه آماری از کل جامعه شهری محسوب بشود. چرا که اولاً انجام مصاحبه کیفی با تعدادی که نمونه آماری جامعه شهری باشند، تقریباً ممکن نیست، ثانیاً این افراد حتی بر فرض تشکیل یک نمونه آماری، لزوماً از نظر کیفی نمی‌توانند نماینده دوره تاریخی مورد مطالعه باشند. در عوض افراد باید از بخشهای مختلف شهر به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانند پویایی فضایی - اجتماعی زندگی اجتماعی را در طی دگرگونی نوین بنمایانند؛ در حالی که این گروه ممکن است هیچ وقت به عنوان نمونه آماری قلمداد نشوند. اما سؤال اساسی این است که منطق انتخاب گروه تا بتواند به «نمایاندن» آن دوره کمک کند، به طور مشخص چیست؟

## ۲- نمایاندن زندگی اجتماعی در شهرهای تاریخی

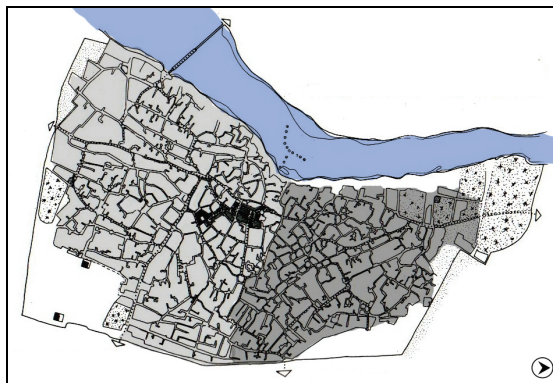
همان طور که قبلاً بدان پرداخته شد، در مطالعات کیفی مسئله اساسی، نمایاندن پدیده در عوض بررسی نمونه آماری است. به طور مثال در همین مطالعه، هدف از کار میدانی و مصاحبه‌ها، تولید تصویری از زندگی اجتماعی و فهم آن در فضاهای شهری قبل و بعد از

تحولات نوین بوده است. در واقع این تصویر را می‌توان به مثابه جورچینی تصور کرد که هر قطعه آن را یک یا چند نفر توصیف و تولید می‌کنند. اما در عین حال جمع اجزای گردآوری شده از میان مردم، باید به شکلی باشد که نمایاننده موضوع باشد. همان طور که اثر معماری از انباشت مصالح شکل نمی‌گیرد بلکه سازماندهی اندیشمندان آنهاست که انبوه مصالح را بدل به اثر معماری می‌کند. به طور بدیهی، تاریخ شفاهی نیز صرفاً به مجموعه‌ای از اطلاعات شفاهی گردآوری شده قلمداد نمی‌شود بلکه از گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات به شکل روشمند است که تولید می‌شود. توجه به «نمایاندن» به عنوان یکی از اصول گردآوری روشمند اطلاعات، حائز اهمیت است.

بدیهی است که با توجه به مطالب مرور شده، تبیین روش انتخاب افراد در جهت نمایاندن موضوع، عمیقاً به موضوع و بستر مطالعه وابسته است. در نتیجه فهم دقیق سازمان و ویژگیهای بستر موضوع و پدیده مورد مطالعه، ارتباط اساسی با آن دارد. نتیجتاً در این مطالعه، کار میدانی اولیه به منظور شناخت ماهیت موضوع مطالعه یعنی «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری» انجام شد تا تبیین عوامل دخیل در نمایاندن زندگی اجتماعی میسر شود. پیش از این مطالعه میدانی به پژوهش کمک می‌کرد تا روشها و فنون مصاحبه در بستر مطالعه آزمایش و چگونگی واکنش مردم بدانها فهمیده شود. در واقع مطالعه میدانی اولیه، علاوه بر فهم زمینه موضوع - که مسئله اساسی می‌نمود - به محلی کردن روشها هم کمک می‌کرد. اما در اینجا ما فقط به مسائل مرتبط با «نمایاندن» زندگی شهری خواهیم پرداخت، که بر اساس بررسی و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده به دست آمده است.

بررسی مصاحبه‌های انجام شده، نشان می‌داد که پیش از تحولات عصر کنونی، به طور طبیعی زندگی اجتماعی به طور وسیعی تحت تأثیر مفهوم و سازمان محله قرار داشته است. پیش از این، محلات شهر به دو گروه حیدری و نعمتی تقسیم می‌شده‌اند. این تقسیم دوگانه محلات، یکی از معمول‌ترین ویژگی سازمان اجتماعی شهر ایرانی بوده است؛ هر چند که بسادگی نمی‌توان آن را به عنوان سازمان اجتماعی کاملاً عمومی فرض کرد. این تقسیم اجتماعی، لزوماً در تمام شهرها به همین نام خوانده نمی‌شده؛ مثلاً در دزفول این دو گروه محلات به نام حیدر خانه و صحرا بدر شناخته می‌شده‌اند. هر بخش حیدری یا نعمتی، می‌تواند

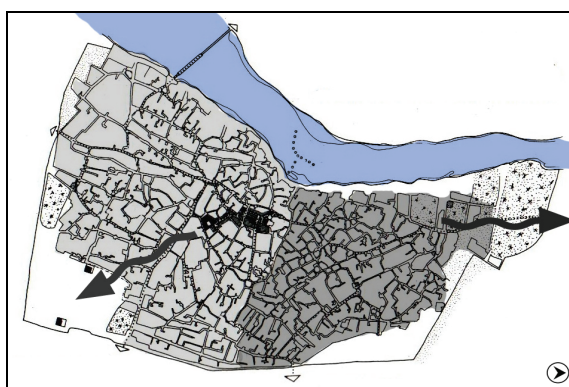
به عنوان یک گروه مستقل اجتماع شهری فرض شود. این تفکیک اجتماعی، به طور طبیعی می‌توانسته شدت کم و بیشی داشته باشد. اما در مجموع شرایط دریافت شده از میان مصاحبه‌ها، نشان می‌دهد که جامعه شهری به عنوان یک جامعه یکپارچه و منسجم، بسختی قابل دریافت است. در عوض در اثر این تفکیک، به نظر می‌رسد فهم جامعه شهری - که در این مقوله درک خصیصه محلی حائز اهمیت خاص است - با وجود خصیصه‌های کلان در شهر، به اندازه ویژگیهای محلی آن در سازمان شهر مؤثر نبوده است. اما تحول عصر کنونی، این نظام محلی را جایگزین جامعه شهری یکپارچه تر کرده که خصوصیات محلی آن، بشدت اهمیت خود را از دست داده است. با کمرنگ شدن مرز تفکیک محلات حیدری و نعمتی، جامعه شهری به مثابه یک نظام اجتماعی یکپارچه و منسجم، آرام آرام قابل دریافت می‌شود.



تصویر ۲: دزفول در اواخر دوره قاجار: محدوده محلات حیدری در حدود شمالی و نعمتی (صحرابدر) در بخش جنوبی شهر

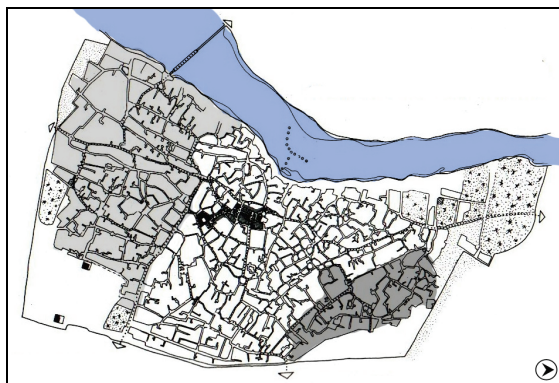
در اینجا لازم است تأثیرات این نظام محلی و تغییر در آن را در شهر یادآور شویم. مراسم محرم به عنوان یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی اجتماعی، یکی از وجوه زندگی شهری است که بخوبی این تأثیر را به نمایش می‌گذارد. اولاً هر محله با هیئت عزاداری آن هویت می‌یافته و مراسم محرم، مهم‌ترین فرصت برای به نمایش گذاردن آن به شکل نمادین بوده است. از سوی دیگر در هنگام برگزاری مراسم محرم، درگیری میان محلات حیدری و نعمتی بشدت بالا می‌گرفته است و در هر شهر شما می‌توانید سراغ چنین درگیریها را - که بعضاً به

اسطوره نیز بدل می شده است - بگیریید. درگیری میان محلات شنبدی و دهدشتی در بوشهر، از همین درگیریها بوده است. اهمیت نمادین اجتماعی و حساسیت آن به عنوان هویت اجتماعی برای این محلات باعث می شده تا عزاداری هر نیمه حیدری و نعمتی به طور مستقل از نیمه دیگر اجتماعی برگزار شود. اما این ویژگی محلی در مراسم، با محو شدن تفکیک اجتماعی در جامعه شهری و شکل یافتن جامعه ای یکپارچه تر، تغییر شکل داد و از پی این تحول، مراسم نیز از حالت محلی خارج شد و شیوه برگزاری مراسم، به طور نمادین، شکل گیری جامعه منسجم تری را به نمایش گذاشت.



تصویر ۳: نمودار مراسم عزاداری محرم در دزفول قبل از دگرگونیهای شهری

در مثالی دیگر، در دزفول در گذشته تعلق افراد به بخشهای مختلف شهر با توجه به لهجه ای که با آن سخن می گفته اند، بسادگی شناسایی می شده است. پدیده تفاوت لهجه آن هم در میان شهری متوسط، بخوبی نشان از سازمان محلی شهر بوده است. اما در طی تحولات دوران نوین، این تفاوت لهجه آرام آرام از میان شهر محو شده است.<sup>۳۳</sup> در واقع بر اثر دگرگونیهای شهری ناشی از تحول در نظام اقتصادی- اجتماعی شهری، اهمیت ویژگیهای محلی به طور ملموس در شهر ایرانی کاسته شده است.



تصویر ۴: نمودار حدود حوزه لهجه‌های سه گانه شهر دزفول پیش از دگرگونیهای نوین

تلقی و نقش ذهنی<sup>۳۴</sup> مردم از شهر، وجه دیگری است که ما را برای تبیین روش نمایاندن آن کمک می‌کند. بررسی مصاحبه‌های انجام شده در هر دو کار میدانی، به وضوح نشان می‌دهد که نه تنها سازمان فضایی - اجتماعی بلکه تلقی ذهنی افراد از شهر در گذشته، محلی و در عوض به مرور کلی تر شده است. بافت و محدوده فضایی زندگی روزمره و اجتماعی نیز همین ویژگی را نشان می‌دهد. بدین معنی که بسیاری از فعالیتهای روزمره مثل تحصیل و خرید، به طور وسیعی در خود محله سازماندهی می‌شده است. نقش ذهنی شهر - که متأثر از شیوه حضور در شهر شکل می‌گرفته است - بسیار محلی بوده و این نقش هر چه از محله مصاحبه شونده دورتر می‌شده، محوتر می‌شده است. اگر چه این موضوع طبیعی به نظر می‌رسد، اما میزان و محدوده شهر - که در ذهن افراد دارای وضوح بوده - به طور چشمگیری محدود و محلی بوده است. به طور مثال وقتی از افراد درباره نام محلات پرسیده می‌شد، اغلب آنان محلات مجاور را بدقت نام می‌بردند، اما در ورای آن محلات، حتی نام محلات عموماً به اشتباه شناسایی می‌شد و نیمه دیگر شهر، عموماً فقط با نام کلی محله حیدری یا نعمتی معرفی می‌شد و مصاحبه شونده عموماً ایده ای درباره نیمه دیگر شهر نداشت. این تلقی محلی ذهنی با تحول سازمان کالبدی شهر به طور واضح دگرگون شده و بخصوص خیابانهای جدید - که سرتاسر شهر را در می‌نوردید - باعث تولید تصویری کلی تر از شهر گشته و بیش از این خیابان به محلی بدل می‌شود که خاطره مشترک مردم شهر، فارغ از نیمه‌های حیدری و نعمتی در آن شکل می‌گیرد.



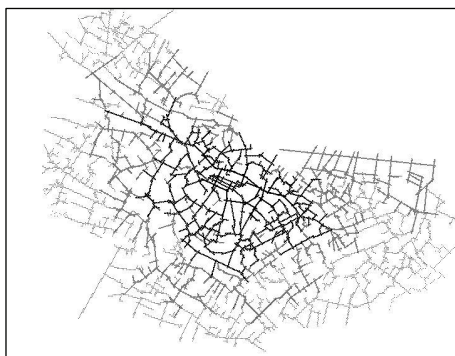
تصویر ۵: تصاویر هوایی از شهر کهن دزفول (راست)، خیابانهای جدید در دل شهر کهن (چپ)

از آنجا که تجربه طبقات مختلف اجتماعی از شهر به واسطه نوع فعالیت‌هایی که در آن شرکت می‌یافته‌اند، متفاوت بوده است؛ در نتیجه حضور متفاوت طبقات مختلف اجتماعی در فضاهای شهری، نوع اطلاعات ارائه کرده آنها دارای تفاوت‌هایی است. تجربه و تلقی ذهنی از شهر در طبقات پایین‌تر در مقایسه با طبقات میانی و بالایی محلی‌تر بوده است و عموماً تجربه و توضیحات طبقات کارگر، بسختی فراتر از محله آنها می‌رفته است، اما به طور طبیعی حاوی اطلاعات متفاوتی بوده است. به طور مثال تشریح مراسم محرم از زبان طبقات پایین‌تر همراه با جزئیات و دقایق دراماتیک مراسم بود، ولی در عوض خالی از اطلاعات کلی. علاوه بر این، طبقات میانی، مرفه و افراد دارای تحصیلات، تصویر و اطلاعات منسجم‌تر و واضح‌تری نسبت به طبقات کارگر و کم‌سواد و یا بیسواد ارائه می‌دادند. به طور خلاصه نه تنها تجربه زندگی شهری در طبقات مختلف متفاوت است بلکه شیوه تشریح آن نیز در میان گروه‌های مختلف متفاوت است.

اگر چه ممکن است بسیاری از محققان مایل باشند که مصاحبه‌ها را با افراد متنفذ و یا مطلع انجام دهند، اما همان‌طور که اشاره شد، واقعیت امر آن است که هر گروه اجتماعی حامل اطلاعاتی است که لزوماً گروه‌های دیگر اجتماعی حاملان آن نیستند. یادآوری مجدد این نکته در این جا بیهوده نیست که هدف از کار میدانی به کمک روش‌های کیفی و بر اساس اطلاعات شفاهی، فقط به دست آوردن اطلاعات صحیح و دقیق نیست و در بسیاری از موارد حتی اطلاعات اشتباه، حائز ارزش‌های کیفی است که اطلاعات صحیح لزوماً آنها را به دست نمی‌دهد.

مثالی در اینجا می‌تواند به توضیح بهتر مطلب کمک کند. در یکی از مصاحبه‌ها - که در محل کار فردی از محلات حیدری در دست انجام بود - وی داشت دربارهٔ مسیر مراسم محرم در گذشته توضیح می‌داد که یکی از دوستان حاضر در جلسه از محلات نعمتی، در جهت تصحیح حرف وی گفت: در قدیم تمام مردم شهر در روز عاشورا در فلان مسیر سینه می‌زدند. مسیری که او معرفی می‌کرد، مسیر عزاداری محلات نعمتی بود و متفاوت با مسیر نیمه حیدری شهر. نکته در اینجا بود که اگر چه این اطلاعات به عنوان معرفی مسیر عزاداری راجع به کل شهر غلط بود، اما در درون خود حامل این نکته بود که وی محدودهٔ محلات نعمتی را کل شهر فرض می‌کرد و یا اینکه مطلقاً از تفاوت مسیر عزاداری در محلات حیدری در گذشته خبر نداشت.

حال، اجازه بدهید پس از مسئلهٔ محلیت و تفاوت در برداشتها و شیوهٔ تشریح آن، به نکته‌ای که تا حدودی جنبهٔ ریخت‌شناسی دارد، پردازیم. از نظر ریخت‌شناسی در شهرهای تاریخی به طور عمومی سازمان کالبدی شهر، تحت تأثیر رشد ارگانیک، دارای انسجام و تمرکز بیشتری در مرکز تاریخی و ساختاری اش است. این مفهوم، بدون وارد شدن مفاهیم مفصل ریخت‌شناسی شهری، می‌تواند به این شکل ساده نیز توصیف شود که اگر بسادگی به بافت شهر نگاه کنید، در محدودهٔ مرکزی شهر، به طور عمومی فشردگی بیشتری نسبت به حدود بیرونی آن دیده می‌شود. این فشردگی، هم جنبهٔ کالبدی دارد و هم در سازمان اجتماعی شهر قابل دریافت است.



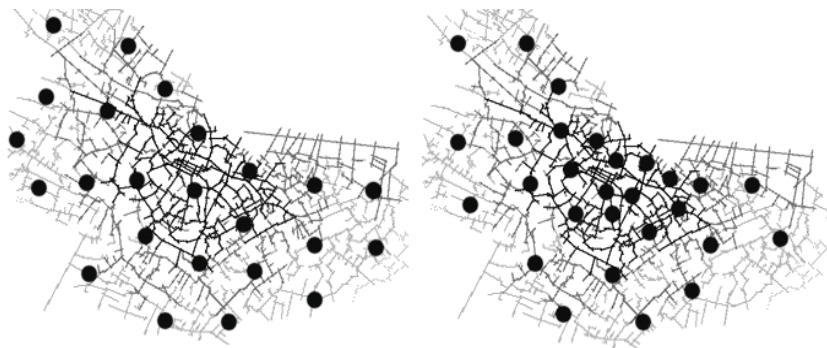
تصویر ۶: نمودار نظام ساختار فضایی شهر کهن دزفول (اواخر قرن نوزدهم)

حال اگر خصوصیت محلیت از نظر تلقی شهر، بافت زندگی روزمره و اجتماعی و نیز تفاوت تجربه طبقات مختلف را، در کنار خصیصه ریخت شناسانه یاد شده قرار دهیم، در خواهیم یافت که برای یافتن تصویر کاملی از زندگی اجتماعی، انجام مصاحبه‌ها در خلال کار میدانی باید به گونه‌ای باشد که کل این نظام اجتماعی - فضایی را پوشش دهد. از سوی دیگر، شهر و زندگی اجتماعی در آن و تجربه افراد از آن به طور چشمگیری بر اثر تحولات دوران نوین دچار دگرگونی شده است که در شیوه شناخت شهر اثر مستقیم دارد. به طور مثال در گذشته اگر چه تجربه و تلقی فرد از شهر و زندگی اجتماعی به طور واضح متأثر از محله وی و یا نیمه حیدری و نعمتی بوده است، به طور طبیعی تجربه فرد در بخش حیدری می‌توانسته با فردی در بخش نعمتی کاملاً متفاوت باشد. در حالی که این تفاوت به طور جدی در شهر کنونی تعدیل شده است. با توجه به تفاوت‌های یاد شده در سازمان فضایی - اجتماعی در شهر کهن و شهر متأثر از تحولات دوران نوین، به طور طبیعی روش انتخاب افراد برای مصاحبه به گونه‌ای که بتوان زندگی اجتماعی را نمایند، دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. شاید این تفاوت را بتوان بدین گونه توضیح داد که، تصویر کیفی‌ای که کل شهر کهن را تشریح می‌کند، دارای قطعات بیش تری نسبت به شهر نوین است؛ در حالی که شهر نوین از نظر فیزیکی به طور طبیعی بزرگ‌تر از شهر کهن است.

با توجه به ویژگیهای اجتماعی، فضایی شهر کهن - که از آن یاد شد - توزیع افراد مصاحبه شونده، باید به شکلی باشد که بتواند تصویر نمایاننده‌ای از شهر و زندگی اجتماعی آن به دست دهد. در نتیجه و با توضیحاتی که قبلاً شرح آن رفت، انتخاب افراد از میان شهر نباید به شکل یکنواخت از نظر جغرافیایی باشد. چرا که شهر چه از نظر سازمان محلات و چه از نظر ریخت شناسی، دارای یک بافت همگن نبوده است. در نتیجه به طور طبیعی توزیع افراد مصاحبه شونده از نظر جغرافیایی در میان شهر یکنواخت نخواهد بود. از سوی دیگر تفاوت تجربه طبقات مختلف از زندگی اجتماعی، باعث می‌شود که توزیع افراد مصاحبه‌شونده نه تنها متأثر از نظام محلات باشد بلکه مصاحبه‌ها، طبقات مختلف را در بر بگیرد. نتیجتاً افراد مصاحبه شونده به جای توزیع یکنواخت جغرافیایی در میان شهر،



باید به شکلی انتخاب شده باشند که کل سازمان فضایی-اجتماعی شهر را در بر بگیرد تا بتوان تصویر کاملی از شهر به دست آورد.



تصویر ۷: نمودار فرضی برای توزیع مصاحبه‌ها در میان شهر

مسئله بعدی، به طیف سنی افراد مصاحبه شونده بر می‌گردد. از آنجا که دوره تاریخی مطالعه در حال انجام تقریباً سه دهه اول قرن را در بر می‌گیرد، پیش فرض اولیه آن بود که افراد مصاحبه شونده، بهتر است از میان افراد مسن تر انتخاب شوند. بررسی مصاحبه‌های انجام شده در دزفول در کار میدانی اولیه، نشان داد که فرض اولیه لزوماً درست نمی‌باشد. بررسی مصاحبه‌ها، نشان داد در حالی که افراد در حدود سنی ۷۰-۸۰ و یا مسن تر می‌توانند نکات و دقایقی از زندگی شهر را قبل از تحولات تشریح کنند، در عوض مصاحبه افراد در حدود سنی ۶۰-۷۰ نکات مفصل تری از دوران گذار ارائه می‌دهد که ممکن است در مصاحبه با افراد گروه اول به دست نیاید. این، نشان می‌داد که برای بررسی یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، لازم است افراد از میان یک طیف سنی انتخاب شوند. این بررسی در کل مصاحبه‌ها به طور عمومی نشان می‌دهد که تجربه افراد در دوره سنی ۱۵-۲۰ اثر عمیقی در بیان خاطره آنها داشته یا دارد. در واقع می‌توان گفت که تجربه این دوره به واسطه اثر عمیق تر در خاطره افراد دارای جزئیات بیش تری است و آنان، آن دوره را با دقت و عمق بیش تری تشریح می‌کنند. بدیهی است که این امر درباره این دوره و نسل صادق است و بدین معنی نیست که در نسلهای بعدی یا بسترهای اجتماعی دیگر نیز صحت داشته باشد. اما در هر صورت نشان

می‌دهد که برای بررسی یک دوره تاریخی، به جای تمرکز بر گروههای مسن‌تر، مصاحبه‌ها می‌باید یک دوره سنی را در بر بگیرد.

### جمع بندی

این مقاله، تلاش داشت تا اهمیت بررسیهای کیفی را در مطالعات شهری با توجه به پارادایم فضایی-اجتماعی از شهر نشان دهد. زیرا تجارب به دست آمده از فعالیتهای توسعه شهری، نشان می‌دهد که نیاز به فهم عمیق‌تری از تحولات شهری وجود دارد. در واقع، مطالعات میان‌دانشی در این بین یکی از روشهای ممکن برای فهم بهتر این تحولات است. اما به کارگیری همزمان روشهای مختلف از میان حوزه‌های مختلف پژوهشی، به معنی یک فعالیت میان‌دانشی نیست، بلکه باید روشها و نظریه‌ها به شکل روشمند با هم درآمیزند. مطلب حاضر، تلاش داشت تا اهمیت مطالعه اولیه و تحلیل آن را برای یافتن شیوه صحیح نمایاندن موضوع و انجام موفق کار میدانی نهایی در مطالعه شهری نشان دهد. این مطالعه، تلاش داشت تا نشان دهد که «نمایاندن» به عنوان یکی از هدفهای اصلی مطالعات کیفی مبتنی بر اطلاعات شفاهی در بررسی تحولات زندگی اجتماعی، به طور جدی به سه عامل اصلی وابسته است: اول آنکه انتخاب افراد برای مصاحبه باید به جای توزیع یکنواخت جغرافیایی آنها، با توجه به سازمان اجتماعی-فضایی شهر انجام شود. بدیهی است که نظام قبل و بعد از دوران نوین به طور چشمگیری تغییر کرده است. با توجه به تفاوت تجربه گروههای مختلف اجتماعی، توجه به گروههای مطلع و نخبگان برای دریافت کیفی زندگی اجتماعی در شهر کافی نیست و لازم است مصاحبه‌ها طیف طبقات مختلف را در بر بگیرد. و در نهایت، برای مطالعه هر دوره تاریخی، لازم است مصاحبه‌ها به جای تمرکز بر گروه سنی سالخورده‌تر، یک طیف سنی را از مطلعان در بر بگیرد.

اگرچه این نتایج بر اساس انجام بررسی در تعداد معدودی از شهرها انجام شده و قابلیت تعمیم بر تمام شهرها را به طور مستقیم ندارد، اما در عین حال خاطر نشان می‌سازد که روشهای مطالعه، می‌باید مطابق بستر مطالعه مورد بازبینی قرار گیرد و روشهای معمول نمی‌تواند فارغ از محلی شدن ما را به هدفهای مطالعه کیفی نایل کند.

## Bibliography

Bernard, H.R. (1994). *Research Method in Anthropology; Qualitative and Quantitative Approaches*. London, New Delhi: Sage publications.

Cutler, W.W.(1972) 'Accuracy in Oral Interviewing', pp. 6-7, L. Eaton, 'Book review, two Chicago architects and their clients', *Historical Methods Newsletter*, 1972, vol. 5, no. 4, p. 169.

Dilley, P. (2004). Interviews and the Philosophy of Qualitative Research. *The Journal of Higher Education*, 75(No 1, January-February), 127-132.

Downes, W.(1998) *Language and Society*. Cambridge: Cambridge University Press.

Grele, R.J. (1994). Movement without aim: methodological and theoretical problems in oral history. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The oral History Reader* (pp. 38-52). London, New York: Routledge.

Kvale, S. (1996). *InterViews : an introduction to qualitative research interviewing*. London: Sage.

Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Oxford: Blackwell.

Lummis, T. (1994). Structure and Validity in Oral Evidence. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. 273-283). London, New York: Routledge.

Perks, R. & Thomson, A. (1998). Introduction. In R. Perk & A. Thomson (Eds.), *The Oral History Reader* (pp. IX-XIII). London, New York: Routledge.

Ritchie, Donald A. (2003) *Doing Oral History; a Practical Guide*. New York: Oxford University Press.

Rubin, H. & Rubin, I. (1995). *Qualitative Interviewing: The Art of Hearing Data*. Thousand Oaks, CA: Sage.

Seidman, I. (1998). *Interviewing as Qualitative Research: A Guide for Researchers in Education and Social Sciences*. New York: Teachers Collage Press.

Thompson, C. & Walker, B. (1998). Basic research (part 12): Qualitative Research. *Air Medical Journal*, 17:2, 65-70.

## پی‌نوشتها

- 1- Multi disciplinary: involving different subjects of study in one activity.
- 2- Interdisciplinary: involving two or more different subjects or areas of knowledge.
- 3- Urban transformation.
- 4- Text books.
- 5- Qualitative researches.
- 6- Epistemology.
- 7- Explaining .
- 8- Interpretation.
- 9- Rubin and Rubin (1995).
- 10- Thompson et al (1998).
- 11- Object.
- 12- Socio-spatial.
- 13- Built environment.
- 14- Integrate.
- 15- Lefebvre, H (1974) The Production of Space.
- 16- Le Corbusier.
- 17- Dilley 2004.
- 18- Rubin and Rubin (1995).
- 19- Kvale.
- 20- Seidman (1998).
- 21- Thompson et al (1998).
- 22- informal, unstructured, semi-structured, and structured interview.  
۲۳- برای مرور مفصل درباره انواع روشهای مصاحبه، بنگرید به: Bernard (1994).
- 24- Impact.
- 25- Perk (1998).
- 26- Cutler (1972).
- 27- Grele (1998).
- 28- Typify.
- 29- Lummis (1998).
- 30- Typifying.
- 31- Ritchie (2004).
- 32- Typifying.  
۳۳- برای دنبال کردن دلایل ظهور لهجه‌های مختلف، بنگرید به: William Downes (1998).
- 34- Cognitive map.



## روشها و چارچوبهای مصاحبه به منظور گردآوری تاریخ شفاهی

حمیده غفوری\*

### مقدمه

در دنیای کنونی کم‌تر کسی را می‌توان یافت که در طول عمر خود با کلمه‌ای به نام مصاحبه برخورد نداشته و یا با او مصاحبه نشده باشد.

انسانهای امروزی در شرایط گوناگون و به عناوین مختلف و برای انجام مقاصد متفاوت، از همان آغاز جوانی مورد مصاحبه قرار می‌گیرند. گاهی شرکت در باشگاهی ورزشی، زمانی برای ورود به دانشگاه یا استخدام در مؤسسه خصوصی یا دولتی مجبور به انجام مصاحبه می‌شوند.

در زمینه مطالب بیان شده، می‌توان تعریف گروهی از کارشناسان را درباره مصاحبه پذیرفت: «مصاحبه، رابطه‌ای است چهره به چهره و کلامی که برای گردآوری اطلاعات و به منظور شناخت ویژگیهای افراد صورت می‌گیرد.»

«مصاحبه، جریان یک رابطه کلامی است که برای تحقق اهداف مشخص و معینی انجام می‌پذیرد.» و به همین منظور، معتقدند که مصاحبه را باید افراد کارآموده در این زمینه خاص به انجام برسانند تا نه تنها مصاحبه‌گر خود در جهت گردآوری اطلاعات جهد کند، بلکه

---

\*. کارشناس امور اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در استان یزد.

بسیاری از رفتارهای غیر کلامی و چگونگی پاسخدهی مصاحبه شونده و بسیاری نکات دیگر را در نظر بگیرد و براساس همه آنها، از مصاحبه نتیجه گیری کند.

### هدف از مصاحبه

مسئله ای که باید به آن توجه داشت، این است که هدفگذاری در مصاحبه امری است الزامی؛ مصاحبه در هر شرایط و برای هر مقصودی می باید هدفمند باشد. چنانچه مصاحبه‌ای بدون هدف صورت گیرد، نه تنها نتیجه‌ای از آن حاصل نخواهد شد بلکه حالت آن به گفتگویی دوستانه و غیر حرفه‌ای تبدیل خواهد شد. مصاحبه‌گر و مصاحبه شونده، باید مشترکاً بکوشند تا هدفهایی را که مستقیماً به مسائل مطرح شده برمی‌گردد، معین کنند.

### چگونگی آغاز مصاحبه

گاهی بعضی از مصاحبه شوندگان خود شروع کننده هستند و حتی به قدری صحبت می کنند که جلوگیری از پر حرفی آنها نیاز به تخصص و مهارت دارد. گاهی نیز با مصاحبه‌شوندگانی برخورد می‌شود که معمولاً کم حرف و ساکت هستند و یا اصلاً تمایلی به حرف زدن از خود نشان نمی دهند. در صورت اخیر باید شرایطی برای آنها فراهم ساخت تا به سخن گفتن پردازند. به نظر می رسد مصاحبه‌گران و بسیاری کسانی که با مصاحبه سر و کار دارند، باید در آغاز مصاحبه به نکات زیر توجه داشته باشند:

۱- مصاحبه‌گر، قبل از شروع مصاحبه، می باید اطلاعاتی از روحیات، طرز زندگی و خصوصیات اخلاقی و روانی مصاحبه شونده کسب کرده باشد و معرفی‌نامه‌ای از مراجع صلاحیتدار به مصاحبه شونده ارائه کند. این مسئله، کار مصاحبه را بسیار آسان می سازد.

۲- سؤالها را باید بتدریج مطرح کند و شتابی در پایان دادن به مصاحبه از خود نشان ندهد. مصاحبه‌گر با مهارتی خاص باید اعتماد مصاحبه شونده را به خود جلب کند و هدف و منظور مصاحبه را بخوبی برای مصاحبه شونده بیان نماید.

- ۳- مصاحبه گر در طرح سؤاها، باید دقت داشته باشد تا در تمام مراحل مصاحبه از اظهار نظر شخصی بپرهیزد.
- ۴- مصاحبه گر با هدف ثبت پیشنهادها و گفته‌ها، باید بکوشد تمامی مطالب را ثبت و ضبط کند.
- ۵- هرگز نباید با مصاحبه شونده مخالفت کرد؛ زیرا زمینه فرار وی را از همکاری در مورد سؤالهای بعدی فراهم می آورد.
- ۶- مصاحبه گر باید در اولین ملاقات تأثیر مطلوبی بر پاسخگو بگذارد و از کاردانی و قوه در کی قوی برخوردار باشد؛ دقیق و قابل اعتماد، درستکار و مقاوم باشد.
- ۷- شرایط مناسبی جهت کاهش اضطراب و نگرانیهای اولیه مصاحبه شونده فراهم کند تا بتواند راحت تر باشد و احساس آرامش کند و محیط را تقریباً صمیمی و دوستانه ببیند.
- ۸- مصاحبه گر باید در ابتدا از صحبت کردن زیاد خودداری کند تا مصاحبه شونده فرصت لازم را برای شروع صحبت به دست بیاورد.
- ۹- در ابتدای مصاحبه، باید از هنر گوش دادن به نحو عالی استفاده کرد و فرصت کافی به مصاحبه شونده داد تا بتواند براحتی به ادای مطالب خود پردازد.
- ۱۰- گاهی دادن فرصت به مصاحبه شونده تا انتخاب موضوع صحبت با او باشد، بازتابی است از درجه اولویت خاص که مصاحبه گر در مغز و باطن خود برای او قائل می شود.
- ۱۱- تعیین وقت مصاحبه نیز در شروع کار، نشانگر آن است که مصاحبه گر برای مصاحبه شونده احترام قائل است.

### طرح سؤالات قبل از مصاحبه

مصاحبه گر بی شک با انبوهی از اطلاعات موجود در حافظه، نمی تواند مصاحبه ای موفق داشته باشد. باید به آنها نظم بدهد و روال سؤالات را به صورتی منطقی از قبل تعیین کند. در طول مصاحبه نیز نباید فرصت طرح سؤالات جدید را حسب مورد از دست بدهد. آنچه مسلم است، مصاحبه گر باید بسیار با استعداد، علاقه مند و ساعی باشد تا بتواند بدون استفاده از سؤالات از پیش نوشته، مصاحبه را با موفقیت به انجام برساند. توصیه کلی،



این است که بکوشد در هر حال، سؤالات اصلی را از قبل تهیه کند و تأکید بیش تر بر سؤالات اصلی است. حال هر چه آرشیو مصاحبه گر غنی تر و در نتیجه تسلط او بر موضوع بیش تر باشد، در طول مصاحبه سؤالات فرعی بهتر، دقیق تر و سنجیده تر شکل خواهد گرفت.

سؤالات تنظیم شده را به دو دسته اصلی می توان تقسیم کرد:

۱- سؤالات کلی؛

۲- سؤالات جزئی.

مصاحبه گر باید توجه داشته باشد که هر یک از این دو دسته سؤال، دارای کارکرد خاصی است.

### کارکردهای سؤالات کلی

سؤال کلی، جواب کلی را نیز به دنبال خواهد داشت. در نتیجه، پاسخ کلی سبب طولانی شدن مدت مصاحبه و احتمالاً حجیم شدن بیش تر اطلاعات دریافتی خواهد شد که ممکن است در آن میان اطلاعات مهمی نیز جای گیرد. فرمان و مهار مصاحبه در چنین حالتی بیش تر در دست مصاحبه شونده می افتد تا مصاحبه گر. ولی طرح این گونه سؤالات، احتمالاً محیط مصاحبه را گرم و صمیمانه تر می کند.

### کارکردهای سؤالات جزئی

مصاحبه شونده، مجبور می شود مستقیماً با سؤال مواجه شود و جواب او نیز روشنگر جزئیات خواهد بود. مدت مصاحبه به دلیل پاسخهای محدود و پرهیز از حاشیه پردازی، کوتاه می شود.

این ویژگیها، سبب می شود تا هر یک از این دو دسته سؤال، در مواردی بر دیگری ارجح باشد. بنابراین مصاحبه گر ورزیده باید بتواند بر حسب مورد، مناسب ترین نوع را برگزیند. این موارد گوناگون، به موضوع مصاحبه و شخصیت مصاحبه شونده وابسته است. مصاحبه کردن با مصاحبه شونده کم حرف، بیش تر سؤال از جزئیات را می طلبد. ضمن آنکه در مواجهه با مصاحبه شونده پرگو هم می توان با طرح سؤال درباره جزئیات، او را از پرحرفی و حاشیه پردازی دور کرد. همچنین در مورد مصاحبه شونده ای که نه کم حرف و نه پرگوست، موضوع مصاحبه تعیین کننده نوع سؤالها خواهد بود.

## جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه

در بررسی‌های اجتماعی، مصاحبه، متداول‌ترین روش جمع‌آوری اطلاعات است. این روش اگر خوب شناخته شود و طبق اصول و موازین علمی صحیح انجام پذیرد، شکی نیست که می‌تواند جامع‌ترین طریقه کسب اطلاعات باشد. بسیاری از محققان با وجود اشکالات عدیده‌ای چون مخارج سنگین، مدت زمان طولانی‌تر و امثال آن، علاقه دارند با دیگران رابطه‌ای شفاهی و زنده داشته باشند و ارتباطات کتبی را از طریق کاغذبازی کنار بگذارند. بنابراین و با توجه به ویژگی انعطاف پذیر روش مصاحبه، باید گفت که این روش یکی از بنیادی‌ترین و شاید بهترین روشهای جمع‌آوری اطلاعات باشد. این ارتباط و تماس نزدیک میان مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده، فضایی مناسب و سرشار از همکاری می‌تواند ایجاد کند. در چنین شرایطی است که مصاحبه‌گر اطلاعات حقیقی و واقعی مورد نظر خود را به دست می‌آورد.

«کنل» و «کان» برای انجام مصاحبه سه شرط قائل شده‌اند:

شرط نخست اینکه، اطلاعات مورد درخواست باید در دسترس پاسخگو باشد. زیرا چنانچه فردی به اطلاعات مورد نظر واقف نباشد، توان پاسخگویی به سؤالها را نیز نخواهد داشت. این امر می‌تواند در اثر فراموشی، محرمانه بودن اطلاعات و یا فشار اخلاقی ناشی از آن به وجود آید.

شرط دوم این است که مصاحبه‌شونده، سؤال را فهم و درک کند. در آغاز مصاحبه، مصاحبه‌شونده نقشی را می‌پذیرد و طبیعتاً می‌خواهد بداند که از او در این نقش چه توقعی دارند؛ مثلاً تصمیم بگیرد که چه اطلاعاتی مناسب است، چگونه جواب کامل بدهد و در چه وضعیتی با استفاده از استنتاج، جواب خود را تقویت کند.

سومین شرط مصاحبه موفق، وجود انگیزه لازم برای پاسخگویی به سؤالهاست. این شرط، تصمیم‌گیری اولیه پاسخگو را جهت قبول همکاری و تصمیمات بعدی وی برای ادامه مصاحبه شامل می‌شود. افزون بر آن، انگیزه پاسخ درست دادن را نیز در بر می‌گیرد. زیرا جوابی که به طور جدی تحریف شده باشد، چندان از بی‌جوابی بهتر نیست.

در نتیجه، مصاحبه‌گر باید سعی کند تا اثر عوامل کاهنده سطح انگیزه را کاهش و عوامل افزاینده آن را تقویت کند. از جمله این عوامل، بی‌علاقه بودن به سؤالها، سرگرم شدن به فعالیتهای دیگر، ناراحتی از عوارض ناشی از مصاحبه و بدگمانی به مصاحبه‌گر را نام برد. در حالی که کنجکاوی و مؤدب بودن مصاحبه‌گر، احساس وظیفه کردن، علاقه به انجام بررسی و مشابهت ظاهری‌اش با پاسخگو، از عوامل افزاینده انگیزه به شمار می‌رود.

### محاسن روش مصاحبه

اگر مصاحبه‌گر در زمینه مصاحبه مهارت کافی داشته باشد، بسادگی می‌تواند با فراهم ساختن شرایطی مطمئن و آرام، اطلاعاتی به دست آورد که از هیچ طریق دیگری قابل جمع‌آوری نیست، حتی مطالب محرمانه را.

### سازمان در مصاحبه

در مصاحبه‌های سازمان یافته - که مصاحبه محدود و منظم نیز خوانده شده است - مصاحبه‌گر ناگزیر است در چارچوب مشخص و معینی اطلاعات مورد نیاز را درباره مصاحبه‌شونده گردآوری کند. تحجر و خشکی خاص و مشهودی در این نوع مصاحبه دیده می‌شود که مورد ایراد و انتقاد هم قرار می‌گیرد. ولی گاهی بناچار مصاحبه‌گران الزام به انجام آن دارند. در این زمینه می‌توان ادعا کرد که مصاحبه‌گر گاهی از جمع‌آوری اطلاعات بسیار ناچیز هم عاجز خواهد بود.

مصاحبه سازمان یافته برای این قبیل موارد اجتناب‌ناپذیر، پیش‌بینی‌های لازم و راه حل مناسب را ارائه نداده است. حتی انجام مصاحبه به صورت محدود و سازمان یافته را، معلول کمبود افراد متخصص می‌دانند.

بنابراین باید در مصاحبه سازمان یافته‌ای که افراد باتجربه انجام می‌دهند، آزادی‌هایی را مجاز دانست. بدین معنا که موضوع مورد بررسی و سؤالات مربوط را مشخص می‌کنند، اما مصاحبه‌شونده را در بیان آنچه به ذهنش می‌آید و یا نیاز به بازگویی آن دارد، آزاد می‌گذارند.

در مصاحبه آزاد برعکس مصاحبه سازمان یافته، هیچ قید و شرطی وجود ندارد و مصاحبه گر بدون هیچگونه محدودیتی، به اقتضای شرایط و بنا به میل و سلیقه خود، می تواند مصاحبه شونده را ارزیابی کند. در این نوع مصاحبه، مصاحبه شونده نیز در بیان افکار، عقاید و احساسات خود آزادی کامل دارد و انعطاف پذیری فراوانی در آن دیده می شود. مصاحبه گر نیز می تواند حداکثر کارایی و غنا را به این نوع مصاحبه ببخشد. معمولاً در مواردی که مصاحبه گر حرفه ای نباشد، از روش مصاحبه سازمان یافته استفاده می شود.

آنچه در خور یادآوری است، این است که در مصاحبه حرفه ای، غالباً از روش مصاحبه آزاد استفاده می گردد.

### عوامل مؤثر در مصاحبه

امروزه می توان ادعا کرد که هر چند مصاحبه گر، فردی حرفه ای باشد، عواملی چند می تواند در مصاحبه، تأثیرات مهم برجای بگذارد. البته بسیاری از این عوامل را می توان مهار کرد و به سود مصاحبه تغییر داد. گاهی مصاحبه گر حرفه ای می تواند از عوامل مختلفی که حتی مصاحبه شونده به وجود می آورد، استفاده های مطلوبی بکند. با این حال، برخی از عوامل مهار نشدنی است و در اختیار مصاحبه گر نیست که باید به آنها و پیامد آن در مصاحبه آگاهی داشته باشیم:

۱- عوامل فنی؛ قطع شدن مصاحبه با عواملی مانند صدای زنگ تلفن، ورود دیگران به اتاق مصاحبه، فضای فیزیکی اتاق مصاحبه.

۲- روش مصاحبه گر؛ گرایش و تجربه مصاحبه گر در کم و کیف مصاحبه مؤثر است. انتخاب زمان، انتخاب کلمه تعجب آمیز یا اصوات مشابه آن، در بازده کلامی مصاحبه شونده مؤثر می باشد.

۳- زمان مصاحبه؛ سن و جنس مصاحبه شونده نیز در محتوا و فرایند زمانی مصاحبه مؤثر می باشد.

۴- مکان؛ محیط آرام برای هر دو طرف مناسب تر از مکانی پر سروصداست. قطع کردن مصاحبه، نامطلوب است مگر برای پاسخ دادن به تماس تلفنی.

ترتیب نشستن مناسب نیز، مصاحبه را تسهیل می کند. بلندی صندلیها باید به یک اندازه باشد؛ به طوری که هیچیک از دو طرف، مسیر نگاهشان از بالا به پایین نباشد. بهتر است صندلیها طوری قرار داده شوند که بین مصاحبه شونده و مصاحبه گر اسباب و اثاثیه ای وجود نداشته باشد.

۵- یادداشت برداری در هنگام مصاحبه؛ معمولاً برای حفظ سابقه از وضعیت گذشته مصاحبه شونده و همچنین مطالبی که لازم است یادداشت و ضبط گردد، ضروری است که مصاحبه گر اطلاعات به دست آمده را ثبت نماید.

تهیه گزارش و ثبت مطلب، باید به صورت حرفه ای و بنا به مقتضیات مصاحبه شونده صورت گیرد. گاهی لازم است کلیه مطالب و گاهی نیز فقط مطالب عمده را یادداشت کرد.

۶- مصاحبه گر؛ از عوامل مؤثر دیگر در مصاحبه - که می تواند بشدت بر نتایج مصاحبه تأثیر بگذارد - شخص مصاحبه گر می باشد که در واقع ابزار اساسی مصاحبه به شمار می آید. هر مصاحبه گری، با زمینه شخصی و حرفه ای متفاوتی به مصاحبه می رود. ساختمان، منش، ارزشها، و حس اولیه مخاطب، در چگونگی نظر او نسبت به دیگر انسانها، تأثیر می گذارد. تفاوت در زمینه های اجتماعی، آموزشی، و هوشی مصاحبه گر، ممکن است در پیدایش توافق دخالت داشته باشد.

۷- مصاحبه اول؛ آنچه مسلم است، شروع مصاحبه با مصاحبه شونده، دارای اهمیت بسیاری است. اگر چنانچه نوع برخورد با مصاحبه شونده به نحوی باشد که اثر روانی نامطلوبی بر او بگذارد، طبیعی است که اطلاعات به دست آمده ناقص خواهد بود و حتی ممکن است مصاحبه شونده را از بیخ و بن از ادامه مصاحبه منصرف سازد. اولین دیدار، می تواند اطلاعات مهمی به مصاحبه گر منتقل سازد. مشاهده رفتار مصاحبه شونده در اولین برخورد بسیار ارزنده است.

## هنر گوش دادن در مصاحبه

در این زمینه به واقع باید گفت که گوش دادن، فن یا هنر است. زیرا در گوش دادن به حرفهای مصاحبه شونده، می توان به نکته‌های زیادی توجه کرد که در شنیدن نمی توان به آن رسید. در مصاحبه باید خوب گوش کنی تا خوب بشنوی که چه چیزی را در چه موقعی بیان می کند. اگر به صورت حرفه‌ای گوش کنیم، به طور کامل آگاه می شویم که منظور از گفته‌های مصاحبه شونده چیست.

شاید اگر ادعا کنیم که یکی از مهم‌ترین مسائل در مصاحبه، گوش دادن به صحبت‌های مصاحبه‌شونده است، اغراق نکرده باشیم. متأسفانه بعضی از مصاحبه کنندگان کم تر به این امر توجه دارند.

شروع مصاحبه نباید وضعیتی برای مصاحبه‌شونده پدید آورد که احساس کند مصاحبه گر حالت بازپرسی و یا کنجکاوی به خود گرفته است. زیرا امکان دارد در او حالت مقاومت به وجود آید و اگر با اصرار مصاحبه گر برای شروع مصاحبه روبرو شود، احتمال دارد اصلاً تمایلی به مصاحبه نشان ندهد و یا حتی اگر هم صحبت کند، سعی در پنهان نگه داشتن مطالب اصلی و حقیقی بنماید. در این حالت، بهتر است مصاحبه گر از هرگونه پیشداوری خودداری ورزد و قضاوت خود را تا حد ممکن به تأخیر بیندازد. زیرا اگر داوری مصاحبه گر بر پایه پیشداوریهایش صورت بگیرد، احتمالاً نتیجه، برعکس آنچه انتظار می رفت، عاید خواهد شد.

## مشاهده

مشاهده در مصاحبه، از اصول بسیار مهم و اساسی به شمار می رود. از آغاز برخورد با مصاحبه شونده - همان طور که لازم است به صورت دقیق به سخنان او گوش داد و گوش دادن را هنر دانست - مشاهده کردن هم هنر است، هنری آمیخته با علم.

مسئله مهم دیگر، این است که بسیاری از مصاحبه شونده‌گان وقت شناسند و اهمیت زیادی به آن می دهند. پس بهتر است مصاحبه گر با تنظیم وقت و بموقع حاضر شدن در جلسه،

رابطه‌ای صحیح با طرف مقابل برقرار کند تا این احساس را در مصاحبه شونده به وجود آورد که برای او اهمیت قائل شده است.

### زبان و ارتباط در مصاحبه

روش و زبانی که در مصاحبه به کار می‌رود، امری است بسیار حساس که می‌تواند در جلب و یا طرد مصاحبه شونده مؤثر واقع شود. زبان مصاحبه را می‌توان ارتباط کلامی و غیر کلامی نامید.

**ارتباط کلامی:** مشکل زبان و چگونگی تکلم باید بین مصاحبه‌گر و مصاحبه شونده مشترک باشد. مصاحبه‌گر بکوشد با حوصله و دقت به حرفهای مصاحبه شونده گوش دهد و از به کار بردن الفاظ و اصطلاحات پیچیده و دشوار خودداری کند.

**ارتباط غیر کلامی:** در طول مصاحبه، مصاحبه شونده معمولاً توجه خاصی به رفتار مصاحبه‌گر و حساسیتی نسبت به حالات و رفتار او دارد. یکی از رفتارهایی که در مصاحبه مفید شناخته شده، این است که گاهی مصاحبه‌گر با تکان دادن سر، به مصاحبه شونده بفهماند که متوجه گفته‌های او می‌باشد. در مصاحبه، چگونگی و نحوه بیان مطالب از زبان مصاحبه شونده، آشکارا در برقراری رابطه صحیح حائز اهمیت می‌باشد.

### جهت دادن به مصاحبه

برای تمرکز بخشی به مصاحبه، باید به سه امر زیر توجه کرد:

۱- شناسایی یک موضوع مهم؛

۲- سوق دادن موضوع به راه معین هدفدار؛

۳- محدود کردن موضوع بحث.

مصاحبه‌گر باید در محتوای فکر مصاحبه شونده دخالت کند و مانع پراکندگی آن در مصاحبه شود، آن هم با جملاتی شبیه «البته این موضوع جالبی است ولی بهتر است برگردیم به موضوعی که چند لحظه پیش صحبت می‌کردیم.»

**تأکید؛** هدف اساسی در تأکید، این است که مصاحبه شونده را نسبت به موضوع مهم آگاه می‌سازد و او را ترغیب به بررسی هدف و علل آن مطلب می‌نماید.

**فضا و جو لازم در مصاحبه؛ بدون وجود نوعی ارتباط صحیح و حرفه‌ای، امکان پیشرفت در کار مصاحبه‌گری وجود ندارد.**

فضای لازم و راحت، زمانی حاصل می‌شود که مصاحبه‌گر دارای خصوصیات خاصی باشد مانند حساسیت شغلی، واقع‌بینی، انعطاف‌پذیری، انساندوستی، محبت، صبر و حوصله و هم‌حسی. باید توجه داشت که راهبری در کلیه مراحل مصاحبه با مصاحبه‌گر است که باید به نحو عالی انجام پذیرد. اگر مصاحبه‌شونده احساس کند که این راهبری تصنعی و توأم با بی‌حوصلگی می‌باشد، هرگز ارتباط صحیح صورت نخواهد گرفت. هرگز نباید با مصاحبه‌شونده بحثهای پیچیده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کرد. مخالفت با عقاید مذهبی وی، به هیچ عنوان ضرورت ندارد، بلکه باید بر اساس احترام به عقاید و افکار و معتقدات با او عمل کرد.

### پایان مصاحبه

خاتمه دادن درست و متعادل به مصاحبه، بسیار مهم است. باید به نحوی مصاحبه را خاتمه داد که هیچگونه احساس بدی به مصاحبه‌شونده دست ندهد. قبل از ختم جلسه، باید مقدمه‌ای را شروع کرد. اگر در آخر وقت، مصاحبه‌شونده مطلبی بیان کرد، مصاحبه‌گر از او بخواهد که چون مطلب مهم است و نیاز به فرصت کافی دارد، بهتر است به جلسه بعد موکول گردد، و با تعیین کردن وقت بعدی (ساعت و روز)، بدون هیچگونه عجله‌ای با او خداحافظی کند.

### کتابنامه:

- ۱- کاربرد مصاحبه و گزارش نویسی، نوشته محمد رضا رنجبر.
- ۲- روش بحث و مذاکره، نوشته ثریا سید مهدی.
- ۳- ده شیوه مصاحبه، ترجمه بیرجندی.
- ۴- تکنیکهای مصاحبه، نوشته محمد مهدی فرقانی.





## مسائل اساسی در تاریخ شفاهی ایران

(با رویکرد به پژوهشهای منتشر شده و طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد)

غلامرضا آذری خاکستر\*

### مقدمه

با گسترش روز افزون علوم در هر یک از رشته‌ها، انتظار به وجود آمدن رشته‌های تخصصی نیز وجود دارد. علم تاریخ طی فراز و نشیبهایی که فراوی آن بود، شاهد گسترش شیوه‌های نوین تاریخ‌نگاری بود.

با ایجاد مکاتب تاریخ‌نگاری و شیوه‌های علمی نگارش، و نیز از سه دهه گذشته با شکل گرفتن تاریخ شفاهی،<sup>۱</sup> گامی نوین در مطالعات تاریخی برداشته شد. در این شیوه، پژوهشگر از چارچوب نوشتاری خارج می‌شود و با روی آوردن به مصاحبه، زوایای مبهم تاریخ معاصر را در تاریخ شفاهی جستجو می‌کند. در پژوهشهای شفاهی، حوزه کار تنها در تاریخ خلاصه نمی‌شود و حتی فراتر از آن هم می‌توان به مطالعه و تحقیق پرداخت. به طور مثال، در طرح تدوین تجربیات خبرگان قنات - که شرکت مدیریت منابع آب ایران به انجام رسانده است - بدون رویکرد به تاریخ، پژوهش ارزنده‌ای درباره سازه قنات صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

تاریخ شفاهی، مقدمه‌ای است بر تاریخ مکتوب؛ از آن جهت که مورخ با صحنه سازان جریان تاریخی طرف است؛ با افرادی که در بطن حادثه بوده‌اند و شاهدان اصلی آن رخداد تاریخی‌اند. تاریخ شفاهی، شناخته شده‌ترین برنامه ثبت اطلاعات شمرده می‌شود<sup>۳</sup> و

---

\* کارشناس مصاحبه و تدوین. نشانی وبگاه: Azari222002@Yahoo.com

به‌طور کلی، راهکاری است برای جمع‌آوری اطلاعات که در ضمن آن، تجهیزات ضبط صوتی را با هماهنگی مورد استفاده قرار می‌دهند تا گزارشهای دقیقی از عقاید و نظرات شاهدان ماجرا یا دست‌اندرکاران حادثه فراهم کنند. اهمیت تاریخ شفاهی در تدوین تاریخ‌نگاری معاصر ایران، از آن جهت است که منابع مکتوب پاسخگوی نیاز پژوهشگران نیست.<sup>۴</sup> در مجموع، اهمیت تاریخ شفاهی به جهات زیر است:

۱- به واسطه اینکه افرادی که در جریان حادثه‌ای بوده‌اند، به نقل رویدادها و خاطرات می‌پردازند، لذا گفته‌های افراد، همسو و تکمیل‌کننده اسناد می‌باشد که می‌توان از آن به عنوان منابع دست اول یاد کرد.

۲- تا انتشار اسناد در مسائل مختلف، مدت زمانی خواهد گذشت. از این رو، تاریخ شفاهی این امکان را به وجود می‌آورد که پژوهشگران قبل از انتشار اسناد، از زبان شاهدان عینی وقایع اطلاعاتی کسب کنند. نکته درخور توجه در تاریخ شفاهی، کسب اطلاعات بکر و جدید از مصاحبه شونده می‌باشد. در این شیوه، محقق در انتظار آزاد شدن اسناد بایگانیها<sup>۵</sup> نمی‌ماند. زیرا با روی آوردن به تاریخ شفاهی، اطلاعاتی به دست می‌آورد که فراتر از نوشته‌های مکتوب می‌باشد.

۳- در تاریخ شفاهی، جذابیت خاصی وجود دارد. بدین نحو که پژوهشگر این حیطه با مدارک ضبط شده‌ای که در اختیار دارد، حالات و طرز بیان مصاحبه شونده را نیز - که از لحاظ روان‌شناختی مهم است - درک می‌کند. زیرا در طنین صداها و لحن گفتارها معانی گوناگونی از شخصیت افراد، ضعف و غضب، قاطعیت، صلابت، تمنا و التماس، آرامش و اضطراب<sup>۶</sup> و برخی دیگر از صفات افراد نهفته است که آنها را نمی‌توان در کتاب مکتوب کرد بلکه فقط باید شنید؛ بویژه آنکه صداها و گفتار و تسلط بر بیان، یکی از راههای باریک روانکاوی شخصیتهاست.

۴- ویژگی اصلی تاریخ شفاهی نداشتن قضاوت و داوری است؛ چرا که<sup>۷</sup> مخاطب از شیوه‌های ارشادی خسته شده و می‌خواهد خودش قضاوت را تحلیل کند و تاریخ شفاهی، این امکان را در اختیار او قرار می‌دهد.

۵- تاریخ شفاهی، به محقق کمک می‌کند تا تصویری کم و بیش زنده از وقایع تاریخی - که بر تجربه مستقیم و غیر مستقیم فردی مبتنی است - ارائه دهد. در حین مطالعه تاریخ، شاید بسیاری از استدلالها مبهم و باورنکردنی باشد؛ در حالی که تاریخ شفاهی موشکافانه‌تر به قضایا می‌نگرد و از تمام جوانب، موضوع را بررسی می‌کند. تدوین تاریخ شفاهی، شاید ساده به نظر آید؛ اما در یک تحلیل، واقعیت این است که شیوه تاریخ شفاهی از پیچیدگی و مشکلات خاصی برخوردار است. اولین مسئله در تاریخ شفاهی، عشق و علاقه به تاریخ است. اگر پژوهشگری این خصیصه را نداشته باشد، در برقراری ارتباط با مصاحبه شونده دچار مشکل می‌شود و نمی‌تواند مقصود و منظور خود را بیان کند. دوم اینکه، مصاحبه‌گر باید پژوهشگری به تمام معنی باشد؛ در حیطه‌ای که به پژوهش می‌پردازد، حوزه مطالعاتی وسیعی داشته باشد و تمام زوایای جریان را از میان مکتوبات بررسی کند و دیگر آنکه، شناختی نسبی از مصاحبه شونده داشته باشد. در تاریخ شفاهی، ما دو نوع نگرش در آن واحد داریم: اول نگرشی که مصاحبه شونده نسبت به موضوع دارد؛ زیرا در طرح آن موضوع نقش داشته است. دیگر نگرش مصاحبه کننده به موضوع است. بنابراین مصاحبه‌گر با مطالعه عمیق و بررسی همه جانبه، باید این دو نگرش را به هم نزدیک کند. به نحوی که اگر متوجه شد مصاحبه شونده دارد لاف می‌زند و گزافه می‌گوید و یا موضوعی را کتمان می‌کند، به او یادآور شود.

### پژوهش

محقق، در تاریخ شفاهی نخست باید شناخت کاملی از منابع داشته باشد و بهترین مرجع برای به دست آوردن منابع مجلات، پایان نامه‌ها، روزنامه‌ها و مقالات مندرج در نشریات و نقل قولهای دیگران می‌باشد. منابع مکتوب، این امکان را به مصاحبه‌گر می‌دهد تا چارچوب موضوع را مشخص کند و پس از آن با آگاهی به سراغ مصاحبه شونده‌ها برود. محققان تاریخ شفاهی، در بررسیهای خود<sup>۱</sup> راه و روش یکسانی در پیش نمی‌گیرند و عوامل مختلفی را در انتخاب روش منظور می‌کنند. بر این اساس، بنا بر موضوع پژوهش، شیوه کار هم متفاوت خواهد بود. به عنوان نمونه در تدوین تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰مشهد، به

روایتگران این فرصت داده می‌شد که هرگونه خاطراتی از حضور متفقین در خراسان داشتند، بیان کنند. با توجه به اینکه ۶۳ سال از موضوع طرح شده می‌گذشت، بنابراین تمام اقشاری که شاهدان عینی آن وقایع بودند، از درجه اعتبار بالایی برخوردار بودند. به قولی، تنها رجال و شخصیت‌های سیاسی مورد توجه نبودند بلکه در بحث تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰، از تمام اقشار استفاده می‌شد، اعم از نظامیان، رجال سیاسی، کارگران<sup>۹</sup> و...

نکته اساسی در تاریخ شفاهی، تعیین موضوع پژوهشی می‌باشد. محقق پس از آنکه موضوع پژوهشی را برگزید، مطالعات جامعی درباره آن انجام می‌دهد. مهم‌ترین منابع اطلاعاتی در این زمینه، روزنامه‌ها، اخبار و مدارک آرشیوی می‌باشند. پس از مطالعه در موضوع، به سراغ مصاحبه شونده‌ها می‌رود و بعد از جلب موافقت آنان، به طرح سؤال و نهایتاً با قرار قبلی به مصاحبه می‌پردازد.

## اسناد

یکی از مباحث مهم برای مصاحبه‌گراها، بحث چگونگی استفاده از اسناد می‌باشد. آیا محقق تاریخ شفاهی نیازی به اسناد کتبی دارد یا اینکه اسناد شفاهی بتنهایی جوابگوی نیاز پژوهشی او خواهد بود؟

اسناد کتبی، بهترین کمک را به جریان مصاحبه می‌کند. ما که در شهرستانها فعالیت داریم، نداشتن دسترسی به اسناد بزرگ‌ترین مشکل ما می‌باشد. زیرا اگر مصاحبه‌گر اسناد کتبی مطالعه نکند، مصاحبه شونده آن گونه که دوست دارد خاطراتش را بیان می‌کند. به‌عنوان نمونه در طرح تاریخ شفاهی پزشکی مشهد، با فردی که مدیرکل بهداشتی خراسان بود، چندین جلسه مصاحبه داشتیم. در بحث انقلاب بخصوص بعد از انقلاب، ایشان مدتی در دفتر ریاست جمهوری در زمان بنی صدر کار می‌کرده است. زمانی که به خاطرات کار در دفتر ریاست جمهوری رسید، یادآور شد که خاطره‌ای از آن ایام ندارد و در واقع دوست داشت خیلی گذرا از آن مبحث بگذرد. هر چند در جلسات بعد، خاطرات آن زمان را بیان کرد، ولی به خاطر در دسترس نبودن اسناد، خیلی از سؤالات ما بی‌پاسخ ماند.

تا چه حدی اسناد شفاهی می‌تواند تکمیل‌کننده اسناد کتبی باشد؟ رابطه میان اسناد شفاهی و کتبی به چه صورتی است؟ هر چند از لحاظ آسیب‌شناسی عوامل مختلفی پژوهش‌های تاریخ شفاهی را تهدید می‌کند و این تهدیدها، گاهی سبب می‌شود به نتایج جدیدی دست یابیم.

به عنوان نمونه، تفاوت سند کتبی با شفاهی در اینجا عنوان می‌شود. در جریان جنگ جهانی دوم پس از اشغال خراسان بخصوص اشغال شهر مشهد به دست روسها، گروهی از آواره‌های لهستانی از روسیه به ایران منتقل شدند. این گروه، از مرز باجگیران وارد ایران شدند و از آنجا با کامیون به شاهرود فرستاده می‌شدند تا با قطار به تهران منتقل شوند. مصاحبه‌شونده، راننده کامیونی بود که در آن زمان برای روسها از زاهدان به ترکمنستان مهمات حمل می‌کرد.<sup>۱۰</sup> او در جریان مصاحبه، از سرگذشت آواره‌های لهستانی صحبت می‌کرد و از آن رخدادها به عنوان تلخ‌ترین خاطره زندگی خود یاد می‌کرد. این آقای راننده، در آن ایام حدود ۲۳ سال داشته است. بنابراین خاطرات را بخوبی به یاد داشت. در اسناد کتبی آمده است که آواره‌های لهستانی را مدتی در مشهد نگهداری کردند و حتی با ورود آنها به شهر مشهد، بیماری تیفوس و تب راجعه شیوع پیدا کرد. اما جالب اینجاست که مصاحبه‌شونده در بیان خاطراتش با قاطعیت بیان می‌کرد که این گروه را با ۱۰ کامیون - که در هر کامیون ۲۲ نفر نگهداری می‌شد - به شاهرود منتقل کردند. مسیر باجگیران - شاهرود را دو روزه پیمودند و ابداً در مشهد توقف نداشتند. فقط در سبزوار توقفی کوتاه داشتند! طبق نوشته سرکلارمونت اسکراین،<sup>۱۱</sup> سرکنسول انگلیس در مشهد در کتاب جنگ جهانی در ایران، چنین آمده است: عده‌ای از این گروه را در حدود ۷۰۰ نفر اعم از کودکان و زنان، در ماه مارس ۱۹۴۲م. وارد مشهد کردند و مدتی در اطراف مشهد اسکان دادند. حال سؤال اینجاست که کدامیک معتبر است؟ سندی که ۶۵ سال پیش نوشته شده یا راوی‌ای که در حال حاضر این موضوع را عنوان می‌کند؟

مسئله اصلی در تاریخ، صحبت از اسناد و قضاوت‌های مورخان است که همه آنها به محقق کمک می‌کند تا به تدوین تاریخ کتبی بپردازد. حال با توجه به اینکه برخی از اسناد بایگانیها تا یک قرن دیگر هم آزاد نمی‌شوند، تاریخ شفاهی مکمل خوبی برای پژوهش‌های

محققان خواهد بود.<sup>۱۲</sup> چنانچه مسائلی چون کتمان، دروغ‌گویی و قهرمان پروری در میان نباشد، آنچه شایسته پژوهش شفاهی است، به دست خواهد آمد. در تاریخ شفاهی، محقق با خود فرد مرتبط است و این، فرد است که همه رفتارها، دیده‌ها و شنیده‌های خود را بازگو می‌کند. بنابراین تاریخ شفاهی زمانی موجودیت اصلی خود را پیدا می‌کند که اسناد بایگانیها در اختیار محققان قرار گیرد؛ آنگاه اسناد شفاهی و کتبی، مکمل خوبی برای هم خواهند بود.

## رجال

در تاریخ شفاهی ایران، محقق با شخصیتها و تیپهای متفاوتی برخورد می‌کند. شخصیتها را در تدوین تاریخ شفاهی ایران می‌توان در چندین گزینه بررسی کرد: نخست شخصیتهای سیاسی؛ دوم افرادی که در بطن حوادث جامعه بوده‌اند و تنها خاطراتی از گذشته دارند. در تاریخ ایران شخصیتهایی که در مسائل سیاسی دست داشته‌اند، قطعاً دارای نقش اساسی در مسیر تحولات تاریخی بوده‌اند؛ به گونه‌ای که تصمیم‌گیرهای آنان، گاهی تاریخ ساز بوده است. دسته دوم را - که شامل عموم مردم جامعه است - می‌توان زیر عنوان شاهدان عینی وقایع یاد کرد. مسئله مهم در بررسی خاطرات این دو گروه، این نکته است که باید این فرصت به مصاحبه‌شونده داده شود تا آن گونه که می‌خواهد، شرح زندگانی خود را بنویسد و خاطرات خود را بازگو کند.<sup>۱۳</sup> حداقل نتیجه‌ای که از این شیوه می‌گیریم، این است که مطالبی با در نظر گرفتن شرایط و اصول کار ضبط کرده‌ایم که بتدریج جایگزین<sup>۱۴</sup> خوبی برای بررسیهای تاریخی خواهد بود. برخی افراد که برای مصاحبه انتخاب می‌شوند، فکر می‌کنند شخصیت آنها در حدی نیست که با آنان مصاحبه کرد و گمان می‌کنند که باید به سراغ افراد مطرح رفت. در تاریخ شفاهی تنها نخبگان نیستند که مورد نظرند، بلکه بر اساس موضوعات، تیپ افراد مورد مصاحبه هم متفاوت خواهد بود. یکی از پژوهشهایی که در دانشگاه هاروارد<sup>۱۵</sup> صورت گرفته، خاطرات شعبان جعفری می‌باشد که به جرئت می‌توان گفت که این کتاب رکورددار شمار (تیراژ) در زمانی کوتاه بود. زمانی که کتاب نامبرده منتشر شد، بسیاری از منتقدان نشر و کتاب، این مجموعه را نقد و بررسی کردند و برخی هم معتقد بودند که شعبان جعفری، در حد و اندازه این کتاب نیست و با عنوانهای مختلف،

روایت کننده را مورد نقد قرار دادند.<sup>۱۶</sup> هر چند شعبان جعفری در این کتاب برخی از اتهامات را منکر شده است و برخی از حقایق را سرپوش گذاشته است، ولی پژوهش فوق، این نکته را ثابت می کند که هر یک از افراد جامعه در تاریخ شفاهی حرفی برای گفتن دارند و تاریخ شفاهی، مخصوص رجال و شخصیتها و نخبگان نیست.

## ترس

یکی از عوامل اثر گذار در تدوین تاریخ شفاهی ایران، مسئله ترس می باشد. زیرا رجال و شخصیتهایی که مورد مصاحبه قرار می گیرند، همواره این خطر متوجه آنان است که با گفتن گذشته خویش، آینده خود و بستگانشان را به خطر اندازند. طبق مصاحبه های دانشگاه هاروارد به وسیله آقای لاجوردی، برخی از چهره های مطرح، بر این عقیده بوده اند که آنها به اندازه کافی دشمن دارند که با این مصاحبه ها<sup>۱۷</sup> به تعداد آنان نیفزایند.

برخی افراد که برای مصاحبه انتخاب می شدند، بیان می کردند که دوست ندارند از گذشته صحبت کنند. زیرا به سبب کهنسالی بسیاری از موارد را به خاطر نمی آورند. بنابراین فقط اجازه می دادند بدون استفاده از ضبط صوت و دیگر مواد مصاحبه، ملاقات انجام شود.<sup>۱۸</sup> با توجه به طرحهایی که در آرشیو تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی انجام شده، مسئله ترس به عنوان یکی از مسائل اساسی بر پژوهشهای شفاهی تأثیر گذار است. مثلاً در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۲۰ با ۱۵ نفر از افرادی که حوادث شهریور ۱۳۲۰ را به خاطر داشتند، مصاحبه انجام شد؛ با افسر ارتش،<sup>۱۹</sup> عضو حزب ایران،<sup>۲۰</sup> تلگرافچی باجگیران،<sup>۲۱</sup> بازاری، کارمند استانداری،<sup>۲۲</sup> دستگیر شده به دست روسها و انتقال یافته به عشق آباد، از نیروهای صولت السلطنه،<sup>۲۳</sup> راننده حمل مهمات برای روسها و... در این طرح فقط شمار اندکی به خاطر ترس از گذشته حاضر به مصاحبه نشدند و عده ای هم حواس پرتی را بهانه می کردند و می گفتند به علت پیری بسیاری از خاطرات را فراموش کرده اند.

در طرح تاریخ شفاهی پزشکی مشهد، با حدود ۲۵ نفر از پزشکان قدیمی مشهد بیش از ۱۲۰ ساعت مصاحبه انجام شد. مصاحبه شوندگان، زمانی که به وقایع انقلاب اسلامی می رسیدند، ناخواسته صحبت نمی کردند و یا اینکه برخی از حقایق را نمی گفتند. در این



طرح، مهم‌ترین ملاک انتخاب مصاحبه شونده، عبارت بود از: ۱- سن (بیش از ۸۰ درصد مصاحبه‌شوندگان این طرح، سنشان بالای ۸۰ سال بود)؛ ۲- دارای تألیف باشند؛ ۳- در زمان طبابت، استاد دانشگاه یا از رئیسها بوده باشند؛ ۴- از مؤسسان بیمارستانهای خصوصی در مشهد باشند.

در طرح تشکیلات اداری آستان قدس رضوی - که طیف مصاحبه‌شوندگان بازنشستگان آستان قدس رضوی قبل از انقلاب می‌باشد - محدود افرادی هستند که بدون ترس شروع به صحبت می‌کنند و اکثراً با محافظه‌کاری خاطراتشان را بیان می‌کنند. این طرح، به بررسی وضعیت اداری آستان قدس رضوی در تاریخ معاصر می‌پردازد، بخصوص به نحوه گسترش ادارات و تاریخچه تأسیس آنها. نکته درخور توجه در این طرح، زمانی است که ضبط خاموش می‌شود؛ چون مصاحبه‌شوندگان، شروع به نقد و بررسی ادارات آستان قدس می‌کنند. مسئله اصلی برای هریک از مصاحبه‌شوندگان، آزادی بیان می‌باشد. زیرا مصاحبه‌شوندگان از لحاظ حقوقی هیچگونه تأمینی ندارند و حتی مقررات و اساسنامه‌هایی که در مراکز تاریخ شفاهی تهیه می‌شود، بیش‌تر دیدگاه پژوهشی در آنها منظور شده است و مطابق با قوانین حاکم بر جامعه نیست.

ترس از بیان حقایق در میان مصاحبه‌شونده‌ها، عاملی تأثیرگذار در پژوهشهای شفاهی می‌باشد. بسیاری از نوشته‌ها و حتی کارهای انجام شده، حکایت تلخ ترس از واقعیت را در خود نهفته است.

### کتمان حقایق

برخی افراد بنا به مصالح خود از گفتن واقعیتها خودداری می‌کنند؛<sup>۲۴</sup> با اینکه شاید بیش از نیم قرن از حادثه گذشته باشد، باز هم حقایق را می‌پوشانند و با بهانه اینکه سن آنان بالا رفته و احتمال دارد حرفهایی بگویند که به صلاح آنان نباشد، از مصاحبه کردن طفره می‌روند. عامل دیگری که دستاویز این افراد است، بهانه حواس پرتی می‌باشد که مصاحبه‌شونده با توسل به آن، از گفتن حقایق چشم می‌پوشد.<sup>۲۵</sup>

## قصه‌گویی

در تاریخ شفاهی، بهترین هنری که مصاحبه‌کننده دارد، در دست گرفتن جریان مصاحبه و تسلط بر موضوع می‌باشد. برخی از مصاحبه‌ها بیش‌تر به قصه می‌ماند تا مصاحبه علمی. در این گونه مصاحبه‌ها، روایت‌کننده، جریان مصاحبه را در دست می‌گیرد و با بیان خاطرات گذشته، ساعتها وقت مصاحبه‌گر را می‌گیرد. این جور مصاحبه، اصولاً با یک سؤال کلی شروع می‌شود و پس از آن، مصاحبه‌شونده در جایگاه خطیب می‌نشیند و آنچه را دوست دارد، بیان می‌کند.

## توانایی مصاحبه

از دیگر عوامل اثرگذار در تاریخ شفاهی، چگونگی رفتار مصاحبه‌شونده‌ها در ارائه مطالب می‌باشد. چون با توجه به موضوعات متفاوت در تاریخ شفاهی ایران، روایت‌کنندگان از موضوعات متفاوتی اطلاع دارند، پژوهشگر تاریخ شفاهی، همواره با این مسئله مواجه است که کدام مسئله مورد پژوهش قرار گیرد. برخی از افراد که برای طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ خراسان<sup>۳۶</sup> مورد نظر بودند، در مصاحبه اولیه که با آنها داشتیم، بیان می‌کردند که آنان گزینه‌های خوبی برای مصاحبه نیستند. اما پس از جلب موافقت آنان، مشخص می‌شد تمامی افرادی که می‌توانند خاطرات گذشته را بیان کنند، هرچند در جریان مسائل نبوده‌اند، ولی گفته‌هایی داشتند که اولین بار بود مورد بحث قرار می‌گرفت.

## مدت زمان مصاحبه

تعیین مدت زمان مصاحبه، نقش ارزنده‌ای در پیشرفت مصاحبه‌ها دارد. براستی چه زمانی برای انجام مصاحبه مطلوب است؟ در تعیین وقت مصاحبه، عواملی دخیل است که فهرست‌وار به آنها اشاره می‌شود: سن، قدرت بیان، قدرت تفکر، وضعیت جسمانی مصاحبه‌شونده، محل، زمان و تعداد جلسات مصاحبه و...

کسی که ۸۰ سال سن دارد<sup>۳۷</sup> و تمام شرایط مصاحبه برایش فراهم است، در ۳۰ دقیقه نخست مصاحبه، هر آنچه که در ذهن و توان دارد، بیان می‌کند و پس از آن، به علت

خستگی، پاسخی گذرا به پرسشها می‌دهد. این نکته، در مصاحبه‌هایی که دانشگاه هاروارد فراهم کرده، رعایت نشده است؛ به طوری که گاه روایت کنندگان در یک جلسه حدود ۴ ساعت صحبت کرده‌اند.<sup>۲۸</sup>

و یا خاطرات سپهبد کیا که طی دو جلسه، در تاریخهای ۲۱ و ۲۵ اکتبر ۱۹۸۵ خاطرات وی را ضبط کرده‌اند.<sup>۲۹</sup>

## تکسونگری

یکی از مسائلی که در تاریخ شفاهی ایران نمود پیدا کرده و تا حدی پژوهشهای تاریخ شفاهی را با مسائل جدیدی مواجه ساخته است، برخی از مصاحبه‌هاست که با نگرشی خاص و در چارچوب مسائلی از پیش تعیین شده، ضبط و ثبت می‌شوند. بخصوص این مسئله پس از انقلاب پررنگ‌تر شده است. خاطره نویسیهای متعدد، نشر اسناد و شیوه‌های جدید در انتشار خاطرات<sup>۳۰</sup> در قالب تاریخ شفاهی، موجب شده تا برخی از خاطرات فقط عنوان شفاهی داشته باشند.<sup>۳۱</sup> متأسفانه تدوین‌کننده‌های تاریخ شفاهی در ایران، با جابجا کردن گفته‌های مصاحبه‌شونده‌ها، جذابیتی را که در لحن گفتاری مصاحبه‌شونده وجود دارد، از مصاحبه‌ها می‌گیرند.<sup>۳۲</sup>

## مصاحبه شونده

مشکلات خاصی که همواره مصاحبه‌گر با آن مواجه است، تشخیص دادن این است که با چه افرادی مصاحبه شود؛ آیا باید به سراغ شخصیت‌های مطرح در تاریخ رفت یا اینکه تمام افراد می‌توانند اطلاعات جامعی دربارهٔ مسائل تاریخی ارائه دهند. در تاریخ شفاهی، معمولاً افرادی که رهبری جریان یا حادثه‌ای را در اختیار دارند و یا کارگردانان اصلی وقایع تاریخی - که شاهدان عینی تاریخ می‌باشند - در اولویت قرار دارند. منتها این دلیل قانع‌کننده‌ای نیست که فقط به سراغ افراد مطرح باید رفت. زیرا برحسب موضوع پژوهش، افرادی که در درجهٔ دوم قرار دارند، راحت‌تر اطلاعات را در اختیار قرار می‌دهند. در مصاحبه، مصاحبه

شونده به طور کلی می‌باید از اهداف و شیوه‌های کاری تاریخ شفاهی آگاه شود و از بهره‌برداریهایی پیش بینی شده از طرحهای خاصی که در آن مشارکت می‌کند، آگاه گردد.<sup>۳۳</sup>

طرح تاریخ شفاهی ایران، گردآورده دانشگاه هاروارد، از بسیاری جهات مهم و منحصر بفرد می‌باشد. زیرا روایتگران آن، اغلب رجال و شخصیت‌های درجه اول شمرده می‌شوند؛ ولی بیش تر این مصاحبه‌ها را تخصصی کار نکرده‌اند و مصاحبه‌گران، بدون توجه به تمامی ابعاد تاریخی، تنها یک جنبه از موضوع را مورد پژوهش قرار داده‌اند. در این خاطرات، مصاحبه‌گر در حکم شنونده بوده است. روایتگر از بدو تولد شروع کرده و مصاحبه‌گر در حکم تأیید کننده جملات او بوده و یا سؤالاتی نه چندان تخصصی از روایتگران کرده است. از آنجا که شخصیت‌های پژوهش شده اغلب از صاحب منصبان نظام گذشته بوده‌اند، قطعاً اطلاعات آنها فراتر از موضوعات روایت شده می‌باشد<sup>۳۴</sup> و یا در برخی مواقع، مصاحبه‌گر نتوانسته اطلاعات جامعی در زمینه تخصص روایتگران بگیرد.<sup>۳۵</sup> چنین به نظر می‌رسد که مجریان طرح تاریخ شفاهی ایران، از فرصت پیش آمده بدرستی استفاده نکرده‌اند و مسائلی را دنبال کرده‌اند که روایتگرها بدون زحمت به آنان پاسخ داده‌اند و بسیاری از ناگفته‌های تاریخ شفاهی ایران بازگو نشده است.<sup>۳۶</sup>

### مصاحبه‌کننده

مسئله اساسی دیگر - که تا حدودی اعتبار پژوهشهای تاریخ شفاهی را تعیین می‌کند - مصاحبه‌گر می‌باشد. برخی از نکات وجود دارد که اگر مصاحبه‌گر رعایت کند، نتیجه مطلوبی می‌گیرد. مطالعه درباره مصاحبه، فن بیان، علاقه به تاریخ، قدرت برقراری ارتباط، وقت‌شناسی و برنامه‌ریزی را می‌توان از عوامل تعیین کننده مصاحبه در نظر گرفت. از میان عوامل فوق، مطالعه و شناخت مصاحبه شونده، بیش ترین تأثیر را در جریان مصاحبه دارد. در این روش، مصاحبه‌گر باید بکوشد تا با پژوهش کافی درباره دوران تاریخی مربوط به زندگی فردی و شرایط اجتماعی صاحب خاطرات، اشراف کامل پیدا کند؛ اسناد و مدارک را مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار دهد و سپس با طرح پرسشهای ضروری، با استقلال کامل در عین همکاری با صاحب خاطرات، به استخراج دانسته‌ها و داوریهای او پردازد.<sup>۳۷</sup>

شیوه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، بدین صورت است که مصاحبه در دو مرحله انجام شده است: در مرحله اول، روایت کننده نکات مهم زندگی خود را تعریف کرده است. در مرحله دوم، مصاحبه کننده<sup>۳۸</sup> بر اساس مطالب اظهار شده در مرحله اول و نکات و وقایع مهم تاریخی که روایت کننده از آن اطلاع داشته، از روایت کننده سؤال کرده است.

### مسائل اساسی

هر چند تاریخ شفاهی از بسیاری جهات مفید و ارزشمند است، ولیکن وجود برخی از مسائل سبب می‌شود تا پژوهشهای تاریخ شفاهی جایگاه حقیقی و واقعی خود را نداشته باشد. برخی از پژوهشهای انجام گرفته در تاریخ شفاهی، با جهت‌گیری خاص تهیه و تدوین شده‌اند که این عامل، ارزش علمی آن را از بین می‌برد. کارنامه تاریخ شفاهی ایران چندین روشن نیست. هر یک از مراکز داخلی که به این امر می‌پردازند، از شیوه‌های متفاوتی در تدوین مجموعه‌های منتشر شده استفاده کرده‌اند. دخل و تصرف در مصاحبه‌ها، در آثار منتشر شده کاملاً مشخص است و به جرئت می‌توان گفت که در داخل ایران کار درخور توجهی انجام نشده است؛ و این در حالی است که جامعه ایران قابلیت انجام مصاحبه را در موضوعات متنوع تاریخ شفاهی دارد.

از دیگر مسائل اساسی در تدوین تاریخ شفاهی، جنبه اغراق آمیز بودن پاره‌ای از گفته‌های مصاحبه شونده‌ها می‌باشد که به عنوان مشکلی، محققان تاریخ شفاهی با آن مواجه هستند.

### نتیجه‌گیری

در نیم‌نگاهی به کارنامه تاریخ شفاهی در ایران، آنچه مسلم است، برخی از پژوهشهای انجام شده، بر اساس علائق و دیدگاههای خاصی گردآوری شده است. به جرئت می‌توان گفت: از جمله مسائلی که بر تاریخ شفاهی ایران تأثیرگذار بوده، مشکل امنیت برای روایت کننده است که این مسئله، ریشه در شرایط بسته سیاسی - اجتماعی دارد. به نحوی که

افراد از طرح کردن سابقه خود، از بیم پیگرد احتمالی خودداری می‌ورزند. زمانی فرد به بازگویی جریان می‌پردازد که تمام شرایط مصاحبه مطلوب برای او فراهم باشد. عواملی چون کتمان، فراموشی، دروغگویی، بی‌حوصلگی، کهنسالی، نبود امنیت و... برای مصاحبه شونده‌گان، و مواردی چون بی‌علاقگی<sup>۳۹</sup> و مسلط نبودن به موضوع پژوهشی برای مصاحبه کننده‌ها، از عوامل اساسی و تأثیرگذار بر تدوین تاریخ شفاهی ایران می‌باشد.

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱ - تاریخ شفاهی، عبارت است از روش نوین برای جمع‌آوری، حفظ و نگهداری خاطرات، زندگینامه‌ها، رسوم، فرهنگ مردم و کلاً اطلاعات ثبت شده متنوع که از طریق مصاحبه با افراد صاحب‌نظر، اندیشمندان و بعضاً عموم در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد و بعد از طی مراحل، به صورت کاست یا نوار ویدئو نگهداری می‌شود. این اطلاعات، بعد از پیاده‌سازی و حروف‌نگاری و ویرایش، به صورت یکی از منابع مهم در کنار اسناد کتبی قرار می‌گیرد. «مقاله نقش تاریخ شفاهی در تعامل فرهنگی، فرهنگ پناهندگان با فرهنگ مهاجرپذیران: ابوالفضل حسن آبادی.» مقاله فوق، منتشر نشده است و در واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.
- ۲ - جهت اطلاع بیشتر، بنگرید به: علی اصغر سمسارزادی، تدوین تجربیات خبرگان قنات (تهران: مهندسین مشاور ستیران، ۱۳۸۳).
- ۳ - پدرسون، آن. نگهداری اسناد، ترجمه رضا مهاجر (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰)، ص ۳۸۲.
- ۴ - مرتضی رسولی پور. تاریخ شفاهی؛ زاویه ایرانی. کتاب هفته، شماره ۱۳۰، پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۲، ص ۱۰.
- ۵ - هما سرشار. شعبان جعفری، با ویرایش و مقدمه خسرو معتضد (تهران: البرز، ۱۳۸۱)، ص ۲۹.
- ۶ - ع. باقی. تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران (تهران: تفکر، ۱۳۷۳)، ص ۱۴.
- ۷ - مجید فروغی. مقاله تاریخ شفاهی و داوری مخاطب. کتاب هفته (شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۱)، ص ۸.
- ۸ - حبیب لاجوردی. خاطرات عبدالمجید مجیدی، (تهران، گام نو، ۱۳۸۳).
- ۹ - در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد، تاکنون با کسانی چون افسر ارتش، عضو حزب ایران، تلگرافچی باجگیران، بازاری، کارمند استانداری، دستگیر شده به دست روسها و انتقال یافته به عشق آباد، از نیروهای صولت السلطنه مصاحبه شده است.

- ۱۰- مصاحبه با حبیب الله کامران پور، سرپرست اسبق اداره نقلیه آستان قدس رضوی، به تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۸.
- ۱۱- اسکرین سرکلارمونت. جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار.
- ۱۲- خاطرات، بتهایی نمی تواند و نباید پایه شناخت تاریخی قرار گیرد و در این زمینه، اسناد مکتوب، نیز دارای جایگاه خاص خود است. خاطرات، عموماً ملهم از تجربه شخصی و دیدگاه فردی صاحب اثر است و طبعاً باید در مقایسه و مقابله با آثار مشابه بویژه خاطرات افرادی که در جریان همان وقایع، در تعارض با صاحب اثر قرار داشته‌اند و نیز اسناد مکتوب مورد استفاده قرار گیرد. (خاطرات ایرج اسکندری، ص ۱۳)
- ۱۳- مجید یوسفی. گفتگو با حبیب لاجوردی (تاریخ شفاهی ایران: زاویه دید هاروارد)، کتاب هفته، شماره ۱۳۷، شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۸۲، ص ۲۱.
- ۱۴- ضرورت گردآوری تاریخ شفاهی در جهان امروز، گفتگو با دکتر علی اصغر سعیدی، فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۲۵.
- ۱۵- پروژه تاریخ شفاهی ایران را، دانشگاه هاروارد از سال ۱۳۶۰ آغاز کرده و پس از ۶ سال، با بودجه ۶۰۰ هزار دلار، بیش از ۹۰۰ ساعت مصاحبه با ۱۵۰ تن از رجال و شخصیت‌های دوره پهلوی ضبط کرده است. (خاطرات ایرج اسکندری، ص ۱۶)
- ۱۶- مقالات متعددی در نقد کتاب شعبان جعفری نوشته شد؛ مقالاتی چون حاکم خیابانها. مجید رهبانی (جهان کتاب، سال هفتم شماره نهم و دهم، ص ۲۰) و شعبان و مراد. نصرالله حدادی (کتاب هفته، شماره ۷۶، مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۳) و شعبان جعفری و مشکل کتمان. خسرو معتضد (کتاب هفته، شماره ۷۶، مرداد ۱۳۸۱، ص ۱۰) و دستان پشمالویی شاید از غیب. محمد قائد (جهان کتاب، سال هفتم، شماره نهم و دهم، ص ۲۵) و...
- ۱۷- به کوشش حبیب لاجوردی. خاطرات علی امینی (تهران: گفتار، ۱۳۷۶)، ص ۴۲.
- ۱۸- در مصاحبه با آقای رشید پسندیده عنوان شد (طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد، واحد تاریخ شفاهی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی). او از نیروهای نظامی است که مقارن شهریور ۲۰ در مشهد به اسارت روسها در آمده و چند ماهی در زندانهای عشق آباد سپری کرده است. آقای پسندیده، اطلاعات بسیار مهمی درباره نحوه حضور روسها در خراسان و درگیری آنها با نیروهای دولتی دارد.
- ۱۹- مصاحبه با غلامحسین بقیعی. شهریور ۱۳۸۳. آقای بقیعی مقارن شهریور ۱۳۲۰ به استخدام ارتش در آمده و در دانشکده افسری مشغول تعلیمات نظامی بوده است. وی از اعضای فعال حزب توده می باشد که تا کنون بیش از ده کتاب در مسائل سیاسی - اجتماعی نوشته است.

۲۰ - مصاحبه با فرهنگ نخعی دی ماه ۱۳۸۳، آقای نخعی، در شهریور ۲۰ افسر دانشکده افسری بوده است که بنا به مسائلی از دانشکده افسری استعفا داده و به روزنامه نگاری پرداخته است. وی از روزنامه نگاران موفق دهه ۲۰ و از اعضای فعال حزب ایران می باشد. از وی تا کنون بیش از ده کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده است. بعد از کودتای ۲۸ مرداد، سیاست را کنار گذاشته و به مسائل دینی پرداخته است.

۲۱ - اسدالله شمعخانی مطلق باجگیران (متولد ۱۳۰۰)؛ آقای شمعخانی در شهریور ۲۰ از جمله افرادی بوده است که شاهد عینی تهاجم روسها از باجگیران می باشد. وی در آن زمان کارمند تلگرافخانه بوده است. بنابراین خاطرات جالب توجهی از حضور روسها در منطقه باجگیران دارد.

۲۲ - سید علی میرنیا (متولد ۱۲۹۷)؛ تا کنون از آقای میرنیا بیش از ۳۰ عنوان کتاب در موضوع تاریخ خراسان، فرهنگ و مردم شناسی و ادبیات به چاپ رسیده است. وی در دهه ۲۰ به استخدام استانداری درآمده و پس از طی مراحل اداری، به فرمانداری شهرهای خراسان رسیده است و اطلاعات جامعی درباره شهریور ۱۳۲۰ دارد.

۲۳ - عباسخان جلاپیر (۱۳۰۲)؛ پدر و اجداد آقای جلاپیر، از حکام کلات نادر می باشند. در واقع وی آخرین بازمانده و فرد مهم از خان های کلات می باشد. در شهریور ۲۰ همراه صولت السلطنه هزاره در شورش علیه حکومت شرکت داشته است، و به عنوان سربازی در رکاب صولت بوده است. اطلاعات جامعی درباره علل قیام صولت و خاطراتی از آن حادثه دارد.

۲۴ - خسرو معتضد، در نقدی که بر کتاب شعبان جعفری نوشته، چنین بیان کرده است: «شعبان، هم سالخورده است و هم مشکل کتمان دارد. به عنوان مثال، در مورد زمانی که اولین بار تحت پیگرد قرار گرفته، مطالب عجیب و غریبی می گوید مبنی بر اینکه یکی داشته عکس می گرفته، از بالا ناگهان افتاده و مرده و پلیس او را دستگیر می کند.»

۲۵ - در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰، یکی از افرادی که مورد نظر برای مصاحبه بود و اطلاعات جامعی درباره قیام افسران خراسان داشت، عامل حواس پرتی را بهانه خودداری از مصاحبه کرد.

۲۶ - شیوه پژوهش در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰، بدین صورت بود که ابتدا در زمینه موضوع شهریور ۱۳۲۰ خراسان، به مطالعه در کتابها، اسناد، روزنامه ها و... پرداخته شد. آنگاه به شناسایی افرادی که در این باره اطلاعی داشتند، اقدام شد. البته ابتدا از کسانی که واحد تاریخ شفاهی آستان قدس رضوی با آنها مصاحبه کرده بود، شروع شد. شیوه ارتباط با مصاحبه شونده ها، چنین بود که پس از جلب موافقت آنها، یک جلسه پیش مصاحبه انجام می شد. آنگاه نمونه سؤالات و مدخلهای مورد نظر با مصاحبه شونده در میان گذاشته



می شد؛ سپس قرار مصاحبه به میان می آمد و معمولاً جلسه اول مصاحبه ها تصویری بود، ولی دیگر جلسات بنا به تشخیص، صوتی یا تصویری برگزار می شد.

۲۷ - در طرح تاریخ شفاهی شهریور ۱۳۲۰ مشهد، این نکته کاملاً تجربه شد. زیرا افرادی که برای مصاحبه گزینش می شدند، ۸۰ سال سن داشتند.

۲۸ - خاطرات محمود فروغی را در دو جلسه و مجموعاً هشت ساعت، در شهر پالم بیچ (palm beach) ایالت فلوریدای امریکا، حبیب لاجوردی ضبط کرده است. خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۳)، ص ۲؛ و یا خاطرات آقای دکتر محمد علی مجتهدی طی ۹ ساعت در سه جلسه، از ۲۱ تا ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۷/۲-۴ مه ۱۹۸۸ ضبط گردیده است. خاطرات دکتر محمد علی مجتهدی، به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۰)، ص ۱۹؛ همچنین خاطرات عبدالمجید مجیدی را طی هفت ساعت در سه جلسه، در تاریخهای ۳ خرداد ۱۳۶۴/۲۹ مهر و ۲ آبان ۱۳۶۴ در دفتر کار وی در پاریس، شادروان ضیا صدقی ضبط کرده است. خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، با ویرایش حبیب لاجوردی (تهران: گام نو، ۱۳۸۱)، ص ۹.

۲۹ - خاطرات سپهد حاج علی کیا. به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: زیبا، ۱۳۸۱)، ص ۱۱.

۳۰ - در خاطره نگاری، سه روش به کار می رود: ۱- خاطره نگاری بر مبنای یادداشت روزانه؛

۲- خاطره نگاری بر مبنای حافظه؛ ۳- روش مصاحبه. جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۲)، ص ۱۶.

۳۱ - پژوهشهایی از قبیل تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش غلامرضا کرباسچی و تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی به کوشش عبدالوهاب فراتی، نمونه هایی است که تدوینگرهای آنها، بدون رعایت مسائل تاریخ شفاهی انتشار داده اند.

۳۲ - جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات محمد مهدی عبد خدایی. تدوین سید مهدی حسینی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹).

۳۳ - به نقل از مقاله منتشر نشده ابوالفضل حسن آبادی، تحت عنوان استانداردهای جهانی تاریخ شفاهی.

۳۴ - جهت اطلاع بیش تر، بنگرید به: خاطرات دکتر علی مجتهدی. به کوشش حبیب لاجوردی (تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۰).

۳۵- در خاطرات سپهبد کیا، دربارهٔ شعبهٔ کار تجسس و ساواک سؤال شده است. راوی به سؤال مزبور پاسخ نداده. در این زمینه مصاحبه‌گر چون مستقیم وارد موضوع حساسی شده است، روایتگر از پاسخ‌دادن خودداری کرده است. جهت اطلاع بیش‌تر، بنگرید به: خاطرات سپهبد حاج علی کیا، صص ۱۳۲-۱۴۵؛ و یا زمانی که دربارهٔ شخصیت‌های همکار روایتگر سؤال شده، سؤالاتی معمولی شده که نشان از ناپژوهیدگی دارد. خاطرات حاج علی کیا، صص ۱۴۵.

۳۶- جهت اطلاع بیش‌تر، بنگرید به: مجموعهٔ خاطرات محمود فروغی، به کوشش حبیب‌لاجوردی (تهران: کتاب نادر، ۱۳۸۳).

۳۷- خاطرات ایرج اسکندری (تهران: مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۲)، صص ۱۶.

۳۸- خاطرات عبدالمجید مجیدی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، با ویرایش حبیب‌لاجوردی (تهران: گام نو، ۱۳۸۱)، صص ۹.

۳۹- مصاحبه‌کننده، باید علاقهٔ خاصی به تاریخ شفاهی داشته باشد و باید چنان به موضوع مسلط باشد که روایتگر، احساس کند با فردی گفتگو می‌کند که او هم مانند وی سوابقی در گذشته داشته است.



## نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری

نسیم خلیلی

و من که تاریخ پیشه گرفته‌ام، التزام اینقدر کرده‌ام که آنچه نویسم،

یا از معاینه من است یا از سماع مردم ثقه.

(ابوالفضل بیهقی)

### چکیده

دگرگونی در بافت و ماهیت تاریخ‌نگاری نوین، به مثابه دستاورد دنیای جدید - که تاریخ را در منظومه دانشی ملزم به پابندی به چهارچوبه‌های نواندیشی و تحول‌گرایی علمی قرار می‌دهد - افق‌هایی از ضرورت بازنگری در شیوه‌های پژوهش و مطالعه را فراروی پژوهندگان این گستره می‌گشاید. واقعیت آن است که امروزه تاریخ، جامه‌های مندرس بافته و پرداخته نگره‌های سنتی کهن را - که از آن تندیس‌شکننده همانند شعر، تخیل، افسانه و در بهترین حالت گونه‌ای وقایع‌نگاری جزم‌اندیشانه می‌تراشید - به دور افکنده است و چهره نوینی یافته که به پشتوانه آن، قادر است گره‌های کوری را که سده‌ها از منظومه تاریخ، معمای لاینحلی بر ساخته بود، بگشاید. تاریخ شفاهی گرچه از یک روزنه و با تکیه بر ادبیات شفاهی با ریشه‌هایی در دل تاریخ باستان از یک سو و خاطره‌نگاری اوج گرفته در سده‌های اخیر از دیگر سو، پیشینه‌ای به بلندای خود تاریخ دارد، اما در واقع در مفهوم راستین خویش، یکی از موالید این نوگرایی در حوزه تاریخ و تاریخ باوری است. در این مقاله، کوشش شده است به اهمیت و ضرورت این گونه پژوهشی، از دریچه‌های گونه‌گون پرداخته شود: بررسی تاریخ شفاهی از دریچه روان‌شناسی اجتماعی و ارتباط تنگاتنگ بازخوردهای اجتماع بر فرد

و برعکس فرد بر اجتماع در دل آثار برخاسته از این شیوه پژوهشی با تأثیر غیر مستقیمی که بر روایت تاریخی دارد، ارتباط و خدمت متقابلی که میان تاریخ شفاهی و فرهنگ عامیانه وجود دارد، اهمیت این شیوه از دیدگاه فلسفه تاریخ مبتنی بر انگاره‌ای که به تأثیرگذاری دو سویه و فراگیر حال و گذشته در گستره تاریخ باورمند است، و همچنین لزوم نوگرایی در تاریخ‌نگاری پویانده‌ای که می‌کوشد با پشت سر نهادن فرایندی علمی به کنه فکتهای تاریخی دست یابد، از جمله این دریچه‌هایند.

## کلید واژه‌ها:

تاریخ شفاهی، تاریخ سنتی، فرهنگ عامیانه، فلسفه تاریخ.

## مقدمه

چندی پیش دکتر حافظ فرمانفرمایان، در مقاله‌ای فشرده و موجز، به باز شکافی بحران خزنده تاریخ‌نگاری ایرانی پرداخته بود.<sup>۱</sup> وی، در این مقاله کوشیده بود توجه مخاطبان را به ضرورت تحول آفرینی و شالوده شکنی در گستره تاریخ‌نگاری برانگیزاند. گرچه وی مستقیماً به اهمیت تاریخ شفاهی در این فرایند اشاره‌ای نکرده بود، اما به نظر می‌رسد می‌توان اهمیت تاریخ شفاهی را در بازنمایی تاریخ روایی ایران به عنوان تکمله‌ای بر این گفتار افزود. بویژه آنجا که نگارنده می‌کوشد به لزوم تلاش برای نگارش تاریخی بی‌طرفانه و منزله از بازنگریها و دستکاریهای فکری و عقیدتی برخاسته از طبقه و گروه و تعلقات فردی مورخان درباری و دولتمدار و اساساً ذی‌نفع پردازد:

«دیگر نمی‌توانیم به خود اجازه دهیم که بسهولت از دریچه چشم یک مأمور سیاسی و یا مبلغ فرقه‌ای، درباره یک ملت داوری کنیم. رسم دیرینه نگرستن به یک گروه و یا جنبه‌ای از یک قضیه به عنوان حق مطلق و نگرستن به گروه یا جنبه‌ای دیگر از یک مسئله به عنوان باطل و ناحق محض، می‌باید بکلی متروک گردد.»<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد، از این رهگذر تاریخ شفاهی عرصه بسیار مناسبی باشد؛ از این لحاظ که اکنون این مورخ و پژوهنده نوگرای تاریخ است که همانند تریبونی بی‌طرف در برابر مأمور

سیاسی، مبلغ، دولتمدار و... قرار می‌گیرد تا آنها به بیان دیده‌ها، شنیده‌ها و نقش آفرینیهای تاریخی خود در برهه‌های مختلف اشاره کنند. آنها دیگر تاریخ‌نگار یا قاضی جریانهای تاریخی نیستند، بلکه تنها راویان حوادثند که گفتارشان تنها مواد خام مورد نیاز پژوهشگر را تشکیل می‌دهد. در واقع آنچه از این مباحثه بیرون می‌تراود، گونه‌ای روایت مستند تاریخی است که می‌تواند در کنار دیگر اطلاعات مستند، جورچین تاریخ را بویژه در حوزه تاریخ معاصر تا حدی کامل کند. چنین بستری این امکان را به محقق جستجوگر می‌بخشد که حوادث را تنها از یک روزنه باز کاوی نکند، بلکه آن را به مثابه نوعی تجربه جمعی پویا دریابد و به این ترتیب، از نقش سنتی و منفعل و بی تأثیر خود رها شده و این پتانسیل را پیدا کند که در قضاوتهای تاریخی به فکتهای بیش‌تری دسترسی داشته و در اثبات تحلیلهای خود چنته پرتری داشته باشد. این تحول در شیوه تاریخ‌نگاری، ضمن آنکه کار استناد را ظریف‌تر و پاسخگوتر می‌کند، باعث می‌شود قشر تاریخ‌نگارانی که پیش از این معمولاً از میان طبقات اغلب ذی‌نفع بر می‌خاستند و در نتیجه بی‌طرفی تاریخی در زاویه نگرش و نگارششان عملاً محلی از اعراب نداشت، تغییری چرخشی کند و در واقع تاریخ را کسانی بنویسند که با موشکافیهای علمی و تحقیقی، قادرند سره را از ناسره باز تشخیص دهند. این تحول در واقع پدیده نوظهوری است که بخشی از آن مرهون اهمیت و گسترش تاریخ شفاهی است. شاید به دلیل همین اهمیت است که گرل رونالد (grele ronald)، تاریخ شفاهی را راهی برای دموکراتیک کردن تاریخ می‌داند. چرا که قضاوتهای تاریخی، شکل علمی‌تر و بی‌طرفانه‌تری به خود گرفته و حتی الامکان و نه به گونه‌ای آرمانی، از جزم اندیشی، جبریت‌گرایی، فردمحوری و تکسونگری‌رهایی یافته‌اند.

### نخستین گام: جستجوی ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهی

آن‌گاه که پروفیسور آلن نوینز (Allen Nevins)، نخستین بار در سال ۱۹۴۸ م. در دانشگاه کلمبیا با استفاده از ضبط صوت، نخستین طرح را در زمینه تاریخ شفاهی با گردآوری خاطرات سیاسی گروهی از شخصیت‌های سیاسی انجام داد، هرگز نمی‌دانست که این شیوه نوین در کوتاه‌زمانی همانند یک واگیر مثبت در گستره روش تحقیق تاریخی پهنه

می گستراند. واقعیت آن است که بعد از دهه ۶۰ میلادی بود که این شیوه در تاریخ اجتماعی و فرهنگی نیز رخنه کرد و موفق شد تحولی اساسی در زاینده‌های تاریخی بر جا نهد. این دهه طلایی تاریخ شفاهی، همزمان است با تأسیس انجمن جهانی تاریخ شفاهی (oha) که عملاً زمینه را برای شکوفایی جنبشی موسوم به جنبش تاریخ شفاهی (Oral History Movement) هموار کرد.<sup>۳</sup> از این پس به مدد چنین جنبشی، ضروری بود که بازنگری و همه جانبه نگری در تاریخ‌نگاری رسمیت تام و تمام یابد و به الگویی برای تحول آفرینیهای روشی تبدیل شود؛ روندی که به گونه‌ای بطئی گستردگی یافت. این نهضت، در واقع یکی از مهم ترین شکافهای برخاسته از تاریخ‌نگاری سنتی را پر می کرد. واقعیت این است که جستجوی حلقه‌های مفقوده زنجیره تاریخ، امروز به فرایندی دشوار و پیچیده بدل شده است. بررسی بازمانده‌های تاریخی بویژه در حوزه آثار مکتوب، پژوهش دهنده شکافهایی در پیکره تاریخ است که درستی، شفافیت و همه جانبه نگری آن را زیر سؤال می برد. تاریخ اجتماعی، تاریخ توده‌ها، آداب و رسوم، نگره‌های نجات بخشی توده در ادوار مختلف به عنوان برون‌رفت‌های تأثیرگذار تاریخی از بحرانهای تکرار شونده، باورهای نمادین، چهره اقلیتها، گوشه‌هایی از تاریخ هنری، شالوده خرده فرهنگها، تاریخ دقیق عقاید و نحله‌ها آن‌طور که واقعاً بوده اند، سیمای شهرها و روستاها به عنوان مستنداتی قابل اتکا، درونیا و بازتابهای روان‌شناسی اجتماعی و تحلیلهای جامعه‌شناختی، همه و همه زیر سایه سنگین نگره‌های صرفاً سیاسی و کلان نگر - یعنی نظرگاهی که تقریباً بر کلیت تاریخ‌نگاری سنتی و حتی نوگرای معاصر چیرگی دارد - بی رمق و مفقود است. در واقع آنچه بر شمردیم، از جمله همان شکافهایی قلمداد می شود که از تاریخ، جورچین ناتمامی به دست می دهد. باز کاوی گذشته و پیدا کردن این حلقه‌های گمشده برای پژوهنده امروزی ناشدنی نیست، اما تنها در حد فرضیه‌سازیه‌ها و نظریه پردازیه‌های نه چندان متقن و صد در صدی در جا می زند.

چنین رویکردی، در حوزه تاریخ معاصر بافت دیگرگونی پیدا می کند؛ در حوزه تاریخ معاصر و روندی که به مدد تاریخ شفاهی می کوشد لایه‌های پنهان مانده تاریخ را در سالهای گذشته از زبان چهره‌های درگیر در معادلات خرد و کلان، به رشته تحریر در آورد، قادر است به روند پوینده پیشگیری از بروز چنین شکافهایی در تاریخ نزدیک به اکنون شتاب ببخشد. به

پشتوانه این دگراندیشی مثبت تاریخ‌نگارانه، گوشه‌هایی از تاریخ اجتماعی شهرها و روستاها در حوزه‌های مختلف از جمله ساختارهای معماری، پزشکی، مناسک، آموزش و پرورش، ثبت محلات قدیمی در شرف نابودی و فراموشی، زندگینامه‌نگاری چهره‌های فرهنگی و تاریخی - حتی آنها که کم‌تر شناخته شده‌اند - سیر حیات فکری توده‌ها و بویژه تاریخهای محلی به حافظه بلند مدت تاریخ سپرده می‌شود و به این ترتیب است که تاریخ شفاهی عملاً مردم را وارد گردونه تاریخی می‌کند که تا سالها و سده‌ها از تپش گامهای آنها تهی بود. این خدمت فرهنگی ارزنده تاریخ شفاهی، تاریخ اجتماعی را به شکل برجسته‌ای تغذیه می‌کند و آن را از پیکره‌ای عقیم و فراموش شده، به چهره‌ای زاینده و شکوفا بدل می‌سازد.

در این میان، آرشیوها قادرند با اتخاذ روشهای امنیتی، به پاسداری از یافته‌های این کوشش و کاوش یاری رسانند. به این ترتیب، تاریخ از مطالعه‌ای صرفاً متکی به منابع کتابخانه‌ای رها می‌شود و شکل زنده تری به خود می‌گیرد. ضرورت توجه به مطالعات میدانی و مردم‌نگاری در این بستر است که شکوفا می‌گردد. در واقع تاریخ شفاهی، روند نگارش امروز به مثابه تاریخ در آینده است؛ رویکردی که پیشینان ما بر اهمیت و حتی موجودیت آن آگاه نبودند، و درست به همین دلیل است که «امروزه تاریخ شفاهی را یکی از روشهای پژوهشی پیشرو دانسته‌اند، خصوصاً در زمینه موضوعاتی که نیاز به پژوهشهای میدانی و جمع‌آوری اطلاعات دارد.»<sup>۴</sup> چنین ضرورتی در همه جنبه‌های فرهنگ مردمی مشهود است؛ محمد جعفر محجوب - که از جمله پیشتازان مطالعه فرهنگ و ادبیات شفاهی و عامیانه است - این ضرورت و اهمیت را این گونه توصیف می‌کند:

«در هر حال، ضرورتی اجتماعی وجود داشته که تا امروز فرهنگ عوام توانسته است با وجود پیشرفت فوق‌العاده فرهنگ رسمی دوام بیاورد و ممکن است فردا این ضرورت اجتماعی وجود نداشته یا کم‌تر وجود داشته باشد و در نتیجه، بعضی از رشته‌های این فرهنگ به زوال و نابودی محکوم شود و از این جا لزوم و ضرورت فوری گردآوری و ثبت و ضبط نموده‌های فرهنگ عوام احساس می‌شود...»<sup>۵ و ۶</sup>

چنین نگره‌ای را، درباره تاریخ نیز می‌توان تسری داد. اگر برخی از وقایع به شکل سینه به سینه به نسلهای بعدی منتقل شده است، تنها شکلی کوتاه مدت و بدون تضمین داشته



است و چه بسا در آینده‌ای نزدیک، اهمیت خود را از دست داده و به بوتۀ فراموشی سپرده شود؛ در چنین شرایطی تاریخ شفاهی با همه ملزوماتش، اهمیتی دو چندان می‌یابد.

### گام دوم: تاریخ شفاهی، روزه‌ای به سوی روان‌شناسی اجتماعی

سالهاست آنها که بند و بستی با تاریخ دارند، آن را دانشی در پیوند با دیگر علوم اجتماعی می‌انگارند و برای اثبات این نگره، فراوان می‌کوشند و استدلال می‌کنند. از جمله، مهم‌ترین آنها مایکل استنفورد، استاد برجسته تاریخ است که در منظومۀ فلسفۀ تاریخ خود، بخشی را هم به این موضوع اختصاص داده است. او در موشکافی خویش، روزه‌های مشترکی میان این دو یافته است که نشان می‌دهد تاریخ و علوم اجتماعی، در کنش و واکنشی دو سویه، یکدیگر را تغذیه و حمایت می‌کنند و از دیگر سو، کوشیده است با بیان این انگاره که تاریخ منظومه‌ای فراگیر و کل‌نگر و علم به طور اعم و علوم اجتماعی به طور اخص جزء ننگرند، کفۀ ترازو را به سود تاریخ سنگین کند. چنین رویکردی، گویای آن است که تاریخ، در آرمانی‌ترین شکل خود باید به علوم اجتماعی به مثابۀ ابزارهای کارآمدی بنگرد که قادرند آن را از خشک مغزی و تکسو نگری نجات بخشند و به ورطۀ جامعه و ادراک امروزی سوق دهند.

«... علوم اجتماعی، به صورتهای مختلف برای تاریخ سودمند بوده است: دانش بسترها و ساختارهای اجتماعی را که کنشهای تاریخی در چارچوب آنها شکل می‌گیرد، به ارمغان آورده است؛ دانشی را عرضه کرده است که شکافهای موجود را در شواهد و داده‌های تاریخی پر می‌کند؛ طرز فکر و روشهای مورخان را درباره جوامع گذشته پالایش کرده و بهبود بخشیده است و فایده بسیار مهم و چشمگیرش آنکه گزارشها و توضیحهایی مبتنی بر عناصر بزرگ و نیروهای غیر شخصی از جریان تاریخ داده است که دیدگاه سنتی را نسبت به تاریخ چونان داستان کنش و هیجانهای مردان و زنانی خاص به چالش می‌خواند.»<sup>۷ و ۸</sup>

تاریخ شفاهی به جهت ویژگیهای منحصر بفردی که دارد، در این نگره جایگاه برجسته‌تر و ممتازتری پیدا می‌کند؛ در واقع تاریخ شفاهی بهترین مدخل برای پیوند دادن علوم اجتماعی با تاریخ به مثابۀ رویداد نگاری صرف است و در این میان روان‌شناسی اجتماعی،

جاذبه و گیرایی بیش‌تری دارد. اگر با هدایت الله ستوده همداستان شویم و روان‌شناسی اجتماعی را علمی بدانیم در جستجوی «شناخت و ماهیت رفتارهای فردی در وضعیتهای اجتماعی»،<sup>۹</sup> بیش‌تر به نزدیکی این دو حوزه پی می‌بریم و بر آن صحنه می‌نهم؛ تاریخ شفاهی نیز می‌کوشد ترسیم درونیاها و ناگفته‌های فرد در وضعیتهای اجتماعی گونه‌گونی باشد که در آن قرار گرفته است و آنها را تجربه کرده است.

از دیگر سو، نباید از تأثیر جامعه بر فرد و کنشهای او در این مطالعه غفلت ورزید. تاریخ شفاهی از این حیث که می‌کوشد تأثیر جامعه و افراد آن را در تصمیم‌گیریه‌ها و خط‌مشیهای کنشگر مورد مصاحبه دریابد و به ارزیابی آن بنشیند، با روان‌شناسی اجتماعی به‌مثابه «مطالعه علمی فعالیتهای فردی که از افراد دیگر متأثر است»،<sup>۱۰</sup> گره می‌خورد. در واقع، همه آنچه در روان‌شناسی اجتماعی به عنوان محرکهای محیطی مطرح است، در بازتعریف تاریخ از نگاه مصاحبه‌شونده دخیل در تاریخ شفاهی نیز بازتاب پیدا می‌کند؛ این عوامل عبارتند از: «۱- رفتار و منش دیگران: آنچه دیگران می‌گویند و یا در ظاهر انجام می‌دهند و زمینه‌های نژادی و قومی آنها؛ ۲- شناخت اجتماعی: اندیشه‌ها، باورها، خاطره‌ها و استدلالهای فرد درباره دیگران؛ ۳- متغیرهای محیطی؛ ۴- عوامل فرهنگی و اجتماعی: عضویت در گروه‌ها؛ ۵- عوامل زیست‌شناختی».<sup>۱۱</sup>

بر همین اساس است که در جریان مطالعه تاریخی - که هدف اصلی تاریخ شفاهی است - پژوهنده می‌کوشد همانند یک روان‌شناس اجتماعی به تأثیر و تأثر دو عامل بر فرد توجه کند: «۱- تأثیر فرهنگ و تمدن جامعه بر فرد؛ ۲- تأثیری که افراد بر اثر زندگی جمعی، خود به خود بر یکدیگر می‌گذارند».<sup>۱۲</sup> گرچه پژوهنده هرگز در متن مصاحبه دخل و تصرف محتوایی نمی‌کند، اما با گزینش پرسشهای شفاف و هدفمند، مخاطب را برای نتیجه‌گیریهایی از این دست یاری می‌دهد.

یکی دیگر از کارکردهای روان‌شناسی اجتماعی، کوشش برای درک علل و چگونگی شکل‌گیری رفتارهای جمعی است. بررسی زمینه‌های این فرایند در دل تاریخ شفاهی نیز کاملاً مشهود و برجسته است و گاه منتج به همان نتایجی می‌شود که یک روان‌شناس اجتماعی از مطالعه خود استنباط می‌کند.<sup>۱۳</sup> شاید به جهت همین اهمیت و پیوند تنگاتنگ است که متولیان

پروژه‌های تاریخ شفاهی، مطالعات خود را بر وقایع تأثیرگذار و نقش توده در آنها متمرکز می‌کنند. گوستاو لوبون، به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه پردازان روان‌شناسی توده‌ها معتقد است: «روان‌شناسی توده‌ها، نشان می‌دهد که تأثیر قوانین و نهادهای فرهنگی بر طبیعت دست‌نخورده توده‌ها چقدر اندک است و توده‌ها، سوای عقایدی که به ایشان القا شده‌است، تا چه اندازه از داشتن رأی شخصی عاجزند؛ قاعده‌هایی که صرفاً بر قضاوت عقلانی مبتنی باشد، قادر به هدایت کردن توده‌ها نیست.»<sup>۱۴</sup> محقق تاریخ شفاهی، می‌تواند با استناد به این گفتار در مطالعات خود درباره جریانهای گسترده تاریخی، درصدد رد یا اثبات چنین فرضیاتی بر آید و تاریخ را به عاملی تأثیرگذار و گاه کامل‌کننده دانش روان‌شناسی اجتماعی بدل سازد.

### گام سوم: پیوند میان تاریخ شفاهی و فرهنگ عامیانه

در جستجوی اهمیت تاریخ شفاهی، پیش از این به اهمیت گردآوری قصه‌های عامیانه و نمادهای فکری آنها اشاره کرده‌ایم. امروزه در بسیاری موارد، شاهد تلاش محققان و ناشران داخلی و خارجی برای ثبت و ضبط قصه‌های عامیانه از زبان مردم کوچه و بازاریم.<sup>۱۵</sup> اکنون پرسش اینجاست که آیا ضبط قصه‌های عامیانه به شکل رایج و در دل آن آداب و سنن و نمادهای رفتاری را نیز، می‌توان تلاشی در راستای اهداف تاریخ شفاهی دانست؟ به نظر می‌رسد قبل از هر چیز، باید اهمیت اجتماعی قصه‌های نهفته در رگ و پی فرهنگ عوام را دریافت:

«طرح مسائل مردم در قالبی جذاب، پرکشش، سرگرم‌کننده و ساده، یکی از دلایل فراگیر شدن قصه‌هاست. البته نباید تصور کرد که صرف جذابیت و کشش، علت دوام حیات قصه‌هاست. آنچه قصه‌ها را تداوم حیات بخشیده، ضرورتی درونی مضاف بر سطح فرهنگی جامعه است.»<sup>۱۶</sup>

صادقیان، افزون بر این معتقد است که رسم و رسوم و عادات و عقاید و سنتهای مردم نیز در ادب شفاهی ایشان منعکس شده است.<sup>۱۷</sup> با چنین رهیافتی، باید تلویحاً پذیرفت که پاسداری از قصه‌های عوام برای ماندگارسازی آنها نیز بخشی از کوشش تاریخ شفاهی برای

پاسداشت تاریخ اجتماعی هر ملت است. از دیگر سو، قصه‌ها از این جهت که بازتابنده آرزوها و هویت جمعی یک سرزمین و یک فرهنگ است، می‌تواند گوشه‌ای از حیات اجتماعی توده‌ها را در ادوار مختلف پژواک دهد.

البته بی‌تردید ادبیات و فرهنگ شفاهی، به قصه‌ها خلاصه نمی‌شود و خود شامل چندین تقسیم‌بندی است که گونه‌های مختلفی را در این عرصه در بر می‌گیرد؛ اساطیر، حکایتهای اسطوره‌ای، افسانه‌ها، قصه‌های پهلوانی، حکایتهای واقعی، داستانهای امثال و لطیفه، بخشی از این گونه‌ها و هر یک دارای ساختار و موضوعی مشخص و متفاوت از دیگری است. در عین حال هر یک از این انواع، خود به اجزای کوچک‌تری تقسیم می‌شوند. ویژگی مشترک همه آنها، روایی بودن آنهاست؛ چیزی که ماهیتاً آنها را به حیطه تاریخ شفاهی گره می‌زند.

دسته دیگر شامل آوازها، ترانه‌ها، تصنیفها، واسونکها، دوبیتیها، تک بیتها، نوحه‌ها، اشعار سوگواریها و لالائیهاست. ویژگی مشترک این انواع، منظوم بودن آنهاست. دسته دیگر شامل امثال و حکم، چیستانها، لغزها، زبانزدها، بازیهای زبانی، زبانهای زرگری، زبان مخفی، تشبیهات عامیانه، نفرینها و مانند اینهاست.

نباید فراموش کرد که این همه، تنها شامل بعد مکتوب فرهنگ شفاهی است. در حالی که گستره فرهنگ شفاهی هر ملت، در برگیرنده مجموعه رسمی است که چه به صورت مکتوب و یا دارای قابلیت نگارش و کتابت و چه به صورت نمادین و رفتاری به نسلهای بعدی منتقل شده است. با چنین پیش فرضی است که توجه به مقوله آداب و رسوم جلب می‌شود؛ جشنهای مذهبی، مولودی خوانیها، آداب و مراسم عروسی (خواستگاری، بله بران، نامزدی و انواع آن، ناف بریدن پسر و دختر برای یکدیگر، الزام ازدواج پسر عمو و دختر عمو)، ختنه‌سوران، به زیارت اماکن مقدس رفتن، اعمال قبل از سفر، آشتی کردن و حلالیت طلبیدن، چاووشی خواندن، مرگ و تشییع جنازه، انواع سوگواری مانند سر و پا برهنه کردن، حجله گرفتن برای جوانان، جادو و جنبل، فالگیری، شیوه‌های جلب محبت، مهره مار و...، جارو کردن، گرفتن ناخن، نمک و حرمت آن، خوابگزاری و...<sup>۱۸</sup> همه و همه تنها گوشه‌ای از این گستره فراگیر است که ثبت و ضبط آن با شیوه‌های برخاسته از تاریخ شفاهی، کمک

ارزنده‌ای به حفظ آنها از دستبرد گذر ایام و فراموشی تدریجی شان است. بر همین اساس، محققى که تاریخ شفاهی را برای مطالعه خود برگزیده است، عملاً جستجوگری است که باید نمادهای فراموش شده را از دل روستایی متروک یا خانواده‌ای کوچک بیرون بکشد و به مثابه گنجینه‌ای پربها، به تاریخ‌نگاران و مردم شناسان بسپارد.

### گام چهارم: ارتباط تاریخ گذشته با تاریخ‌نگاری اکنون

«ما تجربه‌ی اکنونی خود را بهتر خواهیم فهمید، در صورتی که آن را در آینه‌ی تاریخ ببینیم و اگر به تاریخ در پرتو دوران خودمان نگاه کنیم، در نظر ما زنده می‌شود، آن گاه که گذشته و اکنون یکدیگر را روشنی بخشند، زندگی ما پربارتر خواهد شد.»<sup>۱۹</sup>

این گفتار فیلسوف نامدار آلمانی، کارل یاسپرس را می‌توان به مثابه‌ی مدخلی برای ورود به گستره‌ی بحث ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهی از دریچه‌ی فلسفه‌ی تاریخ مورد توجه و بررسی قرار داد. تاریخ شفاهی با بررسی رویدادهای گذشته از زبان چهره‌های درگیر در زمان حال، به گونه‌ای ارتباط زمانمند گذشته و حال را نیز باز می‌تاباند؛ ارتباط دو سویه‌ای که در وهله‌ی نخست باید احتیاط و دقت محقق را برانگیزاند. از این جهت که واگویه کردن تاریخ، به منزله‌ی گذشته در اکنون بی‌تأثیر از پالایه‌های نهفته در زمان حال و تأثیر و تأثرات ناگزیر آن نیست. البته این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه، گویای اهمیت پیوند محکمی است که میان زمان حال و گذشته‌ی تاریخی از نگاه فلسفه‌ی تاریخ وجود دارد. یاسپرس در بندهای بعدی تفکر مکتوب خود، با تفصیل بیش‌تری به این مقوله پرداخته است:

«تاریخ و زمان حال برای ما از هم جدا نشدنی است. آگاهی تاریخی دارای دو قطب است: یا من از برابر تاریخ عقب تر می‌روم و آن گاه تاریخ را همچون چیزی که روبرویم قرار دارد می‌نگرم، همچون کوهی بزرگ با خطوط اصلی و بخشهای خاصش؛ یا در زمان حال فرو می‌روم: در اکنون که هست و من در آن قرار دارم، و در درون آن تاریخ برای من زمان حال می‌شود، زمان حالی که خود من هستم. هر دو اینها ضروری است: هم عینیت تاریخ به‌عنوان چیز دیگر که بی‌من هم وجود دارد؛ و هم ذهنیت اکنون که بی‌آن، آن چیز دیگر برای من بی‌معنی است.»<sup>۲۰</sup>

البته یاسپرس فیلسوفی نیست که در این زمینه به نظریه پردازی پرداخته باشد. کالینگوود نیز به تعبیری با طرح مبحث مناقشه برانگیز خود - که تحت عبارت «تاریخ به عنوان بازآفرینی تجربه گذشته»<sup>۲۱</sup> مطرح می‌شود - به گونه‌ای غیر مستقیم به بحث ارتباط حال و گذشته می‌پردازد. به نظر می‌رسد در تاریخ شفاهی با فراهم کردن این امکان که به بازگویی رویدادهای گذشته پرداخته شود، به شکلی تلویحی تلاش می‌شود فرایندی شبیه به آنچه کالینگوود آن را بازآفرینی تاریخی می‌نامد، سر و صورت گیرد. تاریخ شفاهی در این معنا با آنچه کالینگوود بر آن صحنه گذاشته است، پهلو می‌زند؛ در این فراگرد بازآفرینی تاریخی، محقق باید با مصاحبه شونده تا آنجا که می‌تواند ارتباطی حسی و معنوی برقرار کند تا ضمن استفاده مثبت از تأثیرگذاری عامل زمان حال بر موضع‌گیریها و روایت پردازیهای او قادر باشد این همه را در مدار ذهن خود باز اندیشی کند و ضمناً اغراقها را از واقع‌گوییهای صادقانه تمییز دهد. در واقع محقق تاریخ شفاهی، هدفش بازسازی تاریخی گمشده و یا در شرف فراموشی است. این فرایند تنها به مدد باز اندیشی ذهنی محقق به طور کامل شدنی و محقق می‌شود. با این وصف، باید دیدگاه «پیتر لی» (Peter Lee) را پذیرفت و متأثر از آن تاریخ شفاهی را یکی از روزه‌های ضرورت این گونه پژوهشی در تاریخ دانست.

«تاریخ، کل دید ما را نسبت به جهان، نسبت به آنچه زمان حال است و نسبت به آنچه انسانها هستند و می‌توانند باشند، تغییر می‌دهد و با این عمل، دارای توانمندی تغییر اهداف است.»<sup>۲۲</sup>

به نظر می‌رسد تکمله سائیکیت بر نقل قولی که از لی آورده است، باز به نوعی اشاره غیر مستقیمی است بر اهمیت تاریخ شفاهی و تأثیری که احتمالاً از این روزنه تاریخ بر آینده می‌گذارد:

«برای آنکه مطالعه تاریخی فایده‌ای عملی به همراه بیاورد، باید به تأثیراتی بر آینده بینجامد، باید تغییر آتی را تسهیل و ممکن کند و مسیر آن را جهت ببخشد. این به هیچ رو به معنای القای این مسئله نیست که پیشاپیش آینده را رقم بزند، بلکه به این معناست که

ادراک ما از گذشته، می‌تواند برای اعتبار بخشیدن و تقویت دوباره آینده‌ای که می‌خواهیم، مورد استفاده قرار گیرد.»<sup>۲۳</sup>

آیا تاریخ شفاهی با تلاش برای به حال کشاندن وقایع گذشته، در حال عینیت بخشیدن به تأثیر همیشگی تاریخ در گذر زمان در حال و حتی آینده نیست؟ و این همه، اهمیت آن را برای علمی تر کردن مقوله تاریخ نمی‌نمایاند؟ و به این ترتیب نمی‌توان تاریخ شفاهی را به اختصار گذر از گذشته به حال تعریف کرد؟ و آیا در این بازتعریف رمزهایی نهفته نیست؟

### نتیجه‌گیری

تاریخ شفاهی و اهمیت و نقش آفرینی پوینده آن در تاریخ‌نگاری، از جمله مباحثی است که طرح آن در دوره‌ای که تلاشی جهانی و همسو برای تبدیل تاریخ به علم صورت می‌گیرد، بسیار کلیدی و مهم است. تأثیرات مخرب شیوه‌های کهن تاریخ‌نگاری که اغلب از بیش‌ترین خطرات ناامنی فکری و جزم‌اندیشی عقیدتی و فرقه‌ای و طبقاتی برخوردار بوده است و به این ترتیب از تاریخ، رویداد نگاری مغرضانه‌ای آلوده به جانبداریها و یکسونگریها بر ساخته است، کوشش برای نوگرایی و دگراندیشی در گستره مطالعات و شیوه تحقیق را بر محقق این عرصه بیش از پیش واجب می‌سازد. تاریخ شفاهی، این امکان را فراهم می‌کند که محقق مستندات بیش‌تری برای بازآفرینی، بازکاوی و بازنگاری تاریخ فراچنگ آورد و در نتیجه، مواد خام بیش‌تر و کامل‌تری برای داوری نزدیک به واقع مخاطب خود به دست دهد. با این نگرش، تاریخ شفاهی را می‌توان در واقع یکی از روزنه‌های منتج به روند گذار از تاریخ‌نگاری سنتی به سوی تاریخ‌نگاری نوینی دانست که قرار است تاریخ را از دست‌اندازی گروهی و فردی در امان نگه دارد و از آن، تندیس اصیل‌تری بر سازد که از صیقل تعلقات فردی، فکری و زمانی مصونیت یابد و پیکره نخستین خود را - همان‌گونه که بوده است - باز نمایاند. بررسی واقعیتها از دریچه چنین برداشتی از تاریخ، دیگر همانند گذشته کاری دشوار و ناشدنی نیست، بلکه با اندک موشکافی و دقت به عمل نزدیک می‌شود.

## پی‌نوشتها

- ۱- حافظ فرمانفرمایان، نکاتی چند درباره مشکلات تاریخ‌نویسی در ایران، مجله یاد، سال بیستم، ش ۷۷، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۷.
- ۲- همان، ص ۱۸.
- ۳- مقاله تاریخ شفاهی (Oral history)، گاهنامه آرشیو تاریخ شفاهی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد.
- ۴- همان.
- ۵- محمد جعفر محجوب، ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)، به کوشش دکتر حسن ذوالفقاری، چاپ اول (تهران: نشر چشمه، زمستان ۱۳۸۲)، ج ۱، صص ۴۱ - ۴۲.
- ۶- به یاد دارم که در دوره کارشناسی و برای درس تاریخ محلی، یکی از دانشجویها، مردم‌نگاری زبان بازاریان تجریش و خاطرات آنها را - که گویای زوایای پنهانی از حیات فرهنگی مردم شمیران بود - برگزید. استاد مراجعه به یکی از کهنسال‌ترین بازاریان تجریش را پیشنهاد و تأکید کرد که باید هر چه زودتر دست به کار شد که این فرد تنها بازمانده نسلی است که می‌تواند به کمک این تحقیق بشتابد و دیگران نه حافظه او را دارند و نه زبان و بیان شیرین و گیرایش را. تنها چند روز گذشت و دانشجو با مراجعه به بازار تجریش، از کسبه شنید که فرد مزبور در گذشته است و عملاً موضوع تحقیق او بدون ارجاع اصلی به سرانجام جالبی نرسید.
- ۷- مایکل استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ (هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی، روش‌شناسی)، ترجمه احمد گل‌محمدی، چاپ اول (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، صص ۶۵ - ۶۶.
- ۸- در واقع تلاش متولیان تاریخ شفاهی برای مردم‌نگاری و یا نقل دیده‌ها و شنیده‌های توده‌های عوام، در همین راستاست.
- ۹- هدایت الله ستوده، روان‌شناسی اجتماعی، چاپ هفتم (تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۲)، ص ۱.
- ۱۰- همان، ص ۱۴.
- ۱۱- همان، ص ۱۸.
- ۱۲- همان، ص ۴۵.
- ۱۳- همان، ص ۱۱۱.



- ۱۴- گوستاو لوبون، روان‌شناسی توده‌ها، ترجمه کیومرث خواجه‌یها، چاپ دوم (تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۲)، ص ۳۹.
- ۱۵- از جمله مشهورترین نویسندگان ایرانی که به اهمیت فرهنگ عوام و مکتوب کردن آن پرداخت، صادق هدایت بود.
- ۱۶- علی اشرف صادقیان، و رضا خندان مهابادی، فرهنگ افسانه‌های مردم ایران، چاپ سوم (تهران: نشر کتاب و فرهنگ، ج ۱، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱)، ص ۱۵.
- ۱۷- همان، ص ۱۷.
- ۱۸- بنگرید به: محمد جعفری قنواتی، ادبیات شفاهی، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۱.
- ۱۹- کارل یاسپرس، کوره راه خرد، ترجمه مهبد ایرانی طلب، چاپ اول، (تهران: ۱۳۷۸)، ص ۹۹.
- ۲۰- کارل یاسپرس، آغاز و انجام تاریخ، ترجمه محمد حسن لطفی، چاپ دوم (تهران: خوارزمی، اسفند ۱۳۷۳)، ص ۳۶۰.
- ۲۱- آر. جی کالینگوود، مفهوم کلی تاریخ، ترجمه علی اکبر مهدیان، چاپ اول (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۵)، ص ۳۵۶.
- ۲۲- بورلی سائیکیت، تاریخ چیست و چرا (نمادهای باستانی، مدرن و پست مدرن)، ترجمه رؤیا منجم، چاپ اول: تهران: نگاه سبز، ۱۳۷۹)، ص ۱۹۵.
- ۲۳- همان، ص ۱۹۶.

## نقش دانشگاهها در گسترش تاریخ شفاهی

(همراه با ارائه اولین طرح درس تاریخ شفاهی در ایران)

ابوالفضل حسن آبادی\*

### مقدمه

تاریخ شفاهی به عنوان روشی نوین در عرصه جمع آوری، نگهداری و ساماندهی منابع شفاهی، هنوز در کشور ما نهادینه نشده و انبوهی از خاطرات و بسیاری از سنتهای فراموش شده با غنای فرهنگی این مرز و بوم، تاکنون به ثبت نرسیده است.

بازنگری در برداشت از علم تاریخ و تدریس مبتنی بر فرضیات، عینیت بخشیدن به انگاره‌ها و نمادسازی تاریخی در سطوح مختلف جامعه، به منظور هویت بخشی دینی و ملی و پر کردن گسستهای بیم‌آور نسله‌ها، از ضرورت‌های انکارناپذیر تاریخ شفاهی است. کمبود مراکز تاریخ شفاهی، بی‌توجهی دانشگاهها، ناشناخته ماندن اهمیت این شیوه در جمع آوری و ساماندهی منابع اطلاعاتی، از موانعی است که سد راه گسترش این فرایند علمی شده است.

در این مقاله، نخست نگاهی کلی به وضعیت تاریخ شفاهی در دانشگاههای مطرح دنیا شده؛ آنگاه جایگاه تاریخ شفاهی در دانشگاههای ایران و کارکردهای مختلف دانشگاه در گسترش تاریخ شفاهی بررسی شده؛ سپس برخی راهکارها، برای فعال کردن نقش دانشگاهها در گسترش تاریخ شفاهی ارائه گردیده است.

---

\*. سرپرست گروه اسناد و کارشناس تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

## تاریخ شفاهی در دانشگاه‌های دنیا

سرآغاز، گسترش و پیشرفت تاریخ شفاهی در دنیا، با دانشگاه‌ها عجین بوده است و دانشگاه‌های بزرگ خصوصاً در آمریکا، همواره از پایه‌گذاران طرح‌های کلان تاریخ شفاهی و راه‌اندازان آرشیوهای بزرگ بوده‌اند. قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز نگهداری تاریخ شفاهی در دنیا، در دانشگاه کلمبیا می‌باشد که آن را در سال ۱۹۴۸ آلن نوینز<sup>۱</sup>، برنده جایزه پولیتزر<sup>۲</sup> تأسیس کرد. این دانشگاه، بیش از هشت هزار ساعت و یک میلیون برگ متن مصاحبه را تاکنون تهیه و ساماندهی کرده است. در کنار این برنامه، تاکنون دو هزار نفر در انجام طرح‌های ذی‌ربط مشارکت داشته‌اند یا از مشورت علمی آنها استفاده شده و هزار کتاب از مجموعه منابع شفاهی نوشته شده است و صدها نویسنده مقاله و پایان‌نامه، از این منابع به‌طور مستقیم استفاده کرده‌اند.<sup>۳</sup> در این دانشگاه، از تاریخ شفاهی به‌عنوان یکی از روش‌های مهم پژوهشی استفاده شده و گام‌های زیادی در جهت گسترش آن برداشته شده است. در اواخر دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی - که اوج فعالیت دانشگاه در زمینه تاریخ شفاهی بوده - دانشگاه‌های زیادی به تاریخ شفاهی توجه کردند و به نوعی پایه‌گذار اولین تشکیلات رسمی تاریخ شفاهی در دنیا نیز شدند.

از مراکز مهم تاریخ شفاهی، دانشگاه کالیفرنیا (Roho) است که از سال ۱۹۵۴ با انجام طرح‌های تحقیقاتی تاریخ شفاهی، فعالیت‌های خود را شروع کرده است و امروزه با داشتن اداره تاریخ شفاهی، به صورت گسترده‌ای در زمینه آرشیو و ساماندهی منابع شفاهی به فعالیت می‌پردازد.<sup>۴</sup> دانشگاه اوکلاهاما<sup>۵</sup> در سال ۱۹۵۹ با تلاش تاریخدانان و کتابداران، بخش ویژه‌ای در کتابخانه خود برای تاریخ شفاهی ایجاد کرد و در سال ۱۹۶۶ اولین هم‌اندیشی بین‌المللی تاریخ شفاهی را برگزار کرد که زمینه‌ساز ایجاد انجمن بین‌المللی تاریخ شفاهی (OHA)<sup>۶</sup> در سال ۱۹۶۸ گردید.<sup>۷</sup> این دانشگاه، همچنین اولین برنامه‌های آموزشی تاریخ شفاهی را در دنیا راه‌اندازی کرد.<sup>۸</sup>

دانشگاه کانکتیکوت<sup>۹</sup> در سال ۱۹۶۸ با اولویت مستندسازی تاریخ دانشگاه و منطقه آرشیو بزرگی ایجاد کرد.<sup>۱۰</sup> از دیگر مراکز مهم دانشگاهی که در طی چند دهه همواره به عنوان مراکز اصلی تاریخ شفاهی نام برده شده است، دانشگاه ایندیانا<sup>۱۱</sup> می‌باشد که در سال

۱۹۶۸ تأسیس شد، اما از ۱۹۸۱ جان بودنار،<sup>۱۳</sup> آرشیو آن را به مرکز مهم تحقیقات تاریخ شفاهی تبدیل کرد. خبرنامه و جزوه‌های تاریخ شفاهی آن دانشگاه، اهمیت زیادی دارد.<sup>۱۴</sup> مؤسسه تاریخ شفاهی دانشگاه بایلر<sup>۱۵</sup> نیز از مهم‌ترین مراکز تاریخ شفاهی در دنیا می‌باشد. این مؤسسه با داشتن کارگاه آموزشی بر خط (Online)، منابع آموزشی و حمایت از طرح‌های مصوب، نقش زیادی در گسترش تاریخ شفاهی داشته است.<sup>۱۶</sup> علاوه بر دانشگاه‌های یاد شده - که در زمره مهم‌ترین مراکز به شمار می‌آیند - دانشگاه‌های متعددی در آمریکا و دیگر کشورهای جهان به فعالیت در این زمینه مشغولند. دانشگاه ساوت ولز<sup>۱۷</sup> (unsw)<sup>۱۸</sup> و ملبورن در استرالیا،<sup>۱۹</sup> دانشگاه نیومکزیکو،<sup>۲۰</sup> دانشگاه فلوریدا،<sup>۲۱</sup> دانشگاه می‌سی‌سی‌پی در آمریکا،<sup>۲۲</sup> دانشگاه آبردین در اسکاتلند،<sup>۲۳</sup> دانشگاه وندربیت در اتریش،<sup>۲۴</sup> دانشگاه آمستردام در هلند،<sup>۲۵</sup> دانشگاه توکیو در ژاپن،<sup>۲۶</sup> دانشگاه بوگازرسی در ترکیه<sup>۲۷</sup> و دهها دانشگاه دیگر، در زمینه تاریخ شفاهی مشغول به فعالیت هستند. گزارشی که خانم لیندا شاپس در پایان سال ۲۰۰۶ درباره چگونگی تاریخ شفاهی در دانشگاه، به نمایندگی از انجمن جهانی تاریخ شفاهی از طریق پرسشنامه<sup>۲۸</sup> تهیه کرد، اطلاعات با ارزشی به دست می‌دهد. بیش از ۵۶/۷ درصد از اعضای انجمن جهانی تاریخ شفاهی، از دانشگاهها هستند<sup>۲۹</sup> و ۱۸ مرکز منطقه ای تاریخ شفاهی در دنیا با مدیریت دانشگاهها تأسیس شده و راهبری می‌شوند که بیانگر اهمیت نقش دانشگاهها در این مورد می‌باشد. همچنین انجمن بین‌المللی تاریخ شفاهی (IOHA)<sup>۳۰</sup> - که در سال ۱۹۷۹ شکل گرفته<sup>۳۱</sup> - اکثر نشستهای خود را در دانشگاهها برگزار کرده و بسیاری از دانشگاههای جهان عضو آن هستند و آخرین نشست آن در سال ۲۰۰۶ به میزبانی دانشگاه سیدنی در استرالیا بوده است.<sup>۳۲</sup>

### تاریخ شفاهی در دانشگاههای ایران

به جرئت می‌توان گفت که هیچ دانشگاهی در ایران تاکنون به بحث تاریخ شفاهی پرداخته است بجز گروه تاریخ دانشگاه اصفهان که در اردیبهشت ۱۳۸۴ به همت دکتر نورایی کارگاه آموزشی برگزار کرد و در پاییز همان سال، جلسه دیگری هم برپا ساخت. دانشگاه شیراز هم که زمینه‌هایی از علاقه به این موضوع با توجه به حضور آقایان دکتر

خیراندیش و دکتر وطن‌دوست نشان می‌دهد، هیچ فعالیت عمده‌ای در این باره صورت نداده است. نکته‌های فراوانی در زمینه راه نیافتن این رشته به دانشگاه‌های ایران و خصوصاً بی‌توجهی گروه‌های تاریخ به آن وجود دارد. البته نگارنده مقاله، تلاشهایی برای مطرح شدن آن در سطح دانشگاه کرده، ولی تاکنون موفق‌آمیز نبوده است. حال، با توجه به تجربیات شخصی، اهم این دلایل را می‌توان چنین بیان کرد:

۱- نبود مراکز پژوهش تاریخ شفاهی در سطح کشور که اهمیت آن را بیش‌تر مشخص می‌کند. تمامی مراکزی که امروز در زمینه تاریخ شفاهی فعالیت دارند مانند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران،<sup>۳۳</sup> مرکز اسناد انقلاب اسلامی،<sup>۳۴</sup> مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران،<sup>۳۵</sup> دفتر ادبیات انقلاب اسلامی و آرشیو تاریخ شفاهی کتابخانه مرکزی آستان قدس،<sup>۳۶</sup> غالباً در زمینه‌های کاری خاصی اشتغال دارند و اندک اقدامات انجام شده در زمینه تاریخ شفاهی همچون برگزاری کارگاه آموزشی در کتابخانه مرکزی آستان قدس در دی‌ماه سال ۱۳۸۴ و اولین نمایشگاه تخصصی تاریخ شفاهی ایران در دی‌ماه ۱۳۸۵ در کتابخانه مرکزی آستان قدس، برخاسته از تلاشهای فردی بود تا فکر گروهی در کشور.

۲- ناآشنایی مراکز دانشگاهی با تاریخ شفاهی و کارکردهای آن. حتی گروههای تاریخ دانشگاه - که بیش‌ترین ارتباط را با آن دارند - کم‌ترین آگاهی‌ای درباره آن ندارند. برخی درسهای ارائه شده مانند تاریخ معاصر و تاریخ محلی، ارتباط تنگاتنگی با تاریخ شفاهی دارد و این خود می‌تواند به عنوان ابزار پژوهشی مورد توجه قرار گیرد.

۳- ایستادگی دانشگاهها در برابر پیدایش افکار نو و هراس از مطرح کردن مواردی که قبلاً اطلاعات کمی درباره آن وجود داشته است.

۴- ارتباط نداشتن مراکز دانشگاهی با آرشیوها، برای کسب اطلاعات بیش‌تر در زمینه تاریخ شفاهی و کاربردهای آن.

۵- نامنجم بودن گروههای تاریخ در کشور و نبود انجمنی برای برقراری گفت‌وگو در چنین مواردی که نیازمند به تصمیم جمعی است.

۶- نبود کتابخانه‌های قوی مرکزی در بسیاری از دانشگاهها.

۷- بی‌توجهی دانشگاهها به نقش مهم مراکز دانشگاهی، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق.

### نقش دانشگاهها در گسترش تاریخ شفاهی

بررسی نقش دانشگاهها در شناسایی و استفاده از تاریخ شفاهی در دنیا، نشان می‌دهد ضمن آنکه مهم‌ترین مراکز تاریخ شفاهی در دانشگاههاست، بیش‌ترین آرشیوها و نگهدارندگان منابع شفاهی نیز در دانشگاهها می‌باشند. چنانچه جمله انگلیسی Oral History in University را در گوگل جستجو کنیم، هزاران صفحه مطلب در اینترنت به دست می‌آید که درخور توجه است. از میان ۵۰۰ وبگاه نخست بررسی شده در این باره - که برای بهره‌گیری از آنها در این مقاله جستجو گردید - بیش از ۴۵۰ مورد مربوط به دانشگاههای آمریکایی بوده است. نتایج این تحقیق، نکات جالبی را در مورد چگونگی فعالیت دانشگاهها در این زمینه مشخص می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱- اکثر فعالیتهای دانشگاهها، از یک طرح تاریخ شفاهی شروع شده است. بیش‌تر این دانشگاهها، ابتدا قصد مستندسازی تاریخ خود را داشته‌اند و بعد از انجام آن و پی‌بردن به اهمیت بیش‌تر کار، اقدام به تأسیس مراکزی کرده‌اند که در این میان می‌توان به دانشگاههای کلمبیا، وندربیت، میشیگان،<sup>۳۷</sup> ایندیانا، کانکتیکوت، کالیفرنیا، نیومکزیکو،<sup>۳۸</sup> آبردین و ملبورن اشاره کرد.

۲- سه گروه در دانشگاه، عهده‌دار گسترش تاریخ شفاهی و نگهداری آن بودند: ۱- گروههای تاریخ؛ ۲- کتابخانه‌های مرکزی؛ ۳- مراکزی که دانشگاهها مستقلاً به همین منظور به وجود آوردند.

بررسی سوابق، نشان می‌دهد که اکثر مراکز تاریخ شفاهی تحت نظر گروههای تاریخ همانند دانشگاه فلوریدا، دانشگاه پرتلند،<sup>۳۹</sup> دانشگاه ارکانزاس،<sup>۴۰</sup> دانشگاه ممفیس، دانشگاه لوئیزویل،<sup>۴۱</sup> دانشگاه بگوزیسی، از این دسته هستند. علاوه بر گروههای تاریخ، کتابخانه‌های دانشگاهی نیز نقش مهمی در اجرای طرحهای تاریخ شفاهی و ساماندهی آنها بر عهده دارند.

از مهم‌ترین کتابخانه‌های عهده‌دار این کار، می‌توان به کتابخانه‌های دانشگاه کلمبیا، دانشگاه نیوساوت ولز، دانشگاه نوادا، دانشگاه پزشکی نیوجرسی<sup>۴۲</sup> و دانشگاه می‌سی‌سی‌پی اشاره کرد. افزون بر اینها، در مواردی دانشگاه به طور مستقیم تصمیم به ایجاد مراکز تاریخ شفاهی گرفته که وابستگی به کتابخانه یا گروه تاریخ ندارد. دانشگاه‌های ایندیانا، کانکتیکوت، کالیفرنیا و لوآ<sup>۴۳</sup> را از این دسته می‌توان برشمرد.

چگونگی شکل‌گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاهها، به نوعی نمادی از پیشرفت و سیر تدریجی تاریخ شفاهی در دنیا می‌باشد که آن را می‌توان به صورت ذیل خلاصه کرد:

۱- شکل‌گیری تفکرات اولیه در مورد اهمیت تاریخ شفاهی، با تکیه بر ضبط خاطرات و مستند سازی تاریخ شفاهی دانشگاهها که هر کدام از دانشگاهها، جداگانه به ضبط تاریخ شفاهی یا برنامه‌های خاص پرداختند.

۲- آشکار شدن اهمیت خود تاریخ شفاهی به عنوان روشی برای جمع‌آوری منابع متنوع و متعدد شفاهی در منطقه و لزوم حفظ و نگهداری منابع در محل خاص و ساماندهی آنها برای دسترسی عموم. در این راستا، دانشگاهها نقش مهمی در پی‌ریزی آرشیوهای اولیه شفاهی خصوصاً در کتابخانه‌های دانشگاهی داشتند، مانند دانشگاههای نوادا، ایندیانا، کالیفرنیا، می‌سی‌سی‌پی و...

۳- انجام طرحهای متعدد تاریخ شفاهی در دانشگاهها که اولین آنها در این زمینه در مرکز دانشگاهی صورت گرفت، مانند برنامه تاریخ شفاهی دانشگاه دوک<sup>۴۴</sup> که با کمک بنیاد راکفلر و به دست تنودور وزنگارتن،<sup>۴۵</sup> در کتابی گردآوری شد<sup>۴۶</sup> و یا طرح تاریخ شفاهی دانشگاه کارولینای شمالی<sup>۴۷</sup> که صدها ساعت مصاحبه با خانواده‌های منطقه انجام داده و جایزه انجمن تاریخدانان آمریکا را در سال ۱۹۸۸ ویژه خود ساخت.<sup>۴۸</sup>

۴- رویکرد دانشگاهها به آموزش تاریخ شفاهی و تحقیقاتی کردن آن، به منظور گسترش زمینه‌هایش در میان محققان مستقل. امروزه بسیاری از مراکز، دوره آموزش تاریخ شفاهی را به عنوان یک دوره درسی تدریس می‌کنند. اما مهم‌ترین مراکز آموزش تاریخ شفاهی در دنیا، زیرمجموعه دانشگاههاست که می‌توان به مؤسسه بایلر (تنها انستیتوی

تخصصی تاریخ شفاهی در دنیا)، مرکز تحقیقات کتابخانه کلمبیا - که بهترین کارگاههای آموزشی دنیا را برگزار می کند - اداره تحقیقات بنکرافت - که عمده فعالیتهای خود را در زمینه گسترش تحقیقات در زمینه تاریخ شفاهی بنا گذاشته است - دانشگاه اوکلاهما و... اشاره کرد.<sup>۴۹</sup> با توجه به مطالب طرح شده، نقش دانشگاهها را در گسترش تاریخ شفاهی، می توان به شرح زیر برشمرد:

**۱- آموزش:** مهم ترین وظیفه دانشگاهها، آموزش تاریخ شفاهی و فراهم ساختن زمینه های رشد آن در میان محققان و عموم می باشد. این مهم، می تواند از طریق پایه گذاری مراکز تحقیقات تاریخ شفاهی، ارتباط بیش تر با محققان و دانشمندان، تهیه منابع آموزشی تاریخ شفاهی، ارائه برنامه درسی آموزش تاریخ شفاهی و پرورش استادان نخبه در این زمینه میسر گردد.

**۲- جمع آوری منابع شفاهی:** ایجاد منابع شفاهی و جمع آوری آنها، با توجه به وجود محققان مستقل در شهرها و تنوع منابع شفاهی، مهم می باشد. دانشگاهها می توانند علاوه بر اینکه خود با تعریف برنامه های تاریخ شفاهی اقدام به جمع آوری منابع می کنند، از محققان و دانشمندان هم که به دلایل خاص در زمینه تاریخ شفاهی فعالند، حمایت کنند و منابع شفاهی را در دانشگاهها گردآوری سازند.

**۳- ساماندهی و حفظ اطلاعات شفاهی:** اغلب دانشگاههای معتبر، دارای کتابخانه های مرکزی می باشند که با فعال کردن آنها، می توانند جایگاه خوبی برای گردآوری و نگهداری منابع فراهم کنند. ارتباط بین کتابداران و تاریخ شفاهی، رابطه ای نزدیک و دو جانبه می باشد و کتابداران نقش اصلی را در این باره در بازیابی اطلاعات، نمایه سازی، ورود اطلاعات به سامانه های رایانه ای و اطلاع رسانی بر عهده دارند. تقویت کتابخانه ها، می تواند یکی از مناسب ترین راهها برای گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاه باشد.

**۴- به عهده گرفتن نقش محوری در منطقه:** معمولاً دانشگاههای مهم در منطقه ای که واقع شده اند، به عنوان قطب علمی، تحقیقاتی و آموزشی به شمار می آیند. این محوریت، می تواند در مورد تاریخ شفاهی و گسترش آن اعمال گردد. چنانچه دانشگاههای مهم دنیا همانند ایندیانا، کلمبیا، نوادا، کارولینا و...، همگی این نقش را در منطقه خود به عهده دارند و



با ایجاد انجمنهای منطقه‌ای، کار هدایت و رهبری دیگر مراکز را - که در این زمینه به فعالیت مشغول هستند - به عهده دارند. هم اکنون، هجده مرکز تاریخ شفاهی منطقه‌ای در دنیا وجود دارد.<sup>۵۰</sup> در تحقیق انجمن جهانی تاریخ شفاهی، ۷۷/۸ درصد یادآور شده‌اند که تاریخ شفاهی را به عنوان یک روش پژوهشی پذیرفته‌اند و ۶۵/۵ درصد گفته‌اند که دیدگاه مثبت تری درباره تاریخ شفاهی به عنوان یک روش پژوهشی پذیرفته شده دارند.<sup>۵۱</sup>

## راهکارها و راهبردها

با توجه به جایگاه تاریخ شفاهی در دانشگاههای دنیا و وضعیت آن در دانشگاههای ایران، به منظور شکل‌گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاهها، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- انتخاب یک مرجع به عنوان مسئول شکل‌گیری و گسترش تاریخ شفاهی در دانشگاهها که می‌توان در این باره به گروههای تاریخ دانشگاههای دارای گروه تاریخ، کتابخانه مرکزی و یا ایجاد واحد مستقلی در زیر مجموعه پژوهش دانشگاهها اشاره کرد و یا هر دو به طور مشترک.

۲- شروع برنامه‌های تاریخ شفاهی با اولویت مستندسازی تاریخ دانشگاهها خصوصاً در دانشگاههای قدیمی‌تر، به منظور آشنایی بیش‌تر مجموعه‌های دانشگاهی با اهمیت تاریخ شفاهی.

۳- بسترسازی مناسب برای طرحهای خارج از دانشگاهها در قالب تهیه موضوعات متناسب با منطقه و حمایت از محققان و تاریخ شفاهی دانان مستقل، اهتمام به آموزش تاریخ شفاهی و تهیه منابع آموزشی تاریخ شفاهی برای کاربران در قالب برگزاری دوره‌های بلندمدت آموزشی و واحدهای درسی، دوره‌های کوتاه مدت آموزشی (کارگاههای آموزشی) در زمینه‌های گوناگون تاریخ شفاهی همانند مصاحبه، پیاده‌سازی، نمایه‌سازی و انتشارات.

۴- ایجاد شبکه‌ای از مراکز تاریخ شفاهی و تاریخ شفاهی دانان مستقل در منطقه خود، به نحوی که به نوعی رهبری آموزشی - تحقیقاتی منطقه را با توجه به امکانات خود بر عهده داشته باشند.

۵- اهتمام به جمع‌آوری و نگهداری منابع شفاهی خصوصاً در کتابخانه‌های مرکزی، با رعایت ضوابط و معیارهای کاری.

قطعاً شکل‌گیری مرکز تاریخ شفاهی در دانشگاهها و بسترسازی در گسترش محور آن، از مهم‌ترین هدفهایی است که باید در برنامه‌ریزیهای کوتاه و بلند مدت مورد توجه دانشگاهها قرار گیرد. چه، این امر ضمن آنکه به مستندسازی تاریخ دانشگاهها کمک می‌کند، در تقویت جایگاه و نقش راهبری علمی آنها در منطقه‌های خود، و همچنین خدمت به فرهنگ و ثبت و ضبط تاریخهای منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأثیر گذار است.

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- 1- Allen Nevins.
- 2- Politzer.
- 3- <http://www.Columbia.Edu.Cu/web/indir/oral/about.htm>.
- 4- Regional Oral History Office.
- 5- <http://Bancroft.Berkeley.Edu/Roho>.
- 6- uclahama university.
- 7- Oral History Association.
- 8- <http://www.emoha.Diskinson>.
- 9- <http://www.Library.Ucla.Libraries>.
- 10- Connecticut.
- 11- <http://www.Oral.History.Unconn.Edu>.
- 12- Indiana.
- 13- John Bodnar.
- 14- <http://www.Indiana.Org>.
- 15- Baylor university.
- 16- <http://www.Baylor.Edu>.
- 17- university new southwales.
- 18- <http://info.Library.Unsw.Edu.Au/archives/about.Htm>.
- 19- university of melborn- <http://www.Ee.Unimel.Edu.Au/about>.
- 20- New mexico Oral history Archives- <Http://library.Un.,Edu>.
- 21- Florida- Samuel Proctor Oral History program.

- 22-Missisipi.
- 23- Aberdin- [http://www.abdn.ac.uk/history/oral history](http://www.abdn.ac.uk/history/oralhistory).
- 24- Vanderbilt- [http://www.library.vanderbilt.edu/ heard/ about](http://www.library.vanderbilt.edu/heard/about).
- 25- Amesterdam- [http://www.glow bell. Ac](http://www.glowbell.ac).
- 26- Tokyo university- [http://tufs. Ac. Jp/ 2 / coe / area/ang / oag](http://tufs.ac.jp/2/coe/area/ang/oag).
- 27- Bogazici- [http:// hist. about.edu.Tv/oral history.htm](http://hist.about.edu.tv/oralhistory.htm).

۲۸- برای نگارنده این مقاله هم، پرسشنامه فرستاده شد که بعد از پر کردن آن، به انجمن جهانی تاریخ شفاهی

ارسال گردید.

- 29- linda shops, Backgr [http://www.emoha.Diskinson](http://www.emoha.diskinson.com).  
ound paper, P 27.
- 30-Oral History Association.
- 31-[http:// www. Ioha.Fgv.Br/ loha/ English/ index.htm](http://www.ioha.fgv.br/loha/english/index.htm).
- 32-[http:// ioha. Fgv. Br/ ioha/ English/ Sydney 2006.htm](http://ioha.fgv.br/ioha/english/sydney2006.htm).
- 33-[http:// www.nlai.Ir](http://www.nlai.ir).
- 34-[http:// www.Irdc.Ir](http://www.irdc.ir).
- 35-[http:// www.iichs.Org](http://www.iichs.org).
- 36-[http:// www.aqlibrary.org/ oral history](http://www.aqlibrary.org/oralhistory).
- 37-[http:// www.Lib.msu.edu. index.cfm](http://www.lib.msu.edu/index.cfm).
- 38-[http:// www. Elibrary.unm.edu/ oanm/ Num](http://www.elibrary.unm.edu/oanm/num).
- 39-Portland- [http:// www.history.pdx. Edu](http://www.history.pdx.edu).
- 40-Arkansas- [http://ualr.Edu/ history / oral history. Htm](http://ualr.edu/history/oralhistory.htm).
- 41-Louisville – [http:// library. louisville.edu/ uarc/ ohchtm](http://library.louisville.edu/uarc/ohchtm).
- 42-Newjersy – [http://namclij.Edu/ lib web/ syeccoll/ oralhistory. Htm](http://namclij.edu/libweb/syeccoll/oralhistory.htm).
- 43-Lowa- [http://www. Lib. uiowa.edu](http://www.lib.uiowa.edu).
- 44-Duke.
- 45-Theodor.Rosengarten.

۴۶- کتاب وی، تحت عنوان All Gods Dangers نوشته شد.

Theodor Rosengarten, All Gods Dangers: The life of Nate show (NewYork, Alfred A. Knopf, Inc. 1974).

47- North Carolina.

48-Like family: the making of southern cotton Mill word. Jacquely Dowd Hall, james leloudis, ... chapel Hill: university of North carolina press, 1987.

49- Linda Shops, Oral History, 22.

۵۰- تعدادی از این مراکز منطقه‌ای عبارتند از :

- Michigan Oral Association
- New England Association for Oral History
- Northwest Oral History Mid – Atlantic Region
- Southwest Oral History Association
- Texas Oral History Association
- 51- Ibid. 53.

## نقش مصاحبه‌گر در پیشبرد اهداف تاریخ شفاهی

غلامرضا درگتانیان\*

نگرش جهانی به تاریخ، آن را در شمار امور مهم قرار داده است؛ تا آنجا که ناآشنایی هر جامعه با تاریخ ملی‌اش، در واقع بدان معناست که آن جامعه هویت خود را نمی‌شناسد. شناخت این تاریخ و هویت آن، مستلزم تحقیق در زمینه‌های مختلف تاریخی است و از آنجا که منابع مکتوب بتنهایی نیاز اطلاعاتی پژوهشگران را در این زمینه مرتفع نمی‌سازند، استفاده از تاریخ شفاهی در کنار منابع کتبی، از ضرورت خاصی برخوردار است. در واقع باید گفت، تاریخ شفاهی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین روشهای تاریخ‌نگاری معاصر است که در بازجست و تدوین شواهد و مدارک لفظی و بیانی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

تاریخ شفاهی، قدمتی به دیرینگی تاریخ بشری دارد. از همان آغاز که بشر به قدرت تکلم دست یافت، تاریخ شفاهی بخشی از تاریخ انسانها بوده و اولین نوع تاریخ در جوامع بی‌سواد شمرده می‌شده که فرهنگ جوامع را از طریق افسانه‌ها و داستانها، سینه‌به‌سینه منتقل می‌کرده است. در صدر اسلام نیز شکل اولیه انتقال تاریخ - که اخبار نامیده می‌شد - براساس روایات شفاهی صورت می‌گرفت و در دو قرن نخست اسلامی، تاریخ شفاهی تنها منبعی بود که به آنها در انتقال سنت، حدیث و تاریخ کمک می‌کرد. در سده اخیر، محققان و پژوهشگران در زمینه‌های رشد و توسعه تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری توجه خاصی معطوف کرده‌اند.

---

\*. کارشناس ارشد تاریخ.

اگر بخواهیم به صورت خیلی مختصر تعریفی از تاریخ شفاهی عرضه کنیم، باید بگوییم: «تاریخ شفاهی فن، روش و شیوه‌ای است که با استفاده از ابزار صوتی و تصویری به ثبت خاطرات، شنیده‌ها و مشاهدات مربوط به یک رویداد و واقعه تاریخی خاص می‌پردازد.»<sup>۱</sup>

از اموری که در تاریخ شفاهی بسیار با ارزش و مهم می‌باشد، تهیه مواد تاریخ شفاهی است که مصاحبه‌گر فراهم می‌کند و آن، شامل مراحل است که مصاحبه‌گر قبل از مصاحبه تا اتمام آن انجام می‌دهد که به لحاظ اهمیت این امور، در این مقاله تلاش شده شرایط و تواناییهای مصاحبه‌گر و راههای انتخاب صحیح مصاحبه‌گران برای اهداف و موضوعات مصاحبه، براساس اصول علمی و تجاری که نگارنده به تجربه در انجام پژوهشها به دست آورده، بیان گردد.

### مصاحبه، کلید تاریخ شفاهی

چیزی که آرشیویست تاریخ شفاهی بیش تر نگران آن است، مسئله «آینده و آیندگان» می‌باشد. بدین معنی که در عین کمبود رسانه‌ها، می‌کوشد در کم‌ترین زمان از فرصتهای پیش آمده بهره‌جوید و با بهره‌جویی از مصاحبه، به تکمیل آنها بپردازد. امروز را از دست دهد، فردا دیر است. زیرا در برابر آیندگان مسئول است.<sup>۲</sup>

مصاحبه با قهرمانان و بازیگران حوادث، به مراتب بر تاریخ مخدوش و تحریف شده کتبی (بجز اسناد و مدارک) رجحان دارد. لذا کسانی که بازیگر حادثه و قهرمان واقعه تاریخی‌ای بوده‌اند، هنگامی که زبان به سخن می‌گشایند و به شرح جزئیات می‌پردازند، بیش تر از مقالات مطبوعات یا کتابهای دیگر قابل اعتماد هستند. از طرفی دیگر، شخصی که خود در جریان وقایع بوده و آمر یا مأمور انجام دستوری بوده، می‌تواند نگاه محقق یا مورخ را موşkافانه تر سازد.<sup>۳</sup> پس مصاحبه فعال، می‌تواند به آشکارسازی وقایع و حوادث گمشده و کشف حلقه‌های مفقوده کمک کند.<sup>۴</sup>

تاریخ شفاهی نه تنها از زبان بازیگران طراز اول، بلکه از مجموع گفته‌ها و دیده‌ها و حتی داستان سرائیهای افراد گوناگون شاهد و ناظر در صحنه، کمک شایانی به تبیین تاریخ

واقعی دوره‌ای از حیات سیاسی و اجتماعی کشور می‌کند.<sup>۵</sup> در تاریخ شفاهی، شرح و بازشناخت رویدادها براساس دیده‌ها، شنیده‌ها و کرده‌های شاهدان و ناظران و فعالان آن رویدادها امکان‌پذیر می‌شود<sup>۶</sup> و در واقع، می‌توان گفت که تاریخ شفاهی تریبونی است برای کسانی که امکان دسترسی به ابزار و موقعیتها یا بسترهای لازم را جهت بیان و انتقال خاطرات خود ندارند.

چون در پاره‌ای موارد، اسناد مکتوب بنا به ملاحظات و مصلحت‌گراییهای زمان و به‌لحاظ شرایط حاکم، خاموشند<sup>۷</sup>، ارزش تاریخ شفاهی در بازشناخت آن رویدادها بر اساس دیده‌های فعالان و ناظران آن وقایع بسیار ارزشمند می‌باشد. از جمله این موارد که بیش‌تر در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی وجود دارد و نگارنده در تهیه مصاحبه برای جمع‌آوری تاریخ انقلاب اسلامی در دزفول با آن مواجه شد، شکنجه‌گروه مبارز شهید سبحانی دزفول به شیوه‌های خشن و طاقت‌فرسا در زندان است که این شکنجه‌ها، در هیچ سند کتبی و حتی در مطبوعات آن زمان نیامده است.

### ویژگیها، تواناییها و مهارتهای مصاحبه‌گر در تهیه تاریخ شفاهی

کار و نقش مصاحبه‌گر، همانند مورخ محقق در تاریخ کتبی است. البته ذکر این نکته ضروری است که هنوز شأن و اهمیت گفتگو و ماهیت جدید آن در دنیای علم شناخته نشده و گفتگو با گفت و شنود به معنای رایج آن متفاوت است. مورخ شفاهی (مصاحبه‌گر)، دست کم باید متن گفتگو را بشناسد، روان‌شناسی بداند و به کلیات و جزئیات موضوع بحث احاطه داشته باشد. اگر کار مورخ و محقق تاریخ کتبی، گویا کردن و تنظیم و تحلیل اسناد و داده‌های تاریخی و چینش آنها و سرانجام پرتو افکنی به مسئله و موضوع است، مورخ شفاهی نیز دارنده موضوع را از طریق مکالمه و مفاهمه - با رعایت این شرط که خواننده و شنونده در این گفتگو حضور داشته باشند - به گفتار می‌آورد. مورخ شفاهی در مسیر گفتگو، شنونده منفعل نیست، بلکه در بسیاری موارد به کمک گوینده می‌آید و در راستای روشنگری موضوع حضور جدی دارد.<sup>۸</sup>

مصاحبه‌گر در زمینه موضوع مورد بحث، باید بخوبی تحقیق کرده باشد.<sup>۹</sup> در واقع پژوهشگر یا مصاحبه‌گر برای اینکه بتواند هدایت هر قسمت از مصاحبه را عهده‌دار باشد، می‌باید اطلاعات کاملاً دقیق و سنجیده، حتی در مسائل جزئی واقعه تاریخی مورد نظر یا حوادث دوران زندگی و فعالیت پرسش شونده داشته باشد و بتواند در مواردی که او به دلیل منافع شخصی یا خودخواهی یا کتمان حقایق یا دلایل دیگر از بیان واقعیات طفره می‌رود یا مسائل فرعی را عنوان می‌کند، مسئله را به صورت دوستانه و مشارکتی توضیح دهد و به یک مقطع درست و واقعی از موضوع مورد گفت‌وگو برسد.<sup>۱۰</sup> به طور مثال، نگارنده وقتی در طرح پژوهشی جمعیت‌های خیریه تبریز با متولیان و مؤسسان جمعیت‌های خیریه مصاحبه می‌کرد، اکثر آنها به دلایلی از جمله امور خیریه را افراد خیر به دور از هر گونه تظاهر و سر و صدا انجام می‌دادند و به خاطر اینکه خلوص را - که در امور شرعی و اجتماعی، اولین شرط قبول و تأیید الهی است - با عناوین و تظاهر مشوّب نکنند، با الهام از تعالیم عالیّه اسلامی و سائقه احساس تکلیف و وظیفه دینی و انسانی خود، سعی می‌کردند از امور خیریه و عام المنفعه ای که برای مستمندان انجام می‌دادند، کم‌تر بگویند و کم‌تر بنویسند؛ و این خود در روند مصاحبه، نگارنده را با مشکل مواجه می‌ساخت که با هدایت مصاحبه و کشاندن مصاحبه‌شونده به موضوع اصلی بحث، از طفره رفتن او در بیان انجام امور خیریه جلوگیری به عمل می‌آمد.

در واقع، باید گفت که تاریخ شفاهی، جمع‌آوری اطلاعات زبانی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و بخصوص تاریخ می‌باشد. البته با علم به اینکه انسانها با توجه به مقتضیات روحی خودشان همیشه حرفهای زیادی برای نگفتن دارند و هر کسی پاره‌ای از مکنونات خودش را روی کاغذ نمی‌آورد و هیچ وقت هم بیان نخواهد کرد.<sup>۱۱</sup> اما مصاحبه‌گر می‌تواند مصاحبه‌شونده را تشویق و ترغیب به پاسخدهی به پرسشهایی کند که از سایر منابع نمی‌توان پرسید.<sup>۱۲</sup> در اینجا نقش مصاحبه‌گر و تواناییهای وی بسیار مهم و مفید می‌باشد تا بتواند مصاحبه‌شونده را تخلیه اطلاعاتی بکند. زیرا تخلیه اطلاعاتی افراد صاحب‌نظر در رشته‌های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مانند اینها، از اقدامات برجسته و مفیدی است که غفلت از آن اسفبار و ضایعه آمیز است.<sup>۱۳</sup>

مصاحبه‌گر باید دارای روابط عمومی بسیار قوی باشد. به طوری که در انجام مصاحبه، مصاحبه شونده را کاملاً مقهور رفتار مناسب و تلاش پیگیرش کند. همچنین مصاحبه‌گر باید صبور باشد<sup>۱۴</sup>. چون در انجام مصاحبه بیش‌تر افراد بخصوص شخصیت‌های کشوری و لشکری که به جهت گرفتاریهای خاص خود امکان تنظیم وقت برای انجام مصاحبه با آنها مشکل است و در برخی موارد نیز مصاحبه شونده به جهت کهولت سن و ناراحتیهای جسمی از انجام مصاحبه سر باز می‌زند، صبوری مصاحبه‌گر و دلسردنشدن او از اهمیت خاصی برخوردار است. در طرح پژوهشی نگارنده تاریخ انقلاب اسلامی دزفول، از افرادی از فعالان دوره انقلاب که در گروه چریکی «منصورون» فعالیت و در عملیات چریکی و ترور برخی سران ساواک نقش مهمی داشتند، بعضاً اماکن برگزاری جلسه ای جهت مصاحبه با آنها به جهت مشغله زیاد آن اشخاص میسر نمی‌شد، اما در این گونه مواقع نباید ناامید شد و از تلاش برای مصاحبه با آنان دست کشید.

مصاحبه‌گر باید اهل مطالعه در حوزه‌های مختلف تاریخی و سیاسی باشد. به طوری که در موضوع مورد مصاحبه و تنظیم پرسشها دقت کافی و در انجام مصاحبه احاطه علمی بر موضوع و هدف داشته باشد و به اندازه‌ای مسلط باشد که بتواند درست را از نادرست باز شناسد. بنابراین وقتی با کسی مصاحبه می‌کنیم، آن شخص نخست وزیر، تیمسار، اقتصاددان، صاحب صنعت و یا هر شخص دیگری که باشد، باید مصاحبه‌گر به اندازه مصاحبه شونده مسلط و آگاه به حوادث مورد نظر باشد و بتواند تسلط خود را به طور نامحسوس به مصاحبه شونده نشان دهد تا وی در صدد بر نیاید که او را در دهلزهای دود گرفته و سیاه و پر از گرد و غبار گذشته سر در گم کند<sup>۱۵</sup>.

مصاحبه باید با روح انتقادی راهبری شود و تلاش در جهت تهیه و تکمیل هر چه بهتر اسناد تاریخی صورت گیرد<sup>۱۶</sup>. البته باید به این نکته توجه داشت که با مصاحبه شونده به هیچ وجه نباید در حدی احتجاج کرد که برنجد و تصور کند شما سعی دارید مطلب خود را به او تحمیل کنید. پس مصاحبه‌گر نباید با نگاه اعتقادی وارد این گود بشود؛ چون ممکن است با کسانی مصاحبه کند که افکار و تمایلاتشان هیچ سنخیتی با وی نداشته باشد.



باید به خاطر داشت که در هر مرحله، هدف اصلی کسب اطلاعات جدید است. به نظر می‌رسد یکی از علل توفیق نداشتن در این زمینه، این است که متأسفانه ما بر اساس یک سنت قدیمی عادت کرده ایم که با ده درصد اطلاعات به تحلیل و داوری بنشینیم. در صورتی که مقدمه کار تحقیق و پژوهش در حوزه علم و تاریخ‌نگاری، جمع‌آوری اطلاعات، تنظیم، تنسیق و چینش درست مطالب می‌باشد و بعد از آن است که داوری در مورد موضوع یا جریان مورد بررسی، می‌تواند با محتوا و علمی باشد.<sup>۱۷</sup> این موفقیت، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که مواد مصاحبه به طور کامل دسته‌بندی شده باشد.

در جایی که رویدادها به قلم نیامده، گفته‌ها و به یادمانده‌ها در حکم اسناد تاریخی، ارزش رجوع و توجه دارند و در پاره‌ای موارد است که اصلاً گفته‌ها و به خاطر داشته‌ها در شناخت و نقل واقعه به عنوان منبع و متن پایه مورد استفاده قرار می‌گیرند، فراتر از بود و نبود سند و مدرک کتبی<sup>۱۸</sup>. به عنوان مثال، نگارنده در مصاحبه با فعالان انقلاب و افراد گروه چریکی شهید سبحانی دزفول و گروه چریکی منصورون، به مواردی از اصول مخفی‌کاری در گروه‌های چریکی برخوردیم که ناچار بودند در دوره خفقان شاهنشاهی رعایت کنند که در هیچ سند و مدرکی نیامده بود. از جمله این موارد، نحوه زندگی در خانه‌های تیمی بود که آنها حضور و سلامت خود را در مواقعی که خانه تیمی یا «حصن» لو می‌رفت، با علامت ضربدر روی دیوارهای کوچه‌های منتهی به حصن نشان می‌دادند و یا مجبور بودند که خانه‌های خود را هر دو سه ماه یک بار عوض کنند. از اصول دیگر، این بود که آنها دیگر اعضای گروه را نباید می‌شناختند و هر کس برای خودش یک رابطه داشت که فقط با او مرتبط بود تا در صورت دستگیری گروه لو نرود.

مصاحبه‌گر در تنظیم مطالب مصاحبه، باید به افوهایات و اقوال غیر رسمی (حتی شایعات)، دست کم به عنوان قراین مورد توجه - که به کار مورخ می‌آیند - توجه داشته باشد و بداند که نکته‌ها و نادره‌هایی در این گفته‌ها وجود دارد که در اسناد قدیمی و تاریخهای کتبی به آنها نمی‌توان دست یافت.<sup>۱۹</sup>

مصاحبه‌گر همچنین باید بداند که به‌رغم ضعفهای موجود در برخی مصاحبه‌ها و با اینکه برخی حوادث تاریخی را مصاحبه‌شونده کتمان یا تحریف می‌کند، همین اطلاعات نیز

به سهم خود در تکمیل و تطبیق بعضی کاستیها در تاریخ نویسی و همچنین در نگرش به برخی حوزه های تاریخ اجتماعی و سیاسی مؤثر خواهند بود.<sup>۲۰</sup>

از آنجا که رویکرد اصلی طرح تاریخ شفاهی ایران به سوی افراد تأثیر گذار در رویدادها و یا مطلع از وقایع می باشد<sup>۲۱</sup>، پس مصاحبه با افرادی که در وقایع تاریخی تأثیر گذار و مطلع بوده و هنوز در قید حیات هستند، نتیجه بهتری به دنبال خواهد داشت. پس لازم است برای دستیابی به اطلاعات این افراد، پرسشنامه‌هایی بر حسب فعالیت‌های آنان تهیه شود. به طور مثال پرسش از یک فرد دانشگاهی باید درباره مسائل فرهنگی، علمی و سیاسی جامعه و نیز درباره دانشگاهیان آن زمان باشد و یا از یک فرد بازاری، می توان درباره کمک‌های این قشر از جامعه به افراد و گروه‌های اجتماعی، سیاسی و یا نقش آنها در تحصن و تعطیلی بازار در جریان حوادث و رویدادهای تاریخ معاصر سؤال کرد<sup>۲۲</sup>.

یکی از مهم ترین اموری که در تاریخ شفاهی ایجاد دشواری و ابهام می کند، کهنوت سن می باشد که معمولاً در حیطه تاریخ شفاهی کسانی که مورد پرسش و پاسخ قرار می گیرند، اغلب به دلیل گذشت زمان و نسیان و در برخی موارد به خاطر خودخواهی و خودمحوری، می کوشند تمام نکات و دقایق تاریخی را به نفع خود توجیه کنند و به این ترتیب محقق و مورخ هنگامی که به تاریخ شفاهی مراجعه می کند، باید دقیقاً مراقب این گونه طفره رفتنها یا اشتباهات عمدی و سهوی باشد و ابهامات را با مراجعه به اسناد و مدارک و نیز تاریخ شفاهی مبتنی بر اظهارات دیگر بازیگران صحنه سیاسی در همان مقطع زمانی روشن نماید<sup>۲۳</sup>.

به نظر می رسد که مصاحبه گر می تواند در تهیه تاریخ شفاهی از افراد سالخورده به این طریق با آفت نسیان مبارزه کند که از فرزندان و یا نزدیکان و موادی از جمله تصاویر و یا اسناد شخص مصاحبه شونده در این باره مدد گیرد و تا اندازه‌ای از آفت فراموشی بکاهد. به طور مثال نگارنده در برخی از مصاحبه ها با مؤسسان جمعیت‌های خیریه تبریز، از فرزندان آنها که بیش تر با مصاحبه شونده بودند و در جریان امور وی قرار داشتند، در مصاحبه دعوت می کرد و از آنها در یاد آوری بعضی از مطالب جهت روشن شدن حوادث بهره می برد.

مصاحبه‌گر، در پاره‌ای از موارد ممکن است در تنظیم برخی حوادث و جریان‌ات گذشته، در پرداختن به نقش فردی در آن جریان علاوه بر گفتگو با خود شخص برای روشن شدن بیش‌تر و واقعی‌تر امور، اطلاعاتی نیز از طریق مصاحبه با دوستان، اعضای خانواده، همکاران و حتی در صورت لزوم، مخالفان و دشمنان مصاحبه شونده گردآوری کند.<sup>۲۴</sup>

مصاحبه‌گر در بررسی واقعه، تنها نباید به مصاحبه با افراد مشهور و درجه اول بسنده کند بلکه باید با افراد درجه سه و چهار مرتبط با آن واقعه نیز مصاحبه کند. زیرا گاه افراد فعال در رده‌های میانی قدرت، مسائل را بهتر تشخیص می‌دهند و از اطلاعات بسیار خوبی برخوردار هستند.<sup>۲۵</sup>

درست است که مخاطب اولیه صاحب‌گفتار در تاریخ شفاهی، مصاحبه‌گر فعال است، اما مصاحبه‌گر نقش واسطه را میان گوینده و شنونده ایفا می‌کند و بیش‌تر توجه او معطوف روند موضوع گوینده و مراعات حال شنونده است. قصد مصاحبه‌گر این نیست که سند تاریخی به وجود بیاورد بلکه او قرار است خود تاریخ را در جریان گفتگو محقق سازد؛ یعنی تاریخ را گویا کند. شاید بهتر باشد بگوییم راوی صاحب‌گفتار در تاریخ شفاهی مخاطب است؛ اما این کار با همراهی و همدستی مورخ شفاهی صورت می‌پذیرد.<sup>۲۶</sup> مصاحبه‌گر مانند صیادی است که خاطره، یاد و یادمان را از دریاچه و انباشت ذهن فرد یا افراد صید و استخراج می‌کند.<sup>۲۷</sup> تاریخ اگر چه به دنیای درون هم نظر می‌کند، اما بیش‌تر به بیرون اشخاص، حوادث و جریان‌ات نظر دارد. اما کسی که فرد را از اندرونی خودش به بیرونی می‌آورد، مورخ شفاهی است.<sup>۲۸</sup> بنابراین مصاحبه‌گر باید مهارت‌های مصاحبه را چندان که شایسته شغل حرفه‌ای اوست، کسب و تلاش کند تا گفتگویی آموزنده از طریق بحث و گفتگو و تحقیق هوشمندانه انجام دهد که در انجام این امر، لازم است زمینه فکری شخص مورد مصاحبه را بررسی نماید<sup>۲۹</sup> و تعادلی بین موضوعات طرح و نگرش مصاحبه‌شوندگان ایجاد کند. آنها همچنین باید نسبت به دگرگونی تجربیات اجتماعی و فرهنگی - که به طور ضمنی به جنس، نژاد، طبقه، سن و مذهب دلالت دارد - حساس باشند و باید مصاحبه شونده را تشویق به پاسخ به روش و زبان خودشان نمایند و به سمتی که مورد نظرشان می‌باشد، هدایت کنند.

مصاحبه‌گران باید تمامی جوانب تحقیق را - که مرتبط با مصاحبه شونده است - کشف و به پاسخهای سطحی بسنده نکنند.<sup>۳۰</sup>

مصاحبه‌گران باید حداکثر تلاش خود را برای استفاده از بهترین وسایل جهت ضبط مصاحبه‌هایشان انجام دهند تا صدای مصاحبه شونده و در صورت امکان تصویر او را به صورت دقیق ضبط کنند.<sup>۳۱</sup>

مصاحبه‌گر باید استفاده‌های بالقوه از مصاحبه‌ها را برای برنامه‌های عمومی و تحقیقاتی در نظر بگیرد و در جهت جلوگیری از بهره‌برداری نابجا از مصاحبه‌ها تلاش کند.<sup>۳۲</sup> و همچنین مراقب سوءاستفاده‌های احتمالی از مصاحبه شونده‌گان باشد. اما آنچه ایجاد مشکل در کار کرده، این است که مصاحبه‌گران نمی‌توانند در مواردی از قبیل انتشار و کنترل بر استفاده از مصاحبه بعد از در اختیار عموم قرار دادن، به مصاحبه شونده اطمینان کامل بدهند.<sup>۳۳</sup> و همین مسئله مصاحبه شونده را بخصوص در موارد سیاسی محدود می‌کند و او را مجبور می‌سازد تا ملاحظات سیاسی را در پاسخ به پرسشهای مطرح شده در نظر بگیرد و از گفتن پاره‌ای موارد پرهیزد.

تجربه نشان می‌دهد که سرشناس بودن مصاحبه‌گر امتیاز بزرگی به حساب می‌آید و نتیجه رضایت بخشی در مصاحبه با افراد در بر دارد. مصاحبه‌ها را باید به شیوه‌ی دانشگاهی و کارشناسی انجام داد. بدین معنا که قبل از انجام مصاحبه، لازم است درباره‌ی موضوع صحبت بررسی‌هایی انجام گیرد و بیش‌تر به شناخت تجربیات و ویژگی‌های زندگی و آثار فرد مصاحبه‌شونده پرداخته شود.<sup>۳۴</sup> به عنوان مثال نگارنده در مصاحبه با گروه شهید سبحانی دزفول، از چند نفر از اعضای گروه - که با آنها مصاحبه به عمل آمد - برای هر کدام بنا به مسئولیتی که در انجام عملیات چریکی داشتند، پرسشهای متفاوتی مطرح کرد. چون در بین اعضا افرادی بودند که فعالیتهای صرفاً فرهنگی کرده بودند و برخی نیز به فعالیتهای نظامی و ساخت بمبهای دستی مشغول بودند. پس از انجام مصاحبه با اعضای گروه بود که مشخص شد از جلسات قرآن و درس معارف مساجد، هسته اولیه گروه تشکیل شده و بعد از فعالیتهای مذهبی و رشد فکری و سیاسی، خود به این نتیجه رسیده بودند که در وضعیت انسداد فضای سیاسی جامعه، پیگیری مطالبات و اصلاحات در چارچوب قانون و به روشهای مسالمت آمیز

غیر ممکن است. به همین جهت به مبارزه مسلحانه روی آورده بودند. مبارزات این افراد، موجب به صحنه کشاندن مردم دزفول در بین سالهای ۵۰ تا ۵۶ شد که اوج خشونت و سرکوب حرکتهای مخالف رژیم ستمشاهی بود. این جاست که باید گفته ارزشمند خسرو معتضد را ارج نهیم که می گوید: «مصاحبه گر یا مورخ شفاهی، در درجه اول باید عاشق باشد»<sup>۳۵</sup> و تنها در این صورت است که نتیجه مطلوب به دست می آید.

### نتیجه

از برکات انقلاب شکوهمند اسلامی، رشد و شکوفایی تاریخ شفاهی و خاطره نویسی به صورت جامع و فراگیر می باشد که با ورود مؤسسات و سازمانهای مختلف پژوهشی و فعالیت در عرصه تهیه تاریخ شفاهی بخصوص در دو دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است. این رشد و بالندگی در عرصه تاریخ شفاهی در فرهنگ ما، به جهت حضور و تأثیر نقش فرد در جامعه می باشد که در نتیجه انقلاب و جنگ در ایران تقویت شد.

تاریخ شفاهی علاوه بر ابزار کلی برای کسب اطلاعات، باعث رواج و ارتقای اندیشه در فرهنگ جامعه و مشارکت فعال افراد مختلف در گردآوری و تنظیم تاریخ شده است. مهم ترین مرحله در تهیه تاریخ شفاهی، مصاحبه با افراد مختلف مؤثر و یا شاهد و ناظر در یک رویداد یا واقعه تاریخی است و از آنجا که مصاحبه گر به منزله محقق و مورخ در تاریخ شفاهی می باشد، باید دارای شرایط و تواناییهای لازم برای انجام امر مهم ثبت وقایع و رویدادهایی باشد که در تاریخ مکتوب نیامده است.

اجرای هر طرح تاریخ شفاهی بدون پشتوانه مطالعاتی و پژوهشی در آن زمینه و نیز بدون تدارک لازم در تهیه و تنظیم اسناد تاریخی، نمی تواند عملی شود. درباره هر واقعه و جریان تاریخی، مصاحبه گر باید به جستجوی ویژگی یا ویژگیهای آن دوره پردازد. تفاوت در ویژگی، تفاوت در روش را هم پیش می آورد و نتایج مفید و با ارزشی به دنبال خواهد داشت. مصاحبه گر به عنوان یک محقق، بدبینی و شکاک بودن را باید به عنوان یک اصل مسلم در تحقیق رعایت کند و بسادگی هر مطلبی را از مصاحبه شونده نپذیرد. تسلط بر واقعه تاریخی مورد مصاحبه برای مصاحبه گر و تشخیص درست از نادرست و هدایت مصاحبه،

تنها در صورت وجود عشق و علاقه و داشتن پشتکار و جدیت در انجام کار تحقق می‌یابد و باعث می‌شود افرادی را که به هر دلیل از مصاحبه طفره می‌روند، کنار میز مصاحبه بنشانند.

تخلیه اطلاعاتی مصاحبه‌شونده از اطلاعات مفید و مطمئن و کشاندن وی به سمت وسوی پرده‌برداری از وقایع تاریخی که در هیچ سند و مدرک کتبی نیامده، بزرگ‌ترین گام در جهت جمع‌آوری اطلاعات تاریخی ثبت نشده، بخصوص در تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است که از اهمیت فراوانی در تاریخ معاصر برخوردار می‌باشد.

تنها با انجام مصاحبه فعال است که می‌شود حدسیات و عناصر پنهان را در میان لایه‌های مختلف واقعه آشکار ساخت؛ و تنها در صورت انتخاب درست مصاحبه‌گر است که اطلاعات به دست آمده به صورت تاریخ شفاهی، می‌تواند برای محققان و پژوهشگران تاریخ و علوم سیاسی، به عنوان منبعی مهم در کنار دیگر منابع مفید و ارزشمند باشد.

برقرار کردن ارتباط مصاحبه‌گر با خواننده یا شنونده در تاریخ شفاهی، بسیار مهم می‌باشد. مصاحبه‌گر با ذوق، با طرح سؤالاتی که برای خواننده یا شنونده در تاریخ شفاهی بسیار مهم می‌باشد، در واقع خواننده یا شنونده را در روشن سازی تاریخ مکتوم مشارکت می‌دهد و این اتفاق تنها زمانی رخ می‌دهد که مصاحبه‌گر دارای تواناییها و قابلیت‌هایی باشد که در این مقاله به برخی از آنها اشاره شد.

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱- انلدار محمدزاده صدیق. «گزارشی از اولین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». روزنامه فرهنگ، ۵ مرداد ۸۵؛ همچنین محسن کاظمی. زمانه (ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر)، سال چهارم، شماره ۳۴، تیر ماه ۸۴، ش ۴۳.
- ۲- شفیقه نیک نفس. «آشنایی با اداره آرشیو شفاهی». گنجینه اسناد، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۷۳، ص ۹۳.
- ۳- خسرو معتضد. «شعبان جعفری و مشکل کتمان». گفتگوگر زهرا حاج محمدی، کتاب هفته، شماره ۸۳، ۱۳ مهر ماه ۸۳، ص ۱۰.
- ۴- علی قربانی. «گزارشی از برگزاری سمینار و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی در دانشگاه اصفهان». نشریه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۸۳، ص ۳۵۳.

- ۵- معتضد، همان .
- ۶- صدای «تاریخ محاضره ای»، گفتگو با علیرضا کمری، زمانه، همان، ص ۳.
- ۷- قربانی، همان، ص ۳۵۱.
- ۸- صدای «تاریخ محاضره ای»، همان، صص ۳-۴.
- ۹- بی نام . «استانداردهای جهانی تاریخ شفاهی» . نشریه سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی، بی تا، ص ۱۰.
- ۱۰- معتضد، همان .
- ۱۱- مرتضی رسولی پور. «تاریخ شفاهی زاویه ایرانی» . گفتگوگر آرش آذرنگ، کتاب هفته، شماره ۱۴۰، ۱۲ مهر ۸۲، ص ۱۱.
- ۱۲- غلامرضا عزیزی. «آناتومی تاریخ شفاهی»، زمانه، همان، ص ۱۴.
- ۱۳- غلامرضا فدایی عراقی. «مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی» (تهران: سمت، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۷.
- ۱۴- رسولی پور، همان .
- ۱۵- معتضد، همان .
- ۱۶- استانداردهای تاریخ شفاهی، همان .
- ۱۷- رسولی پور، همان .
- ۱۸- صدای تاریخ محاضره ای، همان، ص ۵.
- ۱۹- همان .
- ۲۰- حمید احمدی. «طرح تاریخ شفاهی جنبش چپ ایران از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۰ م» . برگرفته از وبگاه:  
<http://www.iranian-I-O-history.com>
- ۲۱- عزیزی، همان، ص ۱۱.
- ۲۲- ابوالفتح مؤمن. «گذشته نزدیک...» . زمانه، همان، ص ۱۹.
- ۲۳- معتضد، همان .
- ۲۴- نیک نفس، همان .
- ۲۵- نگارنده . «استاندارد روایت» . زمانه، همان، ص ۳۸.
- ۲۶- کمری، همان .
- ۲۷- کاظمی، زمانه، همان، ص ۵.
- ۲۸- کمری، همان .
- ۲۹- استانداردهای جهانی تاریخ شفاهی، همان .

۳۰- همان، ص ۴.

۳۱- همان، ص ۵.

۳۲- همان، ص ۱۰.

۳۳- همان، ص ۴.

۳۴- نیک نفس، همان، ص ۹۳.

۳۵- معتضد، همان، ص ۱۰.





# نگاهی به میزان بهره‌گیری از تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری معاصر ایران

زهرا طلائی\*

## چکیده

با وجود آشکار شدن اعتبار و اهمیت مصاحبه با مجریان و دست‌اندرکاران سیاستهای حکومت در دوره معاصر و نیز ارزش اطلاعات آگاهان از حقایق پشت پرده رخدادهای این دوره، به نظر می‌رسد مورخان و پژوهشگران ایرانی، علاقه چندانی به سودجستن از این روش پژوهشی ندارند. دشواریهای این روش، تازه کار بودن آرشیوها و مراکز اسنادی و پاسخگویی نامناسب آنان به پژوهشگران و کافی ندانستن اطلاعات کتابها و مطبوعات از جمله دلایل این بی‌علاقگی می‌باشد.

## کلیدواژه‌ها

آرشیو شفاهی، تاریخ معاصر ایران، مراکز اسنادی، مورخان، پژوهشگران.

\*\*\*

بهره‌گیری از خاطرات شفاهی در تاریخ‌نگاری، قدمتی به دیرینگی هستی بشر دارد. اما ابزار ثبت آن، با توجه به تحولات همه‌جانبه در زندگی بشر، تغییر اساسی یافته و امروزه، دستگاههای مجهز ضبط صوت و دوربینهای دیجیتالی، کار را آسان و مطمئن تر کرده است.

---

\*. مسئول پژوهش سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

آرشیو تاریخ شفاهی، با همین نام و به صورت مرکزی با برنامه و هدفهای مشخص، نخستین بار در آمریکا در سال ۱۹۴۸ م. / ۱۳۲۷ ش. و در ایران طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ در مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سپس در مراکز اسنادی دیگر از جمله مؤسسه مطالعات معاصر ایران در سال ۱۳۶۸، سازمان اسناد ملی ایران در سال ۱۳۷۱ و مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۶، اقدام به ایجاد آرشیو تاریخ شفاهی و در موضوعهای مورد علاقه خود، به جمع آوری اطلاعات و انجام مصاحبه مبادرت کردند.<sup>۱</sup>

در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر مورخان صاحب‌نام و مطرح - که در موضوعات تخصصی خود به تاریخ‌نگاری پرداختند - دیگران نیز وارد این عرصه شدند و آثار فراوانی درباره دوران قاجار و پهلوی منتشر ساختند که از جمله آنها، مجموعه های خاطرات<sup>۲</sup> متعدد است. مراکز اسنادی و تحقیقاتی نیز آثار گوناگونی چه بر پایه اسناد و دیگر منابع، و چه آثاری که پژوهشگران مستقل به آنها سپردند، منتشر کردند. افزون بر پژوهشگران مستقل، استادان دانشگاه و ایرانیانی که به خارج از کشور مهاجرت کرده اند، و نیز آمریکاییها و اروپاییانی که طی این دوران، به واسطه مأموریت‌های سیاسی و اداری خود در وقایع معاصر ایران نقشی ایفا کرده اند یا اطلاعاتی به دست آورده اند، جدا از گردشگران اقدام به انتشار آثاری درباره این مقطع از تاریخ ایران کردند. دو گروه اخیر، با توجه به دسترسی به آرشیوهای اسنادی و شفاهی موجود در اروپا و آمریکا، آثار مفیدی پدید آوردند.

نکته درخور ذکر، توجه مدیران مجلاتی همچون یغما، ارمغان، راهنمای کتاب، خواندنیها، سالنامه دنیا، پیمان و مانند اینها در دوره پهلوی به ثبت خاطرات رجال و مسئولان آن روزگار بود که با اندکی اغماض، می توان آنان را پیشگامان «آرشیو شفاهی» و ثبت تاریخ شفاهی در ایران نامید.<sup>۳</sup>

به هر حال، به انگیزه فراخوان آرشیو ملی ایران در موضوع نگارش مقاله، با نگاهی به شماری از این آثار، میزان بهره گیری آنها از مصاحبه و آرشیو شفاهی به طور اجمالی بررسی شد و دلایل آن مورد شناسایی قرار گرفت تا در حد وسع راهکاری ارائه شود؛ ولی البته با توجه به حجم فراوان آثار منتشر شده و محدودیتهای زمانی برای نگارش مقاله، نگارنده ناگزیر از گزینش تعدادی از آثار هر گروه گردید.

از میان تاریخ نگاران مستقل ایرانی داخل کشور، آثاری از خسرو معتضد، محمود طلوعی، ناصر نجمی، دکتر باقر عاقلی، بهرام افراسیابی و یکی، دو نویسنده دیگر مورد بررسی قرار گرفت.

خسرو معتضد در کتابهایی همچون «تنش بزرگ»<sup>۴</sup>، «تاریخ پنجاه و هفت ساله ایران در عصر پهلوی»<sup>۵</sup>، «سپهد بختیار، سایه سنگین شاه»<sup>۶</sup>، «از آلاشت تا آفریقا»<sup>۷</sup>، از مصاحبه بهره جسته است؛ اما بهره‌گیری او اندک و عمدتاً مربوط به دوران خبرنگاری اش در دهه چهل بوده است و تعدادی اندک از مصاحبه‌های موجود در آرشیو شفاهی مؤسسه مطالعات؛ ولی در دیگر آثارش از مصاحبه استفاده نکرده است.

دکتر باقر عاقلی، محمود طلوعی و بهرام افراسیابی نیز در کتابهای خود: «داور و عدلیه»<sup>۸</sup>، «مصدق در پیشگاه تاریخ»<sup>۹</sup> و «همسران شاه»<sup>۱۰</sup> جز، دو یا سه مورد استناد به شنیده‌ها، پایه کار را بر کتاب و مطبوعات گذاشته‌اند.

ناصر نجمی<sup>۱۱</sup>، محمدعلی سفری<sup>۱۲</sup>، و منوچهر کدیور<sup>۱۳</sup> در آثارشان، و بهرام افراسیابی در اثر دیگرش به نام «اسرار شاه و حکایت هویدا»<sup>۱۴</sup> بهره‌ای از مصاحبه و تاریخ شفاهی نبرده‌اند؛ اما انوش صالحی در کتاب خود «راوی بهاران، زندگی و مبارزات کرامت الله دانشیان»<sup>۱۵</sup>، از مصاحبه بهره مفیدی برده است.

از طرفی، کتابی با عنوان «طیب در گذر لوطیها»<sup>۱۶</sup> - که آن را سینا میرزایی به رشته تحریر درآورده - کلاً بر اساس مصاحبه تهیه شده و از این لحاظ، در خور توجه و تقدیر است.

مراکز اسنادی و تحقیقاتی نیز در حوزه تاریخ معاصر، آثار متعددی منتشر کرده‌اند که به عنوان نمونه، شماری از آثار منتشره مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و مرکز اسناد انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت؛ چون هر دوی آنها آرشیو شفاهی فعالی دارند. البته گفتنی است که مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، مصاحبه‌های آرشیو خود را در مقاله‌های موضوعی، در مجله این مؤسسه با عنوان «فصلنامه تاریخ معاصر»، به چاپ می‌رساند. از آثاری که این مؤسسه اقدام به انتشار آنها کرده است، کتابهایی با عنوان: «سراب یک ژنرال»<sup>۱۷</sup>، «زندگانی سیاسی خاندان علم»<sup>۱۸</sup>، «بحران ظفار و رژیم پهلوی»<sup>۱۹</sup>، «کانون بانوان»<sup>۲۰</sup>

مورد بررسی قرار گرفت. از این میان، صفا تبرا بیان در کتاب «سراب یک ژنرال» و محمد جعفر چمنکار در کتاب «بحران ظفار و رژیم پهلوی»، به دفعات به مصاحبه‌هایی که شخصاً انجام داده اند، استناد کرده اند و دیگران هیچ استفاده ای، حتی از آرشیو شفاهی خود مؤسسه نکرده اند که شاید در باب موضوع پژوهش ایشان، مصاحبه ای در آرشیوهای شفاهی موجود نبوده است.

از کتابهایی که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، آثاری به نام «تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی»<sup>۲۱</sup>، تألیف فرهاد شیخ فرشی و «نقش مساجد و دانشگاهها در پیروزی انقلاب اسلامی»<sup>۲۲</sup> که مجموعه مقاله است و مهناز میزبانی، حشمت‌الله سلیمی و منیژه صدری به رشته تحریر آورده، نیز کتاب «طبقات اجتماعی و رژیم شاه»<sup>۲۳</sup> تألیف محمد رحیم عیوضی و «زندگینامه سیاسی شهید رجایی تألیف سجاد راعی»<sup>۲۴</sup>، مورد بررسی قرار گرفت. از این میان فرهاد شیخ فرشی، شخصاً مصاحبه ای انجام نداده، اما از مصاحبه های منتشر شده، استفاده کرده است و سجاد راعی تنها مبنای مصاحبه اش، مصاحبه با «عاتقه صدیقی»، همسر شهید رجایی می باشد که در مرکز اسناد انقلاب اسلامی صورت گرفته و دیگر استناداتش کتابی و مطبوعاتی است و این، جای تأمل دارد که مرکز اسناد انقلاب اسلامی با این همه حجم مصاحبه - که تعداد زیادی از آنها را نیز منتشر کرده - فقط یک مصاحبه در موضوع شهید رجایی داشته باشد و از دیگران - که اکثراً دوستان و همزمان وی بوده اند - سؤالی در این باره نشده باشد. محمد رحیم عیوضی نیز، در کتاب خود فقط یک مورد از مصاحبه استفاده کرده است.

اما از آثاری که ایرانیان مقیم اروپا یا آمریکا به رشته تحریر در آورده اند، می توان از کتابهای: «تضاد دولت و ملت»<sup>۲۵</sup>، «مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران»<sup>۲۶</sup> تألیف دکتر محمد علی همایون کاتوزیان، «معمای هویدا»<sup>۲۷</sup> اثر دکتر عباس میلانی، «بحران دموکراسی در ایران»<sup>۲۸</sup> تألیف فخرالدین عظیمی و «سقوط شاه»<sup>۲۹</sup> نوشته فریدون هویدا و خاطرات شعبان جعفری به کوشش هما سرشار،<sup>۳۰</sup> نام برد که مورد بررسی قرار گرفت.

دکتر همایون کاتوزیان، در آثار خود به دفعات به مصاحبه های موجود در آرشیوهای انگلیس و آمریکا استناد کرده و فخرالدین عظیمی، مواردی اندک و فریدون هویدا اصلاً

استنادی نکرده است. بهترین و با ارزش ترین کار را از این نظر بر مبنای مصاحبه- چه مصاحبه را خود محقق انجام داده باشد و چه رجوع به آرشیوهای شفاهی کرده باشد- در مقایسه با کلیه آثار نویسندگان داخلی و خارجی، دکتر عباس میلانی در اثر خود، «معمای هویدا» انجام داده است. وی علاوه بر بهره‌گیری از اسناد آرشیوهای آمریکا و اروپا- که جنبه دیگری از اعتبار اثر او به لحاظ روش تحقیق است- و نیز استفاده از آرشیوهای شفاهی، تلاش ویژه‌ای برای دستیابی به پاسخ سؤالات خود، در راستای یافتن افراد مطلع و شاهدان عینی در هر سمت و رتبه و هر جا و به دفعات، انجام داده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد این تلاش او، الگویی برای روش تحقیق در حوزه تاریخ معاصر است. اثر قابل توجه دیگری که بر مبنای مصاحبه و مبتنی بر پژوهش در مطبوعات منتشر شده، خاطرات شعبان جعفری است. البته این اثر کلاً مصاحبه با شعبان جعفری است، اما در روش مصاحبه با سوژه اصلی بسیار موفق عمل کرده است و از این لحاظ، الگوی مناسبی برای مصاحبه‌گران ما در روش مصاحبه‌گری خود و گرفتن اطلاعات صحیح‌تر از مصاحبه‌شوندگان است.

گروه دیگری که در حوزه تاریخ معاصر ایران آثاری پدید آورده‌اند، مأموران سیاسی یا خبرنگاران خارجی بوده‌اند که از جمله آنها می‌توان از: دکتر آرتور میلسپو با کتاب «آمریکاییها در ایران»،<sup>۳۱</sup> مایکل لدین مؤلف «شاه و کارتر»<sup>۳۲</sup>، ژراردو ویلیه مؤلف «سیمای پهلوی»<sup>۳۳</sup>، ماروین زونیس صاحب کتاب «شکست شاهانه»،<sup>۳۴</sup> ویلیام شوکراس با «آخرین سفر شاه»<sup>۳۵</sup> و نیز جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس با کتاب «مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی»<sup>۳۶</sup> و ژنرال هایزر با «هایزر در تهران»<sup>۳۷</sup> نام برد.

از نویسندگان مذکور ویلیام شوکراس، ژراردو ویلیه، ماروین زونیس و یک مقاله در کتاب «مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی» از مصاحبه، به صورتی قابل توجه استفاده کرده‌اند. اما میلسپو، مایکل لدین و ژنرال هایزر استفاده‌ای نکرده‌اند.

در مطالعه کتابها و مقایسه این چهار گروه مؤلفان، تعداد استنادات به مصاحبه‌ها و کیفیت مطلوب بهره‌برداری از مصاحبه و آرشیو شفاهی، در نویسندگان ایرانی خارج از کشور و نیز نویسندگان خارجی بارز است و در مقابل، نویسندگان و مؤسسات پژوهشی داخل کشور، نسبت به این روش و وسیله پژوهش بی توجه و کم رغبت به نظر می‌رسند. شاید اگر

پژوهشگران ما و مراکز آرشیو شفاهی توجه هدفمندتری به آرشیو شفاهی نشان بدهند، از حجم انتشار خاطرات یک جانبه کاسته شود و یا حتی خاطره نویسان نیز، آموزش ببینند که چگونه نیازهای اطلاعاتی پژوهشگران را تأمین کنند.

اما علت بی‌علاقگی و این توجه ویژه را، در چند چیز می‌توان جست:

۱. سابقه آرشیو شفاهی در آمریکا و اروپا.
  ۲. غنای آرشیوهای آنان از مصاحبه با ایرانیان.
  ۳. غنای آرشیوهای آنان در موضوعات متنوع.
  ۴. پاسخگویی مناسب این آرشیوها به پژوهشگران.
  ۵. احساس امنیت مصاحبه شونده‌های ایرانی در خارج از کشور، در قیاس با مراکز داخل کشور.
  ۶. صد در صد دولتی بودن آرشیوهای شفاهی یا وابستگی آنها به نهادهای خصوصی، اما تابع صرف سیاستهای دولت.
  ۷. مهاجرت بسیاری از مطلعان و مجریان سیاسی دوره پهلوی به اروپا و آمریکا.
  ۸. اعتماد نداشتن افراد مطلع به مصاحبه گرانی که به صورت مستقل کار می‌کنند.
  ۹. دشواریهای کار مصاحبه مثل بی‌علاقگی فرد مطلع به مصاحبه و ضرورت اصرار و پیگیریهای مکرر، کهولت سن مطلعان و عوارض آن.
  ۱۰. تک بعدی بودن مصاحبه‌ها در مراکز آرشیو شفاهی در راستای سیاست مرکز.
  ۱۱. انحصاری کردن مصاحبه‌ها و آرشیو برای پاسخگویی به گروهی خاص.
  ۱۲. ضعیف بودن کیفیت اطلاعاتی بعضی از این مصاحبه‌ها؛ تا جایی که گاه صرفاً ضبط خاطرات است، نه مصاحبه هدفمند.
  ۱۳. مبتدی بودن گروه کاری آرشیو شفاهی و همکاری نداشتن افراد خبره برای همراهی در انجام مصاحبه‌ها.
  ۱۴. موازی بودن گاهگاهی مصاحبه‌ها.
- با این توضیحات، راهکارهایی برای رفع این ضعفها به نظر می‌رسد که در زیر می‌آید:

نخست، باید ارتباط مناسبی بین آرشیوهای شفاهی و دانشگاه برقرار شود تا طی آن دانشجویان رشته‌های مربوط، علاوه بر آشنایی با این مراکز، روشهای صحیح و عملی انجام مصاحبه را فراگیرند.

**دوم اینکه**، آرشیوهای شفاهی - که اکثراً با کمبود بودجه، امکانات و نیروی انسانی مواجهند - با جذب پژوهشگران علاقه‌مند و همکاری متقابل، از کمک افتخاری آنان در انجام مصاحبه استفاده کنند.

**سوم**، برقراری ارتباط آرشیوهای شفاهی با آرشیوهای مطبوعاتی و اصحاب مطبوعات و جذب مصاحبه‌های انجام داده آنان، برای نگهداری و خدمات‌دهی به پژوهشگران. **چهارم**، تکیه آرشیوهای شفاهی بر هدفمند کردن مصاحبه‌ها، از طریق مطالعه و شناسایی مبهمات تاریخی و افراد مطلع و هدایت پژوهشگران مستقل به انجام مصاحبه و تمرکز بر نگهداری و طبقه‌بندی و اطلاع‌رسانی مصاحبه.

**پنجم**، زمینه‌سازی برای ایجاد آرشیوهای شفاهی دانشگاهی و آرشیوهای مستقل. **ششم**، ارتباط با مراجعان آرشیوهای شفاهی، برای بررسی میزان استفاده آنان از آرشیو و شناسایی کاستیها و نقطه‌ضعفها.

**هفتم**، یافتن پاسخی مناسب برای پرسشهای زیر:

- هدف از ایجاد مراکز و واحدهای آرشیو شفاهی چیست؟  
- آیا این آرشیوها با مطالعه تاریخ معاصر ایران، نکات مبهم و تاریک را مشخص کرده، به جستجوی مطلعان می‌پردازند یا اینکه تصادفی افراد را می‌یابند و سپس موضوع خود را مشخص می‌کنند؟

- آیا اولویتهای موضوعی تاریخ معاصر را مشخص کرده‌اند؟

- آیا این آرشیوها، بستر لازم را برای بالا بردن کیفیت مصاحبه‌های خود با آموزش مصاحبه‌کننده‌ها، ایجاد کرده‌اند؟

- آیا آرشیوهای شفاهی، برای توسعه بهره‌برداری و بهره‌دهی به پژوهشگران، زمینه‌سازی کرده‌اند؟ چگونه از راههای ارتباطی با آنان استفاده کرده‌اند؟ فهرست‌ها و



نمایه‌های خود را منتشر کرده یا در اختیار گذاشته‌اند؟ و یا اطلاعات را در انحصار خود دارند؟

و اما پژوهشگران و مورخان معاصر:

- اینان تا چه حد با این ابزار پژوهشی آشنایی دارند؟

- تا چه حد به ضرورت و ارزش اطلاعات موجود در آرشیوهای شفاهی پی برده‌اند و

چه تلاشی برای دستیابی به آن کرده‌اند؟

- چقدر خود را ملزم به استفاده از مصاحبه با مطلعان می‌دانند؟ چه از طریق مراجعه به

آرشیوها و چه از طریق اقدام به انجام مصاحبه‌ها.

- آیا پژوهشگران با شیوه صحیح مصاحبه آشنا هستند؟ سؤالی که در آخر به صورتی

وسیع‌تر، در سطح آموزش کشور مطرح می‌شود؛ آیا دانشگاه‌های ما درصدد آموزش

استفاده از این ابزار پژوهشی و راههای صحیح کسب اطلاعات به دانشجویان خود هستند؟

اگرچه این سؤالات به شکل مستقیم با موضوع مقاله مربوط نمی‌شوند، اما از جمله

عوامل مؤثر بر میزان استفاده از آرشیو شفاهی و تاریخ‌نگاری معاصر است. چه، پژوهشگر

علاوه بر اینکه می‌باید ارزش این منبع بسیار مهم را دریابد، باید هم امکان استفاده از آرشیوها

را داشته باشد و هم خود در این زمینه‌ها آمادگی آموزش‌پذیری داشته باشد.

\*\*\*

در پایان، یادآور می‌شود که نگاه این مقاله نه عمقی، بلکه اجمالی با پیش فرضی

مشخص مبنی بر بی‌علاقگی پژوهشگران داخلی به استفاده از آرشیو شفاهی است. چه، در

طی دوره کاری خود، تلاش مراکز را برای انجام مصاحبه‌ها دیده‌ام؛ اما تعداد مراجعان به

آرشیو شفاهی، حتی به صورت ظاهری و کلی (نه آماری و نموداری)، در مقایسه با بخشهای

اسنادی، مطبوعاتی و کتابخانه‌ای، نادر می‌باشد.

این مقاله، در واقع یادآوری و تلنگری برای مدیران مراکز اسنادی و آرشیوهای شفاهی

بود تا با مطالعه بازخورد کاری خود، آرشیو شفاهی را به هدف نزدیک‌تر سازند.

\*\*\*

## پی‌نوشتها

- ۱- اطلاعات مربوط به تاریخ تأسیس آرشیوهای شفاهی در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر و سازمان اسناد ملی ایران، تلفنی از کارشناسان مربوط پرسیده شد.
  - ۲- خاطرات در هر دوره ای استناد زیادی به شنیده‌ها دارد و خود، نوعی ثبت تاریخ شفاهی است.
  - ۳- از زمانی که در دوره ناصری نخستین روزنامه‌ها منتشر شد، نقل اخبار و وقایع سیاسی به صورت روزآمد آغاز شد. هرچند ملاحظات مختلف در آن تأثیر گذار بوده و هست، اما نوعی ثبت اطلاعات شفاهی روز است.
  - ۴- خسرو معتضد، تنش بزرگ و روابط خارجی ایران در دوران رضاشاه از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (تهران: پیکان، ۱۳۷۷).
  - ۵- خسرو معتضد، (تهران: علمی، ۱۳۸۰).
  - ۶- خسرو معتضد، (تهران: علمی، ۱۳۷۹).
  - ۷- خسرو معتضد، دور دنیا (تهران: ۱۳۷۸)؛ و در آثار دیگر خود از جمله، درون ارتش شاه (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۹)، و هویدا، سیاست پپ، عصا و گل ار کیده (تهران: زرین، ۱۳۷۹)، از مصاحبه استفاده نکرده است.
  - ۸- باقر عاقلی، داور و عدلیه.
  - ۹- محمود طلوعی، مصدق در پیشگاه تاریخ (تهران: نشر علم، ۱۳۷۹).
  - ۱۰- بهرام افراسیابی، همسران شاه (تهران: مهتاب، ۱۳۸۰).
  - ۱۱- ناصر نجمی، دکتر مصدق بر مسند حکومت (تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۷).
  - ۱۲- محمد علی سفری، قلم و سیاست (تهران: پروین نشر نامک، ۱۳۸۰).
  - ۱۳- منوچهر کدیور، اصلاح طلبان ناکام (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۰).
  - ۱۴- بهرام افراسیابی، اسرار شاه و حکایت هویدا (تهران: مهتاب، ۱۳۸۲).
  - ۱۵- انوش صالحی، راوی بهاران- زندگی و مبارزات کرامت الله دانشیان (تهران: نشر قطره، ۱۳۸۲).
  - ۱۶- سینا میرزایی، طیب در گذر لوطیها (تهران: انتشارات مدیا، ۱۳۸۲).
- البته این کتاب، در جای خود باید نقد و بررسی شود. اینکه انگیزه نگارنده برای گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه، توجیه طیب بوده است یا بررسی شخصیت و اقدامات او از دید دوستان و دشمنان و ارائه کار علمی قابل رجوع پژوهشگر.
- ۱۷- صفاءالدین تبراییان، سراب یک ژنرال- بازشناسی نقش ارتشبد طوفانیان در حاکمیت پهلوی دوم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷).

- ۱۸- مظفر شاهی، زندگانی سیاسی خاندان علم (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷).
- ۱۹- محمد جعفر چمنکار، بحران ظفار و رژیم پهلوی (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳).
- ۲۰- مریم فتحی، کانون بانوان (تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۳).
- ۲۱- فرهاد شیخ فرشی، تحلیلی بر نقش سیاسی عالمان شیعی در پیدایش انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹).
- ۲۲- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۲۳- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۲۴- تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- ۲۵- محمد علی همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱).
- ۲۶- محمد علی همایون کاتوزیان، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲).
- ۲۷- معمای هویدا، ترجمه دکتر عباس میلانی، تهران.
- ۲۸- فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۲).
- ۲۹- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج.امهران (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۵).
- ۳۰- هما سرشار، خاطرات شعبان جعفری (تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۴).
- ۳۱- دکتر آرتور میلسپو، آمریکاییها در ایران، عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران، نشر البرز، ۱۳۷۱).
- ۳۲- مایکل لدین، شاه و کارتر، ترجمه مهدی افشار (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۱).
- ۳۳- ژراردو ویلیه، سیمای پهلوی، ترجمه مهندس عبدالرحیم مهین یار (تهران: نشر به آفرین، ۱۳۸۲).
- ۳۴- ماروین زونیس، شکست شاهانه - روان‌شناسی شخصیت شاه، ترجمه عباس مخبر (تهران: طرح نو، ۱۳۷۰).
- ۳۵- ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۶).
- ۳۶- ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات (تهران: نشر نو، ۱۳۶۸)؛ نیز بنگرید به: مقاله صنعت نفت آمریکا و قرارداد ۱۹۵۰، تألیف اروین هاندرسون.
- ۳۷- ژنرال هایزر، هایزر در تهران، ترجمه سید محمدحسین عادل (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۵).



# **Proceedings of the**

## **1<sup>st</sup> Oral History Seminar**

**(Tehran, National Archives of Iran, 7 March 2007)**